مناسک عمره مفرده

مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره)
و مراجع معظم تقلید

محمدرضا محمودی

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید

نویسنده:

محمدرضا محمودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمودی، محمدرضا، ۱۳۴۵ –

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید/ تالیف محمدرضا محمودی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.؛ ۵/۱۹×۹ س‌م.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۱۷-۵:

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج عمره.

موضوع : حج -- رساله عملیه.

موضوع : زیارتنامه‌ها.

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/م۳۴م۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۴۳۰۶۷

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳۰

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹۰

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

بخش اول: اقسام و احکام عمره

فصل اول: اقسام و موارد عمره

۱- اقسام عمره و فرقهای آن

اشاره

ص:۱۵

۱ ۱۶۶- عمره- مانند حج- بر دو گونه است: «واجب» و «مستحب».

عمره بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد، یک مرتبه در عمر واجب می‌شود؛ و وجوب آن- مانند وجوب حج- فوری است؛ و برای اهـل مکه و افراد غیر نـائی، که وظیفه آنهـا حـج و عمره مفرده است، استطاعتِ حـج، در وجوب آن، معتبر نیست؛ بلکه اگر چنین اشخاصـی برای عمره مفرده مسـتطیع باشند، عمره مفرده بر آنها واجب می‌شود، (۱) هرچند برای حج مسـتطیع نباشند؛ همچنین اگر برای حج استطاعت داشته باشند و برای عمره مستطیع نباشند، باید حج به‌جا آورند.

کسـانی که از مکه دور هسـتند- مثل ایرانیان که وظیفه آن‌ها حـج تمتع است- چون حـج تمتع، مرکب از هر دو عمل است، هیچگاه برای آنها، استطاعت حج از استطاعت عمره، و استطاعت عمره از استطاعت حج، جدا نیست

عدم وجوب عمره مفرده بر افراد نائی

۲ ۱۶۷- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است (اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند) اگر استطاعت برای عمره داشته باشـند و برای حـج نداشـته باشـند، عمره مفرده بر آنهـا واجـب نیست گرچه در این فرض، احتیـاط آن است که عمره مفرده را به‌جا آورند. (۲)همچنین افرادی که حج نیابی انجام می‌دهند، انجام عمره مفرده بر ایشان واجب نیست.

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

۲- آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط واجب است.

ص: ۱۶

فرقهای عمره تمتع با عمره مفرده

۳ ۱۶۸- عمره مفرده بـا عمره تمتع، فرقی نـدارد مگر در سه چیز: (۱) اول- در عمره تمتع بایـد تقصـیر کند؛ یعنی باید از مو یا ناخن خود بچیند و حلق جایز نیست؛ ولی در عمره مفرده، مخیّر(۲) است بین حلق و تقصیر.

دوم- عمره تمتع، طواف نساء ندارد، ولی در عمره مفرده واجب است.

سوم- میقـات عمره تمتـع، یکی از مـواقیت پنجگـانه اسـت، ولی میقـات عمره مفرده، ادنی‌الحـل است (۳)هر چنـد احرام از مـواقیت پنجگانه نیز جایز است؛ بلکه هنگامی که در مسیر مکه از آن مواقیت عبور می‌کند، احرام از آن واجب است.

اشتراک محرّمات در عمره تمتّع و مفرده

۴ ۱۶۹- محرّمات احرامِ عمره مفرده، با عمره تمتع یکسان است، و بعد از تقصیر یا حلق، همه چیز غیر از زن حلال می‌شود، و بعد از طواف نساء و نمازش، زن هم حلال می‌شود.

۲- تبدیل عمره

تبدیل عمره مفرده به تمتع

۵ ۱۷۰- اگر احرام عمره مفرده در ماه‌های حج باشد، (۴)انجام عمره تمتع با آن احرام، مانعی ندارد.(۵)» ۶ ۱۷۱- تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع (۶) در حج استحبابی‌مانع ندارد، (۷)ولی در حجِ واجب و

۱- آیات عظام فرق های بیشتری را متذکر شده اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

۲- آیهٔ الله بهجت: با افضلیت حلق. مناسک شیخ،ص ۸۹.

۳- آیهٔ الله بهجت: اگر در حرم باشد، و میقات است درصورت مرور به آن. کتاب حج افراد،ص ۶

۴- آیهٔ الله تبریزی و آیهٔ الله سیستانی: تا وقت حج در مکه باقی ماند.

۵- آیهٔ الله بهجت: جواز عدول از عمره مفرده در ماههای حج، به عمره تمتع، محل تأمل و احتیاط است، و اگر در اشهر حج به عمره مفرده محرم شـد و داخل مکه شـد و وقت ضیق باشـد از حـج تمتع، می توانـد با قصـد، عدول به عمره تمتع نماید درصورتی که به سببی واجب نشده باشد بقابر عمره مفرده بر او، با احتیاط در اراقه دم کتاب حج افراد،ص ۴ و مناسک شیخ،ص ۹۰.

۶- آیهٔ اللّه نوری و آیهٔ الله مکارم: با فرض وقوع عمره در ماههای حج.

آیهٔ اللهصافی و آیهٔ الله گلپایگانی: اگر در ماههای حج باشد و عمره مفرده بر او واجب نباشد.

۷- آیهٔ اللّه بهجت: جواز عدول به عمره تمتّع، محل تأمل و احتیاط است، مگر این‌که متمکن از انجام عمره تمتع نباشد. به ذیل مسأله ۳۰۹ مراجعه شود.

آیـهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی و آیهٔ اللّه سیسـتانی: کسـی که عمره مفرده را در ماههای حج بجا آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه

باقی مانده، می‌تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را بجا آورد و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: در حج نیابی هم اگر عمره را به نیّت منوبٌ عنه انجام داده باشد، می‌تواند تبدیل به عمره تمتع کند.

ص: ۱۷

حج نیابی، جواز تبدیل عمره مفرده، محل اشکال است.

۳- موارد جواز و عدم جواز عمره

اشاره

۷ ۱۷۳- افرادی که مستطیع نیستند، یا حجِ واجب خود را انجام داده‌اند، می‌توانند در وقت حج، عمره مفرده انجام داده و برای حج محرم نشوند.

عمره مفرده به نیت چند نفر

۸ ۱۷۴- انجام عمره مفرده به نیابت از چند نفر جایز است؛ و در اعمال آن- از جمله طواف نساء- باید نیت همه بشود.

عمره مفرده به نیت خود و دیگران

۹ ۱۷۵- آیا انجام یک عمره مفرده به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران،صحیح است یا نه؟ (۱)

جواز عمره مستحب با قرائت غلط

۱۰ ۱۷۶- انجام عمره مفرده برای هر کسی جایز است؛ حتی کسی که نمازش را غلط می‌خواند «(۲) و وقت تصحیح آن را نیز ندارد، می‌تواند عمره مفرده بجا آورد. (۳)

۱- . آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی،صافی، فاضل و نوری: مانعی ندارد.
آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط آن است آن را به نیّت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد بر دیگران هدیه کند
۲- آیهٔالله فاضل: برای خودش یا دیگری.
۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگر چه به جهت مسامحه در امر تصحیحِ قرائت، خلاف شرع کرده باشد.
آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

ص: ۱۸

جواز عمره مفرده با احتمال حیض و مرض

۱۱ ۱۷۷- زنی که حایض است، یا می‌داند حایض می‌شود، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود؛ و اگر در تمام روزهایی که در مکه است حایض باشد، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد؛ و همچنین است مریضی که احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

ترک اعمال عمره مفرده و بازگشت به وطن

۱۲ ۱۷۸- اگر حایض بدون انجام اعمال عمره مفرده از مکه مراجعت نموده، باید برگردد؛ و اگر نمی‌تواند باز گردد، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند (۱) و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود؛ و تا اعمال را به‌جا نیاورد، محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

عمره مفرده قبل از تمتع

۱۳ ۱۷۹- انجام عمره مفرده در ماه‌های حج، پیش از عمره تمتع، جایز است؛ و در این مسأله، فرقی بینصَیرُوره و غیرصروره نیست. (۲)

عمره مفرده بین عمره تمتع و حج

۱۴ ۱۸۰- بعد از عمره تمتع و قبل از حج، نباید عمره مفرده بجا آورده شود؛ (۳)و اگر بجا آورده شد،صحت عمره مفرده، محل اشکال است؛ ولی برای عمره و حج تمتع، اشکالی ایجاد نمی‌شود.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: و نیز نماز طواف را خودش در محل خودش به‌جا آورد.

۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و برخودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد. آداب و احکام حج،ص ۳۹۲، مسأله ۱۰۱۴.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: جایز است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط.

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی: مشروع نیست مگر این که از حرم‌خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در اینصورت عمره مفرده اوصحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: فقط فرموده‌اند که بجا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتّع و حج تمتع جایز نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: این درصورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتّع انجام داده بجا آورده شود، امّا اگر در ماه دیگر

انجام داده، عمره تمتّع او باطل شـده و اگر تا هشـتم ذی‌حجّه در مکّه بمانـد این عمره مفرده عمره تمتّع محسوب می‌شود و حجّ تمتّع او با همین عمرهصحیح خواهد بود.

آیهٔ اللّه سیستانی: همین نظر را دارند بدون تفصیل بین انجام در یک ماه یا دو ماه.

ص: ۱۹

رعایت قصد رجا

۱۵ ۱۸۱- عمره مفرده بعد از عمره تمتع نیز، با کمتر از یک ماه فاصله، باید به‌قصد رجا انجام شود. (۱)

استحباب عمره مفرده بعد از اعمال حج

۱۶ ۱۸۲- نایبی که حجهٔالاسلام خودش را قبلا بجا نیاورده، درصورت امکان، انجام عمره مفرده بعد از فراغ از اعمال حج، مستحب است؛ و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق، خلاف (۲)است و احتیاط در این است که در فاصله کمتر از یک ماه، به قصد رجا بجا آورده شود.

اجازه شوهر برای عمره مفرده

۱۷ ۱۸۳- اگر زوج، زوجه عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کند، ولی او عازم سفر عمره گردد، با توجه به این که هنوز زوجه در خانه پدرش می‌باشد و عرفاً نفقه خور همسرش به حساب نمی‌آید؛ آیا سفر زوجه سفر معصیت است یا نه؟ و آیا احرام اوصحیح می‌باشد؟ (۳)

۱- جهت تفصیل این مسأله به ذیل مسأله ۲/ ۱۸۴ مراجعه شود.

۲- نظریه آیات عظام در این مسأله، در ذیل مسأله ۱۸۴ به بعد آمده است.

۳- آیات عظام: سیستانی، فاضل و نوری: در فرض مذکور سفر زوجه سفر معصیت می‌باشد و احرام ویصحیح نیست.

آیهٔ اللّهصافی: سفر او ظاهرا معصیت است وصحت محل اشکال است.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کند و حج و عمره او در هر حالصحیح است ولی احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند و اگر سفر اول او باشد، خواه برای حجّ و یا عمره، اجازه شوهر شرط نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: سفر او برای عمره مانعی ندارد و منع زوج نسبت به آن اثری ندارد.

ص: ۲۰

فصل دوم: تکرار عمره

اشاره

۱۸ ۱۸۴- تکرار عمره- مانند تکرار حج- مستحب است؛ و در مقدار فاصله بین دو عمره، اختلاف فرموده‌اند؛ و احوط آن است که در کمتر از یک ماه، به‌قصد رجا به‌جا آورده شود. و فرقی بین عمره از طرف خود و دیگری نیست. (۱) فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده

۱۹ ۲/ ۱۸۴- آیا بین عمره تمتع و عمره مفرده، نیز فاصله معتبر است؟ (۲) آیات عظام خویی، سیستانی،صافی، فاضل، مکارم در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد؛ هر چند یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوّم در اول ماه شعبان واقع گردد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بین دو عمره وجود فاصله معین شرط نیست. ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست.

آیهٔ‌اللّه وحید: بنابر احتیاط و در هر ماه قمری بیش از یک عمره جایز نیست.

آیهٔ اللّه نوری: در هر روز می‌تواند یک عمره انجام دهد.

۱- تکرار عمره برای خود:

آیهٔ اللّه بهجت و آیهٔ اللّه گلپایگانی: مطلقا جایز است و فاصله شرط نیست.

آیات عظام خویی، سیستانی،صافی، فاضل، مکارم در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد؛ هر چند یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوّم در اول ماه شعبان واقع گردد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بین دو عمره وجود فاصله معین شرط نیست. ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست.

آیهٔ‌اللّه وحید: بنابر احتیاط و در هر ماه قمری بیش از یک عمره جایز نیست.

آیهٔ اللّه نوری: در هر روز می‌تواند یک عمره انجام دهد.

۲- تکرار عمره برای دیگری هر نفر یک عمره:

همه آیات عظام: جایزاست.

تذکر: معلوم شد که تکرار عمره طبق نظر مراجعی که فاصله را شرط نمی‌دانند مطلقا جایز است چه برای خود و چه برای دیگری.

۲- آیات عظام تبریزی، خویی و فاضل: بین این دو عمره چه قبل از حج و چه بعد از حج، فاصله معتبر نیست.

آیهٔ اللّهصافی: به ذیل مساله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه بهجت: فاصله معتبر نیست مطلقا.

آیهٔ اللّه سیستانی: محل اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و امّا انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره

تمتع می‌شود.

ص: ۲۱

ترک فاصله معتبر

۲۰ ۳/ ۱۸۴- اگر شخصی فاصله لازم بین دو عمره را- بر فرض اعتبار فاصله- رعایت نکند، و یا با قرائت غلط، عمره نیابی انجام دهد، آیا اساساً احرام منعقد می‌شود یا خیر؟ (۱)۲۱ ۴/ ۱۸۴- با توجه به اختلاف فتاوا در مورد فاصله دو عمره وصحیح نبودن قرائت بسیاری از افراد و از سویی تمایل شدید ایشان بر انجام عمره مجدد، آیا این گونه افراد می‌توانند قبل از گذشت فاصله وصرف نظر ازصحیح نبودن قرائت، به نیت امید مطلوبیت و ترتب ثواب به نیت خودشان محرم شوند و ثواب آن را به دیگران اهدا نمایند؟ (۲)

مقصود از فاصله یک ماه

۲۲ ۱۸۶- مقصود از فاصله‌ای که عمره در کمتر از آن، به نیّت رجا انجام می‌شود، یک ماه است، (۳) نه سی روز؛ ولی اگر انجام عمره در بین ماه بوده، احتیاط مذکور تا سی روز، مراعات شود.

رها کردن عمره به قصد رجا در اثنا

۲۳ ۱۸۷- در مواردی که استحباب عمره مفرده قطعی نیست و رجاءً انجام می‌شود، آیا می‌توان در حین اعمال، آن را رها نمود؟ (۴)

احرام قبل از غروب شب اول ماه

۲۴ ۱۸۸- فردی قبل از غروب آفتابِ شب اول ماه، به احرام عمره مفرده محرم شده و اعمال مکّه را در ساعات اوّلیه ماه جدید انجام داده است، آیا این عمره به حساب کدام ماه لحاظ می‌شود؟ در همین فرض اگر بعد از غروب آفتاب محرم شد، چگونه محاسبه می‌شود؟ (۵)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: فاصله معتبر نیست ولی بر فرض اعتبار، ظاهرا منعقد نمی‌شود؛ بخلاف مساله قرائت که منعقد می‌شود.
آیهٔ اللَّه سیستانی: منعقد نمی‌شود.
آیهٔ اللَّهصافی: در فرض سؤال احرام محقق نمی‌شود اگرچه احوط و اولی انجام دادن اعمال و خروج از احرام به تقصیر و طواف نساء است والله العالم.
۲- آیات عظام بهجت، سیستانی و مکارم: مانعی ندارد.
آیهٔ اللَّهصافی: به قصد رجاء ثواب مانع ندارد والله العالم.
آیهٔ اللَّه فاضل: می‌تواند به نیت همان فرد محرم شوند وصحیح است حتی اگر قرائت آنها اشکال داشته باشد.
۳- گذشت تفصیل حواشی در ذیل مسأله ۱۸۴.
۴- . آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل،صافی، سیستانی و نوری: نمی‌تواند.
آیت‌اللَّه مکارم: خلاف احتیاط است.
۵- آیهٔاللَّه بهجت، آیهٔاللَّه تبریزی، آیهٔاللَّهصافی، آیهٔاللَّه نوری، آیهٔاللَّه مکارم: انعقاد احرام، میزان است نه انجام اعمال.

آیهٔ اللّٰه فاضل: ظاهراً در هر دو فرض، اعمال عمره مربوط به ماه جدید است و تا ماه آینده نمی‌تواند مجدداً عمره مفرده بجاآورد.

ص: ۲۲

تکرار خروج از مکه

۲۵ ۲/ ۱۹۹- کسانی که به اقتضای شغلشان، زیاد به مکه وارد و خارج می‌شوند، از حکم وجوب احرام در هر بار، مستثنی هستند. (۱)

حکم رفت و بازگشت خدمه کاروان

۲۰۰- خدمه کاروان و مانند ایشان اگر عمره مفرده بجا آورده باشند، هر دفعه که از مکه خارج می‌شوند و به جده می‌روند و برمی‌گردند، لازم نیست محرم شوند. (۲)

ورود به مکه بدون احرام

۲۶ ۲۰۴- یکی از کارمندان حج بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟ (۳)

عبور از میقات در کمتر از یک ماه

۲۷ ۲۰۵- بعد از انجام عمره مفرده حتی اگر یک ماه فاصله نشده باشد، جهت گذر از میقات، (۴)انجام عمره مفرده بنا بر احتیاط به‌قصد رجا لازم است و بدون آن گذر از میقات جایز نیست.

۱- همچنین افرادی که در ماهی که عمره انجام داده‌اند از حرم خارج می‌شوند به تفصیلی که می‌آید.

۲- آیات عظام خویی، سیستانی، فاضل: مگر اینکه در ماه هلالی دیگر وارد مکه شوند که باید دو مرتبه محرم بشوند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر عمره مفرده را به نیابت از دیگران بجا آورده‌اند، بنابر احتیاط واجب برای دخول در مکه یا حرم دو مرتبه محرم شوند.

۳- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی،صافی و فاضل: فعلًا وظیفه‌ای ندارد غیر از استغفار اگر عامد بوده است.

۴- مراجعه شود به مسأله ۱۸۴

آیات عظام: تبریزی، خویی سبستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: درصورتی که در همان ماه قمری که محرم شد، به مکّه برود احرام مجدّد لازم نیست.

آیهٔالله خامنه‌ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماهی دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنابر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام ببندد و رعایت این احتیاط در ماههای دیگر هم خوب است.

ص: ۲۳

باب اول: اعمال

اشاره

ص: ۲۴

ص: ۲۵

اول

ص:۲۶

ص: ۲۷

فصل اول: وجوب احرام

وجوب احرام برای ورود به مکه

۲۸ ۲۳۵- ورود به مکه (۱) بدون احرام، جایز نیست؛ مگر مواردی که استثنا شده است؛ و- به حسب اختلاف شرایط- به نیت عمره تمتع، یا حج، یا به نیت عمره مفرده،صورت می گیرد.

از این حکم، کسانی که به مقتضای شغلشان، زیاد وارد مکه شده و از آن خارج می‌شوند، همچنین افرادی که در ماه احرام قبل- به تفصیلی که گذشت- به مکه وارد می‌شوند، استثنا شده‌اند.

احرام بعد از انعقاد زایل نمی‌شود

۲۹ ۲۴۱- محرم نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و مُحل شود؛ و اگر لباس احرام را به قصد بیرون آمدن از احرام، از تنش بیرون بیاورد، احرامش به هم نمی‌خورد و محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود؛ و اگر موجب کفّاره بجا آورد، باید کفّاره بدهد.

محرم کردن مجنون واجب نیست

۳۰ ۲۴۲- مجنون تکلیف ندارد؛ و احرام بر او واجب نیست؛ و اگر بدون احرام وارد مکه شود، اشکالی ندارد.

۱- . آیهٔ اللّه سیستانی: ورود به مکّه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست. مناسک، مسأله ۱۴۱.

ص: ۲۸

فصل دوم: مکان احرام عمره مفرده

اشاره

احرام عمره مفرده به حسب اختلاف شرایط در یکی از مکانهای ذیلصورت می گیرد:

۱– میقاتهای پنجگانه

لزوم احرام جهت گذر از میقات در مسیر مکه

۳۱ ۱۹۰– کسانی که در مسیر عمره مفرده، از مواقیت پنج گانه گذر می کنند، نمی‌توانند بدون احرام از آنجا عبور نمایند؛ و درصورت عبور، واجب است (۱) به میقات بازگردند؛ و اگر کسی نتوانست برگردد، هرجا که هست محرم شود. (۲)

الف– مسجد شجره

مسجد شجره یا «ذُوالحُلَیفه»، میقات کسانی است که از مدینه منوره، به مکه می‌روند.

۳۲ ۲۴۵– تأخیر احرام (۳) درصورت ضرورت، از مسجد شجره تا میقات اهل شام (جحفه)، جایز است.

۱– آیات عظام بهجت،صافی، فاضل، گلپایگانی: عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و درصورت‌تجاوز، احرام از ادنی الحل برای قاصد عمره مفرده کافی است.

۲– . تفصیل نظریه آیات عظام ذیل مسأله ۲۳۶ مناسک محشای حج و ۲۶۲ و ۱۹۷ این کتاب آمده است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه.

۳– . آیهٔاللّه بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد با فعل مضطر الیه و فداء است، محل تأمّل است. مناسک شیخ،ص ۹.

ص: ۲۹

احرام از داخل مسجد شجره

۳۳ ۲۴۶- احرام- بنابر احتیاط واجب- باید در داخل مسجد شجرهصورت گیرد، نه اطراف آن (۱) و احرام در هر جای مسجد شجره- حتی در قسمت توسعه یافته- جایز است،(۲) ولی احتیاط مستحب آن است که در محلّ اصلیصورت گیرد.

احرام جنب و حائض در حال عبور از مسجد

۳۴ ۲۴۷- اشخاص جنب و حایض می‌توانند (۳) در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند، هر چند اگر عصیاناً هم توقف نمایند و محرم شوند، احرام آن‌هاصحیح است.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: باید درصورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود. مناسک،ص ۶۴.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره، برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می‌کنند، کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.

آیهٔ اللَّه خویی: احرام از منطقه ذو الحلیفه، مانعی ندارد. تعلیقهٔ العروهٔ، ج ۲،ص ۳۴۲.

آیهٔ اللَّه وحید: ذوالحلیفه میقات هر کسی است که بخواهد از راه مدینه به حج برود، و احوط افضل این است که احرام از مسجد آن که معروف به مسجد شجره است، بسته شود. مناسک فارسی معظم لهصفحه ۸۶

آیات عظام تبریزی،صافی، گلپایگانی، مکارم: از داخل مسجد مستحب است و همین که احرام در محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می‌کند؛ آیهٔ اللَّه تبریزی: ولی احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاطاً احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطّلاع، توسعه از یمین ویسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود. استفتائات، س ۳۳

آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.

۳- آیات عظام: خویی،صافی، گلپایگانی، مکارم: به مساله قبل مراجعه شود.

آیهٔاللَّه تبریزی: شخص جنب و حایض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تلبیه در جُحفه لزومی ندارد ونیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای حایض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر امکان نداشته باشد یعنی مسجد دو درب نداشته باشد یا امکان عبور از مسجد به جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست.

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی:صحّت احرام او محلّ اشکال است و باید تلبیه را بهقصد احرام تجدید کند.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متمشّی شود احرامصحیح است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

ص: ۳۰

احرام حائض نزدیک مسجد شجره

۳۵ ۲۴۸- اگر حایض نتواند تا پاک شدنصبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن، احرام را تجدید کند.(۱)

احرام جنب با تیمم در داخل مسجد

۳۶ ۲۴۹- اگر جنب نتوانـد به خاطر زیادی جمعیت، در حال عبور از مسـجد احرام ببنـدد و آب برای غسل نباشد و نتواندصبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و در داخل مسجد احرام ببندد. (۲) ۳۷ ۲۵۰- اگر حائض برای احرامِ در حال عبور، وارد مسجد شجره شود و تلبیه بگوید ولی نتواند از در دیگر خارج شود و از همان دری که وارد شده بود، خارج شود، احرامشصحیح است. (۳)

احرام در خارج مسجد و تجدید در جحفه

۳۸ ۲۵۱- زنانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره محرم شوند،(۴)بنا بر احتیاط در خارج آن محرم شوند، و در جُحْفه (۵) یا مُحاذی آن، تجدید احرام نمایند؛ (۶) و چنانچه محاذاتْ

۱- آیهٔ اللَّه نوری: اگر به‌واسطه زیادی جمعیت، از عبور از مسجد هم عاجز باشد، احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.
آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر نتوانـد وارد مسـجد شود در خـارج مسـجد محـاذی آن محرم می‌شود و در جحفه یـا محاذی آن تجدیـد احرام می‌کند بنابر احتیاط. مناسک، س ۳۴.
آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: زنی که دارای عـذر است، می‌توانـد در حال عبور از مسـجد محرم شود، به شـرطی که مسـتلزم توقف در مسـجد نباشـد. ولی اگر مسـتلزم توقف در مسـجد هر چنـد بر اثر ازدحام و ماننـد آن باشـد و نتوانـد احرام را تا برطرف شـدن عـذر به تأخیر بیندازد، باید از جحفه یا محاذات آن محرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات محرم شود.
نظریه سایر آیات عظام از مسأله ۲۴۶ بدست می‌آید.
۲- آیهٔ اللَّه فاضل و آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین است حایض که از حیض پاک شده است.
نظریه سایر آیات عظام در این مسأله از ذیل مسأله ۲۴۶ و ۲۴۷ به‌دست می‌آید.
۳- آیهٔ اللَّه تبریزی:صحّت احرامش محلّ اشکال است.
۴- آیهٔالله نوری: می‌توانند داخل مسجد شوند و در حال عبور از مسجد احرام ببندند و در مسجدتوقف نکنند.
۵- آیـهٔ اللَّه تبریزی: می‌تواننـد در ذوالحلیفه محرم شونـد و احتیاط واجب این است که از طرف راست یاچپ یا جلوی مسـجد قدیم محرم شوند.
آیهٔ اللَّه خویی: احرام در منطقه ذوالحلیفهصحیح است. تعلیقه عروه، ج ۲،ص ۳۴۲.

۶- آیات عظام سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: تجدید احرام لازم نیست.

ص: ۳۱

معلوم نباشد، اگر حدود آن را تشخیص دهند و در تمام آن حد، با بقای نیت، تلبیه را تکرار کنند، کفایت می کند.

میقاتهای دیگر

۳۹ ب- «وادی عقیق»- که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است- میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

ج- «قرن المنازل»، میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.

ه- «یَلَمْلَمْ»- که اسم کوهی است- میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.

د- «جُحْفه»، میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند.(۱)

تأخیر احرام از میقات و محاذات آن

۴۰ ۲۶۰- تأخیر احرام از میقات اختیاراً جایز نیست؛ بلکه بنابر احتیاط (۲) واجب، تأخیر از محاذات میقات نیز، بدون احرام جایز نیست، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

وجوب بازگشت به میقات با امکان

۴۱ ۲۶۱- اگر کسی بدون احرام(۳)

آیهٔ اللّٰه بهجت: در حال اختیار.» از میقات (۴)عبور کند، واجب است درصورت امکان برگردد و از همان میقات محرم شود؛ بلکه حتی اگر میقات دیگری هم بعد از آن باشد، باید- بنابر احتیاط

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هرچند بدون عذر.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً. مناسک شیخ،ص ۹.

نظریه آیهٔ اللّٰه خویی در مورد محاذات در ذیل مسأله ۲۷۴ آمده است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد، مگر با احرام، اگرچه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، درصورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد. مناسک، مسأله ۱۶۷.

آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بلکه واجب است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: این احتیاط مستحب است.

۳- آیات عظام فاضل: و بدون عذر.

آیهٔ اللّٰه بهجت: در حال اختیار.

۴- آیهٔ اللّٰه فاضل: در حج تمتع بدون عذر.

ص: ۳۲

واجب (۱) به همان میقاتی که از آن گذشته برگردد و محرم شود.

عبور از میقات با عذر

۲۶۲ ۴۲- کسی که از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله، یا عذر دیگر، (۲)
بـدون احرام از میقـات عبور کنـد، اگر بـازگشت به میقـات و انجام اعمال عمره تمتع ممکن باشـد، بایـد باز گردد و از میقات «(۳)» احرام ببنـدد، چه داخـل حرم شـده باشـد یـا نه؛ و اگر بـازگشت و انجـام اعمال ممکن «(۴)» نباشـد، اگر داخل حرم نشـده باشـد، از همان‌جا احرام ببندد و بنابر احتیاط مستحب «(۵)» هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود؛
و اگر داخل حرم شده، اگر ممکن است و به اعمال عمره می‌رسد، از حرمْ خارج «(۶)» و محرم شود؛

۱- . آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی،صافی، گلپایگانی: درصورت امکان باید برگردد.
آیـهٔ اللّه سیسـتانی: و هرگاه بـدون احرام، از میقات گذشـته، درصورت امکان بایـد به میقات برگردد، مگر کسـی که بـدون عذر از ذوالحلیفـه گذشـته و بـه جحفـه رسـیده باشـد، کـه چنین شخصـی بنـابر اظهر، برایش کـافی است که از جحفه احرام ببنـدد، اگر چه گناهکار است. مناسک، مسأله ۱۶۷.
آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.
۲- آیـهٔ اللّه بهجت: عـذری که مسوّغ ترک باشـد و لو ظاهراً؛ از قبیل مرض و جهل به موضوع، بـدون تقصـیر، وظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد. مناسک شیخ،ص ۱۱.
۳- آیهٔ اللّه سیسـتانی: این حکم در غیر مورد مسـجد شـجره است و کسـی که از آن عبور کند هرچند عمدی‌باشد می‌تواند از جحفه محرم شود، گر چه گناه کرده است.
۴- آیـهٔ اللّهصافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کنـد، از میقات بعدی محرم شود واگر میقات دیگری در مسیر نیست، به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.
۵- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب، به مقداری که ممکن است به طرف میقات‌برگردد و محرم شود.
آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: به احتیاط واجب بایـد برگردد به طرف میقات به هر مقـدار که ممکن باشد تا از انجا محرم شود و اگر داخل حرم شـده و می‌توانـد از حرم برای احرام خارج شود، بایـد برای احرام از حرم خارج شود و اگر به علت تنگی وقت و مانند آن نمی‌تواند از حرم خارج شود، باید داخل حرم از همان جایی که عذرش برطرف شده است محرم شود.
آیهٔ اللّه مکارم: اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد، از حرم خارج شود و هرچند به تنعیم رود.
۶- آیهٔ اللّه بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم، به‌مقدار عدم فوت حج ترک نشود. مناسک شیخ،ص ۱۱.
آیـهٔ اللّهصـافی، آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقـداری‌که ممکن است برود وإلّا از ادنی‌الحل محرم شود و درصورت عدم تمکّن از رفتن به ادنی الحلّ در مکّه محرم شود. آداب و احکام حج، مسأله ۲۹۳.
آیهٔ اللّه مکارم: هرچند به تنعیم رود.

ص: ۳۳

و اگر نمی‌تواند، همان جا محرم شود و بنابر احتیاط مستحب هرقدر می‌تواند به طرف خارجِ حرم برگردد و آنجا محرم شود.

۲- احرام از مکان منذوز

اشاره

۴۳ ۲۵۳- زن‌های حایض می‌توانند در مدینه با نذر محرم شوند؛ و در اینصورت لازم نیست به مسجد شجره بروند (۱)؛ ولی نذر زن، بایـد با اذن شوهر باشد. (۲) ۲۵۴۴۴- احرام بسـتن پیش از میقات، جایز نیست وصـحیح واقع نمی‌شود؛ ولی با نـذر، جایز است؛(۳)و درصورت نذر، باید از مکان منذور محرم شود؛ مثلا اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود، واجب است عمل کند؛ و بهتر آن است که در میقات، یا محاذات آن، احرام را تجدید کند.(۴)

نذر نایب برای احرام

۴۵ ۲۵۶- نذر احرام قبل از میقات، برای نایب نیز جایز است.

۱- گذشت در مسأله ۲۴۶ به بعد نظر آیات عظامی که مطلقا یا در این خصوص، احرام در خارج مسجد شجره را مجزی می‌دانند.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: درصـحت نـذر زوجه برای احرام پیش از میقات درصورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شـرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

۳- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرّم می‌شود؛ مانند استظلال، انعقاد نذر مورد اشکال است.

آیـهٔ اللّه فاضل:صـحت نذر برای کسـی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسـیله مسـقف حرکت کند محل اشـکال است، بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشـکال ندارد و معصـیت هم نکرده است. ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و در هر دوصورت کفّاره استظلال را باید بدهد.

۴- آیـهٔ اللّه بهجت: نیازی به تجدیـد احرام در میقات نیست بلکه می‌تواند از راهی به مکّه برود که بر میقات نگذرد. مناسک، مسأله ۱۶۴.

ص: ۳۴

احرام از مکه با نذر

۴۶ ۱۹۲- آیا احرام با نذر، از داخل شهر مکه و یا مسجدالحرام، برای عمره مفرده جایز است؟ (۱)

نذر در ایران برای احرام از جده

۴۷ ۱۹۴- اگر کسی از ایران نذر کند که در جدّه محرم شده، سپس برای انجام عمره مفرده به مکّه برود، آیا این نذرصحیح است؟ و احرام اوصحیح می‌باشد؟ «(۲)۴۸ ۲ / ۱۹۶- کسانی که به قصد عمره مفرده وارد جدّه می‌شوند، آیا می‌توانند با نذر از مسجد تنعیم، محرم شوند؟ (۳)

۳- احرام از محاذات

اشاره

۴۹ ۲۷۱- اگر قاصد مکه از راهی برود که به هیچ‌یک از میقات‌ها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات، احرام ببندد. (۴)

معلوم نبودن محاذات

۵۰ ۲۷۲- اگر مکان محاذات معلوم نباشد، (۵)باید از اهل اطلاع و مورد وثوق سؤال شود.(۶)

۱- همه آیات عظام: نمی تواند.

۲- آیات عظام: بهجت،صافی، فاضل، مکارم و نوری: این نذرصحیح است و کفایت می کند؛ آیهٔ الله سیستانی: مگر بداند که مجبور می شود در روز سوار ماشین مسقف شود کهصحت نذر در این فرض، محل اشکال است و همین طور بنابر احتیاط شب های بارانی.

آیهٔ الله تبریزی و آیهٔ الله خامنه ای: نذر و احرام او باطل است.

۳- آیهٔ الله بهجت: درصورتی که نذر کرده باشد که درصورت گذر از میقات یا محاذات آن به هر علتی، در مسجد تنعیم محرم شود، نذر منعقد است.

آیهٔ اللهصافی: جایز نیست ولی درصورت گذر به هر علت، احرام درادنی الحل کافی است.

آیهٔ الله فاضل: جایز نیست.

۴- آیهٔ الله بهجت: باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود مناسک،ص ۶۶.

آیهٔ الله خویی: کسی که تقریبا یک ماه بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شیش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد بود و از همان جا احرام می بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص

مورد مذکور نیز مشکل است.

۵- آیهٔ الله بهجت: اگر علم به محاذات ممکن نباشد، ظاهرا کفایت گمان است درصورتی که موجب اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی الأحوط. مناسک شیخ،ص ۱۱.

۶- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر دو خـطّ متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشـکیل می‌دهنـد و یکی از آن‌ها از مکه می‌گـذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محلّ محاذات با میقات است و معیار در این امرصدق عرفی است نه دقت عقلی.

ص: ۳۵

احرام با نذر با معلوم نبودن محاذات

۵۱ ۲۷۳- اگر کسی نتواند محاذات را بفهمد، (۱) قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است، با نذر محرم شود؛ (۲) بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود، احوط است.

۵۲ ۲۷۴- کسانی که از محاذاتِ غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب (۳)آن است که قبل از رسیدن به محاذات، با نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مراد از محاذات

۵۳ ۲۷۵- مراد از «محاذات» مکانی است که میقاتْ در یک خط راست، به طرف راست یا چپ شخص واقع شود؛ به‌طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

محاذات با دو میقات

۵۴ ۲۷۷- اگر عبور کسی به گونه‌ای است که با دو میقات، محاذات پیدا می‌کند، (۴)احتیاط واجب (۵)

۱- آیـهٔ اللّه بهجت: اگر در طریق او محـاذات علمیّه بـا ظنّیه نباشـد احوط رفتن به سوی میقـاتی یـا محاذات آن‌است و محتمل اسـت جواز احرام از اوّل احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکّه. مناسک شیخ،ص ۱۰ و ۱۱.

۲- آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط.

۳- آیـهٔ اللّه خویی: اگر فاصـله زیاد باشـد، ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصـله کم باشد، بنابر احتیاط واجب بایدنذر کند یا این‌که به یکی از مواقیت برود. مناسک، مسأله ۱۶۴.

آیهٔاللّهصافی، آیهٔاللّه گلپایگانی: متعرض مسأله استحباب نذر نشده‌اند.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: باید از جایی که اول محاذات پیدا می‌کند، احرام ببندد و تجدید نیت در محاذات‌میقات بعد لازم نیست.

نظر آیهٔ اللّه خویی با ملاحظه مسأله ۲۷۱ منتفی است.

آیهٔ اللّه سیستانی: مخیّر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب احرام در محاذی اوّل است.

۵- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است که از جائیکه .....

ص: ۳۶

آن است که از جایی که ابتدا محاذات حاصل می‌شود، احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، نیت احرام را تجدید کند.(۱)

۴- احرام از ادنی الحل

انجام عمره از داخل مکه

۵۵ /۲ ۱۹۰- افرادی که از مکه عمره به‌جا می‌آورنـد، به ادنی‌الحل- که افضلِ آن «جِعرانه»، «حُدیبیه» و «تنعیم» است- رفته، و محرم می‌شوند.

عدم خصوصیت مسجد تنعیم برای احرام

۵۶ ۱۹۱- برای احرام عمره مفرده، مسجد تنعیم، خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحلّصحیح است هرچند در مسجد نباشد.

معیار ادنی الحل

۵۷ /۲ ۱۹۲- آیـا احرام از ادنی‌الحل که میقات عمره مفرده است، بایـد از اولین نقطه متصل به حرم انجام شود، یا با فاصـله نیز کافی است، یا میزان ادنی‌الحل عرفی است؟ «آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، فاضل، مکارم: میزان ادنی‌الحل عرفی است.
(۲)

احرام شاغلین در جده

۵۸ ۱۹۳- میقـات برای شـاغلین در جـده- از ایرانیـان و غیر آن‌هـا- در عمره تمتع و عمره مفرده،(۳)همـان مـواقیت معروفه است و نمی‌تواننـد از جـده یا ادنی الحل محرم شونـد؛ و اگر از روی جهل به مسأله در غیر میقات محرم شونـد، احرام آن‌هاصـحیح نیست و محرّمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود؛

۱- . آیهٔ اللَّه بهجت: اقوی کفایت احرام اوّل است؛ به‌نحوی که در مسأله ۲۷۱ بیان شد. مناسک،ص ۱۰.

آیهٔ اللَّه فاضل: تجدید احرام لازم نیست و باید از اول محاذات محرم شود.

۲- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، فاضل، مکارم: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

آیهٔاللَّهصافی: و از آن فاصله نگیرد.

آیهٔاللَّه سیستانی:صدق ادنی‌الحل معیار است در همه مرزهای حرم.

۳- آیـهٔ اللَّه خویی: اگر حـدود سه سـال در جـده می‌مانـد کهصـدق مقرّ و منزل بر آن بکنـد، می‌توانـد از جـدّه‌محرم شود. المسـائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۲۲ و ۳۲۰.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: می‌تواننـد از جـده با نذر محرم شوند و کسـی که منزلش از میقات به مکّه نزدیک‌تر باشد می‌تواند از منزل احرام

ببندد.

آیهٔ اللّه مکارم: برای عمره مفرده، می‌توانند مانند سایرین از حدیبیه محرم شوند.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۹۷ آمده است.

ص: ۳۷

و با فرض علم و عمد هم، حکم همین است؛ هرچند درصورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیدند، عمل آنانصحیح است.(۱)

احرام برای عمره مفرده از جدّه

۵۹ ۱۹۵- شخصی از روی جهل به حکم، در جدّه برای عمره مفرده محرم می‌شود وپس از انجام طواف و نماز و سعی، متوجه می‌شود که می بایست به یکی از مواقیت می‌رفته، تکلیف او چیست؟ (۲)

ورود به جده و احرام از تنعیم

۶۰ ۱۹۶- کسانی که به قصد عمره مفرده وارد جدّه می‌شوند، آیا می‌توانند از مسجد تنعیم که ادنی‌الحلّ است، محرم شوند؟ (۳)

۱- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی:صحت عمره محل اشکال است. آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه سیستانی: و احتیاطاً درصورت امکان عمره را اعاده نمایند.

آیة اللَّه فاضل: درصورت جهل و نسیان، اگر بعد از اعمال حج متوجّه شوند حجّصحیح است و اگر بعد از عمره تمتّع یا عمره مفرده متوجّه شوند عمره باطل است و در عمره تمتّع اگر وقت دارد و ممکن باشد، جبران کند و اگر وقت ندارد حجّ تمتّع بدل به حجّ افراد می‌شود و در اینصورت نیز کفایت از حَجّةالاسلام می کند.

۲- آیةاللَّه بهجت: عمره از او محقّق نشده است.

آیة اللَّه تبریزی: احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و اعمال عمره مفرده را انجام دهد، واللَّه العالم.

آیةاللَّه خامنه‌ای و آیةاللَّه فاضل: فعلًا تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی کند.

آیة اللَّهصافی: در فرض سؤال، احتیاطاً بقیّه اعمال عمره را اتمام کند و چنانچه عمره مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحلّ محرم شود و عمره واجبه خود را انجام دهد، واللَّه العالم.

آیةاللَّه مکارم: احرامش باطل است و باید به ادنی‌الحلّ برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند.

آیةاللَّه سیستانی: عمره او باطل است و اگر نمی‌تواند به میقات برود می‌تواند از أدنی‌الحِلّ؛ مانند مسجد تنعیم، دوباره محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیة اللَّه نوری: اگر بعد از اعمال متوجّه شود عمره اوصحیح است.

۳- آیة اللَّه بهجت و آیة اللَّهصافی: عبور از میقات یا محاذی آن، برای قاصد مکّه بدون احرام جایز نیست هرچند بخواهد عمره مفرده بجا آورد و لکن اگر معصیت نمود و از ادنی‌الحل محرم شد، عمره اوصحیح است.

آیة اللَّه تبریزی و آیة اللَّه نوری: باید به جحفه یا میقات دیگر- از مواقیت معروفه- بروند و از آنجا محرم شوند؛ آیة اللَّه خامنه‌ای و آیةاللَّه سیستانی: و اگر نتواند به میقات برود، احتیاط واجب این است که با نذر از جدّه احرام ببندد.

آیهٔ اللَّه فاضل: باید با نذر قبل از ورود به شهر مکه محرم شود و یا به مواقیت دیگر مثل جعرانه و حدیبیه برود و از آنجا محرم شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: میقات آن ها حدیبیه، که تقریباً هفده کیلومتر با مکّه فاصله دارد، می‌باشد. اگر از جاده قدیم بروند به حدیبیه برخورد می‌کنند و اگر نروند از محاذات آن کفایت می‌کند.

ص: ۳۸

احرام از حدیبیّه

۶۱ ۱۹۷- کسانی که با هواپیما به جده می‌روند، نمی‌توانند- برای عمره تمتع یا مفرده (۱)- از جده یا حدیبیه محرم شوند؛ بلکه باید به یکی از مواقیت- مثل جحفه (۲)بروند؛ و اگر به مدینه می‌روند، باید از مسجد شجره محرم شوند.

۶۲ ۱۹۸- حدیبیّه میقات عمره مفرده است، برای کسانی که در مکه هستند

۱- آیات عظام‌صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحلّ کفایت می‌کند، اگرچه با عبوراز میقات بدون احرام گناه کرده است. مناسک عربی،ص ۸۴.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن. مناسک، مسأله ۱۷۳ به ذیل مسأله ۲۷۲ و ۲۵۸ مناسک‌محشای حج مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: می‌تواند از جدّه با نذر محرم شود؛ زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

ص: ۳۹

فصل سوم: واجبات احرام

اشاره

۶۳ ۲۷۸- واجبات احرام سه چیز است:

۱- پوشیدن جامه احرام

اشاره

۶۴ ۲۷۹- هنگام محرم شدن و در حال احرام، (۱)پوشیدن دو جامه احرام- که یکی «لنگ» و دیگری «ردا» است- بر مردان واجب است.

احتیاط واجب (۲) آن است که پوشیدن این دو جامه (۳)، قبل از نیت احرام و تلبیه باشد؛ و اگر کسی بعد از لبیک بپوشد، احتیاط (۴) آن است که لبیک را دوباره بگوید.

۱- آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب است که زن‌ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند. آیهٔ اللّٰه‌صافی: و در طواف و سعی.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشند، اگرچه کندن لباس دوخته بر آن‌ها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند وبهتر آن‌است که درحال سعی وطواف دو جامه‌احرام را دربرداشته باشند. مناسک‌فارسی،ص ۲۸.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: محل پوشیدن، از باب مقدّمه، قبل از نیّت وتلبیه است؛ واحتیاط درصورت تاخیرپوشیدن، در اعاده نیّت وتلبیه است. مناسک شیخ،ص ۱۴.

آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

۳- آیهٔ اللّٰه نوری: لباسهای دوخته را بکند و این دو جامه را ...

۴- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است. مناسک، مسأله ۱۸۹.

ص: ۴۰

جواز پوشیدن بیشتر از دو جامه

۶۵ ۲۸۰- حداقل مقدارِ واجبِ لباس احرام، دو جامه است و زیادتر مانع ندارد.

عدم جواز اکتفا به یک جامه

۶۶ ۲۸۱- بنابر احتیاط واجب (۱) در حال اختیار، به یک جامه بلند- که مقداری از آن را لنگ و مقداری را ردا قرار دهد- اکتفا نشود (۲)بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مقدار پوشش جامه احرام

۶۷ ۲۸۲- پوشیدن لباس احرام به‌نحو متعارف کفایت می‌کند و لازم نیست (۳) لنگ، ناف و زانو را بپوشاند؛ هر چند پوشاندن آنها مستحب است.

عدم اعتبار کیفیت خاص در پوشیدن

۶۸ ۲۸۳- در پوشیدن دو جامه احرام، ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی(۴) باشد، مانع ندارد، فقط باید- به هر کیفیتی که می‌خواهد- یکی را لنگ و یکی را ردا قرار دهد؛ و احتیاط مستحب (۵)آن است که ردا، شانه‌ها را بپوشاند. (۶)

۱- آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: احرامصحیح است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

۳- آیهٔ‌اللّٰه بهجت: ازار از ناف تا زانو را باید بپوشاند مناسک، مسأله ۱۸۹.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

آیات عظام سیستانی،صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاطِ واجب، لازم است.

۴- آیهٔ اللّٰه بهجت: یکی از آن‌ها باید بپوشاند ما بین ناف و زانو را و دیگری که ردا باشد آنقدر باشد که دو شانه‌را بپوشاند به‌نحوی که ردا و تردّی به آنصادق باشد. مناسک شیخ،ص ۱۴.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر به نحو متعارف باشد کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

۵- آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیات‌عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی: بایدردا به‌قدری باشدکه‌شانه‌هارا بپوشاند.

آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: احتیاط واجب این است که ردا به انـدازه‌ای باشـد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجّهی از کمر را بپوشاند. مناسک، مسأله ۱۸۹.

۶- آیهٔ اللّٰه فاضل: بلکه واجب است علاوه بر آن، قسمتی را بپوشاند؛ به‌گونه‌ای کهصدق ردا بکند.

ص: ۴۱

قصد قربت در پوشیدن احرام و کندن دوخته

۶۹ ۲۸۴- بنابر احتیاط واجب،(۱)هنگام پوشیدن جامه احرام، نیت و قصد امر الهی و اطاعت او جلّ جلاله، واجب است؛ (۲) و احتیاط مستحب آن است که هنگام کندن جامه دوخته هم، قصد اطاعت کند.

شرط لباس احرام از حیث صحت نماز در آن

۷۰ ۲۸۵- در جامه احرام،صحت نماز شرط است؛ (۳)پس احرام در جامه حریر و غیر مأکول (۴) و جامه متنجّس به نجاستِ غیر معفوٍّ در نماز، کفایت نمی‌کند.

لباس بدن نما

۷۱ ۲۸۶- لنگ باید نازک و بدن‌نما نباشد؛ و همچنین است بنابر احتیاط مستحب (۵) ردا. (۶)

لباس احرام زن

۷۲ ۲۸۷- لباس احرام زن، بنابر احتیاط واجب، (۷)از حریر خالص نباشد؛ بلکه احتیاط آن است که تا آخرِ احرام، حریر نپوشد.

۷۳ ۲۸۸- زن می‌تواند (۸) در لباس خودش- به هر نحو که باشد دوخته یا ندوخته (۹)- محرم شود؛ ولی حریر محض نباشد.(۱۰)

۱- آیة اللَّه فاضل: برای مردان که لباس احرام می‌پوشند واجب است آن را با قصد قربت بپوشند و زنان نیزلازم است نیت کنند لباسی را که پوشیده‌اند لباس احرام آنهاباشد.

۲- آیة اللَّه بهجت و آیة اللَّه سیستانی: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است.

۳- آیة اللَّه بهجت: بنابر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس. مناسک شیخ،ص ۱۴.

۴- آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان.

۵- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیة اللَّه سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمتی از إزار بدن نما نباشد، ولی این شرط در ردا معتبر نیست. مناسک، مسأله ۱۹۳.

آیة اللَّهصافی، آیة اللَّه گلپایگانی: معظم‌له در مناسک فارسی احتیاط وجوبی و در مناسک عربی فتوا می‌دهند به اینکه بدن‌نما نباشد.

۶- آیة اللَّه خامنه‌ای: بدن‌نما بودن ردا مانع ندارد، مشروط بر این‌که ردا بر آنصدق کند.

۷- آیة اللَّه بهجت: اما زنان بنابر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند، گرچه احتیاط در ترک آن‌است. و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام. مناسک شیخ،ص ۱۵.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی،صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد.

۸- نظریه آیات عظامصافی، فاضل، گلپایگانی: در واجبات احرام پوشیدن لباس گذشت.

۹- آیهٔاللَّه مکارم: و به هر رنگ باشد.

۱۰- آیهٔ اللَّه بهجت: در مسأله قبلی جواز آن گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زنان می‌توانند در لباس‌های عادی خود، درصورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد، احرام ببندند.

ص: ۴۲

طهارت لباس احرام

۷۴ ۲۸۹- آیا طهارت لباس احرام یا سایر شرایط لباس نمازگزار، شرطصحتِ احرام نیز هست، و آیا با ترک عمدی آن، احرامصحیح است؟ (۱)

اگر جامه احرام یا بدن نجس شود

۷۵ ۲۹۰- اگر جامه احرام (۲) در هنگام اعمال یا غیر آن، نجس شود، بنابر احتیاط واجب (۳)باید تطهیر یا تبدیل شود؛ و احوط (۴)درصورت نجاست بدن در حال احرام، مبادرت به تطهیر است.

۷۶ ۲۹۲- اگر جامه احرام یا بدن تطهیر نشود، کفّاره ندارد.

۱- آیات عظام بهجت، فاضل، تبریزی: شرطصحّت نیست؛ آیهٔ اللّه سیستانی: ولی واجب مستقل است که لباس احرام را بپوشد و شرط آن، طهارت است ولی اگر لباس احرام نپوشد یا لباسش نجس باشد احرامصحیح است.

آیات عظام:صافی، مکارم و نوری: لباس احرام باید مثل لباس نمازگزار پاک باشد و سایر شرایط لباس نمازگزار را نیز باید داشته باشد.

آیهٔالله خامنه‌ای: جامه احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد. بنابراین احرام بستن در جامه حریر یا جامه‌ای که از اجزای حیوان حرام گوشت یا مردار تهیه شده باشد و یا جامه‌ای که به نجاستی نجس شده باشد که در نماز از آن عفو نشده است کفایت نمی‌کند.

۲- آیهٔاللّه فاضل: یا لباسی که زنِ محرم پوشیده.

۳- آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

آیهٔ اللّهصافی: احتیاط مستحبّ آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نیز نجس شود نجاست را از آن زایل کند. مناسک فارسیص ۴۴، مسأله ۳۵.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: از مناسک فارسیص ۲۷، مسأله ۳۵- مطابق متن، احتیاط وجوبی استفاده می‌شود ولکن در مناسک عربیص ۷۷- احتیاط استحبابی فرموده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: این حکم واجب است.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنابر اظهر مناسک، مسأله ۱۹۷.

آیهٔ اللّه سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط استحبابی است.

ص: ۴۳

اضطرار به پوشیدن لباس دوخته

۷۷ ۲۹۵- اگر محرم- به خاطر سرما یا غیر آن (۱)ناچار به‌پوشیدن قبا یا پیراهن شود، می‌تواند بپوشد، (۲) ولی باید قبا را پایین و بالا کنـد و به‌دوش بینـدازد و از آستین آن، دسـتش را بیرون نیاورد؛ و احوط (۳) پشـت و رو نمـودن آن است؛ و همچنین پیراهن را نیز باید به‌دوش بیندازد و نپوشد؛ ولی اگر اضطرار، به غیر از پوشیدن دوختنی، رفع نمی‌شود، می‌تواند بپوشد، هر چند باید کفّاره بدهد.

(۴)۷۸ ۲۹۶- اگر کسی به خاطر عذر، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات، نیت کند و لبّیک بگوید و کافی است؛ و هر وقت عـذرش برطرف شد، جامه دوخته را بکند، و لباس احرام بپوشد؛ و لازم نیست به میقات برگردد؛ ولی برای پوشیدن لباس دوخته، باید یک گوسفند قربانی (۵) کند.

جواز بیرون آوردن لباس احرام در حال احرام

۷۹ ۲۹۷- لازم نیست جامه احرام همیشه در تن باشد، بلکه تعویض و بیرون آوردن هر دو جامه، برای شستن و حمام رفتن و هر حاجتی، (۶)جایز است.

احرام در لباس غیر احرام

۸۰ ۲۹۸- اگر کسی لباس احرام را عمداً نپوشد، یا در حال احرام، لباس دوخته بپوشد، اگر از روی

۱- آیهٔ اللّه فاضل: مثل نیافتن ردا و ازار

۲- آیهٔ اللّه گلپایگانی: ولی باید برای آن کفّاره بدهد و نظر ایشان نسبت به بقیه مسأله به دست نیامد.

۳- آیـهٔ‌اللّه سیستانی: واجب این است که پشت و رو کنـد و دست از آستین آن بیرون نیـاورد و یـا این که آن راپـایین و بالا کنـد و بپوشد.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط استحبابی است؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.

۴- . آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: و بنابر احتیاط کفّاره هم بدهد.

آیهٔ اللّهصافی: ولی باید برای آن کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه مکارم: یعنی به طور معمولی بپوشد.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: اگر بر اثر سـرما وماننـد آن، نـاگزیر به پوشـیدن جامه دوخته باشـد، می‌توانـد از لباس‌های معمولی ماننـد پیراهن استفاده کند، اما نباید آن را بپوشد، بلکه آن را بهصورت برعکس بالا به پایین یا پشت و رو، به روی خود بیندازد.

۵- نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۵۰۰ آمده است.

۶- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و غیر حاجت.

ص: ۴۴

عذر نباشد، معصیت کرده، ولی بهصحت احرام او ضرر نمی‌رساند. (۱)

گره زدن لباس احرام

۸۱ ۲۹۹- گره زدن لباس احرام، اشکال ندارد (۲)ولی بنابر احتیاط واجب، (۳)لنگ را به گردن گره نزنند؛ و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد، احتیاط آن است که فوراً باز کند، و احرامشصحیح و کفّاره ندارد.

وصل کردن جامه احرام با سنجاق و مانند آن

۸۲ ۳۰۰- گذاردن سنگ و مانند آن، در جامه احرام و بستن با نخ و مانند آن، جایز است؛ و همچنین وصل کردن قسمتی از لباس احرام به قسمتی دیگر، با سنجاق و مانند آن، جایز است اگرچه احتیاط در ترک است. (۴)

نحوه بیرون آوردن لباس دوخته در حال احرام

۸۳ ۳۰۲- اگر کسی بعد از احرام پیراهن بپوشد، باید پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد؛ ولی اگر در پیراهن محرم شود، (۵)شکاف دادن و از پایین بیرون آوردن لازم نیست، و فقط کندن آن و

۱- آیات عظام: خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی و مکارم:صحّت احرامش خالی از اشکال نیست پس احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن، بار دیگر نیّت کند و لبّیک بگوید.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار لنگ خویش را به گردن خودبلکه مطلقا گره نزنند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیة اللّهصافی، آیة اللّه گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله بهصورت یقه پیراهن درآید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن‌که آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

۳- آیة اللّه خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست ولی گره زدن لباس احرام یا گذاشتن سنگ یا چیز دیگر در میان آن و بستن با نخ چنانچه برای بستن جلوی رداء معمول است اشکال ندارد و همچنین بستن با سنجاق.

۴- . به مسأله قبل مراجعه شود.

آیة اللّه وحید: بنا بر احتیاط واجب اگر اقوی نباشد ازار را به گردن گره نزنند، ولی سوراخ کردن آن به وسیله سوزن و مانند آن مانعی ندارد. مناسک فارسی معظم لهصفحه ۱۲۳

۵- آیةاللّه بهجت: در هر دوصورت درآوردن مخیط، باید بدون پوشاندن سر باشد. مستفاد ازصفحه ۲۰ مناسک شیخ.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: درصورت علم و عمد نظر ایشان در ذیل مسأله ۲۹۸ بیان شده است.

ص: ۴۵

پوشیدن لباس احرام لازم است و در هر دوصورت، احرامصحیح است.

استحباب طواف با لباس اول

۸۴ ۳۰۳- افضل آن است که محرم درصورت تعویض جامه احرام، برای طواف، همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است، بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است. (۱)

استفاده از پارچه ندوخته در زیر لنگ

۸۵ ۳۰۴- استفاده از پارچه ندوخته در زیر لنگ- به هر نحوی که باشد- اشکال ندارد.

۲- نیت احرام

اشاره

یکی دیگر از واجبات احرام، نیت است.

قصد ترک محرّمات

۸۶ ۳۰۵- برای محرم شدن، قصد ترک محرّمات احرام، لازم نیست؛ و اگر کسی بدون چنین قصدی، به‌قصد عمره مفرده، تلبیه بگوید، محرم می‌شود؛ و حتی کسی که می‌داند بعضی از محرّمات- مثل زیر سایه رفتن- را انجام می‌دهد، احرام اوصحیح (۲) است؛ هر چند احتیاط آن است که ترک محرّمات را نیز قصد کند؛ البته عدم لزوم قصد ترک محرّمات، (۳)در غیرِ محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند؛ اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند- مثل نزدیکی با زن در بعضی ازصور- با قصد (۴) ارتکاب آن، احرام باطل، بلکه غیر ممکن است.

۸۷ ۳۱۴- قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزای آن، مبطل نیست.

۱- آیةاللَّه خویی: نظریه معظّم له در این مسأله به دست نیامد.

۲- آیةُ اللَّه مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

۳- آیات عظام بهجت،صافی، گلپایگانی، مکارم: قصد ترک جمیع محرّمات را لازم می‌دانند.

۴- آیةُ اللَّه تبریزی: درصحّت احرام، عزم بر ترک محرّمات، از اوّل تا آخر احرام معتبر نیست.

آیةُ اللَّه خویی: بنابر قول مشهور نسبت به جماع قبل از سعی در عمره مفرده، فتواست.

آیةُ اللَّه سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل‌از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است و بنابر احتیاط حکم استمنا هم همین است. مناسک، مسأله ۱۷۸.

ص: ۴۶

وجوب اخلاص در عمره و حج

۸۸ ۳۱۵- عمره و حج(۱)از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت (۲) خداوند متعال انجام شوند.(۳)

۳- تلبیه

اشاره

۸۹ ۳۱۹- سومین واجب احرام، تلبیه است؛ وصورت آن- بنابر اصحّ- این عبارت است:

«لَبَّیْکَ، اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و اگر به عبارت ذکر شده اکتفا کند، محرم می‌شود، و احتیاط مستحب (۴)آن است که پس از چهار لبیک ذکر شده، این عبارت را بگوید:

«انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و اگر بخواهد احتیاط (۵) بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ انَّ الْحَمْدَ و النِّعْمَهَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیْکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

۱- آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین احرام.

۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

۳- آیهٔ اللَّه نوری: و باید نیّت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتّع حج تمتّع را انجام بدهد.

۴- . آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط واجب این است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی:صورت تلبیه واجب، که به‌وسیله آن احرام واقع می‌شود این است:« لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیکَ لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ» و احتیاط در این است این جمله اضافه شود:« انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلکَ لا شَریکَ لَک». آیهٔ اللَّهصافی: و بهتر اضافه یک لبیک دیگر بعد از لا شریک لک است. مناسک فارسیص ۳۸ عربیص ۵۲

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب است که بگوید: .... امّا لبّیک پنجم را نگوید ولی اگر به قصد رجا بگوید، ضرری به احرام او نمی‌زند.

۵- آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جایصورت اوّل بگوید.

ص: ۴۷

«لَبَّیکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیکَ داعیاً إلی دارِ السَّلام لَبَّیْک، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ ذَا الجَلالِ وَ الْاکْرامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِیْ و یُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّیْکَ، أتَقَرَّبُ إلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّةٍ و عُمْرَةٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ وَ هذِهِ عُمْرَةُ مُتْعَةٍ إلَی الْحَجِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها وَ بَلاغُها عَلَیْکَ».

ترجمه تلبیه

۹۰ ۳۲۰- ترجمه تلبیه- لبَّیک، اللَّهُمَّ لَبَّیک، لَبَّیک لا شَریکَ لَکَ لَبَّیک- چنین است: «اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را».

در مواردی که باید ترجمه گفته شود، اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید، کفایت می‌کند

وجوب صحیح گفتن تلبیه

۹۱ ۳۲۱-صحیح گفتن قدر واجب از تلبیه- مانندصحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز- واجب است.

حکم عاجز

۹۲ ۳۲۲- اگر کسی تلبیه را بقدر واجب نداند، باید آن را یاد بگیرد، یا کسی به او تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به‌طورصحیح بگوید.

۹۳ ۳۲۳- اگر نتواند تلبیه را یاد بگیرد، یا وقت یاد گرفتن نباشد، و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که هر طور که می‌تواند بگوید، (۱) و ترجمه‌اش را هم بگوید؛ و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب (۲)هم بگیرد.

۱- آیة اللَّه فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب‌نیز بگیرد.

۲- آیات عظام اراکی، تبریزی، مکارم: احوط این است که نایب هم بگیرد.

آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه خویی: به ذیل مسأله ۲۳۶ مناسک محشای حج مراجعه شود.

آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر نتواند یاد بگیرد هرچند بر اثر تنگی وقت باشد و نتواند آن را با تلقین نیزصحیح ادا کند، به هر نحو که می‌تواند بگوید. و در اینصورت احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد.

آیة اللَّه سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاًصدق تلبیه کند و اگرصدق نکند به احتیاط واجب، هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیـهٔ اللّٰهصافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشـد به هر طوری که می‌توانـد بخوانـد و ترجمه‌اش را به فارسـی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً، که از طرف او به‌طورصحیح بخواند. مناسک فارسی،ص **۲۹**.

آیهٔ اللّٰه نوری: نایب گرفتن لازم نیست.

ص: ۴۸

نگفتن تلبیه با فراموشی یا جهل

۹۴ ۳۲۴- اگر کسی تلبیه را به خاطر فراموشی یا ندانستن حکم نگوید، واجب است درصورت امکان، به میقات بازگردد و لبیک بگوید؛ و اگر نتواند برگردد و داخل حرم نشده، همان جا (۱)بگوید؛ و اگر داخل حرم شده، واجب است برگردد به‌خارج حرم و لبیک بگوید؛ « (۲)و اگر ممکن نیست، همان جا لبیک بگوید؛ و اگر بعد از گذشتنِ وقتِ جبران، یادش آمد،صحت عمل بعید نیست. (۳)

۱- آیات عظام اراکی، خامنه‌ای، فاضل: احرام ببندد و لبّیک بگوید.
آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.
۲- تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۶۲ گذشت.
۳- آیهٔ اللَّه بهجت: محل تأمّل است. مناسک شیخ،ص ۱۲.
چون نظریه آیات عظام این است که کسی که تلبیه را ترک نماید محرم نمی‌شود لذا تفصیل این مسأله را باید در ذیل مسأله ۲۳۶ و ۲۶۲ در مناسک محشای حج جستجو کرد.
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی:صحت عمل خالی از اشکال نیست.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در عمره باشدصحت عمل مورد اشکال است.
آیهٔ اللَّه فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج اوصحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتّع یا عمره مفرده یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتّع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات ولو به ادنی‌الحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در اینصورت کفایت از حَجّهٔالاسلام می‌کند.
آیهٔ اللَّه مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل اوصحیح است.

ص: ۴۹

وظیفه لال در تلبیه

۹۵ ۳۲۵- اخرس (لال)، باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، (۱)و نایب گرفتن کافی نیست. (۲)

کسی که لکنت زبان دارد

۹۶ ۳۲۶- کسی که لکنت زبان دارد، اگر نمی‌تواند تلبیه راصحیح بگوید، ولو با تلقین، (۳)احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید. (۴)

غلط گفتن تلبیه

۹۷ ۳۲۷- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، چنانچه (۵)از روی عمد بوده،حج

۱- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف اوبه‌طورصحیح بگوید.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که به‌جای او تلبیه بگوید. مناسک، مسأله ۱۸۰.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: احوط آن است که نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می‌داند، به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

۳- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: ترجمه‌اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف او به‌طورصحیح تلبیه را بگوید.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی و آیهٔ اللّه فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مساله ۳۲۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه مکارم: احوط این است که در اینصورت نایب هم بگیرد.

آیهٔاللّه خویی: می‌تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست. و نیز اخرس گنگ ولال کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنابه نیز هست. تعلیقه عروه، ج ۲،ص ۳۶۱ و مناسک، مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰.

آیهٔ اللّه سیستانی: به ذیل ۳۲۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: و نایب هم بگیرد رجاءً.

۵- آیهٔاللّه فاضل: با توجه به این که عالم به حکم بوده، اگر نسبت به موضوع جاهل بوده؛ یعنی نمی‌دانسته‌تلبیه را غلط می‌گوید، حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد که حکم آن ذکر شده است.

ص: ۵۰

اوصحیح نیست؛ و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده،صحت عمل بعید نیست. (۱)

عدم جواز تأخیر تلبیه

۹۸ ۳۲۹- تأخیر لبیک واجب از میقات، جایز نیست(۲)و درصورت تأخیر، باید به‌دستوری که در مسأله ۲۶۲ ذکر شد، عمل شود.

استحباب تکرار تلبیه

۹۹ ۳۳۰- تکرار تلبیه و زیاد گفتن آن هر قدر ممکن باشد، مستحب است؛ و برای هفتاد مرتبه گفتن، ثواب زیادی ذکر شده است؛ و جهت تکرار، گفتن «لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْک» یا «لَبَّیْک» کافی (۳)است.

زمان قطع تلبیه

۲/ ۹۹ /۲ ۳۳۰- کسی که از داخل حرم خارج شده و در ادنی الحل محرم شده، با مشاهده کعبه تلبیه را قطع و کسی که ابتداءً در خارج حرم بوده و محرم شده، با ورود به حرم، تلبیه را قطع می‌نماید.

وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه

۱۰۰ ۳۳۱- وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه، چه حکمی دارد؟ (۴)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: به مسأله ۲۶۲ و ۳۲۴ و ۲۴۰ در مناسک محشی مراجعه شود.

برای اطلاع از نظریه مراجع، به ذیل مسأله ۲۶۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر در احرام عمره بوده،صحّت عمل او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر به مقدار تمکن تلبیه را گفته است و غلط بودن آن به حدی نبوده است که‌صدق تلبیه نکند، چیزی بر او نیست. در غیر اینصورت، اگر در احرام عمره باشد بنابر احتیاط واجب عمل باطل است و اگر در احرام حج باشدصحیح است.

۲- آیهٔ اللّه خویی: کسی که می‌خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکّه فاصله دارد تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

۳- آیهٔ اللّه مکارم: به‌قصد رجاء.

۴- آیهٔ‌اللّه بهجت: با نماز فرقی ندارد که وصول به سکون، جایز؛ و وقف به حرکت عمداً، تکلیفاً جایز نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تلبیه باید نزد اهل لسان‌صحیح باشد.

آیات عظام: تبریزی، سیستانی،صافی، فاضل و مکارم: مانعی ندارد بهتر رعایت است.

آیهٔ اللَّه نوری: احتیاط واجب در مراعات است.

ص: ۵۱

فصل چهارم: مستحبات احرام

اشاره

۱۰۱ ۳۳۳- مستحبات احرام: (۱) ۱- پاکیزه نمودن بدن و گرفتن ناخن و شارب و ازاله موی زیر بغل و عانه.

۲- رها کردن موی سر و ریش (۲) برای قاصد حج، از اول ماه ذی‌قعده و برای قاصد عمره مفرده، پیش از یک ماه.

غسل احرام

۳- غسل احرام در میقات.(۳) غسل احرام از زن حایض و نفساء نیزصحیح است.(۴)

تقدیم غسل احرام و اعاده آن

تقدیم این غسل به‌خصوص درصورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است؛ و درصورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد، اعاده مستحب است.

بعد از غسل احرام، اگر لباسی بپوشد، یا چیزی که بر محرم حرام است، بخورد، باز هم اعاده مستحب است.

مقدار زمان کفایت غسل احرام

اگر غسل در روز انجام شود، تا آخر شب آینده، کفایت می‌کند؛ و همچنین اگر در شب انجام

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: پاره‌ای از مستحبّات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است، پس باید رعایت آن‌ها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به‌قصد رجا به‌جا می‌آورد.

۲- آیهٔ اللّٰه مکارم: و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده‌اند و این قول گرچه ضعیف است احوط است.

۳- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: مستحب مؤکّد است که پیش از احرام غسل کند، بلکه احتیاط آن است که ترک نشود.

۴- آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و کسی که به خاطر عذر تمکّن از غسل ندارد، رجاءً بدل از غسل تیمّم نماید. آداب و احکام حج،ص ۴۱۰.

ص: ۵۲

شود، تا آخر روز آینـده کافی است؛ ولی اگر بعـد از غسل و پیش از احرام، محدث به حدث اصـغر شود، غسل را اعاده نماید. (۱)»

۴- بودن دو جامه احرام از پنبه. (۲)

مراتب استحباب زمان احرام

۵- بستن احرام به ترتیب ذیل:

درصورت تمکن، بعد از فریضه ظهر؛

و درصورت عـدم تمکن، بعد از فریضه دیگر، (۳) و درصورت عـدم تمکن از آن، بعـد از شـش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمـد، سوره توحیـد، و در رکعت دوم، سوره جحـد را بخواند؛ و شـش رکعت، افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد و بر پیغمبر و آل اوصلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَانِّی عَبْدُکَ، وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اوْقی إلَّا ما وَقیتَ، وَ لا آخُذُ إلَّا ما أعْطَیْتَ، وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأسْألُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَصَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِه، وَتُقَوِّیَنی عَلی ما ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِی مَناسکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. أللَّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ، وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. أللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَ عُمْرَتِی. أللَّهُمَّ إنّی اریْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَصَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لِی عارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَخَلِّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ. أللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَ الطِّیبِ، أبْتَغِی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدارَ الْآخِرَةَ».

۶- خواندن این دعا هنگام پوشیدن دو جامه:

۱- آیـهٔ اللّه بهجت: در انتقاض غسل سابق به غیر نوم، تأمّل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آن‌که اعاده، شبیه به مسـتحب در مستحب است. مناسک شیخ،ص ۶.

۲- آیـهٔ اللّهصافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: و بهتر آن است که در پارچه سـفید محرم شود و نیّت احرام و نیّت پوشـیدن جامه احرام بلکه نیّت کندن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

۳- آیات عظام بهجت، فاضل: درصورت عدم تمکن از فریضه ادا، بعد از فریضه قضا محرم شود.

ص: ۵۳

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اواری بِهِ عَوْرَتی، وَ اؤَدِّی فِیْهِ فَرْضی، وَ أعْبُدُ فِیْهِ رَبِّی، وَ أنْتَهی فِیْهِ إلی ما أمَرَنی، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنی، وَ أرَدْتُهُ فَأعانَنی وَ قَبِلَنی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلاذِی وَ رَجائی وَ مَنْجایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

موارد استحباب تکرار تلبیه

۷- تکرار تلبیه‌ها در حال احرام؛ خصوصاً در:

وقت برخاستن از خواب؛

بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

وقت رسیدن به سواره؛

هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن؛

وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

آخر شب و اوقات سحر.

تکرار تلبیه در موارد ذکر شده در عمره تمتّع تا دیدن خانه‌های مکه و در حج تا ظهر روز عرفه، است. (۱)

مکروهات احرام

۱۰۲ ۳۳۴- مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه،(۲) و افضل، احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رخت (۳) و بالش زرد رنگ.

۳- احرام بستن در جامه چرکین؛ و اگر جامه در حال احرام چرک شود، بهتر ترک شستن آن در حال احرام است. (۴)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

آیـهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بلکه اولی ترک پوشـیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضـی روایات معتبره استثنا شده است.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: بر بالش سیاه رنگ

۴- آیهٔ اللّه مکارم: ولی می‌تواند آن‌ها را تبدیل به احرامی تمیز کند.

ص: ۵۴

۴- احرام بستن در جامه راه راه. (۱) ۵- استعمال حنا (۲)پیش از احرام، درصورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن، (۳) و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او راصدا نماید.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام، هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام. مناسك شیخ،ص ۸.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

آیهٔ اللَّه مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.

۴- آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین ساییدنصورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

ص: ۵۵

فصل پنجم: محرّمات احرام

میزان ثبوت کفّاره در محرّمات احرام

۱۰۳ ۳۳۵- کسی که با جهل، یا نسیان حکم یا موضوع و یا غفلت، محرّمات احرام را مرتکب شود، کفّاره بر او واجب نمی‌شود، مگرصید که در هرصورت کفّاره دارد؛ پس در غیرصید، ارتکاب عمدیِ محرّمات کفّاره دار، موجب ثبوت کفّاره است. (۱)

۱- محرّمات مشترک بین مردان و زنان

۱- شکار

اشاره

اول- شکار (۲)صحراییِ وحشی، مگر درصورت ترس از آزار آن.

۱۰۴ ۳۳۶- خوردن گوشت شکار، بر محرم حرام است؛ چه خودش آن را شکار کند یا غیر او، و چه محرم شکار کند یا غیر محرم.(۳)

۱۰۵ ۳۳۷- نشان دادن شکار به شکارچی، و همین طور کمک به او به هر نحوی، حرام است.

۱۰۶ ۳۳۸- اگر مُحرمیصید را ذبح کند- بنابر مشهور- در حکم (۴) میته است؛ و بنابر احتیاط

۱- تذکر: در برخی موارد دیگر از قبیل مقاربت با فراموشی طواف فریضه یا سعی، و دست بر ریش کشیدن و روغن مالی با جهل، مطابق برخی فتاوی کفاره ذکر شده است که در جای خود بدان اشاره شده است.

۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: شکار و کشتن حیوانات مگر مواردی که در مناسک استثناء شده است.

۳- آیهٔ اللَّه سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر حرم شکار کرده باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه.

۴- آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: میته است.

آیهٔ اللَّه فاضل: ایشان بین ذبح و شکار با تیر تفصیل دارند به مناسک مراجعه شود.

ص: ۵۶

واجب (۱) هم این حکم هم در باره درباره محرم و هم مُحِل جاری است.

۱۰۷ ۳۳۹- شکار دریایی مانع ندارد؛ و آن، حیوانی است که هم تخم و هم جوجه را در دریا کند. (۲)۱۰۸ ۳۴۰- ذبح و خوردن حیوانات اهلی- مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر- مانع ندارد.

۱۰۹ ۳۴۱- پرندگان و ملخ، جزو شکارصحرایی می‌باشند.

حکم ملخ و کفاره آن

۳۴۲۱۱۰- گاهی در شهر مکه به قدری ملخ زیاد است که هنگام راه رفتن، پا روی آنها گذاشته می‌شود، در این‌گونه مواقع، آیا مواظبت لازم است، و درصورت لزوم اگر مراقبت نکند و ملخی کشته شود، کفاره آن چیست؟ (۳)۱۱۱ ۳۴۳- کشتن زنبور (۴)اگر قصد اذیت نداشته (۵) باشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۱- . آیات عظام: تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: بنابر فتوی

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر محرم در بیرون حرمصید را با شکار کردن یا پس از آن کشته باشد، بنابر احتیاط خوردن آن گوشت بر مُحلّ نیز حرام است و همچنین حرام است بر مُحلصیدی که آن را محل یا محرم در حرم شکار یا ذبح کرده باشد.

۲- آیهٔ اللّه نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند. آیهٔ اللّه فاضل: به نظر عرف. آیهٔ اللّه مکارم: و زندگی در دریا کند بنابر احتیاط واجب.

۳- حکم کفاره با فرض مواظبت:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی،صافی، مکارم: چنانچه نتواند خود داری کند چیزی بر او نیست.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفّاره دارد و درصورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفّاره ندارد. مناسک، م ۲۱۲

آیهٔ اللّه فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: در اینصورت نباید بکشد.

آیات عظام خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی: متعرض حکم مسأله نشده‌اند.

آیهٔاللّه سیستانی: نظر ایشان قبل از مسأله ۳۳۶ آمده است.

ص: ۵۷

۱۱۲ ۳۴۴- کشتن مارمولک واز این‌قبیل جانوران، از محرّمات احرام محسوب نمی‌شود.(۱)» ۱۱۳ ۳۴۵- نگاه داشتنصید حتی بر مالک آن، حرام است.(۲) ۱۱۴ ۳۴۶- پرنده‌ای که نزد کسی است (۳)و پَر در نیاورده، یا پر او را چیده‌اند، حفظ آن تا زمان درآوردن پر و رها نمودن آن، واجب است؛ (۴)بلکه وجوب(۵) حفظ بچه‌صید- مثل آهو بره- نیز تا بزرگ شدن و رها کردن، بعید نیست.

۱۱۵ ۳۴۷- هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است. (۶)

۲- مسائل زناشویی

اشاره

۱۱۶ دوم- جماع و تقبیل و دست زدن (۷)با شهوت و نگاه (۸) به شهوت، بلکه هر گونه لذت و تمتّعی بردن. (۹)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اشکال دارد.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: جایز نیست مگر او را اذیت کند. المسائل الشرعیه، ج ۱، ۳۳۱، کشتن یک نوع مارمولک عظایهٔ کفاره آن یک مشت طعام است.

آیهٔ الله سیستانی: حرام است. مراجعه شود به حاشیه قبل از مسأله ۳۳۶.

آیهٔ اللهصافی: اگر اذیت کند، از محرمات محسوب نیست.

آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیهٔ الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنابراحتیاط واجب مگر حیوانات موذی.

۲- آیهٔ اللّه فاضل: اگر قبل از احرام با خود آورده باشد باید آن را رها کند و با خود نگاه ندارد.

آیهٔ الله سیستانی: چه خودش آن را شکار کرده باشد، پیش از احرام یا بعد از آن، و چه دیگری شکار کرده باشد و چه شکار در حرمصورت گرفته باشد، چه در بیرون آن، اگر با خود همراه داشته باشد مناسک، مسأله ۲۰۱.

آیهٔ اللهصافی، آیهٔ الله گلپایگانی: اگرصید را با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون می رود و باید آنرا رها کند.

۳- آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: در موردی که دلیل خاص نباشد واجب نیست.

۵- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۶- آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست حرمت برداشتن، شکستن و خوردن تخم آن ها بر محرم، و به احتیاط واجب نباید دیگری را در این امر کمک کند.

۷- آیهٔ اللّه سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

۸- آیهٔ اللّه سیستانی: درصورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود، لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

۹- آیهٔ اللّه نوری: از زن.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: محرم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه، از عیال خود لذت ببرد بنابراظهر مانند التذاذ ازصدا و یا سخن گفتن با او گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقا. مناسک، مسأله ۲۳۱.

ص: ۵۸

من يجب عليه الكفّارة عند الإجبار

۱۱۷ ۳۵۴- اگر محرمی با زن محرمه خود، از روی اجبارْ جماع کنـد، بر زن چیزی نیست؛ و مرد بایـد علاوه بر کفاره خود، کفاره او را هم بدهد؛ (۱) و اگر زن هم راضی باشد، کفّاره بر خود اوست و مرد فقط باید کفاره خودش را بدهد.

حلّيةُ التذاذ الزوج بعد الخروج عن الإحرام

۱۱۸ ۳۵۵- شوهر پس از این که از احرام خارج شـد، می‌توانـد زوجه مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزنند؛ و موجب ثبوت کفّاره بر مرد نمی‌شود؛ (۲) ولی اگر زن نیز لذت می‌برد- بنا بر

۱- آیهٔاللّه‌سیستانی: اگر مرد زنش را مجبور به‌جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: اگر زن می‌دانـد که متلذذ می‌شود باید مانع شود و مرد بنابر احتیاط باید یک گوسـفندکفّاره بدهد. پرسـش‌های جدید، س ۶۴ و ....

آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: هرگاه شـخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند بکشد. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۳۷.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفّاره بدهد. مناسک، مسأله ۲۲۷.

آیهٔ اللّه فاضل: تحقق حرمت بر هیچ‌کدام ثابت نیست و کفّاره هم بر هیچ‌یک از آن‌ها لازم نیست.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض مسأله نشده‌اند.

ص: ۵۹

احتیاط (۱) نباید حاضر شود ولی اگر اختیار نداشته، چیزی بر او نیست.

نوع کفّاره در بقیّه موارد

۱۱۹ ۳۵۶- کفاره تقبیل زن از روی شهوت، یک شتر؛ «(۲) بدون شهوت، یک گوسفند است؛ و بنابر احتیاط مستحب، یک شتر است.

۱۲۰ ۳۵۷- در نگاه عمدی به غیر زن خود (۳) با انزال، بنابر احوط (۴)اگر می‌تواند، یک شتر؛ و اگر نمی‌تواند، یک گاو؛ و اگر آن را هم نمی‌تواند، یک گوسفند کفّاره بدهد.

۱۲۱ ۳۵۸- اگر محرم به زن خود با شهوت نگاه کند و انزالش شود، مشهور (۵) آن است که یک شتر کفّاره

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر زن احتمال می‌دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللّه فاضل: حرمت در زن محل اشکال است هرچند لذت می‌برد.

۲- آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

اگر در تقبیل همسر از روی شهوت منی خارج شود:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی و فاضل: کفاره آن یک شتر است.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: بنحو حرام، و امّا اگر انزال نشود پس جز این‌که گناه کرده چیزی بر او نیست بنابر اظهر مناسک شیخص ۱۷ و ۹۴.

۴- آیات عظام تبریزی، خویی و فاضل: چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفّاره‌اش یک شتر است درصورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد. آیهٔ اللّه سیستانی: همین نظر بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: باید یک شتر کفاره بدهد.

۵- آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و امّا اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به اونگاه کرد و منی بیرون آمد، کفّاره واجب نیست. مناسک، مسأله ۲۲۹.

ص: ۶۰

بدهد؛ ولی اگر از روی شهوت نباشد، (۱) کفّاره ندارد.

۱۲۲ ۳۵۹- دست زدن به زن بـا شـهوت و بـدون انزال، یـک گوسـفند؛ و بـا انزال بنـابر احتیاط، (۲) یـک شتر، کفّـاره دارد؛ اگرچه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

۳- عقد

سوم- عقد کردن زن برای خود یا برای دیگری چه محرم باشد یا محلّ.

۱۲۳ ۳۶۰- شاهد شدنِ محرم برای عقد، جایز نیست، (۳)اگرچه عقد برای غیر محرم باشد.

۱۲۴ ۳۶۱- شهادت بر عقد، اگرچه در حال احلال، « (۴)شاهدِ آن عقد شده باشد، احتیاط در ترک آن »(۵)است هرچند جایز بودن آن، خالی از قوت نیست.

۱- آیـة اللّه بهجت: ولی اگر از روی شـهوت نگاه کنـد و منی از او بیرون نیایـد یا بـدون شـهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید کفّاره ندارد. مناسک، مسأله ۲۲۹.

آیة اللّه تبریزی: و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود ....

۲- لمس همسر با شهوت:

بدون انزال:

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی و فاضل: یک گوسفند کفاره دارد.

با انزال:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی،صافی و گلپایگانی: یک شتر؛ آیة اللّه سیستانی: و اگر نمی‌تواند یک گوسفند.

آیة اللّه خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به امناء در حال احرام، یک شتر است.

آیات عظام: فاضل، مکارم و نوری: بنابر احتیاط یک شتر.

سایر آیات عظام با متن موافق هستند.

۳- آیات عظام مکارم، نوری: احتیاط واجب.

آیةاللّه بهجت: حاضرشدن درمجلس‌عقد وشاهد شدن برآن، برمحرم‌حرام‌است. مناسک، مسأله ۲۳۵.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد، بنابر قول مشهور، بر محرم حرام است و این قول موافق احتیاط است.

۴- آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه خویی: دلیلش ظاهر نیست.

آیةاللّهصافی، آیة اللّه گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

آیة اللّه فاضل: شهادت دادن به عقد در حال احرام جایز است، هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.

۵- آیة اللّه بهجت، آیةاللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب

ص: ۶۱

۱۲۵ ۳۶۲- خواستگاری در حال احرام، بنابر اقوی جایز است و احتیاط (۱)در ترک است.

۱۲۶ ۳۶۳- رجوع به مطلقه رجعیّه، در حال احرام، مانع ندارد.

۱۲۷ ۳۶۴- اگر محرم زنی را با علم به حکم، برای خود عقد کند، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود؛ واگر با جهل به حکم عقد کند، عقدْ باطل است، ولی حرام دائمی (۲) نمی‌شود، هرچند احتیاط آن است (۳)» که با آن زن ازدواج نکند؛ خصوصاً اگر با او نزدیکی هم کرده باشد.

۱۲۸ ۳۶۵- در احکام ذکر شده، ظاهراً فرقی بین عقد موقّت و دائمی نیست.

۱۲۹ ۳۶۶- اگر محلّ، محرمه‌ای را عقد کند، احتیاط آن است (۴) که با او نزدیکی نکند و او را طلاق داده و هیچ وقت با او ازدواج نکند.

۱۳۰ ۳۶۷- اگر کسی زنی را برای محرمی عقد کند، اگر هر سه عالم به حکم (۵) باشند، با فرض دخول، بر هر یک از آنها، یک شتر کفّاره است؛ و بدون دخول، کفّاره ندارد؛ و این حکم ثابت است چه زن و عاقد، مُحِلّ باشند یا محرم؛ ولی اگر بعضی از آن‌ها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند، فقط بر آن‌که می‌داند، کفّاره است.

۴- استمناء

۱۳۱ ۳۶۸- چهارم- استمناء با دست یا غیر آن، هرچند به‌خیال، یا ملاعبه با شخصی، یا حتی همسر خود، به‌هر نحو که باشد، درصورت خروج منی، کفاره آن یک شتر است. (۶)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

۲- آیهٔ اللَّه نوری: درصورت عدم دخول، و درصورت دخول حرام دائمی می‌شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر جاهل بود حرام ابدی نمی‌شود، اگرچه دخول کند، بنابر اظهر و اشهر. کتاب نکاح،ص ۴۸.

۳- آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط مستحب است.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط اتّحاد حکم مرد و زن است بلکه خالی از وجه نیست. کتاب نکاح،ص ۴۸.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی،صافی، فاضل و گلپایگانی: درصورتی که زن محرم باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده است موجب حرمت ابدی هم می‌شود. آیهٔ اللَّه سیستانی: حکم اخیر مبنی بر احتیاط است.

۵- آیات عظام: بهجت، سیستانی: و عالم به موضوع.

۶- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این درصورت علم به حکم و عمد می‌باشد.

ص: ۶۲

۵- استعمال بوی خوش

محرمات احرام

اشاره

۱۳۲ پنجم- استعمال عطریات؛ از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق (۱)عطر، هر نوع که باشد.

۱۳۳ ۳۶۹- مالیدن عطر بر بدن و لباس، جایز نیست؛ و همین‌طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، اگرچه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد، جایز نیست. (۲)

خوردن غذای خوش‌بو و زعفران

۱۳۴ ۳۷۰- اگر در خوردنی، چیزهای خوش بو- مثل زعفران- باشد، خوردن آن جایز نیست.

اضطرار به معطّر و لزوم گرفتن بینی

۱۳۵ ۳۷۱- درصورت اضطرار به پوشیدن لباس، یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد، گرفتن بینی « (۳) از بوی خوش آن، لازم است.(۴) ۱۳۶ ۳۷۲- اجتناب از گلها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد، (۵)لازم است، مگر گیاهانصحرایی،

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: حرمت در غیر طیب مسلم‌الحرمه؛ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم‌نیست، بلکه جواز آن شمّاً و استعمالًا خالی از وجه نیست، اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است.

آیهٔ‌اللَّه‌تبریزی: این‌حکم در غیرزعفران و عود وعنبر ومشک وورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللَّه خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از این‌ها است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آن‌ها مورد استفاده واقع می‌شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو وصابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط، استعمالصابون و شامپوی معطر برای محرم جایز نیست.

۲- آیهٔ اللَّه مکارم: یا پراکندن در فضا به‌وسیله اسپری و مانند آن.

۳- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: بنابر احتیاط لازم.

۴- آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این که موجب عسر و حرج باشد.

۵- آیات عظامصافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گلها اجتناب کند.

آیهٔ‌اللَّه بهجت، تبریزی و خویی: به حاشیه قبل از مسأله ۳۶۹: پنجم: استعمال عطریات مراجعه شود.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب، بایـد محرم از بوییدن هر چیز معطر اجتناب کند، هر چند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل‌ها و سبزیجات و میوه‌های خوشبو.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییـدن مورد اسـتفاده واقع می‌شود، چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود.

ص: ۶۳

مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزامی».

۱۳۷ ۳۷۳- احتیاط در اجتناب از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آن، است، هرچند اقوی، حرام نبودن آن‌ها است.(۱)

میوه‌ها و سبزی‌های خوش بو

۱۳۸ ۳۷۴- از میوه‌های خوشبو- مانند سیب و بِه- اجتناب لازم نیست، و خوردن و بوییدن آنها، مانع ندارد، ولی احتیاط، (۲)در ترک بوییدن است.

۱۳۹ ۳۷۵- خوردن نعنا و سایر سبزیهای خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟ (۳)

استفاده از صابون و شامپو

۱۴۰ ۳۷۶- اجتناب ازصابون و شامپوهای بودار، باصدق بوی خوش (۴)، لازم است و گرنه مانعی ندارد. (۵)

گرفتن بینی از بوی بد

۱۴۱ ۳۷۷- گرفتن دماغ از بوی بد، بنابر اقوی(۶)حرام است؛ ولی شتاب برای دور شدن از آن مانعی ندارد.

۱۴۲ ۳۷۸- خرید و فروش عطریات، اشکال ندارد؛ ولی بو کردن و استعمال، جایز نیست.

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: حرمت شامل آن‌ها نیز می‌شود.

نظریه آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی: اولی این است که از بوییدن آن‌ها هنگام خوردن خودداری شود.

آیات عظام خامنه‌ای،صافی، خویی، گلپایگانی و سیستانی: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آن‌ها اجتناب کند.

۳- آیات عظام: بهجت، تبریزی: جایز است؛ آیهٔاللّه سیستانی: ولی بنابر احتیاط واجب از بوییدن دوری کند.

آیات عظام:صافی، فاضل و مکارم: بنابر احتیاط واجب دوری شود.

آیهٔ اللّه نوری: جایز نیست.

۴- آیات عظام: بهجت، خویی، خامنه‌ای و سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست.

۵- آیهٔ اللّه مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

۶- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب. مناسک، مسأله ۲۴۱.

آیهٔ اللّه فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفّاره ندارد.

ص: ۶۴

کسی که بو احساس نمی‌کند

۱۴۳ ۳۷۹- کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کند، الف: استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس چه حکمی دارد؟ ب: گرفتن بینی از بوی بد بر او حرام است یا نه؟ (۱)

خلوق کعبه

۱۴۴ ۳۸۰- بنابر مشهور، استعمال «خلوق»- که کعبه معظّمه را بـا آن خـوش بو می‌کننـد- حرام نیست، ولی چون معلوم نیست که خلوق چیست، (۲) احتیاط (۳) در اجتناب از بوی خوش آن است.

کفاره بوی خوش

۱۴۵ ۳۸۱- کفاره استعمال بوی خوش- بنابر احتیاط واجب (۴) یک گوسفند است.

۱۴۶ ۳۸۲- در استعمال مکررِ (۵) بوی خوش در وقتِ واحد، کفایت یک گوسفند بعید نیست، هرچند

۱- الف: آیـات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، سیسـتانی و فاضل: اسـتعمال طیب برای او جایز نیست؛ آیـهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط جایز نیست.

ب: آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی و مکارم: با فرض این که بویی احساس نمی‌کند، گرفتن بینی حرام نیست.

آیات عظام: خامنه‌ای،صافی و فاضل: جایز نیست.

۲- آیهٔ اللّه فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می‌شود.

۳- . آیـهٔ اللّه بهجت: این احتیـاط درصورتی است که معلوم باشـد دخول آنچه جـایز نیست بوییـدن آن و لو به‌حسب احتیـاط ممنوع باشد در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه که خوشـبو کننده کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن و الّا اقوی عدم حرمت است. مناسک شیخ،ص ۱۹.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می‌شـده است، ولی بعیـد نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد و بتوان آن را استشمام کرد.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: کفّاره‌اش بنابر مشـهور یک گوسـفند است، ولی ثبوت کفّاره در غیر خوردن، محل اشکال است هرچند احوط کفّاره دادن است. مناسک، م ۲۴۰.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: هرگاه محرم عمـداً مقـداری از چیزهای خوشـبو را بخورد و یا چیزی را بپوشـد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانـده باشـد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسـفند کفّاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد، در اسـتفاده از بوی خوش، کفّاره واجب نیست، هرچند احوط کفّاره دادن است. مناسک، مسأله ۲۴۰.

آیهٔ اللّه فاضل: درصورت علم و عمد.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: با تخلل تکفیر کفّاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه گذشت کفّاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و درصورت تکرار احتیاط در تعدّد کفّاره است.
آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تکرّر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفّاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفّاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفّاره تأثیری ندارد.
آیهٔ اللّه گلپایگانی: درصورت تکرار کفّاره هم تکرار شود. مناسک عربی،ص ۹۸.

ص: ۶۵

احتیاط در تعدّد است؛ و در فرض استعمال در چند وقت، این احتیاط (۱) ترک نشود.

اگر بعد از استعمال بوی خوش، کفّاره داده شود و مجدّداً استعمال شود، کفّاره تکرار می‌شود.(۲)

۶- سرمه کشیدن

۱۴۷ ۳۸۳- ششم- سرمه کشیدن به سیاهی (۳)زینتی هرچند قصد زینت (۴) نکند. و احتیاط واجب، اجتناب از هر سرمه زینتی است؛ و اگر بوی خوش «(۵)داشته باشد- بنابر اقوی- حرام است.

۱- آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر اقوی کفّاره را باید متعدد بدهد.

۲- آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کفّاره با تعدّد لبس یا خوردن طیب مکرّر می‌شود چه در بین آن کفّاره داده باشد یا نداده باشد.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: از سرمه سیاه بدون قصد زینت بنابر احتیاط واجب اجتناب کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود، بر محرم جایز نیست، همچنین خط کشیدن به دور چشم‌ها که زنان انجام می‌دهند، جایز نمی‌باشد و در این مورد تفاوتی میان رنگ سیاه و دیگر رنگ‌ها وجود ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه‌ای که زینت حساب شود، اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و امّا سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هرصورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد. مناسک، مسأله ۲۴۶.

آیهٔ اللَّه مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

۴- آیهٔاللَّه تبریزی و آیهٔاللَّه خویی: از سرمه غیر سیاه با قصد زینت بنابر احتیاط دوری کند.

آیهٔاللَّه بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد. مناسک، مسأله ۲۴۶.

۵- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگر به‌قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد. مناسک شیخ،ص ۲۱.

نظریه آیات عظام در قسم پنجم از محرّمات احرام گذشت.

ص: ۶۶

۱۴۸ ۳۸۴- سرمه کشیدن در حال احرام، برای مرد نیز حرام است و به زن اختصاص ندارد.

۱۴۹ ۳۸۵- سرمه کشیدن درصورت نیاز، مانعی ندارد.

۱۵۰ ۳۸۶- در سرمه کشیدن، کفّاره نیست (۱) ولی اگر در آن بوی خوش باشد، احتیاط «(۲) در کفّاره دادن است.

۷- نگاه در آینه

اشاره

هفتم- نگاه در آینه.(۳)۱۵۱ ۳۸۷- در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

۱۵۲ ۳۸۸- نگاه کردن به اجسامصیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نیز نگاه کردن در آبصاف، اشکال (۴)ندارد.

عینک زدن و فیلمبرداری

۱۵۳ ۳۸۹- عینک زدن اگر (۵) زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود (۶)جایز نیست. (۷)

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر سرمه سیاه را به‌قصد زینت بکشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفّاره دارد و در سرمه‌سیاه که به‌قصد زینت نباشد یا سرمه‌ای که به‌قصد زینت می‌کشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفّاره دادن است.

آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفّاره دهد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند کفّاره بدهد.

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر بوی خوش آن، در لحظه سرمه کشیدن، قابل استشمام باشد، اقوی کفّاره دادن است، وگرنه احتیاط مستحب در کفّاره دادن است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: یک گوسفند اگر عمداً باشد.

۳- آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، خامنه‌ای، وحید و مکارم: اگر به قصد زینت نباشد، مانعی ندارد.

۴- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی و مکارم: آب زلال و اجسامصیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

۵- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر به‌قصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۶- آیهٔ اللّٰه فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

۷- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می‌شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: درصورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است. مناسک، مسأله ۲۴۷.

ص: ۶۷

۱۵۴ ۳۹۰- عکس برداری و فیلم برداری هنگام احرام، اگر معلوم نیست (۱)که در آینه نظر می‌شود، اشکال ندارد.

علم به نگاه سهوی به آینه

۱۵۵ ۳۹۱- اگر در جایی- مانند اتاق- آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آن می‌افتد، اشکال ندارد، ولی احتیاط آن است که آن را بپوشاند.

نگاه به آینه برای غیر زینت

۱۵۶ ۳۹۲- نگاه به آینه، اگر چه برای زینت هم نباشد، احتیاط (۲)در ترک آن است.

نگاه در آینه برای دیدن خود و غیر

۱۵۷ ۳۹۳- در حرمت نظرکردن در آینه- بنا بر احوط- فرقی بین نگاه برای دیـدن خود و یا برای دیـدن ماشـین و غیره و یا مثلًا برای علاج درد، نیست. (۳)

نگاه در آینه، کفّاره ندارد

۱۵۸ ۳۹۴- در نظر کردن به آینه، کفّاره (۴)نیست، ولی مستحب است (۵)که بعد از نگاه کردن، لبیک بگوید.

محرمات احرام

۸- فسوق

هشتم- فسوق.

۱- بر فرضصدق نظر در آینه بودن هم، گذشت حکم آن که: طبق نظر بسیاری بدون قصد زینت جایزاست.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست، چه به‌قصد زینت باشد و چه نباشد. مناسک عربی،ص ۸۹.

۳- آیـات عظـامی که نظر به آینه را بـدون قصـد زینت جـایز می‌داننـد، در این مسأله نیز قائل به جواز هسـتند، به مسایل قبل مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط استحبابی یک گوسفند است. مناسک، مسأله ۲۴۷.

آیهٔ اللَّه خویی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. مناسک، مسأله ۲۴۷.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: کفّاره‌اش استغفار است. آراء المراجع،ص ۱۵۳.

۵- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احتیاط واجب است.

ص: ۶۸

۱۵۹ ۳۹۵- فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد (۱) بلکه فحش دادن و فخر (۲) به دیگران، نیز فسوق است.

در فسوق، غیر از استغفار کفّاره نیست، و مستحب است چیزی کفّاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

۹- جدال

اشاره

نهم- جدال؛ و آن گفتن «لا وَاللَّه» و «بَلی وَاللَّه» است.

۱۶۰ ۳۹۶- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بَلی و در سایر لغات، مرادف (۳)آن؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتی (۴)در جدال ندارد، بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

قسم به لفظ خدا و دیگر اسمای الهی

۳۹۷۱۶۱- قَسَم اگر به لفظ «اللَّه» باشد یا مرادف آن؛ مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال (۵) است؛ و اما قَسَم به غیر خدا، به هر کس باشد، ملحق به جدال نیست.

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: اظهر مقیّد بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آن‌که بر غیر محرم حرام‌باشند. مناسک شیخ،ص ۲۲.

۲- آیـهٔ اللَّه تبریزی: فخر کردن بر دیگران، اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

آیـهٔ اللَّه خویی و آیـهٔ اللَّه سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهـانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکّد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

آیهٔ اللَّه فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

۳- آیات عظام: تبریزی، فاضل، گلپایگانی: در مرادف احتیاط شود.

۴- آیهٔ اللَّه فاضل و آیهٔ اللَّه خویی: کلمه لا و بلی دخالت در مطلب دارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه« آری واللَّه» و« بله واللَّه» و« نه واللَّه» ملحق به آن است.

۵- آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف« اللَّه» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشـد اظهر عـدم الحاق است و اگر به لفظ جلاله باشـد ظاهر تحقّق حرام به مجرّد آن است. مناسک شیخ،ص ۲۲.

آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً لفظ« اللَّه» بدون« لا» و« بلی» جدال محرّم نیست و مرادف« اللَّه» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که از قسم خوردن به نام‌هایی که ترجمه واژه اللّه به زبان‌های دیگر است- مانند کلمه خدا در زبان فارسی- اجتناب کند، همچنین بنابر احتیاط واجب، باید از قسم خوردن به نام‌های خداوند مانند رحمن، رحیم، قادر، متعال و ... در حال منازعه خودداری نماید.

ص: ۶۹

۱۶۲ ۳۹۸- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء اللّه، به لفظ جلاله است، پس اگر کسی به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سموات وارض»، قَسَم بخورد- بنابر احتیاط واجب- جدال محسوب می‌شود.(۱) ۱۶۳ ۳۹۹- در مقام ضرورت، برای اثبات حق، یا ابطال باطلی، قَسَم به جلاله و غیر آن، (۲) جایز است.

۱۶۴ ۴۰۰- در جدالِ بر راست، در کمتر از سه مرتبه، غیر از استغفار چیزی (۳)نیست؛ و در سه مرتبه، کفاره آن یک گوسفند است. (۴) درصورت لزوم، جهت وقوف بر سایر موارد کفاره به مناسک محشای حج مراجعه شود.

۱۰- کشتن جانوارن ساکن در بدن

۱۶۵ دهم- کشتن (۵) جانوران ساکن در بدن؛* مثل شپش و کَیک (۶)و کنه که در بدن حیوان است. (۷)

۱- آیهٔ الله بهجت: به مسأله قبلی مراجعه شود.

آیهٔ الله سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد ..

۲- آیهٔ الله بهجت: و درصورت جواز کفاره ای نیست علی الاظهر. مناسک شیخ،ص ۲۲.

آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: و همچنین برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مومن نیز جایز است.

آیهٔ الله سیستانی: استثناء می شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد، مثلا حق او را پایمال کند.

۳- آیهٔ الله سیستانی: به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر این که سه بار پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

۴- آیهٔ الله بهجت: اگر سه مرتبه پی در پی باشد، و در حکم غیرصورت تتابع با عدم تخلل تکفیر تامل است درصادق و کاذب. مناسک شیخ،ص ۲۲.

آیهٔ الله سیستانی: اگر سه بار پی در پی باشد.

۵- آیهٔ الله بهجت: بنابر مشهور و موافق با احتیاط و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست. مناسک شیخ،ص ۲۳.

آیهٔ الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب.

۶- آیهٔ الله فاضل: انسان یا حیوان.. کیک یا کک: حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای عقب اون بلند است به آسانی می جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می شود« فرهنگ عمید»

۷- آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست، اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آن‌ها است، درصورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تاراندن آن‌ها ظاهراً جایز است هرچند احوط ترک است.

آیهٔ اللّه سیستانی در مورد پشه و کَکْ فرموده‌اند: اگر ضرر از آنها متوجّه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آن‌ها را نکشد و اما راندن آن‌ها جایز است.

ص: ۷۰

۱۱- انگشتر به دست کردن

اشاره

یازدهم- انگشتر به‌دست‌کردن برای زینت (۱) ولی اگر برای استحباب باشد، مانع ندارد.
۱۶۶ ۴۰۹- اگر انگشتر در دست نمودن، برای زینت و استحباب نباشد، مثلا برای خاصیتی باشد، اشکال ندارد.

حنا

۱۶۷ ۴۱۰- محرم- بنابر احتیاط واجب (۲) نباید برای زینت حنا ببندد؛ بلکه اگر زینت باشد و قصد هم نکند، احتیاط در ترک است؛ بلکه حرمت (۳) آن، در هر دوصورت، خالی از وجه نیست.
۱۶۸ ۴۱۱- اگر قبل از احرام حنا ببندد، چه به‌قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است. (۴)

۱- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب محرم باید از به دست کردن انگشتر اگر زینت محسوب گردد اجتناب کند گرچه قصد زینت نکند بلکه باید از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند.
آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.
آیهٔ اللّٰه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.
۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمل است. مناسک شیخ،ص ۸.
آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: حنا بستن درصورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای و آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو- اگر زینت به شمار آید- بلکه از هر چیزی که زینت محسوب می‌شود، اجتناب کند.
۳- آیهٔ اللّٰه فاضل: حرمت محلّ اشکال است.
۴- آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: درصورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنابر احتیاط باید خودداری کند مناسک فارسی،ص ۴۱ و در مناسک عربی،ص ۹۱، مطابق متن فرموده‌اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.
آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

ص: ۷۱

حنا و انگشتر كفّاره ندارد

۱۶۹ ۴۱۲- انگشتر به دست كردن و حنا بستن، كفّاره ندارد. (۱)

۱۲- روغن ماليدن

اشاره

دوازدهم- روغن ماليدن به بدن.

۱۷۰ ۴۱۳- ماليدن روغن به بدن اگرچه بوى خوش در آن نباشد، بنابر احوط (۲)» بلكه اقوى، حرام است.

۱۷۱ ۴۱۴- استعمال روغنِ داراى بوى خوش، پيش از احرام، اگر اثرش تا وقت احرام باقى مى‌ماند، جايز نيست. (۳) ۱۷۲ ۴۱۵- خوردن روغن اگر در آن بوى خوش- مثل زعفران- نباشد، مانع ندارد.

۱۷۳ ۴۱۶- ماليدن روغن اگر از روى اضطرار و احتياج باشد، مانعى ندارد. (۴)۱۷۴ ۲ / ۴۱۶- استفاده از كرم‌هاى مختلف- نرم كننده، ضد آفتاب، تميز كننده و برطرف كننده خشكى لب و تاول‌هاى پا و كرم نرم كننده دست وصورت و بدون بو و الكل- در حال احرام جايز است يا خير؟ (۵)

۱- آيهٔ اللّه تبريزى: بنابر احتياط استحبابى كفّاره‌اش يك گوسفند است. مناسك، مسأله ۲۵۴.

آيهٔ اللّه خويى: بلكه زينت نمودن به هر چيز باشد بر محرم حرام است و كفّاره‌اش بنابر احتياط يك گوسفند است. مناسك، مسأله ۲۵۴.

۲- آيهٔ اللّه خامنه‌اى: ماليدن روغن به اعضاى بدن و موى سر، در حال احرام جايز نيست چه از قبيل كِرِم كه براى زينت زده‌مى‌شود و چه غير آن و چه معطر باشد يا نباشد.

۳- آيهٔ اللّه بهجت: درصورت ارتكاب و درصورت امكان تأخير احرام، تا زمان زوال بوى خوش، لازم است. مناسك شيخ،ص ۲۴.

آيهٔ اللّه خويى: فتواى معظّم له به دست نيامد.

آيهٔ‌اللّه سيستانى: ولى اگر در آن عطر نباشد بلكه خودش خوشبو باشد اشكال ندارد.

۴- آيهٔ اللّه سيستانى: محرم مى‌تواند روغنى كه بوى خوشى ندارد براى مداوا استعمال كند و جايز است در حال ضرورت استعمال روغنى كه خوشبو است يا بوى خوش در آن است.

۵- آيهٔ اللّه خامنه‌اى: جايز نيست.

آيهٔ اللّه سيستانى: جايز نيست مگر در موارد ضرورت.

آيهٔ اللّه مكارم: ماليدن هر نوع روغن و كرم به بدن خواه معطر باشد يا نه، براى محرم جايز نيست ولى ماليدن انواع پمادهاى طبى بر بدن براى معالجه و درمان مانعى ندارد.

آیـهٔ اللّٰهصـافی: جایز نیست هر چنـد در آن بوی خوش نباشـد ولی در حال اضـطرار و ناچاری جایز است و در این حال چنانچه بوی خوش در آن باشد، کفاره آن یک گوسفند است هرچند از روی اضطرار بوده والله العالم.

آیهٔ اللّٰه نوری: در فرض سؤال که بو ندارد جایز است.

ص: ۷۲

مالیدن روغن کفّاره ندارد

۱۷۵ ۴۱۷- اگر در روغن بوی خوش نباشد، در مالیدن آن کفّاره نیست. (۱)

۱۷۶ ۴۱۸- اگر در روغن بوی خوش باشد، کفاره آن « (۲) یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار (۳)باشد.

۱۳- ازاله مو

اشاره

سیزدهم- ازاله مو از بدنِ خود یا دیگری، چه محرم باشد چه مُحِلّ.

۱۷۷ ۴۱۹- درحرمت ازاله مو، میان کم و زیاد فرقی نیست و ازاله یک مو نیز حرام است. (۴)

۱۷۸ ۴۲۰- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد، مانع ندارد. (۵)

۱۷۹ ۴۲۱- اگر در وقت غسل یا وضو، (۶) مویی بدون قصد کنده شود، اشکال ندارد.

۱- آیات عظام: تبریزی، خویی و سیستانی: کفاره روغن مالی درصورتی که از روی علم و عمد باشد، آیهٔ‌اللَّه تبریزی: چه بوی خوش در آن باشد یا نباشد. و یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفّاره‌اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاطاً یک گوسفند است.

۲- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط، کفاره مالیدن روغن خوشبو به بدن، یک گوسفند است، و در مورد روغن‌های غیر خوشبو، سیر کردن یک فقیر است، اگرچه عدم وجوب کفاره در هر دو مورد بعید نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر در روغن بوی خوش باشد کفّاره خوردن آن بنابر اقوی یک گوسفند است و در غیر مصرفِ خوردن هم احتیاطاً کفّاره را بدهد.

آیهٔ اللَّه نوری: کفاره مالیدن روغن به بدن، یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش یک گوسفند است حتی درصورت ضرورت، علی‌الأحوط.

آیهٔ اللَّه فاضل: در حال اضطرار کفّاره ثابت نیست.

۴- آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

۵- آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفّاره دارد.

۶- آیهٔ اللَّه بهجت: یعنی به‌سبب وضو یا غسل و اظهر عدم وجوب فدیه است. مناسک شیخ،ص ۲۴.

آیهٔ اللَّه سیستانی: یا تیمّم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

ص: ۷۳

۱۸۰ ۴۲۲- در حرمت ازاله مو بین تراشیدن، یا نوره مالیدن، یا کندن، یا قیچی کردن و ...، فرقی نیست.

ازاله مو از محرم توسط مُحل

۱۸۱ ۴۲۳- اگر محرم به اختیاراً حاضر شود که دیگری حتی اگر محل باشد (۱) سر او را بتراشد، مرتکب حرام شده و باید کفّاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد، کفّاره ندارد حتی بر مُحلّ مزبور.

کفّاره ازاله مو

۱۸۲ ۴۲۴- کفاره سر تراشیدن، اگر ضروری (۲)باشد، دوازده «مُدّ» طعام است که باید به شش (۳)مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند.

اندازه مد

«مُد»، تقریباً یک چارک (ده سیر) است.

۱۸۳ ۴۲۵- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد، بنابر احتیاط واجب (۴)باید یک گوسفند کفّاره بدهد؛ بلکه تعیّن گوسفند در اینصورت، بعید نیست.

۱۸۴ ۴۲۶- اگر محرم از زیر هر دو بغل خود، ازاله مو کند، باید یک گوسفند ذبح کند؛ (۵) بلکه اگر از زیر

۱- آیهٔ اللّه فاضل: نسبت به مُحلّ مطلقا کفّاره‌ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی‌اختیار بوده ویا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیباً محرز نباشد کفّاره ندارد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفّاره‌اش یک گوسفند یا سه روزروزه یا اطعام ده مسکین است که به هریک یک مد داده شود بلکه بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگرچه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مدّ و اشباع است. مناسک، مسأله ۲۶۰ و مناسک شیخ،ص ۲۴.

آیهٔ اللّه فاضل: یکی از سه چیز به نحو تخییر است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: کفاره ازاله مو از بدنِ خود، چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الّا در ازاله مو از بدنِ دیگری که در حال ضرورت کفّاره ندارد

۳- آیهٔ اللّه گلپایگانی:صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین کفایت می‌کند اگرچه دوازده مد به شش مسکین بهتر است. مناسک فارسی،ص ۴۲، مسأله ۶۳.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: رعایت این احتیاط لازم نیست مناسک شیخص ۲۴.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم و نوری: کفّاره آن یک گوسفند است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر سر را عالماً عامداً بتراشد کفّاره آن یک گوسفند است.

۵- آیهٔ اللّه نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل‌ها یک گوسفند کفّاره بدهد.

ص: ۷۴

یک بغل هم ازاله مو کند، احتیاط (۱)آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد. (۲)

آیـهٔ اللّه سیستانی: اگر موی زیر بغـل را بکنـد حکم همین است و همچنین بنابر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری، غیر از کنـدن، موی آن را ازاله نمایـد و اگر موی ریش یـا غیر آن را بکنـد کفاره آن یک مشت طعام است و اگر مُحرِم سر دیگری را تراشیـد چه محرم باشد چه غیر محرم کفّاره ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل، یک گوسفند است.(مناسک عربی،ص ۹۷- مناسک فارسی، مسأله ۳۹۷).»

کفاره ازاله مو با دست به سر و ریش کشیدن

۱۸۵ ۴۲۷- اگر به سر یا ریش خود دست بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، بنابر احتیاط (۳) یک کف طعامصدقه بدهد.

۱۸۶ ۴۲۸- اگر کسی موی سر (۴)را به غیر تراشیدن، ازاله کند، بنابر احتیاط باید کفاره تراشیدن را بدهد.

۱۸۷ ۴۲۹- در موردی که کنـده شـدن مو بـا کشـیدن دست به سـر وصورت کفّاره دارد، فرقی بین عمـد و سـهو و غفلت نیسـت(۵) به‌شرط آن‌که دست کشیدن عمدی باشد.

۱- آیهٔ اللّه مکارم: این حکم واجب است.

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفّاره‌اش یک گوسـفند است بنابر اقوی و در کندن موی یک طرف، سه مسکین را طعام بدهد. مناسک، مسأله ۲۶۰.

۳- به مسأله ۴۲۱ مراجعه شود.

آیـهٔ اللّه بهجت: یک کف از طعامصـدقه بدهـد و ساقط شـدن مو به این سـبب با عـدم اطمینان‌به ساقط شدن، غیر از ازاله غیرعمدّیه است که فدیه ندارد، اگر چه هر دو جایز است. مناسک شیخ،ص ۲۵.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم یا آرد و امثال آن بدهد اگرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود؛ و اگر بی‌جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد، باید یک مشت طعام کفّاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست، چه از سر باشد یاصورت یا مواضع دیگر.

آیهٔ اللّه خویی: بلکه واجب است. معتمد، ج ۴،ص ۲۰۸.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه مکارم: یعنی میان سر وصورت فرقی نیست.

ص: ۷۵

۱۴- بیرون آوردن خون از بدن

اشاره

چهاردهم- بیرون آوردن خون از بدن خود (۱)

۱۸۸ ۴۳۰- بیرون آوردن خون از بدنِ دیگری؛ مثل حجامت کردن او، یا کشیدن دندان او، حرام نیست. «(۲)

مسواک زدن در حال احرام

۱۸۹ ۴۳۱- بیرون آوردن خون از بـدن بـا خراشیدن و مثـل آن نیز جایز نیست؛ (۳)و همین طـور است مسواک (۴)زدن، اگر از لثه خون خارج شود.

اضطرار به بیرون آوردن خون و خاراندن

۱۹۰ ۴۳۲- خـارج نمودن خون در حال احتیاج (۵)برای حجـامت و غیر آن، جـایز است؛ و همین طور است بیرون آوردن خون دمل در حال احتیاج و خاراندن جَرَبِ آزار دهنده، اگرچه خون خارج شود.

تزریق آمپول و خون گرفتن از بدن

۴۳۳۱۹۱- تزریق آمپول در حال احرام، مانع نـدارد؛ ولی اگر موجب بیرون آمـدن خون از بدن می‌شود، در غیر حاجت و ضـرورت، (۶)تزریق (۷) نشود.

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: به کاری که بداند موجب آن می‌شود؛ زیرا اخراج احتمالیِ خون، محکوم به حرمت نیست مناسک شیخ،ص ۲۸.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه سیستانی: به احتیاط واجب.

۲- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد، احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم، جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

۴- . آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط واجب.
آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد، گرچه بداند خون خارج می‌شود و کفّاره ندارد.
آیهٔ اللّٰه مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط مستحب.

۵- . آیهٔ اللّٰه خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی. مناسک، مسأله ۲۷۴.

۶- آیهٔ اللَّه فاضل: و در هرصورت کفّاره ندارد.

۷- آیهٔ اللَّه بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می‌شود، چنانکه گذشت در حاشیه قبل از مسأله ۴۳۰.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال نیاز.

آیهٔ اللَّه مکارم: مکروه است.

ص: ۷۶

۱۹۲ ۴۳۴- خون گرفتن از بدن با سرنگ در حال احرام، چه حکمی دارد؟ (۱)

اخراج خون کفّاره ندارد

۱۹۳ ۴۳۵- خون از بدن درآوردن، کفّاره ندارد. (۲)

۱۵- ناخن گرفتن

پانزدهم- ناخن گرفتن:

۱۹۴ ۴۳۶- گرفتن بعضی از ناخن هم جایز نیست مگر موجب اذیّت باشد. (۳)

۱۹۵ ۴۳۷- در عدم جواز ناخن گرفتن، فرقی بین ناخن دست و پا و بین آلات ناخن‌گیری- قیچی یا چاقو یا ناخن‌گیر- نیست؛ و احتیاط (۴)واجب آن است به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان، ازاله ناخن نکند.

۱۹۶ ۴۳۸- مُحرِم می‌تواند از غیر محرم ناخن بگیرد؛ و نیز محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد.(۵)

۱- خون گرفتن از بدن محرم در حال ضرورت:

آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، فاضل، سیستانی: جایز است؛ آیهٔ اللّه مکارم: ادماء مطلقاً مکروه است.

در غیر ضرورت:

آیات عظام: بهجت،صافی، فاضل و نوری: جایز نیست

آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است؛ آیهٔ اللّه نوری: اگر اختیاراً خارج کند.

آیات عظام: خامنه‌ای، خویی و سیستانی: بنابر احتیاط مستحب کفّاره‌اش یک گوسفند است.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: لیکن محتمل است فدیه بعضی از ناخنِ آزار رساننده، قبضه‌ای از طعام باشد نه مدّ. مناسک شیخ،ص ۲۸.

آیهٔ اللّه تبریزی: در اینصورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفّاره بدهد مناسک، مسأله ۲۸۵.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: وکفّاره آن یک مدّ طعام است.

۴- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه سیستانی: فرقی نیست و ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

آیات عظام: خامنه‌ای، مکارم و فاضل: حرام است.

۵- آیهٔ اللّه سیستانی: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

ص: ۷۷

۱۶- کشیدن دندان

۱۹۷ ۴۵۰- شانزدهم- کندن دندان: (۱) هرچند بنابر احتیاط خون نیاید؛ و احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

۱۹۸ ۴۵۱- کندن دندان که بر محرم حرام است، شامل دندان دیگری نمی‌شود، هرچند خون خارج شود.

۱۹۹ ۴۵۲- کشیدن دندان اگر ضرورت دارد، مانع ندارد، ولی علی الأحوط (۲)کفّاره دارد.

۱۷- کندن گیاه و درخت حرم

هفدهم- کندن (۳) درخت یا گیاهی «(۴) که در حرم روییده باشد.

۲۰۰ ۴۵۳- اگر گیاه یا درختی بعد از منزل گرفتن روییده باشد، اگر خودش آن را کاشته، جایز است آن را

۱- آیهٔ اللّه مکارم: جایز است مطلقاً و کفاره ندارد. با خون ریزی مکروه است.

آیـهٔ اللّه خامنهای: کشـیدن دنـدان بـدون خونریزی نه حرام است و نه کفاره دارد و درصورتی که کشـیدن دنـدان منجر به خونریزی شود بنابر احتیاط واجب ممنوع است مگر در حال ناچاری و نیاز.

آیهٔ اللّهصافی و آیهٔ اللّه گلپایگانی: حرام است مطلقاً هر چند خون نیاید.

آیهٔ اللّه بهجت: خون بیاید بدون ضرورت، حرام است و در غیر اینصورت جایز است. و در هرصورت مطلقاً کفاره ندارد.

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: اگر خون نیایـد، مانع نـدارد و کفاره هم نـدارد و اگر خون بیایـد اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: ولی کفارّه ندارد علی الأظهر، حتّی درصورت غیرضـرورت، با خون انداختن اگرچه حرام است چنانکه گذشت. مناسک شیخ،ص ۲۸ و ۲۹.

آیهٔ اللّه خامنهای: مستحب است که یک گوسفند کفاره بدهد.

آیـهٔ اللّه تبریزی: کشـیدن دندان، اگر خون درنیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و درصورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: کفاره لازم نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: مطلقاً مانعی ندارد و کفّاره هم ندارد.

۳- آیات عظام: بهجت، خامنهای، سیستانی، فاضل، نوری: و بریدن آن.

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

ص: ۷۸

بکند؛ (۱) و اگر خودش آن را نکاشته، بنابر احتیاط (۲) آن را قطع نکند، گرچه اقوی جواز است.

۲۰۱ ۴۵۴- اگر گیاهی بعد از منزل گرفتن روییده، ولی خودش آن را نکاشته باشد، بنابر احتیاط واجب، « (۳) آن را قطع نکند.

۲۰۲ ۴۵۵- اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند.(۴)

۲۰۳ ۴۵۶- قطع درختان میوه و درخت خرما (۵) و گیاه «اذخر»، مانع ندارد.

۲۰۴ ۴۵۷- اگر کسی درختی را که نباید کنده شود، بکند، احتیاط آن است که (۶)» اگر بزرگ باشد، یک گاو، و اگر کوچک باشد، یک گوسفند، کفّاره بدهد. (۷)

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در اینصورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد می‌تواند قطع کند، هرچند در ملک دیگری باشد.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی و گلپایگانی: مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در اینصورت.

۳- نظریه آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه نوری: قطع آن جایز است.

آیهٔ اللّه بهجت: نظر ایشان در حاشیه مسأله قبل گذشت.

آیات عظام خویی، مکارم: این احتیاط واجب نیست بلکه مستحب است.

۴- آیهٔ اللّه نوری: منزلی که در آن سکونت کرده ولو نخریده باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا در آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

۵- آیهٔ اللّه فاضل: میوه‌های آن‌ها و شاخه‌هایی از آن‌ها را که در کمّیت یا کیفیّت میوه تأثیر می‌گذارد می‌توانند قطع کند اما خود آن‌ها را نباید قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

۶- آیهٔ اللّه بهجت: درصورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود. مناسک شیخ،ص ۳۰.

۷- آیهٔ اللّه نوری: واجب است.

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: کفّاره کندن درخت از بیخ، آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفّاره ندارد.

آیهٔ‌اللّه‌صافی: و ظاهر آن است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی‌الذمّه، از عین آن‌ها یا قیمت درخت، بدهد و قیمت درخت، بیشتر نباشد کافی است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ‌اللّه مکارم: در هر دوصورت احتیاط یک گاو است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کندن گیاه و بوته‌های خشک حرم کفاره ندارد ولی واجب است استغفار کند، اما اگر درختی را که بریدن آن حرام است، ببرد، بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

ص: ۷۹

۲۰۵ ۴۵۸- اگر قسمتی از درخت را قطع کند، باید بنابر اقوی، (۱) قیمت آن را کفّاره بدهد.

۲۰۶ ۴۵۹- در قطع گیاه، جز استغفار کفّاره نیست. «(۲)

۲۰۷ ۴۶۱- احکام ذکر شده برای قطع درخت و گیاه حرم، مختص به محرم نیست، بلکه برای همه افراد ثابت است.

۲۰۸ ۴۶۲- اگر در هنگام راه رفتنِ متعارف، گیاهی قطع شود، اشکالی ندارد. (۳)

۱۸- سلاح در بر داشتن

۲۰۹ ۴۶۳- هجدهم- سلاح در برداشتن (۴) بنابر احوط؛ مثل شمشیر، نیزه و تفنگ و همه آلات جنگی مگر برای ضرورت. و مکروه است همراه داشتن سلاح درصورتی که در تن نباشد مگر این که ظاهر نباشد، و احوط ترک آن است.

۲- محرّمات مخصوص به مردان

۱۹- استظلال برای مردان

اشاره

نوزدهم- سایه قرار دادن مرد بالای سر خود.

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مسأله قبلی مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه احوط است.

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفّاره ندارد. مناسک،ص ۱۱۴.

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: درصورت عدم ضرورت با علم به قطع، احتیاط شود.

۴- پوشیدن و دربرداشتن سلاح:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: حرام است مگر برای ضرورت.

حمل سلاح بدونصدق پوشیدن:

آیهٔ اللّٰه بهجت: جایز است و کفاره ندارد

آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، جایز نیست؛ آیهٔ اللّٰهصافی و آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط جایز نیست؛ آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر مسلح بودنصدق کند، جایز نیست.

نظر سایر آیات عظام، موافق متن است.

ص: ۸۰

۲۱۰ ۴۶۴- سایه قراردادن برای مردان، جایز نیست، ولی برای زنها و بچه‌ها، جایز است و کفّاره هم ندارد.

اختصاص حرمت به طیّ منزل

۲۱۱ ۴۶۵- استظلال فقط در حال طی منزل، حرام است؛ اما بعد از منزل کردن در هر مکانی- مانند منی عرفات یا غیر آن- مانعی ندارد، و حتی محرم می‌تواند در محلی که منزل کرده، در حال راه رفتن، با چتر و مثل آن، بر سر خود سایه قرار دهد؛ (۱) پس حرکت در منی از چادرها تا قربانگاه و محل جمرات با چتر و غیر آن، مانعی ندارد؛ گرچه در حال راه رفتن، احتیاط مستحب (۲)در ترک است.

حرکت از زیر سایبانهای منی

۲۱۲ ۴۶۶- حرکت از زیر سایبان‌های منی برای محرمی که به منی می‌رود هرچند هنوز منزل نکرده باشد، مانع ندارد. (۳)۲۱۳ ۴۶۷- در حرمت استظلال، فرقی بین سواره و پیاده « (۴)

استظلال در مکه

۲۱۴ ۴۶۸- محرم می‌تواند بعد از رسیدن به مکه ولو در محله‌های جدید که از مسجدالحرام دور هستند، برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین‌های مسقّف سوار شود یا زیر سایه برود. (۵)

۲۱۵ ۴۶۹- مکه منزل است و به محض وصول به آن- ولو قبل از رسیدن به محل اسکان و استقرار- استظلال مانع ندارد. (۶)

۱- آیهٔ اللَّه وحید: استظلال بعد از منزل کردن جایز است اگر چه با سایه متحرک باشد. مناسک‌معظم لهصفحه ۱۳۵

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند؛ آیهٔاللَّه بهجت: مگر برای حوایج خانه و خیمه.

۲- آیهٔ اللَّه خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنابر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۳۷.

۳- به مسأله قبل مراجعه شود.

۴- آیات عظام تبریزی، خویی: بنابر احتیاط.

۵- جهت تفصیل این مسأله به ذیل مسأله ۴۶۵ مراجعه شود.

۶- تذکر: جهت تفصیل نظرات به ذیل مسأله ۴۶۵ مراجعه شود؛

هر چند از اطلاق منزل به مکه، استفاده می‌شود که به محض وصول به مکه، احکام منزل، بر آن مترتب می‌شود؛ فقط حضرت آیهٔ اللَّه خویی فرموده‌اند: بنابر احتیاط تا وارد شدن به مکه متیقن سابق استظلال نکند.

ص: ۸۱

استظلال از مسجد تنعیم در احرام عمره مفرده

۲۱۶ ۴۷۲- با توجه به این‌که تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در مکه برای کسی که از تنعیم محرم شده است، مانع ندارد. (۱)

سایه ثابت و متحرک

۲۱۷ ۴۷۳- در حرمت استظلال، فرقی بین سایه متحرک- مثل چتر و ماشین مسقّف- و سایه ثابت، «(۲) مثل پل و غیره، نیست؛ و نیز فرقی بین اجبار و اختیار نیست؛ (۳)ولی بر عبور از زیر پل‌هایی که در جاده‌ها هست، استظلالصادق نیست.

سوار شدن بر ماشین مسقف بدون توجه

۴۷۴۲۱۸- اگر کسی بدون توجه، در روز سوار ماشین سقف‌داری که حرکت می‌کند شود، باید بعد از توجه، بلافاصله پیاده شود؛ و اگر تأخیر کند، باید کفّاره بدهد؛ ولی سوار و پیاده شدن از ماشین مسقّف در حالی که ایستاده است، مانع ندارد.

موارد استظلال

۴۷۷۲۱۹- در حرام بودن استظلال در وقت طی منزل، فرقی بین محمل روپوش دار، اتومبیل سرپوشیده، هواپیما و کشتی نیست.

سایه جانبی

۲۲۰ ۴۷۸- در وقت طی منزل، استظلال به پهلوی محمل، کناره ماشین و هر چیزی که بالای سر

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: به احتیاط واجب، استظلال نکنند. آیهٔ اللّٰه خویی: تا ورود به مکه متیقّن سابق.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: عبور از زیر سایبانِ‌ثابت اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونل‌هایی کهصدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند، نرود. آراء المراجع،ص ۱۷۸.

۳- آیهٔ اللّٰه سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

ص: ۸۲

نباشد، بنابر احتیاط ترک شود، اگرچه جایز بودنِ آن، خالی از قوت نیست. (۱)

تابش عمودی و افقی خورشید

۲۲۱ ۴۷۹- در استظلال، فرقی بین سایه حاصل از تابش عمودی یا مایل خورشید، نیست. (۲)

سایه بر شانه

۴۸۰۲۲۲- اگر سایه فقط بر شانه بیفتد و بر سر نیافتد، استظلال (۳)صدق نمی‌کند.

حکم بین الطلوعین

۲۲۳ ۴۸۱- بین الطلوعین از نظر جواز و عدم جواز استظلال جزو شب است یا روز؟ (۴)

حکم استظلال در فرض احرام از راه دور با نذر

۲۲۴ ۴۸۲- احرام از جاهای دور- مثل تهران- با نـذر جایز است، و نـذر،صـحیح و عمل به آن لازم است؛ (۵) و اگر راه دیگری جز سفر با هواپیما و وسایل مسقف نباشد، باید بروند، ولی برای حرکت زیر سقف، باید کفّاره بدهند.

۲۲۵ ۴۸۳- در فرض قبل حتی‌الامکان باید از راهی برود که در طی منزل، زیر سایه قرار نگیرد؛ (۶)و اگر

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی: بنابر احتیاط، ترک شود؛ آیهٔ اللّه خویی: اگر تأثیر در گرما یا سرما یا باد دارد، جایز نیست.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سـقف‌های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد.

آیات عظام:صافی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری: جایز است؛ آیهٔ اللّه سیستانی: برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاط کند، مگر سایه سر و سینه را نگیرد.

۲- به مسأله قبل مراجعه شود.

۳- آیات عظام: بهجت، خویی: فرقی نمی‌کند. آیات عظام: تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط.

۴- آیات عظام: بهجت، سیستانی،صافی، مکارم: جزء شب است. آیهٔاللّه تبریزی: مبنی بر احتیاط است.

۵- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: نـذرِ احرام قبـل از میقـات، برای کسـی که می‌دانـد ناچـار می‌شـود زیر سـقف برود محل‌اشـکال است. ملحق مناسک.

آیـهٔ اللّه فاضل:صـحت نذر برای کسـی که می‌داند باید در روز با وسـیله مسـقّف حرکت کند محل اشـکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتّع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود، نذر اشـکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی‌الحل تجدید احرام کند. و در هرصورت کفّاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

۶- آیات عظام فاضل، نوری: می‌تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد؛ مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه‌های ثابت.

ص: ۸۳

راهی برای زیر سقف قرار نگرفتن نباشد و قبل از نذر به آن التفات داشته، معصیت کرده؛ (۱) زیرا عمداً خود را به ارتکاب محرّمات احرام، مبتلا کرده است. (۲)

استظلال در شب و هوای ابری

۴۸۴۲۲۶- استظلال در شب، (۳) خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن، به‌نظر بعید (۴) نیست؛ بنابراین، جواز نشستن محرم در هواپیما و ماشینی که شب حرکت می‌کند، بعید نیست و استظلال در هوای ابری (۵) در روز، جایز نیست، مگر ابر به‌طوری تیره (۶) باشد که استظلالصدق نکند.

۱- آیهٔ اللّه فاضل: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۲- آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم: ظاهر این است که معصیت نکرده است، ولی برای استظلال اضطراری کفّاره باید بدهد.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهرِ مجموعِ روایات و مقتضای اصل، اختصاص‌ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است. مناسک، س ۵۰.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احوط آن است که در شب‌های بارانی و سرد، از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند.

آیهٔ اللّه خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است. پس اگر هیچکدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدمِ سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. مناسک، مسأله ۲۷۰. و در فرض شک در این که آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است. استفتائات آخر مناسک، چاپ ۲۱،ص ۳۲۵.

آیهٔ اللّه وحید: جایز نبودن استظلال در شب مورد اشکال است، و احتیاط واجب ترک آن است. مناسک فارسی معظم لهصفحه ۱۳۵

آیهٔ اللّه سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، درصورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفّاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست. مناسک، مسأله ۲۷۰.

آیهٔ اللّه مکارم: جایز است مگر در شب‌های بارانی که باید کفّاره بدهد و در روزهای کاملًا ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

۵- آیهٔ اللّه بهجت، اگر طوری باشد که تظلیلصادق نباشد اشکال ندارد.

۶- - آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر ابر تیره باشد کهاشعّه آفتاب را به‌کلّی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در جواب استظلال در روز ابری فرموده‌اند: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست. مناسک فارسی،ص ۱۸۴.

آیهٔ اللّه مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

ص: ۸۴

استظلال با عذر

۲۲۷ ۴۸۵- درصورت وجود عذر- مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی- استظلال جایز است، ولی کفّاره دارد.

کفاره سایه قرار دادن

۲۲۸ ۴۸۷- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل، یک گوسفند است، چه با عذر باشد و چه با اختیار، بنابر احتیاط (۱)واجب.

کفایت یک کفّاره در هر احرام برای استظلال

۲۲۹ ۴۸۸- در احرام عمره، اقوی کفایت یک گوسفند است، هر چند بیش از یک مرتبه استظلال نموده باشد؛ و همچنین است احرام حج. (۲)

۲۰- پوشیدن دوختنی

اشاره

۲۳۰ ۴۹۰- بیستم- پوشیدن دوختنی؛ مثل پیراهن، قبا و مانند آن. (۳) ۲۳۱ ۴۹۱- احوط اجتناب از مطلق دوخته است (۴) هرچند کم باشد؛ مثل کمربند «آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم: کمربند دوخته اشکالی ندارد.(۵)

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اظطرار نیست.

۲- آیات الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روز یک کفاره بدهد. مناسک، مسأله ۲۷۱.

۳- آیات عظام: خامنه‌ای، نوری، سیستانی: پوشیدن لباس دوخته از قبیل پیراهن، شلوار و ... و نیز لباسهای دکمه دار که بابستن دکمه به شکل پیراهن در می آید برای مردان در حال احرام جایز نیست؛

آیهٔ الله تبریزی، خویی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته و شبیه دوخته است.

۴- آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: پوشیدن چیز دوخته که لباس محسوب نمی شود، مانند کمربند یا همیان که پول در آن می گذارند و همچنین استفاده از بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد. انداختن لحاف یا پتو و مانند آن که حاشیه آن دوخته شده بر رور شانه ها مانعی ندارد. همچنین دوخته بودن حاشیه جامه احرام بلامانع است. آیهٔ الله خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه دار که طرفین آن را با نخ دوخته اند مانع ندارد استفتائات،ص ۲۴۱، س ۷۱۲. آیهٔ

اللهصافی، آیـهٔ الله گلپایگانی: اسـتفاده از این اشـیاء برای محرم جایز است، هر چند دوخته باشد: ۱- همیان و کمربنـد که برای حفظ پول به کمر می بندند. ۲- فتق بند. ۳- کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

۵- آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، سیسـتانی، فاضل، مکارم: کمربند دوخته اشـکالی ندارد. آیهٔ اللّه تبریزی: ولی پوشـیدن شب کلاه جایز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: به ذیل ۴۹۰ مراجعه شود.

ص: ۸۵

پوشیدن دمپایی دوخته و ساعت با بند دوخته ۲۳۲

۴۹۲- پوشیدن دمپایی دوخته که تمام روی پا را نمی‌گیرد، برای مرد محرم، چه حکمی دارد؟ (۱)۲۳۳ ۴۹۳- به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است، چه حکمی دارد؟ (۲)

همیان و قمقمه و فتق بند دوخته

۲۳۴ ۴۹۴- به کمر بستن و همراه داشتن همیان پول، هرچند دوخته باشد، اشکال ندارد؛ و بهتر اجتناب از گره زدن آن است.

۲۳۵ ۴۹۵- استفاده از فتق‌بند دوخته در فرض ضرورت، جایز است، ولی بنابر احتیاط کفّاره دارد. (۳)

۲۳۶ ۴۹۶- از به دوش انداختن قمقمه‌ای که در محفظه دوخته شده قرار دارد، بنابر احتیاط، (۴) اجتناب شود(۵) ولی در دست گرفتن آن، مانع ندارد. (۶)

۱- آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی،صافی، فاضل و مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت و آیهٔ اللّه نوری: احتیاط در ترک است.

۲- آیات عظام: بهجت،صافی، نوری: احتیاط در ترک است.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی،صافی، فاضل، مکارم اشکال ندارد.

۳- آیهٔ اللّه تبریزی: کفّاره هم ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: حکم آن در ذیل مسأله ۴۹۱ آمده است.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: ضرورت لازم نیست و کفّاره هم ندارد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه فاضل: اولی این است که کفّاره بدهد.

۴- آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: اگر مثل همیان باشد وصدق لبس نکند اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: حمل کیف‌ها و ساک‌های دوخته، هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

۶- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: پوشیدن همیان و کمربند و دیگر دوخته‌های کوچک که به آن لباس گفته نمی‌شود اشکال ندارد.

ص: ۸۶

استفاده از پتو

۲۳۷ /۲ ۴۹۶- درصورت سرد شدن هوا آیا افراد مُحرم می توانند از پوشش دیگری مثل پتو یا لباس استفاده نمایند؟ (۱)

حکم پوشیدن دستکش برای بانوان

۲۳۸ ۴۹۷- پوشیدن «قفازین» (۲)برای زنها جایز نیست (۳)ولی پوشـیدن لباس دوخته، هرقدر که باشد برای آنها جایز است و کفّاره ندارد.

کفّاره پوشیدن لباس دوخته

۲۳۹ ۴۹۸- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

۲۴۰ ۴۹۹- اگر محرم چنـد نوع لباس دوخته بپوشـد- مثل پیراهن و ..- برای هر یک باید کفّاره (۴)بدهد؛ و احتیاط واجب (۵)» آن است که اگر آن‌ها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد برای هریک کفّاره بدهد.

۱- آیهٔاللَّه بهجت: مانعی ندارد و اگر بر شانه می‌اندازند باید مخیط نباشد.

آیهٔاللَّه فاضل؛ آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: چنانچه مخیط یا شبه مخیط نباشد اشکال ندارد ولی باید مردان سرشان و زنانصورتشان را نپوشانند و دوخته بودن حاشیه پتو هم مانع ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: استفاده از پتو مانعی ندارد؛ آیهٔ اللَّه سیستانی: و حتی دوخته بودن حاشیه‌های لباسهای احرام و نیز دوختن مارک بر آن مانعی ندارد.

۲- قفازین چیزی بوده که زنهای عرب برای حفظ از سرما، در آن پنبه می‌گذاشتند و دست می‌کردند

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: پوشیدن هر نوع دستکش جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

آیـهٔ اللَّهصافی و آیـهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب پوشـیدن هر نوع دسـتکش برای بانوان در حال احرام جایز نیست آیهٔ اللَّه فاضل: ولی کفاره ندارد.

۴- آیهٔاللَّه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیـهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشـیدن جنس دوخته یک کفّاره بدهد کافی است. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۶۱، مسأله ۲۰.

۵- آیهٔ اللَّه بهجت: ظاهر تعدّد کفّاره است به تعدّدصنف‌ها مطلقا، چه علی الترتیب بپوشد و چه در یک دفعه بپوشد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر تعددصدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: در اینصورت اگر نوع این لباس‌ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس بایدکفّاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد، بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفّاره بدهد. مناسک، مسأله ۲۴۵.

ص: ۸۷

ثبوت کفاره با اضطرار به دوختنی

۲۴۱ ۵۰۰- پوشیدن لباس دوخته در فرض نیاز، جایز است، ولی کفّاره دارد؛ (۱) و اضطرار به پوشیدن لباسهای متعدد، موجب سقوط کفّاره نیست. (۲)

تکرار کفاره

۲۴۲ ۵۰۱-اگر یک نوع لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفّاره بدهد و پیراهن دیگری بپوشد، یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد، باید برای دفعه دیگر نیز کفّاره بدهد. (۳)

۴۳ ۵۰۲-اگر چند لباس از یک نوع بپوشد- مثل چند قبا یا پیراهن- چه در یک مجلس، یا چند مجلس، (۴)بنابر احتیاط واجب، برای هر یک کفّاره بدهد. (۵)

۲۱- پوشیدن آنچه تمام روی پا را می‌گیرد

اشاره

۲۴۴ بیست و یکم- پوشیدن کفش و جوراب و هرچه تمام روی پا را می‌گیرد. (۶)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: مگر درصورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیه تامّل است. مناسک‌شیخ،ص ۲۰ و ۲۱.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

۲- آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط درصورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفّاره دارد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط. مناسک، مسأله ۲۴۵.

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که موجب عسر و حرج شود.

۳- آیهٔاللَّه خویی: فتوای معظّم له در دست نیست.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر یک دفعه پوشیدنصدق کند. مستفاد از مناسک شیخ،ص ۲۰.

۵- آیهٔ اللَّه تبریزی: درصورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر تعددصدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد.

آیهٔ اللَّه خویی: فتوای معظّم له در دست نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه یعنی پشت سر هم و بدون فاصله بپوشد، فقط یک کفّاره واجب می‌شود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّهصافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره، یک کفّاره و در احرام حج نیز یک کفّاره کافی

است. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۶۱،- مسأله ۲۰.

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این که موجب عسر و حرج شود.

۶- آیهٔ اللَّه بهجت: بلکه مطلقاً باصدق لبس و پوشیدن علی الأحوط. مناسک شیخ،ص ۲۱.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند- مانند کفش و گیوه و امثال آن- اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

تذکر: از تقیید حرمت، بهصدق پوشیدن، استفاده می‌شود که افتادن حوله احرامی و پتو روی پا هنگام خواب و غیر آن، اشکال ندارد.

ص: ۸۸

۲۴۵ ۵۰۳- این حکم به مردان اختصاص دارد و برای زن مانع ندارد.

پوشیدن کفش بنددار

۲۴۶ ۵۰۴- پوشیدن کفش بند دار که تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.

اضطرار به پوشیدن جوراب و مانند آن

۲۴۷ ۵۰۵- اگر مرد به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌گیرد، محتاج شود، (۱)احتیاط واجب (۲) آن است که روی آن را شکاف دهد.

۲۴۸ / ۲ ۵۰۵- افرادی که هنگام استفاده از پای مصنوعی ناچار به استفاده از جوراب، یا تسمه دوخته شده هستند و انجام اعمال بدون پای مصنوعی برایشان بسیار مشکل است، چه وظیفه‌ای دارند؟ « (۳)

۲۴۹ ۵۰۶- در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد، کفّاره نیست. (۴)

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه مضطرّ شود.

۲- آیات عظام: بهجت: خویی، فاضل، مکارم: احتیاط مستحب این است. مناسک عربی، مسأله ۲۴۸.

۳- آیـهٔاللّه بهجت: اگر عرفاً لباس مخیطصادق نیست کفاره ندارد وگرنه دارد هرچند با وجود عذر پوشیدن آن جائز است در همان حدّ ضرورت و عذر.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر ناچار به پوشیدن باشید حرام نیست ولی درصورتی کهصدق لباس بکند کفاره دارد.

آیهٔاللّه فاضل: اگر جوراب دوخته نباشد مانعی ندارد هرچند تسمه آن دوخته باشد، اما اگر جوراب دوخته باشد، باید کفاره بدهید.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر ناچار هستند، کفاره‌ای بدهند، و احرام آنها اشکال ندارد.

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است. آیهٔ اللّه نوری: یک گوسفند واجب است.

آیـهٔ اللّه سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفّاره‌ای واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد. مناسک، مسأله ۲۴۸.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط مستحب در خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفّاره قربانی کند.

ص: ۸۹

۲۲- پوشیدن سر

اشاره

بیست و دوم- پوشاندن سر بر مردان با چیزهای پوششی.

۲۵۰ ۵۰۷- بنابر احتیاط واجب (۱) از پوشاندن سر به وسیله چیزهای غیر پوششی- مثل گِل و حنا و دوا و پوشال و مانند آن- اجتناب شود.

۲۵۱ ۵۰۸- بنابر احتیاط واجب از حمل بار به وسیله سر که موجب پوشاندن می‌شود، اجتناب شود.

پوشاندن سر با دست

۲۵۲ ۵۰۹- پوشاندن سر به وسیله اعضای بدن- مانند دست بر سر گذاردن (۲) جایز است، ولی احتیاط در ترک آن است.

۲۵۳ ۵۱۰- زیر آب کردن سر، (۳) در حال احرام جایز نیست (۴) و همچنین است (۵) مایع دیگری؛ مثل گلاب و غیر آن.

۱- آیات عظام‌صافی، گلپایگانی، تبریزی، خویی: محرم نباید سر خود را بپوشاند حتی با گِل و مانند آن.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به قسمتی از بدن؛ مثل دست است‌در غیر مواردضرورت عرفیّه یا شرعیّه. اگرچه جواز خالی از وجه نیست. مناسک شیخ، ۲۵.

۳- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، وحید و فاضل: برای محرم چه مرد و چه زن.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب شود و بنا بر احتیاط در غیر آب از مایعات دیگر مناسک، مسأله ۲۶۴.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: فرو بردن تمام سر در آب برای محرم جایز نیست، و بنابر ظاهر، در این مسأله تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد؛ اما اگر تمام سر را در آب فرو برد، کفاره‌ای بر عهده‌اش نخواهد بود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب برود.

آیهٔ اللّه سیستانی: برای محرم جایز نیست همه سر خود را در آب فرو برد بلکه بنابر احتیاط در غیر آب هم جایز نیست و فرقی در این حکم بین زن و مرد نیست و منظور از سر در این حکم، همه قسمتی است که بالاتر از گردن است.

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط.

ص: ۹۰

پوشاندن قسمتی از سر

۲۵۴ ۵۱۱- بعض (۱) سر، در حکم تمام سر است و نباید پوشیده شود.

استفاده از ماسک بند دار برای مردان و زنان

۲۵۵ ۵۱۲- استفاده از ماسک‌های بهداشتی که بند آن را پشت سر می‌اندازند و بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان محرم چه حکمی دارد؟ (۲)

۲۵۶ ۵۱۳- گوشها ظاهراً (۳)از سر محسوب است و نباید پوشیده شود.

استفاده از موی مصنوعی در حال احرام

۲۵۷ ۵۱۴- استفاده از موی مصنوعی، ضرر بهصحت عمره و حج ندارد؛ ولی اگر مرد آن را بر سرش بگذارد، باید کفّاره بدهد. (۴)

۱- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفا مصداق پوشاندن سر باشد،- مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر- جایز نیست، اما در غیر اینصورت، مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر، اشکال ندارد، هرچند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید.

آیهٔ اللَّه خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد. معتمد العروه، ج ۴،ص ۲۲۱.

آیهٔ اللَّه سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب، ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

۲- آیت‌اللَّه تبریزی: اگر مثل نخ باشد مانعی ندارد و اگر زنان مضطرّ به این عمل باشند اشکال ندارد، واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد.

آیت‌اللَّه سیستانی: اگر از بوی بد مانع شود جایز نیست و برای زنان به احتیاط واجب مطلقاً جایز نیست.

آیت‌اللَّهصافی: بدون ضرورت جایز نیست و با ضرورت تکلیفاً جایز است، ولی با فرض پوشیده شدن بعض سر در مرد و بعضصورت در زن کفّاره دارد؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: ماسک زدن برای زن محرم، هرچند مخیط و موجب ستر مقداری ازصورت او شود، در حال ضرورت مانعی ندارد و کفّاره هم ندارد و برای مرد هم هرچند مخیط باشد، مانعی ندارد و کفّاره ندارد.

آیت‌اللَّه مکارم: اشکال ندارد.

آیت‌اللَّه نوری: خیر، جایز نیست و علت آن این است که برای مردان به خاطر پوشانده شدن بعض سر و برای زنان به جهت پوشاندن

بعضصورت اشکال پیدا می کند.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه نوری: گوش‌ها در این حکم ملحق به سر است.

آیهٔ اللَّه فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفّاره ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفّاره ندارد و در غیر اینصورت بنابر احتیاط یک گوسفند کفّاره دارد. ملحق مناسک.

آیهٔ اللَّه فاضل: درصورتی که تمام سر را پوشانده باشد اما اگر قسمتی از سر را پوشانده است کفاره ندارد.

ص: ۹۱

جواز پوشاندن رو برای مردان

۲۵۸ ۵۱۵- پوشانیدن رو برای مردان، مانع ندارد، و جزو سر محسوب نیست؛ پس در وقت خواب، یا غیر آن، مانعی از پوشاندن آن نیست.

چند مورد مستثنی از حرمت

۲۵۹ ۵۱۶- گذاشتن بند مشک آب بر سر، از حکم عدم جواز پوشش، استثنا شده و مانع ندارد.
۲۶۰ ۵۱۷- دستمالی که برای سردرد به‌سر بسته می‌شود، اگرچه تمام سر را بگیرد مانع ندارد (۱) و کفّاره (۲) هم ندارد.
۲۶۱ ۵۱۸- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.
۵۱۹۲۶۲- اگر پارچه‌ای را مثلا برای حفظ از پشه، روی چوب و مانند آن، بالای سر قرار دهند، از جهت پوشاندن، مانع ندارد و همچنین است رفتن در پشه‌بند.
۲۶۳ ۵۲۰- رفتن زیر دوش حمّام برای مُحرِم، مانع ندارد، ولی زیر آبشاری که سر را فرا گیرد، جایز نیست ..

خشک کردن سر با حوله

۲۶۴ ۵۲۱- خشک کردن سر با حوله و دستمال و مانند آن، جایز نیست (۳)و بعض سر، در حکم تمام سر محسوب می‌شود.

تر بودن سر هنگام مسح در حال احرام

۲۶۵ ۵۲۲- محرمی که سرش هنگام وضو برای مسح، تر باشد، و نمی‌تواندصبر کند تا خودش خشک شود، یا با مثل دست آن را خشک کند، احوط (۴)جمع بین وضو با این حال و تیمم است.(۵)

۱- آیات عظام: بهجت،صافی، گلپایگانی: گناه نداردو لکن کفاره دارد.
۲- آیات مکارم، آیهٔ الله نوری: احوط ثبوت کفاره است.
آیهٔ اللهصافی، آیهٔ الله گلپایگانی: مانعی ندارد ولی یک گوسفند کفاره دارد. مناسک فارسی،ص ۴۲.
۳- آیهٔ الله سیستانی، آیهٔ الله فاضل: هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنابر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واحب است خشک کند.

۴- آیات عظام: بهجت، خامنه ای، گلپایگانی، مکارم: اگر به تدریجصورت گیرد که تمام سر پوشیده نشود مانعی ندارد. آیه الله بهجت و آیهٔ الله خامنه ای: و همین است حکم، در خشک کردنصورت بانوان.

۵- مراجعه شود به مسأله قبل.

آیهٔ الله تبریزی: با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح، خشک کند.

آیهٔ الله سیستانی: اگر چاره ندارد می تواند با کنار حوله به مقدار مسح سرش را خشک کند.

ص: ۹۲

پوشاندن سر هنگام خواب

۲۶۶ ۵۲۳- پوشاندن سر برای مردان در وقت خوابیدن نیز جایز نیست؛ ولی گذاردن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

پوشاندن سهوی سر و گفتن تلبیه

۲۶۷ ۵۲۴- اگر کسی از روی فراموشی سرش را پوشانید، واجب است فوراً آن را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید؛ بلکه احوط است.

پوشاندن سر دیگری در حال احرام

۲۶۸ ۵۲۵- آیا برای محلّ یا محرم، جایز است چیزی- مثل پتو- روی سر مرد محرمی که خواب است، بیندازد؟ (۱)

کفّاره پوشاندن سر

۲۶۹ ۵۲۷- کفاره (۲)و نیز کفّاره پوشاندن قسمتی از سر، بنابر احتیاط (۳)یک گوسفند است.

۱- آیت اللّه خامنه‌ای: بر محرم پوشاندن سر خودش حرام است خواه خودش بپوشاند یا به دیگری دستور دهد که سر او را بپوشاند، ولی پوشاندن سر دیگری ولو محرم باشد از محرّمات احرام نیست.

۲- آیات‌عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفّاره‌اش یک گوسفند است.

۳- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر، بنابر احتیاط، یک گوسفند قربانی کردن است و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آنصدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب.

ص: ۹۳

۲۷۰ ۵۲۸- هرگاه مرد محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، باید دو کفّاره بدهد. (۱)

تکرار پوشاندن

۲۷۱ ۵۲۹- تکرار پوشاندن سر در حال احرام- بنابر احوط- موجب تکرار کفّاره است؛ اگرچه تعدّد کفّاره، معلوم نیست و عدم وجوب، بعید به نظر نمی‌آید. (۲)

۲۷۲ ۵۳۰- بعد از پوشاندن سر و ذبح کفّاره، اگر مجدداً سر را پوشانید، احتیاط به کفّاره دادنِ دوباره، بسیار مطلوب است، اگرچه وجوبش معلوم نیست. (۳)

۲۷۳ ۵۳۱- پوشاندن سر با علم و عمد، کفّاره دارد؛ و درصورت ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان، کفّاره ندارد. (۴)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً. مناسک، س ۵۸.

آیهٔ اللّه تبریزی: یک کفّاره کافی است.

آیهٔ اللّه خویی: حرمت لبس اینگونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفّاره است.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب، درصورتی که چیزی که پوشیدن آن حرام است را بپوشد؛ مثل عمامه و کلاه، ولی اگر مثلًا پیراهن خود را بر سر بگذارد، بیش از یک کفّاره لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفّاره دارد، ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنابر احتیاط واجب دو کفّاره دارد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: احوط تعدد فدیه است به تعدد پوشانیدن، خصوصاً هرگاه بی عذر باشد، خصوصاً هرگاه مجلس متعدّد باشد و اقوی تعدد فدیه است درصورت تخلل تکفیر. مناسک شیخ،ص ۲۶.

آیهٔ اللّه تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط تکرّر کفّاره درصورت تکرّر ستر است مطلقاً.

آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست یک کفّاره کافی باشد.

آیات عظام:صافی، گلپایگانی، نوری: درصورت تعدّد پوشانیدن سر، باید کفّاره متعدد بدهد. مناسک عربی،ص ۹۱.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط در این مسأله و مسأله بعد، وجوبی است.

۳- . آیهٔ اللّه مکارم و آیهٔ اللّه‌نوری: احتیاط، واجب است.

نظریه آیات عظام بهجت، خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی: در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: در اینصورت دوباره باید کفّاره بدهد.

۴- . آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر واضطرار نیز کفّاره واجب نیست مناسک، مسأله ۲۵۶.

ص: ۹۴

۳- محرّمات مخصوص به بانوان

۲۳- پوشیدن زیور

اشاره

بیست و سوم- پوشیدن زیور برای زن به‌جهت زینت.

۲۷۴ ۵۳۲- بنابر احتیاط واجب (۱) زن بایـد در حال احرام از زیورِ زینتی هرچنـد بدون قصد تزیین باشد، اجتناب کند؛ بلکه حرمت آن، خالی از قوت نیست.

۲۷۵ ۵۳۳- زیورهـایی را که قبـل از احرام، به پوشـیدن آن، عـادت داشـته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد (۲)ولی نباید (۳) به هیچ مردی، حتی به شوهرش نشان دهد.

زیور کفّاره ندارد

۲۷۶ ۵۳۴- پوشیدن زیور، کفّاره ندارد.(۴)

۲۴- پوشاندن رو برای زنان

اشاره

بیست و چهارم- پوشانیدن (۵)روی با نقاب و روبند و برقع.

۲۷۷ ۵۳۵- پوشانـدن رو هر چنـد با چیزهای غیر متعارف- مثل پوشال و گِل وماننـد آن- بنابر احتیاط جایز نیست؛ و نیز پوشاندن با بادبزن جایز نیست.

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان مُحرِم حرام است.

آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: اگر زیور به قصـد زینت باشـد حرام است و اگر به قصـد زینت هم نباشـد ولی عرفاً زینت حساب می‌شود احتیاط واجب در ترک است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب.

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر قصد زینت به آن‌ها را نداشته باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی آن را بپوشاند.

۳- آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: بنـابر احتیاط مسـتحب آن‌ها را برای شوهرش و مردانی که با او مَحرم‌انـد ظاهر نسازد و نشان ندهـد. مناسک،

مسأله ۲۵۶.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط مستحب، یک گوسفند است.

آیهٔ اللّه خویی، متعرّض اثبات و نفی مسأله کفّاره نشده‌اند.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفّظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن. مناسک شیخ،ص ۲۶.

آیـهٔ اللّه نوری: پوشانـدن رو هر چنـد به چیزهـای غیرمتعـارف؛ مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

ص: ۹۵

۲۷۸ ۵۳۶- قسمتی از رو، در حکم تمام آن است و نباید پوشانده شود. (۱)

حکم چانه زنان

۲۷۹ ۵۳۷- چانه جزوصورت محسوب می‌شود (۲)و باید باز باشد؛ پس اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب‌ها بپوشاند، اشکال دارد.(۳)

خشک کردن صورت

۲۸۰ ۵۳۸- زن محرم- بنابر احتیاط- نمی‌تواند (۴)حوله را برصورت خود بکشد. (۵)۵۳۹۲۸۱- زن‌های محرم برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، باید مواظب باشندصورتشان پوشیده نشود (۶)ولی اگر عامداً و عالماً نباشد، مانع ندارد.

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پوشاندن‌صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی ازصورت که برای این منظورها پوشیده می‌شود شامل گونه‌ها و بینی و دهان و چانه نیز مانند پوشاندن همه‌صورت حرام است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطرافصورت را می‌گیرد خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه فاضل: بعض رو در حکم تمام است. و بنابر اقوی پوشاندن‌صورت در قسمت پایین آن؛ یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه مکارم: پوشانیدن بعض‌صورت، به‌طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیهٔ اللَّه نوری: چانه جزوصورت محسوب می‌شود، و باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: چانه جزوصورت است که نباید پوشانده شود و بعض‌صورت نیز در حکم تمام آن است، ولی دست گذاشتن رویصورت مانعی ندارد. پرسشهای جدید حج،ص ۱۲، سؤال ۵۰.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نظر ایشان در مسأله ۵۳۶ آمده است.

۳- آیهٔ اللَّه مکارم: اشکال ندارد.

۴- آیهٔ اللَّه نوری: زن محرم نمی‌تواندصورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند.

۵- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی، مکارم: بهصورت تدریجی که تمام‌صورت پوشیده نشود، مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه فاضل: جایز نیست مگر در حال ضرورت.

۶- آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۵۴۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطرافصورت را می‌پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

ص: ۹۶

گذاردن دست روی صورت

۲۸۲ ۵۴۰- زن محرم می‌تواند دست برصورتش بگذارد.

گذاردن روی روی بالش

۲۸۳ ۵۴۱- گذاردن روی بر بالش برای خوابیدن، مانع ندارد.

پوشش برای نماز

۲۸۴ ۵۴۲- پوشانـدن سر برای زنان در حال نماز، واجب است؛ ولی آنچه را به عنوان مقـدمه علمی می‌پوشانند، (۱)باید بعد از نماز (۲) فوراً آن را باز کنند.

پوشش از نامحرم

۲۸۵ ۵۴۳- برای رو گرفتن از نامحرم،(۳)جایز است (۴) چادر یا جامه‌ای را که بر سر افکنده، تا محاذی بینی (۵) بلکه چانه، و حتی درصورت احتیاج، تا گردن، پایین بینـدازد و چیزی بر او نیست؛ و بهتر بلکه احوط، (۶) آن است که آن را بـا دست یا چیز دیگر، از رو، دور نگه دارد (۷)تا بهصورت نچسبد.

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می‌باشد، در حال نماز عیبی ندارد؛ آیهٔ اللّه بهجت: و نیز می‌تواند سر اندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن.

۲- آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیهٔ اللّه مکارم: واجب نیست.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: بلکه مطلقاً و اختیاراً و تا حدّ نحر علی‌الأظهر. مناسک شیخ،ص ۲۶.

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: و در جایی که نا محرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را ازصورت دور نگهدارند. آداب و احکام حج،ص ۱۶۲.

۵- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: رها کردن کمی از چادر خود به رویصورت تا محاذی بالای بینی اشکال ندارد ولی احتیاط آن است که هرگاه در معرض نگاه نامحرم نیست از این کار اجتناب کند.

۶- آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه خویی و آیهٔ اللّه تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را ازصورت دور نگه دارد.

۷- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: تحفظ آن از رسیدن بهصورت لازم نیست.

ص: ۹۷

کفّاره پوشاندن رو

۲۸۶ ۵۴۴- بعضی برای دور نگه نداشتن جامه ازصورت، کفّاره لازم دانسته‌اند، (۱) و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است.(۲)

۲۸۷ ۵۴۵- در نقاب انداختن و پوشاندن رو، به هر نحو که باشد، کفّاره لازم نیست (۳) گرچه موافق احتیاط است.

۱- آیهٔ اللّه بهجت: شاید وجه آن، استفاده مساوات احرام زن در رو، با احرام مرد در سراست در جمیع‌احکام از بعضی روایات، و در این استفاده تامّل است. مناسک شیخ،ص ۲۶.

۲- . آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره دهد.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: وجوب کفارّه پوشانیدنصورت زنان یک گوسفند، منقول از شیخ و حلبی است. مناسک شیخ،ص ۲۶.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

ص: ۹۸

فصل ششم: احرام و عمره کودکان

استحباب محرم نمودن طفل غیر ممیّز

۲۸۸ ۲۳- محرم نمودن کودک غیر ممیز، (۱) توسط ولیِّ او مستحب است؛ به‌این گونه که به او لباس احرام بپوشاند؛ و نیت کند که «این طفل را محرم می‌کنم برای حج»، یا «این طفل را مُعْتَمِرْ می‌کنم به عمره مفرده»؛ و اگر ممکن باشد، تلبیه را به او تلقین کند، و گرنه خودش به جای او بگوید؛ و باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه انجام دهد، وگرنه در بعضصور، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند، نمی‌تواند ازدواج نماید.(۲)

طواف و اطافه

۲۸۹ ۷۵۲- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دوصحیح است.

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت:صحیح است احرام ولیّ از طفل غیر ممیز و از مجنون، و متولّی نیت احرام طفل، ولیّ‌حاضر می‌شود، و تمام اعمال را آنچه را متمکّن است طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیت ولیّ و آنچه را متمکن نیست ولیّ از جانب او انجام می‌دهد از آن جمله تلبیه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیت ولیّ، وگرنه ولیّ نایب می‌شود. کتاب حجص ۴. آیهٔ اللّٰه تبریزی: استحباب احجاج، اختصاص به طفل غیر ممیز ندارد بلکه احجاج طفل ممیز هم بر ولی او مستحب است.

۲- آیهٔ اللّٰه سیستانی: تنها درصورتی بر احرام باقی می‌ماند که اعمال عمره مفرده را درست انجام ندهند ولی در حج اگر خلل به ارکان آن بزنند با گذشت وقت حج احرام آن فاسد می‌شود، بلی اگر فقط طواف نساء را به طورصحیح به‌جا نیاورند استمتاع از زن بر او حرام است، مگر با اتیان طواف نساء، ولی ازدواجصحیح است.

ص: ۹۹

مراد از ولیّ در احرام کودک

۲۹۰ ۲۴- ولیّ در این مورد، بعید نیست که کفیلِ بچه و نگهدار او باشد، اگرچه ولیِّ شرعی او نباشد. (۱)

لزوم حفظ طفل از محرّمات احرام

۲۹۱ ۲۵- بعد از محرم شدنِ طفل، ولیّ باید او را از محرّمات احرام باز دارد، (۲) و اگر ممیّز نیست، خود ولیّ، او را از محرّمات حفظ کند.

کفارات محرمات احرام طفل

۲۹۲ ۲۶- اگر طفلِ محرم، محرّمات احرام را به‌جا آورد، یا ولیّ، او را باز ندارد، کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنابر اقوی درصید و بنابر احتیاط واجب، در غیر آن. (۳)

۱- آیهٔ اللَّه نوری: در غیر ولیّ شرعی، محل اشکال است.

آیهٔاللَّه بهجت: ولیّ در این مقام عبارت است از ولیّ در مال؛ مثل اب وجدّ ابی و وصیّ ایشان و حاکم و امین حاکم. و ولایت مادر دراحرام طفل وسایر اعمال حج خالی از وجه نیست. رساله ذخیرهٔالعباد،ص ۵.

آیهٔ اللَّه خویی: درصورتی که مستلزم تصرف در اموال طفل نباشد والا اذن ولی شرعی لازم است. معتمد، ج ۱،ص ۳۶

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولیّ طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها. مناسک، مسأله ۱۱.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: قدر متیقن از ولیّ در این امر نسبت به بچه غیر ممیّز، ولیّ شرعی است؛ مانند پدر و جد و یا وصیّ یکی از آن دو، و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم و یا وکیل یکی از آنها، و امّا غیر ولیّ شرعی مانند عمو و دایی و برادر، محل اشکال است، اگرچه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولیّ شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و امّا در بچه ممیّز در مواردی که اجازه ولیّ لازم است اجازه غیر ولیّ شرعی کفایت نمی‌کند. مناسک عربی،ص ۱۳، مسأله ۱۱.

آیهٔ اللَّه فاضل: مقصود از ولیّ، همان ولیّ شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولیّ شرعی است.

آیهٔ اللَّه مکارم: ولی به اذن ولیّ شرعی انجام می‌دهد.

۲- آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: این حکم در مورد احجاجصبی غیر ممیز است و همین‌گونه‌است حکم مذکور در مسأله ۲۶ و ۲۷ و ۲۹.

آیهٔ اللَّه تبریزی: این حکم در مورد احجاجصبی است.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: فداءصید مولیّ علیه بر ولیّ است که با مباشرت او عمل مولی علیهصحیح است و کفّاره موجب هدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفّاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفّاره دارد وصبی عمداً مرتکب شد ثبوت کفّاره بر ولی که سبب

است خالی از وجه نیست کتاب حج،ص ۵.

آیات عظام تبریزی، خویی: ظاهراً کفارات دیگر، در غیرصید نه بر ولیّ واجب است و نه در مال طفل، ولی کفارهصید بر ولیّ واجب است. مناسک،ص ۱۳، مسأله ۹.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر غیر بالغ یکی از مُحرمات احرام را مرتکب شود، چنانچه آن عمل حرام، شکار باشد، کفاره آن بر عهده ولی اوست، اما در مورد کفارات دیگر، ظاهر آن است که پرداخت آن واجب نیست نه بر ولی و نه از مال خود غیر بالغ.

آیهٔ اللّه سیستانی: کفارهصید غیر ممیز بر ولی اوست و در غیر آن، بر نابالغ کفّاره نیست؛ نه در مال او و نه در مال ولیّش.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: کفارهصید بر ولیّ طفل است، و اما در وجوب سایر کفارات بر ولیّ اشکال است، اگرچه احوط این است که برعهده ولیّ است. مناسک عربی،ص ۱۳، مسأله ۱۳.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط مستحب است.

ص: ۱۰۰

وظیفه ولیّ در اعمال طفل

۲۹۳ ۲۷- ولیّ، باید طفل را وادار کند که تمام اعمال را به‌جا آورد و اگر طفل نمی‌تواند، خود او به نیابت از وی بجا آورد. (۱)

کفارات احرام طفلی که بدون اذن محرم شده

۲۹۴ ۲۹- اگر کودک ممیّزی، بدون اذن ولیّ، محرم شود و در حال احرام، یکی از محرّمات را مرتکب شود، کفاره آن بر عهده کیست؟ (۲)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: درصورت تمکّن، احوط آن است که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیّت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیّت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدّی نیّت می‌شود کتاب حج،ص ۴.

آیهٔ اللّه تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد، واجب است او را وضو دهد، اگرچه به‌صورت وضو باشد. مناسك،ص ۱۴، مسأله ۷.

آیهٔ اللّه فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد، احتیاطاً طفل را وضو بدهد و خودش هم وضو بگیرد.

۲- آیهٔ‌اللّه بهجت: در فرض سؤال که ولیّ سبب نیست کفّاره هم بر او نیست و تنها کفّاره‌ای که در عمد و خطأ ثابت است در مال طفل ثابت است.[مستفاد از جامع‌المسائل ج ۲ص ۱۹۳]

آیهٔ اللّه تبریزی: کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: رجوع شود به پاورقی مسأله ۲۶.

آیهٔ اللّه سیستانی: بر فرضصحت احرام نیز فعل او کفّاره ندارد.

آیهٔ اللّهصافی: در فرض سؤال کفّاره واجب نیست ولی احتیاط آن است که ولّی بچه کفّاره را از مال خودش بدون این‌که قصد کند بر او واجب بوده یا برصبی، ادا نماید.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض مزبور با احتیاط واجب کفّاره بر ولیّ طفل است.

آیهٔ اللّه مکارم: در غیرصید، کفّاره واجب نیست، نه بر ولیّ و نه بر طفل.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است ولیّ طفل او را ازار تکاب محرّمات احرام باز دارد و اگر باز نداشت کفّاره درصورت علم و عمد بر عهده ولی طفل است.

ص: ۱۰۱

احرام کودک بدون اذن ولی

۲۹۵ /۲ ۲۹- کودک مميّزی بدون امر ولیّ، در میقات محرم شده و فقط سعی و تقصیر را انجام داده است؛ تکلیف او یا ولیّش نسبت به بقیه اعمال چیست؟ « (۱)

خواب کودک هنگام طواف

۲۹۶ ۶۰۳- اگر کودک را در حال خواب، طواف یا سعی دهند، یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟ (۲)

۱- آیةاللَّه بهجت: همه اعمال را به ترتیب باید انجام دهد تا از احرام خارج شود و همین احوط است اگر احرام او مستلزم تصرّف در مال بوده است.

آیةاللَّه تبریزی: چنانچه محرم به عمره مفرده شده بر احرامش باقی می‌ماند و چنانچه تا زمان بلوغ تمام اعمال عمره مفرده را تدارک نکند بعد از بلوغ بر او واجب‌است آن را تدارک نماید.

آیةاللَّه خامنه‌ای: طواف و نماز آن را بجا آورد و سعی و تقصیر را بنابر احتیاط اعاده نماید و سپس طواف نساء و نماز آن را انجام دهد.

آیةاللَّه سیستانی: احرامشصحیح نیست و چیزی بر او نیست.

آیةاللَّهصافی: درصحت احرام کودک مميّز اذن ولی شرط نیست بنابراین کودک مذکور که محرم شده خودش و یا با کمک دیگری ولو غیر ولی اگر محتاج به راهنمایی باشد باید اعمال عمره را از طواف شروع کند و اتمام نماید.

آیةاللَّه فاضل: ولیّ او تکلیفی ندارد، ولی احرام اوصحیح است و باید اعمال خود را از اول انجام دهد. و اگر نتواند نایب بگیرد.

آیةاللَّه مکارم: احتیاط آن است که برگردد و تمام اعمال غیر از احرام را انجام دهد و اگر توانایی ندارد از کسانی که به عمره می‌روند خواهش کند که به نیابت از او انجام دهند.

آیةاللَّه نوری: لازم است برگردد واعمال را به‌ترتیب انجام‌بدهد.

۲- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای،صافی، مکارم: در مورد بچه‌های غیرمميّز، مانعی ندارد.

آیةاللَّه تبریزی: طواف و سعی اوصحیح است بلی احتیاط این است که ابتدای طواف بیدار باشد.

آیةاللَّه سیستانی: اگر طفل غیر مميّز باشد و ولیّش او را طواف می‌دهد اشکال ندارد.

آیةاللَّه فاضل: در طواف باید طهارت و سایر شرایط آن رعایت شود. لذا اگر کودک خوابش ببرد یا محدث شود باید طبق احکام قطع طواف عمل کند. اما در سعی طهارت معتبر نیست و اگر کودک غیر مميز باشد چون نیت سعی او با ولیّ اوست لذا اگر خوابش ببرد سعی اوصحیح است.

آیةاللَّه نوری: در کودک خواب به اندازه متعارف به طواف و سعی او ضرر نمی‌رساند.

ص: ۱۰۲

حکم طواف کودک از حیث طهارت و نجاست

۲۹۷ ۶۲۰- کودک محرمی که او را طواف می‌دهند، آیا باید بدن و لباس او پاک باشد؟ و چنانچه قبل از طواف، او را تطهیر کنند، آیا برای یک طواف کافی است و وارسی بین طواف لازم نیست؟ (۱)

حکم شانه کودکِ در بغل

۲۹۸ ۶۴۷- شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، آیا باید شانه چپ کودک را به طرف کعبه قرار دهد؟ (۲)

۱- آیةاللَّه بهجت: بلی لازم است و اگر معلوم نشود در اثنای طواف که چیزی خارج شده، همان تطهیر قبل از طواف کفایت می کند و اگر در اثناء حدثی به وجود آید احتیاط در تجدید طهارت است مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد.[مناسک معظم‌له طبع جدید مسأله ۵۵۷]

آیة اللَّه تبریزی: آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط رعایت طهارت او را بکنند ولی وارسی لازم نیست، واللَّه العالم.

آیة اللَّه سیستانی: رعایت طهارت بدن و لباسِ او لازم نیست.

آیـة اللَّهصافی: بایـد شـرایط طواف و نماز در طفل نیز مراعات شود و درصورت غیر ممیّز بودن طفل، درصورت امکان او را وضـو دهند لباس و بدن او را تطهیر کنند و درصورت شک در عارض شدن حدث و خبث وارسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است، واللَّه العالم.

آیـة اللَّه فاضل: بلی لازم است و وارسـی در بین طواف لازم نیست. ولی اگر متوجه شدند که لباس و بدن او نجس شده، احتیاط این است که آنها را تطهیر کنند.

آیة اللَّه مکارم: چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کرده باشد کافی است.

آیة اللَّه نوری: بلی لازم است و برای یک طواف کافی است، و وارسی لازم نیست.

۲- آیةاللَّه بهجت: بلی حتّی الامکان،[به مسأله ۵۵۶ مناسک معظم‌له طبع جدید مراجعه شود.]

آیة اللَّه تبریزی: لزومی ندارد، واللَّه العالم.

آیة اللَّه سیستانی: باید تا حدّ امکان سعی کند طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ او به طرف کعبه باشد.

آیة اللَّهصافی: بنابر احتیاط شانه چپ کودک نیز به طرف بیت باشد، واللَّه العالم.

آیة اللَّه فاضل، آیة اللَّه نوری: بلی باید تمام شرایط در کودک نیز رعایت شود.

آیة اللَّه مکارم: لازم نیست.

ص: ۱۰۳

به عقب برگشتن کودک هنگام سعی

۲۹۹ ۸۶۸- کودکی در احرام عمره مفرده، گاهی در حال سعی به عقب بازگشته و با همین وضع اعمال را به پایان برده است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ (۱)

خواب کودک هنگام سعی

۳۰۰ ۸۶۹- اگر كودك را در حال خواب، طواف یا سعی دهند یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد چه حکمی دارد؟ (۲)

۳۰۱ ۸۷۰- كودك مميزی را ولیّ او به سعی می‌برد؛ ولی كودك خواب است، آیا لازم است در ابتدای سعی، او را برای نیّت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟ (۳)

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری:صحیح است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر به اعتقادصحّت تقصیر انجام شده طفل از احرام خارج شده است و چیزی بر او نیست اگر چه احتیاط در اعاده سعی است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: ظاهراً سعی اوصحیح باشد هر چند بهتر است خودش سعی را اعاده کند یا برای انجام آن نایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰهصافی: در فرض سؤال چنانچه ممیّز است باید سعی راصحیحاً اعاده نماید و بقیه اعمال مرتبه را نیز انجام دهد و اگر غیر ممیّز است ولیّ او دوباره او را سعی دهد و همچنین بقیه اعمال مرتبه را.

۲- به ذیل مسأله ۶۰۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: در مورد بچه‌های كوچك اشكالی ندارد.

۳- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، سیستانی،صافی: سعی از عبادات است و سعی در حال خوابصحیح نیست بایداورابیدار کند.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: احتیاط واجب این است که خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته، به نیت« اتمام ما نقص من سعیه» اعاده کند و اگر قبل از نیت سعی، خواب رفته- بدون اشکال- سعی او باطل است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: چون سعی از عبادات است وصحت آن منوط به نیت و قصد قربت مستمر است لذا درفرض مذکور اگر قبل از شوط چهارم به‌خواب رفته است به‌احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته است پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: درصورتی که در ابتدای سعی نیّت کرده باشد، اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: ۱- لازم است که او را برای انجام نیت بیدار کند ۲- و آن مقداری را که در حال خواب پیش رفته است پس از بیدار شدن اعاده کند.

ص: ۱۰۴

۳۰۲ ۶۲۱- اگر بچه‌ای را که ختنه نشـده، (۱)وادار به احرام، یا او را محرم کنند، احرام اوصـحیح است ولی طواف اوصـحیح نیست؛ (۲)و چون طواف نساء او باطل است (۳)بنابر احوط (۴)حلال شدن زن بر او مشـکل است؛ مگر او را ختنه و طواف دهند، یا خودش بعد از ختان، طواف کند، یا برای طواف او نایب (۵) بگیرند.

۱- آیـۀ اللّه بهجت: اگر طفـل محرم بـدون ختنه طواف کنـد یـا طواف دهنـد او را، طواف نسـاء از او باطـل خواهـدبود طبق احتیـاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آن‌که تدارک طواف نساء نماید، خودش یا نایبش. مناسک شیخ،ص ۲۷.

۲- آیۀ اللّه تبریزی: در ممیّزی که خودش محرم شده باشد.

آیۀ اللّه سیستانی: اگر ممیّز باشد.

آیـۀ اللّه فاضـل: طواف طفل ممیّزی که ختنه نشدهصـحیح نیست، و از غیر ممیّز بنابراحتیاطصـحیح نیست هر چنـد احرام آنهاصـحیح است.

۳- آیۀاللّه مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد

۴- آیۀ اللّه سیسـتانی: اگر ممیّز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسـی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر این‌که پس از ختنه طواف را اعاده کند.

۵- از آیۀ اللّه سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست.

آیات عظامصافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در اینصورت قبل از ختنه مشکل است.

ص: ۱۰۵

فصل هفتم: مستحبات و آداب «۱»

۱- مستحبات ورود به حرم

(۱)۱- همین‌که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.

۲- برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلَّ و علا- پابرهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود؛ این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَعَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ. اللّهُمَّ إنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدةٍ وَفَجٍّ عَمیقٍ سامِعاً لِنِدائِکَ وَمُسْتَجِیباً لَکَ مُطیعاً لِأمْرِکَ وَکُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلیَّ وَاحْسانِکَ إلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، اللَّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

۴- وقت دخول حرم مقداری از علفِ (اذخر) گرفته آن را بجود.

۲- مستحبات ورود به مکه معظّمه

۳۰۳ ۵۴۶- برای دخول مکه معظمه نیز غسل مستحب است؛ و هنگامی‌که وارد مکه می‌شود با حالت

۱- آیة اللّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمانهای گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملًا ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیّت او پاداش می‌دهد.

ص: ۱۰۶

تواضع وارد شود؛ و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

۳- مستحبات ورود به مسجدالحرام

اشاره

۳۰۴ ۵۴۷- مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل نماید. (۱)

غسل برای طواف

۳۰۵ ۵۴۸- آیا بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است و درصورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟ (۲)

دفعات استحباب غسل برای ورود به مسجدالحرام

۳۰۶ ۵۴۹- آیا استحباب غسل ورود به مسجدالحرام تنها برای قادم و کسی است که اعمال عمره بجای می‌آورد، یا برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است؟ (۳)

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر این‌که برای طواف باشد.

۲- آیهٔاللّه بهجت: رجاءً نیّت هر دو را به یک غسل بنماید.

آیهٔ اللّه تبریزی: برای زیارت بیت‌اللّه غسل مستحب است و طواف، زیارت بیت است، واللّه العالم.

آیهٔاللّه‌خامنه‌ای: برای‌خصوص طواف هم غسل مستحبی وارد شده است ولی می‌توانید هر دو را در یک غسل نیت کنید.

آیهٔاللّه سیستانی: غُسل زیارت کعبه مستحب است ولی استحباب غُسل دخول مسجدالحرام و غسلِ طواف ثابت نیست و اگر خواست انجام دهد به قصد رجا اشکال ندارد و می‌تواند یک غسل را به نیّتهای متعدد انجام دهد.

آیهٔاللّه‌صافی: غسل برای طواف بالخصوص، به نظر نرسیده است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی برای هر دو مورد؛ یعنی دخول در مسجدالحرام و طواف غسل مستحب است و یک غسل به نیت هر دو کفایت می‌کند.

آیهٔاللّه مکارم: ظاهراً طواف، غسلِ مستحب ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام استحباب غسل دیگری برای طواف ثابت نیست.

۳- آیهٔاللّه بهجت: رجاءً مانعی ندارد.

آیت اللّه خامنه‌ای: اختصاص به ورود اوّل ندارد.

آیت اللّه تبریزی: غسل دخول مسجدالحرام، که همان غسل برای دخول مکه و حرم است، اختصاص به قادم و کسی که اعمال را به جا می‌آورد، دارد.

آیت اللَّه سیستانی: استحباب آن حتی برای قادم ثابت نیست.

آیت اللَّهصافی: بعید نیست برای هر وارد به مسجد باشد و در هر مرتبه.

آیت اللَّه فاضل: برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است.

آیت اللَّه مکارم: به قصد رجا مانعی ندارد.

ص: ۱۰۷

و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود؛ و هنگام ورود از در «بنی‌شیبه» وارد شود؛ و گفته‌اند که باب بنی‌شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است؛ بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّها النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، بِسْمِ اللَّه وَبِاللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلى أَنْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى إِبْراهِيمَ خَلِيْلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْماءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدْ بِنْ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى أَنبياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى خَلِيْلِ اللَّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَى الْمُرسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّد كَماصَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيْدٌ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى إِبْراهِيْمَ خَلِيلِكَ وَعَلى أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَمَرْضاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمانِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى جَعَلَني مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَني مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَنى مِمَّنْ يُناجِيهِ، أللَّهُمَّ إِنِّى عَبْدُكَ وَزائِرُكَ فى بَيْتِكَ

ص: ۱۰۸

وَعَلی کُلِّ مَأتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أتاهُ وَزارَهُ، وَأ نْتَ خَیْرُ مَأتِیٍّ وَأکْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَ لُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ بِأَ نَّکَ أنتَ اللَّهُ لا إلهَ إلّاأ نْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ بِأ نَّکَ واحِدٌ احَدٌصَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ (لکَ خ ل) کُفُواً أحَدٌ، وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی أهْلِ بَیْتِهِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ یا ماجِدُ یا جَبَّارُ یا کَرِیمُ أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إیّایَ بِزِیارَتی إیَّاکَ أوَّلَ شیءٍ تُعْطِیَنِی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«أللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبتی مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ شَیاطِیْنِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إنّی أسْأَ لُکَ فی مَقامی هذا وَفی أوَّلِ مَناسِکِی أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَأنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتی وَأنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْری، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ أللَّهُمَّ إنّی أشْهَدُ أنَّ هذا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمینَ أللَّهُمَّ إنَّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُطِیْعاً لِأمْرِکَ راضیاً بِقَدَرِکَ أسْأَ لُکَ مَسْأ لَةَ الْفَقِیْرِ إلَیْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِکَ واسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

بعد خطاب می کند به‌سوی کعبه و می گوید:

«أ لْحَمْدُ للَّهِ الَّذی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثابَةً لِلنّاسِ وَامْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِیْنَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لاإلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ

ص: ۱۰۹

بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّى وَبِعِبادَةِ الشَّيْطانِ وَبِعِبادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دُونِ اللّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد، به‌سوی آن متوجه شود و بگوید:

«أَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى هَدانا لِهذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِىَ لَوْ لا أنْ هَدانَا اللّهُ سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إلهَ إلّااللّهُ وَاللّهُ أكْبَرُ، اللّهُ أكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللّهُ أكْبَرُ مِمّا أخْشى وَاحْذَرُ، لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِى وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِى وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَدِيرٌ، اللّهُمَّصَلِّ عَلى مُحَمّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأفْضَلِ ماصَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إبْراهِيمَ وَآلِ إبْراهِيمَ إنَّكَ حَمِيْدٌ مَجيدٌ، وَسَلامٌ عَلى جَميعِ النَّبِيِّينَ وَالمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ أللّهُمَّ إنّى اومِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأتَّبِعُ كِتابَكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی، دست‌های خود را بلند کن؛ و حمد و ثنای الهی را به‌جا آور؛ وصلوات بر پیغمبر بفرست؛ و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«أللّهُمَّ أمانَتِى أدَّيْتُها وَمِيثاقِى تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِى بِالْمُوافاةِ أللّهُمَّ تَصْدِيقاً بِكِتابِكَ وَعَلى سُنَّةِ نَبِيِّكَصَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّى وَعِبادَةِ الشَّيْطانِ وَعِبادَةِكُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دونِ اللّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«أللّهُمَّ إلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِى وَفِيما عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِى فَاقْبَلْ سُبْحَتى وَاغْفِرْ لِى وَارْحَمْنِى، أللّهُمَّ إنّى أعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْىَ فى الدُّنيا وَالْاخِرَةِ».

ص:۱۱۰

ص: ۱۱۱

باب دوم: طواف

اشاره

ص: ۱۱۳

فصل اول: وجوب طواف

۱- رکنّیت طواف و حکم ترک آن

اشاره

اولین عمل عمره بعد از احرام، طواف است.

۳۰۷ ۵۵۰- طواف عبارت است از: «هفت مرتبه گرد خانه کعبه گردیدن» و هر دور از آن «شوط» نام دارد؛ پس طواف، عبارت از هفت شوط است.

ترک سهوی طواف

۵۵۳- اگر کسی طواف را سهواً ترک کند، (۱) لازم است هر وقت که باشد، (۲) آن را به‌جا آورد؛ و اگر به محل خود برگشته و نتواند به مکه برگردد، یا مشقت داشته باشد، باید نایب بگیرد. (۳)

نقصان طواف و مراجعت به وطن

۳۰۸ ۵۵۷- اگر کسی طواف او ناقص بوده ولی تا بعد از مراجعت به وطن، متذکر نقصان نشود، احتیاط (۴) آن است که برای تدارک بازگردد؛ واگر نتوانست یا مشکل باشد، نایب بگیرد. (۵)

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: یا آن را به طورصحیح انجام نداده.

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: وسعی را نیز بنابر احتیاط اعاده کند.

۳- - آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر قبل از فوت وقتِ طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضا کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

۴- آیهٔ اللّٰه بهجت: و اگر متذکّر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد. مناسک شیخ،ص ۴۲.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی،صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به‌جا آورد، اگرچه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند

۵- آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و در اینصورت نیز بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد مناسک فارسی، مسأله ۱۰۴.

آیهٔ اللّٰه مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکّه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

ص:۱۱۲

ص:۱۱۳

ص: ۱۱۴

انجام سعی قبل از طواف

۳۰۹ ۵۵۹- اگر کسی قبل از انجام طواف، سعی را به‌جا آورد، احتیاط واجب (۱)آن است که علاوه بر طواف و نماز آن، سعی را هم به‌جا آورد.

تذکر نسیان طواف در سعی

۳۱۰ ۵۶۰- اگر کسی هنگام سعی، متذکر شود که طواف را به‌جا نیاورده، باید سعی را رها نموده، طواف را به‌جا آورد، سپس سعی را اعاده کند. (۲)

۲- مباحات و محذورات هنگام طواف

اشاره

۳۱۱ ۵۶۲- در حال طواف، تکلم و خنده و شعر خواندن، جایز، ولی مکروه است؛ و مستحب است در حال طواف، مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

اکل و شرب در حال طواف

۳۱۲ ۵۶۳- اکل و شرب در حال طواف، مانع ندارد.

خواندن نماز مستحب در حال طواف

۳۱۳ ۵۶۴- در حال طواف، خواندن نماز مستحب چه حکمی دارد؟ (۳)

طواف با علم به تماس با نامحرم

۳۱۴ ۵۶۵- اگر شخصی در حال طواف با علم به حرمت، از روی شهوت با بدن زنی تماس حاصل نماید

۱- آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: باید سعی را اعاده نماید.
آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.
۲- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی یادش بیاید که طواف به‌جا نیاورده، سعی را رها کند و طواف را به‌جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده، آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید. آداب و احکام حج، م ۶۶۷.

۳- آیات عظام: بهجت، سیستانی، فاضل و مکارم: مانعی ندارد.

آیت اللَّه خامنه‌ای: اگر بتواند جمع بین قصد طواف و قصد نماز مستحبی در حال طواف نماید اشکال ندارد.

آیت اللَّه تبریزی: مشروعیت آن ثابت نیست، واللَّه العالم.

آیت اللَّهصافی: احوط ترک آن است، واللَّه العالم.

ص: ۱۱۵

هر چند کار حرامی کرده ولی مضر به طواف نیست «(۱)و اگر کاری که موجب کفّاره است انجام دهد، باید کفّاره بدهد. (۲)

پا گذاردن روی اشیاء در حال طواف

۳۱۵ ۵۶۶- پا گذاردن روی احرامی دیگران (۳)و چیزهایی که از افراد در مطاف می‌افتد- از قبیل ساعت و غیره- موجب بطلان طواف نمی‌شود. (۴)

احرام و طواف در لباس غیرمخمّس

احکام خمسِ مربوط به طواف، در قسمت خمس در پایان کتاب ذکر شده است.

۱- آیهٔ اللّه فاضل: اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده و موجب انزال شده، علاوه بر گناه باید یک شترکفّاره بدهد و نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد که در مسأله ۵۸۰ آمده است.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.

آیهٔ اللّه فاضل: اما اگر موجب انزال شود طوافش باطل و کفّاره هم دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفّاره ندارد.

۳- آیهٔ اللّه گلپایگانی: ولی نباید اذیت دیگران رافراهم آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: ولی عمداً این کار را نکند مگر مانع عبور باشد.

۴- آیات عظامصافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد.

ص: ۱۱۶

فصل دوم: شرایط و مقدمات طواف

اشاره

واجبات طواف، بر دو گونه است:

اول: مقدمات و شرایط پنج گانه طواف:

۱- نیّت

اشاره

«نیّت» یعنی انجام طواف با قصد خالص برای خداوند متعال.

توضیح کلّی نیت در عبادات

۳۱۶ ۵۶۷- به زبان آوردن و از قلب گذراندن نیت، لازم نیست؛ و همین که بنا دارد عمل را برای خداوند به‌جا آورد، کفایت می‌کند؛ و نیت در عبادت با کارهای دیگر در این جهت یکسان است؛ پس همان طور که قصد انسان هنگام آب خوردن، معلوم و محقق است، عبادت نیز همین گونه است.

لزوم اخلاص در نیت

۳۱۷ ۵۶۸- طواف و هر عبادتی، باید برای اطاعت خداوند متعال بجا آورده شود؛ و فارق بین عبادت و غیر آن، همین خصوصیت است. (۱)

مراتب تحقق قصد قربت

۳۱۸ ۵۶۹- برایصحیح بودن عمل از جهت قصد قربت، کافی است که آن را برای خدای متعال، یا برای اطاعت امر او جلّ جلاله، یا برای ترس از جهنم، یا شوق به رسیدن به بهشت و ثواب، به‌جا آورد.

حکم ریا

۳۱۹ ۵۷۰- اگر کسی در انجام طواف یا سایر اعمال عمره و حج ریا کند؛ یعنی عمل خود را خدای ناکرده

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعتصدق کند یا نکند.

ص: ۱۱۷

برای نشان دادن و به رخِ دیگری کشیدن، و خوب جلوه دادن، به‌جا آورد، طواف و هرچه را که این‌طور به‌جا آورده، باطل است و علاوه بر آن خدای جلیل را هم معصیت نموده است.

۳۲۰ ۵۷۱- ریا بعد از اتمام عمل، باعث بطلان عمل نمی‌شود ولی در هر حال، معصیت است.

بطلان عمل با شرکت رضای غیر

۳۲۱ ۵۷۲- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگری را هم شریک کند و خالص برای خدا نباشد، عمل او باطل است.

شک در قصد طواف

۳۲۲ ۵۷۴- اگر کسی در حال طواف، بدون قصد- مثلًا بخواهد کسی یا چیزی را از زمین بردارد- گامی به طرف جلو بردارد اگر توجه به طواف ندارد، و نمی‌داند که آیا آن مقدار مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند. (۱)

شک در نیّت نیابت در طواف

۳۲۳ ۵۷۵- اگر شخصی در اثنای طواف شک کند که آیا طواف را به نیت منوبٌ‌عنه آغاز کرده یا به نیت خودش، احتیاط آن است که طواف را به نیت منوبٌ‌عنه اتمام کند و پس از نماز آن، طواف و نماز را اعاده کند.(۲)

۲- طهارت از حدث

طهارت از حدث

دوم- طهارت از حدث اکبر (جنابت، حیض و نفاس)، و از حدث اصغر؛ یعنی با وضو باشد.

۳۲۴ ۵۷۶- در عمره و حج، طهارت از حدث اکبر و اصغر، در تمامی طوافهای آن- اعم از طواف عمره، طواف حج و طواف نساء- شرط است.

عدم لزوم طهارت در طواف مستحبی

۳۲۵ ۵۷۷- طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، هرچند جنب یا حایض،

۱- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: به شک خود اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالًا داشته باشد کافی است.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوبٌ‌عنه تمام کند. استفتائات جدید

آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای، آیـهٔ اللَّه فاضـل: می‌توانـد طواف مزبور را به نیّت منوبٌ‌عنه اتمـام کرده و پس از نماز آن را با نماز، اعاده کنـد و می‌تواند آن را رها نموده و طواف را به نیابت از منوب‌عنه از سر بگیرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

ص: ۱۱۸

جایز نیست در مسجدالحرام وارد شوند، ولی اگر با غفلت یا نسیان، طواف مستحب انجام دادند، طواف آنهاصحیح است.(۱)

بطلان طواف با حدث

۳۲۶ ۵۷۹- اگر شخصی عمداً، یا جهلًا، یا از روی غفلت یا نسیان، با حدث اکبر یا اصغر، طواف کند، طواف او باطل است.

بطلان وضو بعد از شوط چهارم

۳۲۷ ۵۸۰- اگر در اثنای طواف، حدث عارض شود، اگر پس از تمام شدن دور چهارم باشد، باید طواف را قطع کرده، بعد از تحصیل طهارت، از همانجا که آن را قطع کرده، اتمام کند. (۲)

۱- . آیةالله خامنه‌ای: در طواف مستحبی وضو لازم نیست ولی به احتیاط واجب در حال جنابت و حیض یا نفاس، طوافصحیح نیست.

۲- . اگر حدث بعد از اتمام دور چهارم باشد

آیات عظام: بهجت، خویی، سیستانی، فاضل: اگر حدث بدون اختیار باشد، بعد از طهارت، طواف را تکمیل می‌کند و اگر با اختیار باشد احتیاطا اتمام و اعاده می‌کند.

آیات عظام: امام خمینی، تبریزی،صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: بعد از طهارت طواف را تکمیل می‌کند.

آیـة اللّه خامنه‌ای: با بقای موالات تکمیل می‌کنـد و با زوال آن، احتیاطاً تکمیل و اعاده می‌کند و می‌تواند یک طواف به نیّت اعم از اتمام و اعاده انجام دهد.

و اگر حدث قبل از نصف یا اتمام دور چهارم باشد:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، مکارم: اگر قبل از نصف باشـد آیة اللّه سیستانی: قبل از چهارم بعد از طهارت، طواف را اعاده کند.

آیة اللّه خامنه‌ای: اگر حدث مابین سه و نیم تا چهار عارض شود حکم فرض قبلی را دارد و اگر قبل از سه و نیم عارض شود پس از طهارت طواف را اعاده کند.

امام خمینی و آیة اللّه نوری: بنابر احتیاط واجب طواف اول را تکمیل و نماز می‌خواند اعاده می‌کند.

آیات عظام:صافی، فاضل، گلپایگانی: قبل از سه و نیم، بعـد از طهارت طواف را اعاده کنـد. و طبق نظر این مراجع اگر بعد از ۳/۵ و قبـل از اکمال چهار باشـد: بعـد از طهارت، بنابر احتیاط آیـة اللّه فاضل: بنابر فتوی طواف اول را تکمیل و بعـد از نماز آن، طواف را اعاده کند.

طبق نظر همه مراجع از سرگیری طواف بعد از زوال موالات، جایز است؛ فقط طبق نظر:

آیات عظام: امام خمینی،صافی، فاضل: اگرطواف قطع شـده چهار شوط کامل بوده است، باید طوافِ اول، تکمیل و نماز آن خوانده شود.

از سرگیری طواف با بقای موالات طبق نظر مراجع ذیل جایز است:

آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم، نوری، خویی

و آیهٔ اللّٰهصافی و آیهٔ اللّٰه گلپایگانی با رعایت تکمیل بعد از شوط چهارم.

تذکر: طبق نظر مراجعی که از سرگیری را جایز می‌دانند، رعایت تفصیل بین نصف و کمتر از نصف، احتیاطی است.

ص: ۱۱۹

بطلان وضو قبل از شوط چهارم

۳۲۸ ۵۸۱- اگر عروض حـدث پیش از تمام شـدن دور چهارم باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اتمام و اعاده کند و این حکم، در حدث اصغر است. (۱)

حدث اکبر در اثنای طواف

۳۲۹ ۵۸۲- اگر در اثنـای طواف، حـدث اکبر- مثل جنابت (۲) یا حیض- عارض شود، بایـد فوراً از مسـجدالحرام بیرون رود، و اگر پیش از تمام شدن دور چهارم (۳)حدث عارض شده، طواف را با طهارت اعاده کند.

شک در حدث و طهارت

۳۳۰ ۵۸۳- اگر بعد از طهارت، در پیدایش حدث شک کند، بنابر طهارت بگذارد؛ ولی اگر بعد از حدث، در تحصیل طهارت شک کند، بنابر حدث بگذارد و طهارتِ لازم را تحصیل نماید.

شک در طهارت بعد از طواف

۳۳۱ ۵۸۴- اگر بعـد از تمام شـدن طواف، شک کنـد که آیا وضو یا غسل داشـته یا نه، « آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر بعد از حـدث اصـغر شـک کنـد در این‌که قبـل از طواف غسل کرده یا نه، (۴) طواف اوصـحیح است، ولی برای اعمال بعـد، باید تحصـیل طهارت نماید.

۱- به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۲- نظریه آیات عظام در دو مسأله قبل گذشت که فرقی بین حدث اصغر و جنابت نگذاشته‌اند.

۳- آیـهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احوط در هر دوصورت قبل و بعد از شوط چهارم این است که بعد ازپاکی یک طواف کامل به نیّت اعم از تمام و اتمام به‌جا آورد.

۴- آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: اگر بعـد از حدث اصـغر شک کند در این‌که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد. منهاج‌الصالحین، ج ۱، مسأله ۲۰۹.

ص: ۱۲۰

شک در وضو و غسل در اثنای طواف

۳۳۲ ۵۸۵- اگر در اثنای طواف شک کنـد که وضو داشـته یا نه، بایـد وضو بگیرد؛ و اگر شک، بعـد از اتمام دور چهارم بوده، تتمه طواف را به‌جا آورد؛ و اگر قبل از اتمام دور چهارم باشد، بنابر احتیاط واجب، طواف را اتمام و اعاده کند. (۱)

۳۳۳ ۵۸۶- در تمامصورت‌هایی که گفته شد درصورت شک، «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافشصـحیح است»، بهتر است که با شک در وضو، تجدیـد وضو کنـد؛ و با شک در غسل، رجاءً غسل به‌جا آورد؛ چون ممکن‌است که بعداً معلوم شود که طهارت نداشـته و اشکال پیدا شود.

شک در غسل کردن در اثنای طواف

۳۳۴ ۵۸۷- اگر طواف کننـده در اثنای طواف، در انجام غسل جنابت یا حیض یا نفاس شک کنـد، بایـد فوراً از مسـجدالحرام بیرون برود، و غسل کند؛ (۲) اگر بعـد از اتمام شوط چهارم شک کرده، باقیمانـده طواف را به‌جا آورد و احتیاط در اعاده است؛ ولی اگر قبل از دور چهارم شک کرده، طواف را اعاده نماید. (۳)

طواف با وضوی باطل

۳۳۵ ۵۸۸- اگر حج‌گزار در عمره تمتع، بعد از تقصـیر متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، طواف و نماز را اعاده کند و عمره اوصحیح است. « (۴)

۱- شک در وضو یا غسل در اثنای طواف:

آیـات عظـام: تبریزی، خویی، بهجت، سیسـتانی،صـافی، گلپایگـانی، فاضل، خامنه‌ای، نوری، مکارم: اگر قبلًا وضو و غسل نداشـته و شک در تحصیل آن دارد، باید بعد از طهارت طواف را اعاده نماید.

و اگر قبلًا وضو داشته: و شک در باطل شدن آن دارد بنابر طهارت می‌گذارد.

۲- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: و برگردد و طواف را اعاده نماید.

۳- جهت تفصیل نظر آیات عظام به ذیل مسأله ۵۸۵ مراجعه شود.

۴- آیات عظام بهجت، تبریزی: و بنابر احتیاط، بعد از آن سـعی و تقصـیر را نیز اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

وآیـهٔ اللّه بهجت اضافه می‌فرماید: و درصورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، تقصـیر قبلی کفّاره ندارد. مناسک، س ۸۵ و ۱۷۰.

آیـهٔ اللّه خویی: بایـد لباس دوخته را بیرون بیاورد و سـعی و تقصـیر را نیز اعاده کند و در فرض گذشت زمان تدارک، حجش باطل است. المسائل الشرعیه،ص ۳۴۲ و ۳۵۱ و ۳۵۷.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید آن را جبران کند و بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده است از محرّمات احرام اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجّه شود، درصورت سهو و نسیان، اعاده طواف کافی است و درصورت جهل حجّش باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر قربانی بدهد.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در فرض مذکور که بعد از تقصیر و قبل از شروع اعمال حج فهمیده باید پس از وضو طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۷۸، مسأله ۴۷.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

ص: ۱۲۱

معذور از وضو و غسل

۳۳۶ ۵۹۳- معذور از انجام وضو و غسل، (۱) واجب است بدل از وضو یا بدل از غسل، تیمم کند.(۲)

حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل

۳۳۷ ۵۹۴- اگر بعد از تیممِ بدل از غسل، حدث اصغر عارض شود، (۳)باید برای حدث اصغر، تیمم کند و برای حدث اکبر تیمّم لازم نیست؛ و تا حدث اکبر دیگری برای او حاصل نشده و عذرش باقی است، همان تیمم اول، کافی است، ولی بنابر احتیاط تیمم بدل از غسل را هم انجام دهد. (۴)

۱- آیهٔ اللّه مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواندصبر کند تا عذر برطرف شود.

آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط بایدصبر کند تا عذر او برطرف شود و اگر از زوال عذز مأیوس شد با تیمم طواف کند، بلی قبل از یأس زوال عذر می‌تواند رجاءً با تیمم طواف نماید پس اگر تا آخر عذر او ادامه داشت به آن طواف اکتفا کند.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی: درصورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل درصورت تمکن، باید وضو هم بگیرد وگرنه باید یک تیمم دیگر به‌جای وضو به‌جا آورد و جنب متیمّم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد. آداب و احکام حج، مسأله ۴۷۶.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمّم بدل از آن و تیمّم بدل از حدث اکبر است. ذخیره، ج ۱،ص ۱۹۹.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بدل از غسلِ جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند؛ و اگر برای حدث اکبرِ دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیمّم بدل از غسل کند.

آیهٔ اللّه خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند. منهاج، مسأله ۳۸۱.

ص: ۱۲۲

۳۳۸ ۵۹۵- معذور از انجام وضو یا غسل، بنابر احتیاط واجب (۱)

درصورتی که امید بر طرف شدن عذرش را دارد، باید تا هنگام تنگ شدن وقت یا قطع امید،صبر کند.

فرض کفایت طواف و نماز با تیمّم

۳۳۹ ۵۹۶- اگر معتمر جنب باشد و آب برای او ضـرر داشته باشد، یا آب موجود نباشد و یا اگر بخواهد آب بیابد و غسل کند وقت عمره می‌گذرد، طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است و نایب گرفتن لازم نیست. (۲)

انجام عمره بدون وضو و احرام جدید

۳۴۰ ۵۹۸- شخصـی عمره مفرده‌ای به نیـابت از پـدرش انجام داده و روز بعـد به نیابت مادرش محرم می‌شود و در اثنای آن، متوجه می‌شود که در عمره اوّل طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، وظیفه او در اینصورت چیست؟ (۳)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است. ذخیره، ج ۱،ص ۱۹۶.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: چنانچه بداند تا پیش از پایان وقت طواف عذرش برطرف می‌شود؛ باید تا هنگام برطرف شدن عذرصبر کند.

آیـهٔ اللّه خویی: اگر احتمال بقای عـذر تا آخر وقت می‌دهد می‌تواندصبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبودِ آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر وقت تنگ نباشـد تیمّم جایز نیست مگر این که از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد درصورت تأخیر از انجام تیمّم نیز عاجز شود.

آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: بـا علـم بـه بر طرف شـدن عـذر، انتظـار واجـب است و در غیر اینصـورت تـأخیر بنـا بر احتیـاط مستحب است. وسیلهٔ‌النجاهٔ، احکام التیمم.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف با تیمم در آخر زمان تمکّن از مباشرت واقع شود. مناسک شیخ،ص ۳۶.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.

۳- آیهٔ‌اللّه بهجت: به قصد وظیفه ابتداء یک طواف و نماز آن انجام دهد و بعد طواف و سعی و تقصیر کند و اگر عمره دوّم به نذر یا استیجار بر او واجب شده بوده احتیاطاً اعاده کند.

آیـهٔ اللّه تبریزی: بنـابر احتیاط طواف و نماز آن را قضا نمایـد و پس از آن تمام اعمال عمره مفرده به قصـد ما فی الـذمه انجام دهـد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید طواف و نماز عمره اول را اعاده نماید و احرام دوم نیزصحیح است.

آیهٔ اللّه سیستانی: احرام دوّم باطل است و باید همه اعمال عمره اوّل را اعاده کند.

آیهٔ اللّهصافی: در فرض سؤال، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره‌ای را که به نیابت پدر انجام داده اعاده نماید، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: ابتدا طواف و نماز طواف عمره سابق را بجا آورد سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد.

آیـهٔ اللّه مکارم: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می‌کنـد و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می‌دهد توجّه داشـته باشد که در یک ماه

قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد مگر این‌که بر نیّت رجا؛ یعنی به امید این‌که مطلوب باشد.

آیهٔ اللّه نوری: بعد از اتمام عمره دوّم طواف و نماز آن را که از عمره اوّل بجا مانده است بجا بیاوردصحیح است.

ص: ۱۲۳

طواف با بر عهده بودن غسل مس میت

۳۴۱ ۶۰۰- اگر عمره‌گزار بعد از اعمال بفهمد غسل مس میت به گردنش بوده، اگر بعد از مس میت، غسل جنابت(۱)کرده، از مسّ میت کفایت می‌کند و عملشصحیح است و گرنه باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

عدم کفایت غسل حیض و جمعه از جنابت

۳۴۲ ۶۰۱- غسل حیض و جمعه و امثال آنها، کفایت از غسل جنابت نمی‌کند. (۲)

ترک تیمم با موظف بودن به وضوی جبیره‌ای و تیمم

۳۴۳ ۶۰۲- کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم بوده، اگر جهلًا بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، اعاده طواف و نماز آن، کفایت می‌کند. (۳)

۱- به مسأله ۵۹۹ در مناسک محشای حج مراجعه شود.

آیت عظام تبریزی، خویی و فاضل: یا غیر غسل جنابت از اغسال واجبه یا اغسالی که استحباب آنها ثابت شده مثل غسل جمعه یا غسل احرام یا غسل دخول مکّه و غیر آن.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: کفایت غسل واجب که انجام داده است از آن بعید نیست، اگرچه احوط خلاف آن است و در کفایت غسل مستحب از آن اشکال است، احتیاط ترک نشود. وسیله،ص ۵۹.

آیات‌عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: بلکه‌اگر غیراز جنابت نیز، یکی‌از آنها راقصدکرده باشد اقوی کفایت است. بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، تمام آنهاصحیح است و فقط نمازهایی که بعد از جنب شدن و قبل از اولین غسل حیض یا جمعه خوانده باطل و قضا دارد.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند.

۳- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی و خویی: سعی و تقصیر را هم باید اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته است حجّش محکوم به بطلان است مگر این‌که در کفایت وضو، به غیر رجوع کند، با رعایت الأعلم فالأعلم، اگر از موارد رجوع باشد.

ص: ۱۲۴

جواز و عدم جواز بدار

۳۴۴ /۲ ۶۰۲- آیا بدار برای معذورین از طهارت مائیه و نیز دیگر معذورین جایز است یا نه؟ و بر فرض جواز اگر قبل از انقضای وقت عذرش برطرف شد اعاده لازم است یا نه؟ (۱)

مسلوس و مبطون

صحت حج افراد مسلوس و مبطون

۳۴۵ ۶۰۴- افرادی که مبتلا به خروج مدفوع و یا بول هستند، با رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارند، عملشانصحیح است. (۲)

۱- آیهٔاللَّه بهجت: جایز است مگر علم به برطرف شدن عذر داشته باشد.

آیهٔاللَّه تبریزی: اگر مأیوس بود بدار جایز است و در تیمم برای نماز در این‌صورت اعاده واجب نیست و در غیر نماز و تیمم آن درصورت رفع عذر در وقت اعاده لازم است. واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: بعد از دخول وقت عمل مشروط به طهارت، بدار جایز است حتی با رجاء ارتفاع عذر در اثنای وقت اگرچه احوط درصورت اخیر ترک بدار است، و در هرصورت اگر عمل را انجام داد و بعداً اتفاقاً عذر در اثنای وقت برطرف شد، اعاده واجب نیست، ولی با علم به ارتفاع عذر در اثنای وقت بدارصحیح نیست و باید تا ضیق وقت منتظر بماند.

آیهٔاللَّه سیستانی: بدار درصورت یأس جایز است و اعاده لازم نیست هرچند در وقت، عذر برطرف شود.

آیهٔاللَّهصافی: در فرض سؤال اگر امید زوال عذر در آخر وقت را داشته باشند احتیاط در تأخیر است. واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه فاضل: معذور چنان‌چه بداند تا آخر وقت عذرش برطرف نمی‌شود می‌تواند به مجرد ورود اعمال را با وضو یا غسل جبیره‌ای یا تیمم انجام دهد. اما چنان‌چه امید دارد تا زمانی که در مکه است عذرش برطرف شود احتیاط واجب آن است کهصبر کند و اگر تا آخر وقت عذرش برطرف نشد طبق وظیفه معذور عمل کند. و چنان‌چه بعد از عمل به‌وظیفه معذور عذرش برطرف شد چنان‌چه علم داشته عذرش برطرف نمی‌شود اعاده واجب نیست، ولی اگر امید داشته که عذرش برطرف می‌شود بنابر احتیاط باید اعمال را با غسل و وضو اعاده کند.

آیهٔاللَّه مکارم: بدار برای ذوی الاعذار بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این‌که یقین داشته باشد که تا آخر وقت، عذر برطرف نخواهد شد؛ و درصورتی که تا آخر عذر برطرف شود بنابر احتیاط اعاده لازم است.

۲- به مسأله بعد مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: باید برای طواف نایب بگیرد مناسک، مسأله ۲۹۹.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: مبطون، احوط این است که درصورت تمکن، هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. مناسک، مسأله ۲۹۹.

ص: ۱۲۵

۳۴۶ ۶۰۵- کسی که پی در پی از او ریح خارج می‌شود، حکم مبطون را دارد؛ (۱) و چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد، اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است؛ ولی اگر بتواند- ولو با حمل آب در اثنای طواف- وضو بگیرد، واجب است تجدید وضو کند و همچنین است حکم، در نماز طواف. (۲)

خروج بول از غیرمجری

۳۴۷ ۶۰۶- کسی که بول او پی‌درپی خارج می‌شود- ولو از مجرای بول نباشد- حکم مسلوس را دارد. (۳)

وظیفه مسلوس

۳۴۸ ۶۰۷- مسلوس اگر در وقت خاصی بتواند طواف و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد؛ و اگر چنین وقتی ندارد، درصورتی که مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از اوصادر شود یک وضو بگیرد؛ و اگر مشقت دارد، برای طواف، یک وضو و برای نماز هم، یک وضو بگیرد. (۴)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد. پرسشهای جدید حج، س ۶۶.

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب مثل مبطون باید نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط حکم مبطون را دارد.

آیهٔ اللَّه خویی: بلکه حکم مسلوس را دارد. مستفاد از مناسک، مسأله ۲۹۹.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر این‌که حدثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و مبطون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۶۹ مسأله ۱۳.

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط در مورد مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.

۳- آیهٔ اللَّه خویی: اگر از محلّ غیر معتاد ولو بالعارض خارج شود، آن هم بنابر احتیاط واجب، همان حکم را دارد. منهاج، آخرص ۴۱.

۴- آیهٔ اللَّه فاضل: و در هرصورت بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه بهجت: به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می گیرد، برای طواف نیز همان نحو عمل می کند مناسک شیخ،ص ۳۶ ووسیله،ص ۷۶ و ۳۹.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بعید نیست که یک وضو کفایت کند؛ مادامی که حدث متعارف از اوصادر نشود؛ گرچه احتیاط، اعاده وضو است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می گیرد، برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر این را هم نمی‌تواند حکمی که در متن هست، برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را بجا آورد و بعد تجدید وضو نموده و سه شوط دیگر آن را انجام دهد. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۷۷ مسأله ۴۰.

ص: ۱۲۶

۳- طهارت از نجاست

اشاره

سوم- طهارت بدن و لباس از نجاست.

۳۴۹ ۶۰۸- طواف کننـده بنابر احتیاط واجب (۱) بایـد از نجاسـات معفوّ در نمـاز نیز- مثـل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان (۲)نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر (۳)نجس- اجتناب کند.

۱- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در حال طواف باید بدن و لباس از خون پاک باشند و بنابر احتیاط واجب، باید از سایرنجاسات نیز پاک باشند، اما پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر وماننـد آنها شـرط نیست و خونی که از یک درهم کمتر باشـد؛ و نیز خون جراحت‌ها و زخم‌ها که موجب بطلان نماز نمی‌شود، بهصحت طواف نیز خللی وارد نمی‌کند.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهر آن است که ....

آیهٔ اللّه مکارم: طواف، در حالی که بدن یا لباس خونِ کمتر از درهم داشته باشد، جایز نیست.

۲- آیـات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خوانـد یعنی ساتر نباشـد؛ ماننـد مثال‌های مـذکور در متن اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیـهٔ اللّه وحید: سوم از شرایطصـحت طواف بنابر احتیاط واجب طهارت از نجاست است، و از نجاستی که در بدن یا لباس نماز گزار عفو شده است- مانند خون کمتر از درهم- در طواف عفو نشده است.

مناسک فارسی معظم لهصفحه ۱۵۰

آیهٔ اللّه سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

۳- آیهٔ اللّه فاضل: در انگشتر و مانند آن که ثوبصدق نمی‌کند برایصحت طواف طهارت آنها شرط نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس درصورت جهل به مسأله مانعی ندارد.

ص: ۱۲۷

خون قروح و جروح

۳۵۰ ۶۱۱- بنابر احتیاط واجب، بایـد خون قروح و جروح را تا حد امکان، تطهیر نمود و لباس را اگر نجس شده، عوض کرد؛ و اگر تطهیرِ خون قروح و جروح، مشقت داشته باشد، تطهیر لازم نیست. (۱)

تأخیر طواف برای تحصیل طهارت

۳۵۱ ۶۱۲- کسـی که در بدن او خون قروح و جروح باشد، بنابر احتیاط اگر می‌تواند با تأخیر و بدون مشـقت آن را تطهیر کند، باید طواف را به شرط عدم تنگی وقت، تأخیر بیندازد.

طواف با لباس مشکوک

۳۵۲ ۶۱۳- طواف با بـدن و لباسـی که شک در نجاست آن داشـته باشد،صـحیح است؛ چه بداند قبلًا پاک بوده یا نه؛ ولی اگر بداند که قبلًا نجس بوده ونداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند با آن طواف کند.

حصول نجاست در اثنای طواف

۳۵۳ ۶۱۴- اگر در حـال طواف، بـدن یـا لباس نجس شود، بنابر اظهر بایـد طواف را قطع، و به تطهیر اقـدام شود و طواف از همان‌جا اتمام شود و این طواف،صحیح است. (۲)

۱- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: آنچه موجب بطلان نماز نمی‌شود، طواف را نیز باطل نمی‌کند.
آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.
آیهٔ اللَّهصـافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگـانی: و احتیـاط آن است که هم خودش بـا آن حـال طواف کنـد و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.
۲- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: یا آنکه نجس بودن بـدن یا لباس خود را نمی‌دانسـته و در اثنای طواف دانست، اگر جامه پاکی داشـته باشـد همان جا جامه نجس را کنـده و با جامه پاک طواف خود را تمام نمایـد واگر نه اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بـدن یا لباس باقیمانـده طواف را به‌جا آورد. و چنانچه پیش از تمام شدن شوط چهـارم باشـد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به‌قصـد اعم از تمام یا اتمام به‌جا آورد.
آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر بـدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشـد بایـد دست از طواف بردارد و جامه یا بـدن را تطهیر کنـد و فوراً برگردد اگر موالات بهم نخورده و طواف را از همانجا تمام کند و طواف اوصحیح است.
آیـهٔ اللَّهصافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن

طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به‌جا آورد.

ص: ۱۲۸

۳۵۴ ۶۱۵- اگر طواف کننـده در حـال طواف نجـاستی در بـدن یا لباس خود ببینـد و احتمال بدهـد که در این حال نجاست حاصـل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.

علم به نجاست بعد از طواف

۳۵۵ ۶۱۶- اگر بعد از فراغ از طواف، به نجاستِ در حال طواف، علم حاصل شود، اظهرصحت طواف است.

علم به نجاست از اول در اثنای طواف

۳۵۶ ۶۱۷- اگر در بین طواف، علم پیـدا کنـد که نجاست بـدن یا لباس او، از ابتدای طواف بوده، احتیاط (۱) آن است که طواف را رهـا نموده و تطهیر کنـد و از همانجا بقیه طواف را تمام کنـد و نماز آن را بخوانـد و بعـد از آن، طواف و نماز را را اعاده (۲) کند؛ خصوصـاً اگر تطهیر، طولانی شود. در این احتیاط، فرقی بین حصول علم، بعـد از دور چهارم، یا قبل از آن نیست، اگرچه درصورت دوم، احتیاط شدیدتر است.(۳)

فراموشی نجاست

۳۵۷ ۶۱۸- اگر طواف کننده نجاست را فراموش و در اثنای طواف یا بعد از آن (۴)متذکر شود، بنابر احتیاط واجب باید آن را اعاده کند.

طواف و نماز با نجاست و انجام اعمال مترتّبه

۲۳۵۸ / ۶۱۸- کسـی که طواف و نمـاز طواف را بـا بـدن یـا لباس نجس از روی جهل یا نسـیان، به‌جا آورده، آیا اعاده طواف و نماز لازم است یا نه؟ و تکلیف او نسبت به اعمال مترتبه چیست؟ (۵)

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: حکم در این مسأله همان است که در مسأله ۶۱۴ آمده است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: ظاهراً طوافشصحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که ....

۲- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه مکارم: وظیفه همین است و اعاده ندارد.

۳- نظریه سایر آیات عظام در حاشیه مسأله ۶۱۴ آمده است.

۴- آیـات عظـام: بهجت، تـبریزی، خـویی، سیسـتانی، فاضـل و مکـارم: در این فرض طواف اوصـحیح است ودر فرض تـذکر در اثنا مقداری که طواف کردهصحیح است و در ادامه به وظیفه عمل می‌کند.

آیـهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر در بین طواف یادش بیایـد، بایـد مطابق دسـتوری که در حاشـیه مسأله ۶۱۴ بیان شـده عمل کنـد و اعاده لازم نیست. و اگر بعد از طواف یادش بیاید طوافشصحیح است ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسأله طواف را نیز بار دیگر بجا آورد.

۵- آیهٔاللَّه بهجت: باید خودش طواف و نماز را اعاده کند و با عدم تمکن استنابه کند و اعمال مرتبهصحیح است.

آیهٔاللَّه تبریزی: و در فرض نسیان در طوافصحیح است و در نماز طواف باید اعاده کند. واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: در جهل به موضوع اعاده ندارد و اگر نسیان کرده احوط اعاده است و سعی با اعتقاد بهصحت طواف اعاده ندارد ولی طواف نساء با بطلان طواف اعاده شود.

آیهٔاللَّه سیستانی: طواف درصورت جهل به موضوع یا نسیانصحیح است و همچنین نماز ولی اگر قبل از نماز شک داشته و تفحّص نکرده و بعد از نماز آن را دیده است به احتیاط واجب باید نماز را اعاده کند و در مورد نسیان نیز اگر منشأ آن بی‌اعتنایی بوده اعاده نماز بنابراحتیاط لازم است.

آیهٔاللَّهصافی: در فرض سؤال درصورت نسیان طواف و نمازش را اعاده کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و در هرصورت جهل به موضوع نجاست اعاده ندارد و طواف و نمازصحیحند و اگر جاهل به حکم بود نیز طواف و نماز و سعی را اعاده نماید. واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه فاضل: درصورت نسیان طوافصحیح است، ولی نماز را اعاده کند. و اعمال مترتبه را که با اعتقاد بهصحت انجام دادهصحیح است. اما درصورت جهل به حکم، طواف و نماز را اعاده کند، ولی اعمال مترتبه مثلصورت قبل است.

آیهٔاللَّه مکارم: اعاده لازم نیست.

ص: ۱۲۹

۴- ختنه

چهارم- ختنه در حق مردان؛ و بنابر احتیاط (۱) واجب، درباره بچه‌های نابالغ هم رعایت شود.

۶۲۱۳۵۹- اگر بچه‌ای را که ختنه نشده، (۲) وادار به احرام، یا او را محرم کنند، احرام اوصحیح است ولی طواف اوصحیح نیست؛ (۳)و چون طواف نساء او باطل است (۴) بنابر احوط (۵)حلال شدن زن بر او مشکل

۱- آیهٔاللّٰه تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته ای که پوشیده است باشد، طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیهٔاللّٰه خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیهٔ الله مکارم: درصورت عمد، خلاف احتیاط است، نگاه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیهٔ الله نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفاره دارد.

۲- آیهٔاللّٰه خویی: فرقی نمی کند و پوشاندنصورت برای زن از نامحرم، بنابر احتیاط واجب است و لکن باید به نحوی باشد که ساتر بهصورت زن مس نشود.

آیهٔ الله سیستانی: فی الجمله فرقی می کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است؛ ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد، طوافصحیح است همچنین به احتیاط واجب نبایدصورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر محل باشد.

آیهٔ الله فاضل: فرقی ندارد.

آیهٔ الله مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاند آن است همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیهٔ الله نوری: فرق نمی کند؛ چون در نماز می تواندصورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب استصورت خود را بپوشاند.

۳- آیهٔاللّٰه بهجت: درصورتی که علم نداشته باشد، اشکال ندارد.

۴- آیهٔاللّٰه مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد.

۵- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر ممیّز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر این‌که پس از ختنه طواف را اعاده کند.

ص: ۱۳۰

است؛ مگر او را ختنه و طواف دهند، یا خودش بعد از ختان، طواف کند، یا برای طواف او نایب (۱)بگیرند.

۳۶۰ ۶۲۲- اگر بچه‌ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف اوصحیح است.

۳۶۱ ۶۲۴- در طواف‌های مستحبی نیز ختنه شرط است.

۵- ستر عورت

اشاره

پنجم- ستر عورت. (۲)

۳۶۲ ۶۲۵- طواف بدون ساترِ عورت، باطل است.(۳)

لزوم اباحه ساتر

۳۶۳ ۶۲۶- در ساتر، اباحه (۴) معتبر است و با ساتر غصبی، طوافصحیح نیست؛ و با لباسِ غیرِ ساترِ غصبی نیز، بنابر احتیاطِ « (۵)واجب، طواف باطل است.

۳۶۴ ۶۲۷- بنابر احتیاط، شرایط لباس نمازگزار، در ساتر رعایت شود.

۱- از آیهٔ اللّه سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست.

آیات عظامصافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در اینصورت قبل از ختنه مشکل است.

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است

۳- آیهٔ اللّه مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر اوصدق کند طوافش باطل است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب، ستر عورت در طواف شرط است.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و درصحّت آن تأمّل و احتیاط است؛ خصوصاً درساتر. مستفاد از وسیله،ص ۱۷۹ در نماز.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب.

۵- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: این احتیاط واجب نیست.

آیات عظام:صافی، گلپایگانی، نوری: باطل است.

ص: ۱۳۱

صحت طواف و سعی با لباس دوخته

۳۶۵ ۶۲۸- طواف و سعی با لباس دوخته ولو عمداً،صحیح است و بهصحت عمره و حج، ضرر نمی‌زند. « (۱)

فرق حجاب در طواف با نماز

۳۶۶ ۶۲۹- حجاب زن هنگام طواف، با حجاب در نماز، فرق می‌کند؛(۲) و بنابر احوط، فقط وجه و کفین، در طواف، مستثنی است.

پیدا بودن مو در طواف

۳۶۷ ۶۳۰- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند، ظاهر باشد، (۳)در فرض عمد، طواف- علی الأحوط-صحیح نیست؛ (۴) و در غیر عمد،صحیح است، مگر علی الأحوط، در جاهل مقصر.

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته‌ای که پوشیده است باشد، طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیهٔ اللَّه خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: درصورت عمد، خلاف احتیاط است، گناه کرده و یک گوسفند کفّاره دارد.

آیهٔ اللَّه نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

۲- آیهٔ اللَّه خویی: فرق نمی‌کند و پوشاندنصورت برای زن از نامحرم، بنابر احتیاط واجب است ولکن بایدبه نحوی باشد که ساتر بهصورت زن مسّ نشود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: فی الجمله فرق می‌کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است؛ ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد، طوافصحیح است همچنین به احتیاط واجب نبایدصورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر مُحل باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: فرقی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: فرق می‌کند؛ چون در نماز می‌تواندصورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب استصورت خود را نپوشاند.

۳- آیهٔالله بهجت: درصورتی که علم نداشته باشد، اشکال ندارد.

۴- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: طوافصحیح است هرچند گناه کرده است.

آیهٔ اللَّه خویی: در فرض جهل به حکم، طوافصحیح است. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۳۴.

ص: ۱۳۲

مقدار پوشش دختر بچه در هنگام طواف

۳۶۸ ۶۳۱- پوشش دختر بچه در حال طواف چگونه باید باشد؟ (۱)

طواف زنان با علم به نگاه و تماس با نامحرم

۳۶۹ ۶۳۳- طواف مستحبی برای زنان با فرض علم به نگاه به بدن مردان، یا قرار گرفتن در فشار جمعیت، اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند، اشکال ندارد؛ ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هرصورت طواف،صحیح است.

۱- آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط به مقدار معمول زنان باشد.
آیهٔ اللّٰهصافی و آیهٔ اللّٰه فاضل: مانند زنان است.
آیهٔ اللّٰه نوری: پوشش خاصّی معتبر نیست اگر به پنج، شش سال رسیده است حکم بانوان را رعایت نماید.

ص: ۱۳۳

فصل سوم: کیفیت طواف

اشاره

گونه دومِ واجبات طواف، واجبات مرتبط با کیفیت آن که هفت مورد و به شرح ذیل است:

۱ و ۲- ابتدا و ختم به حجرالاسود

اشاره

۳۷۰ ۶۳۴- عبور تمام اجزای بدن طواف کننده از تمام حجرالاسود، لازم نیست؛(۱) بلکه شروع از حجرالاسود، هر جای آن که باشد، و ختم به همان‌جا، (۲) کفایت می کند.

لزوم پرهیز از وسواس

۳۷۱ ۶۳۵- طواف باید همان طوری که همه مسلمین انجام می‌دهند، بدون دقت‌هایصاحبان وسوسه، از محاذات حجرالاسود، آغاز شود؛ و در دورهای دیگر، در نزد حجرالاسود، توقف و عقب و جلو رفتن- که برخی از روی جهل، به خیال درست کردن محاذات انجام می‌دهند- لازم نیست و موجب اشکال (۳)و گاهی هم حرام است.

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی،صافی، گلپایگانی، فاضل: همین که نیت‌داشته باشد با نیّتِ شروعِ طواف از حجرالاسود، از آن عبور کند، و نیز نیت داشته باشد که طواف را به همان جا که شروع کرده ختم کند، کافی است. مقدار زیاده از باب مقدمه علمیه محسوب می‌شود.

آیـةُ اللَّه مکـارم: دقت در محاذی بودنِ اجزای بـدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست همین انـدازه که عرفاً محاذاتصـدق کنـد کافی است.

۲- آیـةُ اللَّه خامنه‌ای: و مانعی ندارد که مقداری هم اضافه کند از باب احتیاط تا یقین کند که از حجرالاسود شروع کرده و به نقطه ابتدا ختم نموده است.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: به حسب شرایط مختلف باید ملاحظه تکلیف و وضع و ثبوت هر یک بشود.

ص: ۱۳۴

شروع طواف قبل از حجرالاسود

۳۷۲ ۶۳۶- اگر قبل از حجرالاسود، طواف را آغاز و به همان‌جا ختم کند، طوافش باطل است. (۱)
۳۷۳ ۶۳۷- اگر یقین کند که مثلًا رکن یمانی، همان رکن حجرالاسود است، و طواف را از رکن یمانی شروع کند، طواف او باطل است. (۲)
۳۷۴ ۶۳۸- اگر طواف کننده طواف را از حجرالاسود آغاز کند ولی در هر شوط قبل از رسیدن به حجرالاسود- مثلًا در رکن یمانی- نیتِ ختم نماید، طواف او اشکال دارد، (۳)و باید اعاده شود.
۳۷۵ ۶۳۹- ختم به حجرالاسود، این گونه حاصل می‌شود که در دور هفتم، به همان جا که شروع کرده، ختم (۴) نماید و در پایان هر دور، توقف لازم نیست.

۳- قرار دادن کعبه به سمت چپ

اشاره

سوم- بودن خانه کعبه در طرف چپ طواف‌کننده.

کفایت عرفی به سمت خانه بودن شانه چپ

۳۷۶ ۶۴۰- به‌شانه چپ قرار دادنِ کعبه در تمامِ حالاتِ طواف، به‌صورت حقیقی و دقیق، لازم نیست؛ و حتی اگر هنگام دور زدن نزد حِجر اسماعیل، علیه السلام قدری از طرف چپ خارج شود، مانع ندارد، حتّی اگر بیت به پشت متمایل شود، ولی دور زدن به‌نحو متعارف باشد، اشکال ندارد.

خروج شانه از محاذات

۳۷۷ ۶۴۱- اگر هنگام رسیدن به گوشه‌های کعبه، شانه از محاذات آن خارج شود، و حتی خانه متمایل به

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر کمبود طواف؛ یعنی از موضع شروعش تا حجرالاسود را جبران کند، طوافشصحیح است. مستفاد از س ۸۳، مناسک.
۲- - آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.
آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، درصورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند، طوافصحیح است؛ آیهٔ اللّه فاضل: ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.
آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط.

۳- آیهٔ اللّٰه سیستانی: طواف او باطل است.

۴- - آیـات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، خویی: ودر شوط آخراحتیاطاً قـدری‌از حجر بگـذرد وزیادی را مقـدمه علمیّه محسوب دارد.

ص: ۱۳۵

پشت شود، اگر به‌طور متعارف دور می‌زند، هیچ اشکالی ندارد.

۳۷۸ ۶۴۲- طوافی که برخی- به خاطر احتیاطِ عدم خروج شانه از بیت- دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف‌کننده از خود سلب اختیار می‌کند و آن شخص او را به جلو هل می‌دهد، باطل است. (۱)

۳۷۹ ۶۴۳- بودن دقیق شانه به طرف بیت در تمام حالاتِ طواف، لازم نیست؛ و احتیاط در آن خیلی ضعیف و غیر قابل اعتنا است و باید از جهالت و وسوسه دوری شود و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند، طواف انجام شود، هرچند اگر کسی بخواهد بدون وسوسه احتیاط کند و قدری شانه را هنگام رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه، به بیت متمایل کند و خلاف متعارف (۲)و موجب انگشت‌نمایی نباشد، مانع ندارد. (۳)

تدارک طواف ناقص

۳۸۰ ۶۴۴- اگر به خاطر ازدحام و مانند آن، مقداری از طواف، خلاف متعارف انجام شود؛ مثل آن‌که روی طواف کننده یا پشت او به سمت کعبه واقع شود، و یا عقب عقب طواف کند، باید آن مقدار را جبران کند. « (۴)

سرعت و نحوه طواف

۳۸۱ ۶۴۵- طواف کننده می‌تواند هنگام طواف، آهسته یا تند راه برود، و می‌تواند بدود و یا سواره طواف کند، هرچند بهتر است که اعتدال رعایت شود.

۳۸۲ ۲ / ۶۴۵- در طواف با چرخ، طواف کننده به اختیار خود، حرکت دادن چرخ را به دیگری واگذار می‌کند، مثل اینکه چرخ دارای موتور محرک باشد، آیا این طواف با طوافِ سواره که در حال اختیار

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: باطل نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه مکارم: این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف، ظاهراً اختیار سلب می‌شود ولی چون از اول طواف کننده مختاراً این راه را انتخاب می‌کند، منافات با اختیار ندارد، اما از کارهای ناپسند و زننده دوری شود.

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: و خلاف تقیه نباشد و موجب ...

۳- آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط در ترک آن است.

آیهٔ اللَّه مکارم: این کار لزومی ندارد.

۴- آیهٔ اللَّه سیستانی: و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می‌تواند تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملًا اعاده نماید.

ص: ۱۳۶

هم جایز است، فرق دارد؟ و آیا جواز طواف سواره با جواز سعی سواره فرق می‌کند یا نه؟ (۱)

نگاه به یمین و یسار

۳۸۳ ۶۴۶- در حال طواف نگاه به چپ و راست جایز است و بودن رو به طرف جلو واجب نیست؛ و حتی برگرداندنصورت و به عقب نگاه کردن، (۲)مانعی ندارد؛ و طواف کننده می‌تواند طواف را رها و خانه را ببوسد و بازگردد و طواف را از همانجا که قطع کرده، اتمام کند.

۴- طواف از خارج حِجر

اشاره

چهارم- بودن حِجر اسماعیل علیه السلام در داخل محدوده طواف.

طواف از داخل حجر

۳۸۴ ۶۴۸- اگر کسی از داخل حجر اسماعیل طواف نماید، طوافش باطل است؛ و با عمد، حکم ابطال عمدی طواف و با سهو، حکم ابطال سهوی را دارد.

۳۸۵ ۶۴۹- اگر بعضی از دورها از داخل حجر اسماعیل انجام شود، بنابر احتیاط واجب، (۳)باید آن دور از سر گرفته شود و طواف اعاده شود؛ اگرچه ظاهر، عدم لزوم اعاده طواف است.

۱- آیات عظام بهجت، مکارم: مانعی ندارد و فرقی نمی‌کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بتواند خودش چرخ را نگه بدارد، طواف و سعیصحیح است و فرقی بین طواف سواره و سعی سواره نیست.

آیهٔ اللّٰهصافی: در طواف و سعی سواره اگر شخصی به اختیار خود وسیله را می‌برد اشکال ندارد و اما واگذار کردن حرکت وسیله به دیگری بدون عذر شرعی این حکم را ندارد وصحیح نیست والله العالم.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر در حال حرکت نباشد؛ و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند. ملحق جدید مناسک،ص ۳۳.

۳- آیات عظامصافی، گلپایگانی: باید آن دور را اعاده نماید و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

آیهٔ اللّٰه بهجت: باید آن دور اعاده شود درصورتی که در ابتدای طواف، نیّت طواف بر بیت محض نکرده باشد والّا اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملًا در یک شوط اختصار نماید. مناسک شیخ،ص ۴۱.

آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: باید آن دور اعاده شود؛ آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: و اگر بدون اعاده این دور به طواف ادامه داد طواف او باطل است.

ص: ۱۳۷

طواف در مقابل حجر اسماعیل

۳۸۶ ۶۵۱- هنگام طواف در مقابل حجر اسماعیل، باید طوری حرکت کند که به نحو متعارف باشد و طواف بیت،صادق باشد.

۳۸۷ ۶۵۲- حجر اسماعیل جزو بیت نیست، هرچند باید در خارج آن طواف کرد.

۳۸۸ ۶۵۵- اگر طواف کننده به‌قصد طواف ولو اشتباهاً، وارد حجر اسماعیل علیه السلام شود، طوافش اشکال دارد؛ (۱) حتی اگر بعد از توجه برگردد و از همان جا که طواف به خاطر ورود به حجر قطع شده، آن را ادامه دهد و شوط را کامل نماید. ولی اگر پس از تذکر، از حجرالاسود به‌قصد احتیاط، شوط را اعاده کند و از محلی که، طوافش قطع شده، قاصد جدی طواف باشد، (۲) طواف اوصحیح است.

۵- محدوده طواف

اشاره

پنجم- محدوده طواف

۳۸۹ ۶۵۶- طواف باید از همه اطراف، بین (۳)خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم واقع شود.

۱- آیهٔ اللّه بهجت: مستفاد از آنچه در ذیل مسأله ۶۴۹ آمده است، آن است که با اتمام آن به یک شوط، طوافصحیح است.

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: آن دور باطل است و باید آن را از حجرالاسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیّت آن دور را بدون نیّت ادامه دهد سپس از حجرالاسود قصد کند.

۲- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و در فرض اخیر هم، چون احتمال باطل شدن اصل طواف می‌رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند. مناسک فارسی،ص ۶۷.

آیهٔ اللّه فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنابر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

۳- آیهٔ اللّه خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیهٔ اللّه فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده، با رعایت الأقرب فالأقربصحیح است.

آیهٔ اللّه مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است.

آیهٔ اللّه نوری: اقوی این است که در طواف، همین قدر که« طواف دور خانه خدا»صدق کند کافی است و مراعات این‌که طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام است لازم نیست و مستحب است. مناسک، مسأله ۱۷۲

ص: ۱۳۸

مراد از طواف بین مقام و بیت

۳۹۰ ۶۵۷- مراد از طواف بین کعبه و مقـام، رعایت مسافت میان خانه و مقام ابراهیم علیه السـلام در همه اطراف خانه کعبه است، به گونه‌ای که طواف کننده، از این فاصله- که گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نیم است (۱) دورتر نرود. (۲)

۱- آیـهٔ اللَّه بهجـت: از خـانه تـا سـنگِ مخصـوص اسـت نه بنـا، و موضـع معروف به« شـاذروان» داخـل بیت است از جمیـع جـوانب علی‌الأحوط. مناسک شیخ،ص ۴۱.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت- بیست و شـش ذراع و نیم- نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشـقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعیّن است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عـدم تمکن از طواف در حـد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. مناسک، مسأله ۳۰۶ و از اینجا حکم چند مسأله بعدی معلوم می‌شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی: درصورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: اقوی عـدم وجوب است، و برای مطـاف حـدی وجود نـدارد و تـا هر جای مسـجدالحرام که طواف در آن طواف کعبه‌صدق کند، طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد فیمابین کعبه و مقام ابراهیم انجام دهد. و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود.

آیـهٔ اللَّه خویی: و لیکن ظـاهر این است که طواف در دورتر از این مسـافت بیست و شـش ذراع و نیم نیز کافی باشـد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتواننـد طواف کننـد یا طواف در آن بر آنها مشـقت داشـته باشـد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است و از این مسأله حکم چند مسأله بعد هم معلوم می‌شود. مناسک، مسأله ۳۰۶.

آیهٔ اللَّه وحید: احتیاط آن است که طواف بین خانه خدا و مقام حضـرت ابراهیم علیه السـلام باشد هر چند اقوی این است که طواف حتی برای متمکن از طواف در این مقـدار بـدون حرج نیز کـافی است اگر چه مکروه است. مناسک فارسـی معظم لهصـفحه ۱۵۶ و ۱۵۷

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: ولی بعیـد نیست که در بیش از مقـدار ذکر شده هم- هرچند که کراهت دارد- طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسـی که در فاصـله ذکر شـده توانـایی طواف را نـدارد یـا موجب حرج و مشـقت زیاد برای او می‌شود و درصورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از این‌جا حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود. مناسک، مسأله ۳۰۳.

آیـهٔ اللَّهصافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: تا جایی که جمعیّت طواف کننده متّصل به یکدیگر مشـغول طوافند، طواف در آن حدّصـحیح و مجزی است ومع ذلک اولی رعایت حدّ است با امکان، و از اینجا حکم چهار مسأله بعد روشن می‌شود. آراءالمراجع،ص ۳۲۰.

آیهٔ اللَّه مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین جا حکم چند مسأله بعد روشن می‌شود.

ص: ۱۳۹

طواف از خلف مقام

۳۹۱ ۶۵۸- طواف از پشت مقـام ابراهیم باطل است؛ (۱) و اگر طواف کننـده بعضـی از دورها را از پشت مقام طواف کنـد، باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط اعاده طواف است، اگرچه ظاهراً لازم نیست، بلکه کفایت اعاده همان جزء، بعید نیست.

محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل

۳۹۲ ۶۵۹- در طرف حجر اسـماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود، (۲) زیرا مقدار حِجْر از آن کاسـته می‌شود و تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف، باقی می‌ماند؛ بنابراین طواف نباید خارج از این حد، انجام شود؛ (۳) و اگر فاصله بیش از شش ذراع و نیم (۴)شود، بنابر اظهر، اعاده آن جزء لازم است.(۵)

خروج از مطاف هنگام نظافت

۳۹۳ ۶۶۰- هنگام نظافت مسـجدالحرام، اگر طواف‌کننـده از مَطاف خارج شود، اگر امکان طواف در محدوده باشد، بایدصبر کند و داخل محدوده طواف کند؛ و با فرض امکان، طواف در خارج حد،صحیح نیست. (۶)

۱- جهت نظر آیات عظام به مسأله قبل مراجعه شود.

۲- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسـماعیل علیه السلام مقدار محل طواف ضیق نمی‌شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطـاف را دارد، لیکن رعـایت احتیـاط؛ یعنی طواف در مقـدار شـش ذراع و نیم نیکو است. مناسـک، مسأله ۴۱۶.

۳- به مسأله ۶۵۷ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

۵- آیهٔ اللّه فاضل: ظاهر آن است که طوافشصحیح است. مناسک، مسأله ۴۱۷.

۶- آیـهٔ اللّه بهجت: می‌توانـد در کنـاری قرار بگیرد تـا بعـد از تمـام شـدن کار آنها، از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد وصحیح است.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر طواف در خارج محدوده بوده، طواف و نماز را باید اعاده کرده و احتیاطاً سـعی و تقصـیر را نیز اعاده کنند مگر ضرورت عرفی اقتضا کرده وصبر کردن برای انجام طواف در محـدوده مسـتلزم عسـر و حرج بوده و در خارج حـد با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شده کهصحیح است.

ص: ۱۴۰

طواف در حال ازدحام

۳۹۴ ۶۶۱- افراد ناتوان و ضعیف که هنگام ازدحام نمی‌توانند بین مقام و بیت طواف کنند، اگر می‌توانند « (۱) ولو در وقت خلوت- در مطاف طواف کننـد، بایـد محـدوده طواف را رعایت نماینـد؛ (۲) و در غیر اینصورت، طواف در خـارج حـد، بـا رعـایت الاقرب فالاقرب، مانع ندارد و لازم نیست در احرام بمانند تا وقت ضیق شود. (۳)

۳۹۵ ۶۶۲- درصورت امکان(۴) ولو با انتخاب وقت خلوت- بایـد طواف در حـد ذکر شـده انجام شود و دورتر، کفایت نمی‌کند؛ و درصورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد، با مراعات الأقرب فالأقرب، مانع ندارد.

رعایت مطاف با یقین به هل خوردن

۳۹۶ ۶۶۳- یقین به هل خوردن مصـداق عـدم امکان طواف در محـدوده نیست (۵) و مجـوّز برای طواف در خـارج آن نمی‌شود؛ و همچنین است یقین به برخورد به اجنبی یا اجنبیّه در مطاف.

شک در خروج از مطاف

۳۹۷ ۶۶۴- کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، اگر بعد از فراغ از طواف، شک کند که طواف او در مطاف بوده یا نه:
اگر از اول در مطاف بوده و شک در خارج شدن دارد، طوافشصحیح است؛ و اگر شک دارد

۱- نظر سایر آیات عظام از ذیل مسأله ۶۵۷ به دست می‌آید.

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: ولی چنانچه ضـرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حدّ با رعایت الاقربفالاقرب مانعی ندارد وصـحیح است وصبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

۳- تفصیل نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۶۵۷ آمده است.

آیهٔ اللَّه بهجت: برای مسأله نماز به مسأله ۸۰۰ و قبل از آن مراجعه شود.

۴- نظریه آیات عظام در مسأله ۶۵۷ آمده است.

آیـهٔ اللَّه فاضل: ولی چنانچه ضـرورت عرفی اقتضا کنـد انجام طواف در خارج حـد با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی نـدارد وصـحیح است وصبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

۵- . به ذیل مسأله ۶۵۷ مراجعه شود.

ص: ۱۴۱

که از اول در محدوده بوده، با جهل به حدود مطاف، نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند. (۱)

شک در صحت شوط

۳۹۸ ۶۶۵- اگر طواف کننده درصحت شوط سابق، یا جزئی از همین شوطی که فعلا مشغول است و محل آن جزء گذشته، شک کند، مثلًا نمی‌داند که هنگام عبور از مقابل حِجْر، از حدّ مطاف، خارج شده یا نه، اگر حکم را می‌دانسته و قاصد عملصحیح بوده، یعنی غافل نبوده، طواف اوصحیح است. (۲)

۳۹۹ ۶۶۶- اگر کسی طواف را در خارج از مطاف آغاز کند سپس متوجه شود که طواف باید در محدوده معین انجام شود، باید آن را رها و طواف را در مطاف انجام دهد. (۳)

طواف بانوان عاجز

۴۰۰ ۶۶۷- اگر زنی قادر بر طواف نباشد و امر دائر است بین این‌که او را با چرخ و مانند در خارج مَطاف طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، باید او را در مَطاف طواف دهند، هرچند نامحرم او را پشت کند. (۴)

حکم طواف از طبقه دوم

۴۰۱ ۶۶۸- طواف از طبقه دوّم چه حکمی دارد؟ « (۵)

۱- نظریه آیات عظام در مسأله ۶۵۷ آمده است.

۲- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه فاضل: ودر غیر این‌صورت طواف را تمام کند ونماز آن‌را بخواند وپس‌ازآن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.

۳- این مسأله مبتنی بر اعتبار حدّ طواف است و بر مبنای عدم اعتبار حدّ از جهت از سرگیری طواف با بقای موالات و عدم آن به مسأله ۷۲۲ مراجعه شود.

۴- آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی، مکارم: چون رعایت حدّ بین مقام و بیت لازم نیست، او را با تخت چرخ طواف دهند.

حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۶۵۷ آمده است. و به ۷۴۴ نیز مراجعه شود.

۵- آیت‌اللَّه بهجت: درصورت عدم امکان با رعایتِ الأقرب فالأقرب، کفایت می‌کند؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: کسی که نتواند درصحن مسجدالحرام طواف کند، و باید طواف را در طبقه دوم انجام دهد، به احتیاط واجب باید چنین شخصی خودش در طبقه دوم طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد که برای او درصحن مسجد طواف انجام دهد، و نماز را هم خودش در طبقه دوم، و نائبش درصحن مسجد بخوانند، و اگر خودش بتواند درصحن مسجد نماز بخواند همان نماز او

کفایت می کند.

آیت‌اللّه سیستانی: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالا‌تر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیت‌اللّهصافی: در فرض مذکور اگر طواف در طبقه دوم بالاتر از کعبه باشد نایب بگیرند تا برای آنان درصحن مسجدالحرام طواف نماید، خودشان لازم نیست که از طبقه دوم طواف نمایند.

آیت‌اللّه فاضل: طواف در طبقه دوم برای کسانی که اجازه نمی‌دهند از طبقه اول طواف کنند، کفایت می کند و نیاز به استنابه نیست. و در مورد نماز طواف اگر می توانند بلافاصله و بدون عسر و حرج پایین بیایند، باید پایین بخوانند و الا در همان بالا بخوانند و کفایت می کند.

آیت‌اللّه مکارم: در این گونه موارد که راهی جز این نیست طواف در طبقه بالا کفایت می کند.

آیت‌اللّه نوری: طواف در طبقه فوقانیصحیح نیست و این قبیل افراد باید به‌وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

آیت‌اللّه وحید خراسانی: در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که درصحن مسجدالحرام طواف نماید و درصورتی که متمکّن می‌باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

ص: ۱۴۲

۶- خروج از خانه

اشاره

ششم- خروج طواف کننده از خانه و آنچه از آن محسوب است.

حکم شاذروان

۴۰۲ ۶۶۹- پیش‌آمدگیِ اطراف دیوار کعبه- که «شاذروان» نام دارد- جزو کعبه است، و طواف باید از بیرون آن انجام شود؛ و اگر- به فرض امکان- کسی در هنگام طواف، مقداری از بالای آن دور بزنند، آن مقدار باطل است (۱)و باید اعاده شود.

دست گذاردن به کعبه هنگام طواف

۴۰۳ ۶۷۰- هنگام طواف، گذاردن دست به دیوار خانه کعبه در بالای شاذروان، جایز است (۲) و به طواف

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.
آیهٔ اللَّهصافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.
آیهٔ اللَّه مکارم: امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملًا طواف روی آن ممکن نیست.
۲- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط آن است که در اثنای طواف دست خودرا دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه‌به‌جهت استلام ارکان یاغیر آن وهمچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد. مناسک شیخ،ص ۴۲.

ص: ۱۴۳

ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب (۱) در ترک آن است.

دست گذاشتن روی حجر هنگام طواف

۴۰۴ ۶۷۱- گذاردن دست روی دیوار حجر اسماعیل، علیه السلام هنگام طواف جایز است (۲) و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب (۳)در ترک است.

بوسیدن کعبه و شک در حرکت

۴۰۵ ۶۷۲- اگر شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده و شک دارد که آیا در این حال، طواف هم می‌کرده یا نه، اگر این شک بعد از عمل باشد، طواف اوصحیح است. (۴)

۷- مراعات هفت شوط

اشاره

هفتم- طواف باید هفت شوط کامل و بدون زیاده و نقصان باشد.

طواف از جهت عدم رعایت عدد اشواط، دارای احکامی به شرح ذیل است:

الف- اضافه نمودن در طواف

قصد زیاده و نقیصه

۴۰۶ ۶۷۳- اگر طواف کننده، عمداً از اول قصد کند که کمتر یا بیشتر از هفت دور به‌جا آورد، طوافش باطل « (۵)است، اگرچه به هفت دور ختم نماید؛ و اگر از روی جهل به حکم، یا سهو و غفلت باشد، بنابر

۱- آیات عظام‌صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

۳- نظریه آیات عظام، غیر از آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم که موافق متن هستند در این مسأله، مثل مسأله قبل است.

۴- آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: درصورتی که توجّه به حکم و بنا بر اتیان طوافصحیح داشته است.

آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت راه برود.

۵- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیهٔ اللَّه خویی: با فرض تحقّق قصد قربت طواف اوصحیح است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط در هر حال طوافش باطل است. مناسک عربی،ص ۱۱۲.

ص: ۱۴۴

احتیاط واجب، طواف را اعاده کند. (۱)

۴۰۷ ۶۷۴- اگر در اثنای طواف، قصد کم یا زیاد کردن در اشواط نماید، از همان جا که این قصد را نموده، « (۲)باطل است و باید اعاده کند؛ و اگر با این قصد زیادتر آورد، اصل طواف باطل می‌شود.(۳)

اضافه نمودن یک دور بدون قصد وجوب

۴۰۸ ۶۷۵- اگر از اول قصد هشت دور داشته باشد ولی در نظرش این باشد که هفت دورِ آن، واجب، و یک دور برای قدم زدن برای تبرک یا قصد دیگر باشد، طواف اوصحیح است؛ همچنین اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است و با قصد هفت دور واجب، یک دور مستحب، دنبال آن بیاورد، طواف اوصحیح است.

انجام چهارده شوط

۴۰۹ ۶۷۶- اگر کسی به قصد چهارده شوط، طواف نماید، ولو این که تصور می‌کرده طواف چهارده دور است، طوافش باطل است. (۴)

زیاد نمودن سهوی در طواف

۴۱۰ ۶۷۷- زیادی سهوی در طواف: اگر کمتر از یک دور باشد، آن را قطع کند و طوافشصحیح است؛

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل: درصورت ندانستن مسأله و درصورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

آیهٔ اللّه خویی: نظرشان به دست نیامد.

۲- - آیات عظام سیستانی، فاضل، نوری: بنابر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود.

آیهٔاللّه تبریزی: بنابراحتیاط اصل طواف باطل می‌شود، اگر ازروی علم‌وعمد، قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیهٔ اللّه خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می کند.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیّتصحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: آنچه که مصادف با نیّت زیاده بوده است، باطل می‌باشد. مستفاد از مناسک شیخ،ص ۴۳.

نظریه آیهٔ اللّه گلپایگانی در مسأله قبل گذشت.

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر جاهل قاصر باشدصحیح است وگرنه مشکل است.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر جاهل قاصر بوده، طوافشصحیح و اعاده مستحب است.

ص: ۱۴۵

و اگر یک دور یا زیادتر باشد، بنابر احوط (۱)آن را با قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب، به هفت دور برساند و دو رکعت (۲)نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را، بدون این‌که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است، برای طواف فریضه قرار دهد. (۳)۴۱۱ ۶۷۸- اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط، عمداً مقداری از مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، طواف باطل است؛ و درصورت سهو، اگر از همان جا قطع کند، طوافشصحیح است. (۴)

اضافه نمودن به طواف جهلًا و اتمام اعمال

۴۱۲ ۶۷۹- اگر جهلًا بیش از هفت شوط طواف کند و بقیه اعمال بعد از آن را بجا آورد:

اگر از اول، قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازشصحیح نیست (۵) و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست؛ (۶)

۱- آیةُ اللّهصافی، آیةُ اللّه گلپایگانی: این احتیاط مستحب است. مناسک،ص ۷۰، مسأله ۱۰۳.

۲- از اینجا تا آخر مسأله در مناسک آیةُ اللّه خویی مذکور نیست.

۳- آیةُ اللّه بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی بجای آورد و دو رکعت نافله را می‌توانند بعد از سعی به‌جای آورد. مناسک، مسأله ۳۱۸.

۴- به ذیل مسأله ۶۷۷ مراجعه شود.

آیةُ اللّه سیستانی: در مورد سهو، مراجعه شود به حاشیه مسأله ۶۷۷، و اگر جاهل باشد،صحّت طواف او مورد اشکال است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

۵- آیةُ اللّه فاضل: مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

۶- آیةُ اللّه بهجت: بنابر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.

آیةُ اللّه خویی: بنابر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید.

آیةُ اللّه سیستانی: در هرصورت، اگر جاهل قاصر باشد طوافشصحیح است وگرنه مشکل است و به احتیاط واجب بایدآن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

آیةُ اللّه فاضل: استحبابا اعاده کند.

آیةُ اللّهصافی، آیةُ اللّه گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است. آداب و احکام حج، م ۵۷۴

ص: ۱۴۶

واگر قصد هفت شوط داشته و بعد از اتمام، قصد زیاد کرده باشد، (۱) پس اگر زیادی چهار شوط یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که بقیه را به چهارده شوط برساند و یک نماز دیگر بجا آورد و طواف و نماز را اعاده کند؛ (۲) و اگر زیادی کمتر از چهار شوط و موالات عرفیه به هم خورده باشد، بنابر احتیاط واجب، طواف و نماز را اعاده نماید؛ و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکمصورت قبل را دارد.(۳)

اضافه نمودن چند شوط رجاء

۴۱۳ ۶۸۰- اضافه نمودن یک یا چند شوط رجاءً بعد از طواف، به قصد جبران نقص احتمالی، بهصحت طواف ضرر نمی‌زند ولی جبران نقص هم نمی‌کند. (۴)

تردید در عدد اشواط اضافی و حکم به بطلان

۴۱۴ ۶۸۱- اگر شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک یا چند شوط زیاد کرده است و در عدد اشواط اضافی مردّد است، طواف او باطل است (۵) و باید طواف و نماز را اعاده کند.(۶)

۱- آیهٔ اللّه فاضل: اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجّه شده، آن را قطع کند و طوافصحیح استو اگر بعد از یک دور متوجّه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.

آیهٔ اللّه مکارم: اینصورت هم مانندصورت اوّل است باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: اعاده لازم نیست به نحوی که در مسأله ۶۷۷ آمده است.

۳- نظریه آیات عظام در مسأله ۶۷۳ آمده است.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: قصد جبران قصد زیاده نیست. مناسک، س ۹۰.

آیهٔ اللّه سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: طواف او اشکال دارد.

۵- آیهٔاللّهخویی: بنابر احتیاط باید شوط زاید را به‌نیت قربت مطلقه تمام می‌نمود. مناسک، مسأله ۳۱۸.

لازم به تذکر است برای رعایت احتیاط، اعاده سعی و تقصیر هم لازم است. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۳۵، س ۱۹.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: طواف واجب اوصحیح است. آداب و احکام، م ۶۱۴

۶- مراجعه شود به مسأله ۶۸۴ و ۶۷۷.

آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: بنا بر احتیاط.

ص: ۱۴۷

ب- قران در طواف

قران در طواف واجب و مستحب

۴۱۵ ۶۸۲- در طواف واجب، قران جایز نیست؛ (۱)یعنی جایز نیست بدون آن‌که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، طواف واجب را با طواف دیگر دنبالِ هم آورد، و در طواف مستحب، مکروه است.

تکرار احتیاطی طواف بدون نماز

۴۱۶ ۶۸۳- تکرار طواف از روی احتیاط بدون خواندن نماز طواف، موجب بطلان طواف نمی‌شود (۲) هرچند داخل در قِران حرام است.

قصد قران و تحقق زیاده

۴۱۷ ۶۸۴- اگر یک دور یا کمتر یا بیشتر، بر طواف زیاد کند: اگر از ابتدا (۳) یا در اثنای (۴)طواف اول، قصد داشته باشد که زیادی را جزو طوافِ دیگر قرار دهد، حرام و داخل در قران است (۵) و احتیاط واجب

۱- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود.

۲- آیات عظام بهجت،صافی، گلپایگانی: اعاده طواف به عنوان احتیاط، قرآن نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی:صحّت عمل مورد اشکال است، از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

نسبت به نظریه سایر آیات عظام، مراجعه شود به مسأله ۶۸۲ و ۶۸۴.

۳- آیهٔ اللّه بهجت، کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین این‌که از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا دراثناء، نگذاشته‌اند. مناسک،ص ۱۱۴.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

۴- آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

۵- آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند، نه زیادی در طواف است و نه قران. مناسک، مسأله ۳۱۷.

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در اینصورت نه زیادی است و نه قران، ولی گاهی طواف در اینصورت به‌جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می‌شود و آن درصورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن، با این‌که می‌داند قران حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با

قصد حرام جمع نمی‌شود، هرچند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود. مناسک، مسأله ۳۱۷.

آیهٔ اللّٰه خویی: اگر طواف دوّم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می‌داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اوّل از او متمشی نمی‌شود. مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قران نیست ولی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به این که مبطل است قصد قربت محقّق نمی‌شود و طواف باطل است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی طواف اول باطل نیست.

نظریه سایر آیات عظام در مسأیل قبل گذشت. و به مساله ۵۵۷ مراجعه شود.

ص: ۱۴۸

آن است که طواف اول را اعاده کند؛ و اگر بعد از تمام شدن طواف اول، این قصد برایش حاصل شده و به دنبال طواف اول، زیاده را آورده، اقویصحّت طواف اول و احوط اعاده است. (۱) ۴۱۸ ۶۸۵- اگر طواف کننده از ابتدا یا در اثنای طواف، قصد قران داشته باشد، احتیاط در اعاده طواف است؛ و اگر بعد از تمام شدن طوافِ، قصد قران و اضافه طواف دیگر نموده باشد، بهصحت (۲) طواف اول (۳) ضرر نمی‌زند.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه اراکی: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: بلکه در فرض اتیان به طواف کامل، اظهر بطلان طواف اول است مطلقا مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸.

آیهٔ الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.

آیهٔ اللهصافی، آیهٔ الله گلپایگانی: احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

۲- مراجعه شود به مسأله ۶۸۲ و ۶۸۴.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: درصورتی که قران محقق شود مطلقا موجب بطلان طواف است؛ چه از اول یا اثنای طواف اول قصد قران داشته یا این که بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده باشد.

آیهٔ الله سیستانی: اگر هر دو طرف واجب باشد یا یکی مستحب و دیگری واجب باشد، چه از اول قصد قرآن داشته باشد و چه بعدا تصمیم بگیرد ولی طواف دوم را تمام کند، طواف اول باطل است. آری اگر هر دو مستحب باشد، هر چند کراهت دارد ولی جایز است.

۳- آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۶۷۶ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: درصورت انحلال مقصود، موجب بطلان نمی‌شود.

ص: ۱۴۹

ج- کم کردن از طواف

اشاره

۴۱۹ ۶۸۶- اگر از طواف واجب، یک دور یا کمتر یا بیشتر

===

عمداً کم کند، واجب است آن را اتمام کند؛(۱)» و اگر نکند- بنابر احتیاط واجب (۲)حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده که گذشت؛ و حکم جاهل « (۳) به مسأله، حکم عالم است.

کم کردن سهوی طواف

۴۲۰ ۶۸۸- اگر سهواً (۴)از طواف کم کند:

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کندصحیح است.

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه بنابر اظهر. مناسک، مسأله ۳۱۵.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت، باید اعاده کند در هر دوصورت.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر سهواً از طواف کم کرده پس تمام کردن آن درصورت تجاوز از نصف؛ یعنی با تمام شدن چهار شوط علی الأحوط، و از سر گرفتن آن درصورت عدم، خالی از وجه نیست. مناسک شیخ،ص ۴۲.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به‌جا آورد وصحیح خواهد بود و اگر مقدار فراموش شده‌یک شوط باشد یک شوط را به‌جاآورد وصحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را بجا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد آیهٔاللَّه تبریزی: بنابر احتیاط بایستی برگشته و کمبود را شخصاً بجاآورد وبهتر این است که پس از بجا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش‌شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است. مناسک، مسأله ۳۱۶.

آیهٔاللَّه‌سیستانی: درصورتی که از روی‌اشتباه یا فراموشی، بعضی از شوطهای طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به‌جاآورد و طوافصحیح است؛ و اگر پس از آن باشد، درصورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به‌جاآورد و طواف باز همصحیح است ... و درصورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را به‌جاآورد و طواف را اعاده کند. مناسک، مسأله ۳۱۳.

آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.

ص: ۱۵۰

اگر از نصف گذشته (۱) و فعل کثیر انجام نداده، (۲)بنابر اقوی از همان‌جا طواف را تمام کند؛ و درصورت فعل کثیر، احتیاط (۳)واجب، اتمام و اعاده است؛ و اگر از نصف نگذشته، (۴)طواف را اعاده نماید، لکن ترک احتیاط در همه موارد سهو، به‌تمام کردن طواف ناقص واعاده‌کردن آن، سزاوار نیست.

تذکر نقصان طواف در سعی

۴۲۱ ۶۸۹- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به‌جا آورده، سعی را رها نماید و طواف را از محل نقصان، تکمیل کند و بعد از آن باقیمانده سعی را به‌جا آورد و طواف و سعیشصحیح است. (۵)» هرچند احتیاط (۶) آن است که در کمتر از چهار دور، طواف را اتمام و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار دور انجام داده، آن را اتمام و اعاده کند. (۷)

نقصان طواف و مراجعت به وطن

۴۲۲ ۶۹۰- اگر حج‌گزار طوافش ناقص بوده ولی تا بعد از مراجعت به وطن متذکر نشود، احتیاط (۸) آن است که بازگردد؛ واگر نتوانست یا مشکل بود، نایب بگیرد. (۹)

۱- آیهٔ اللهصافی، آیهٔ الله گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند واگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۳/۵ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشوط و اعاده است.

۲- آیهٔ الله مکارم: این قید زاید است.

۳- آیهٔ الله فاضل اولی و احوط این است.

آیهٔ الله مکارم: و اتمام لازم نیست باید اعاده کند

۴- آیهٔ الله مکارم: مانند فرض بالا است.

۵- آیهٔ الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیهٔ الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

۶- آیات عظام تبریزی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود. آیهٔ الله تبریزی: همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست و اتمام کافی است.

۷- به ذیل مسأله ۶۸۸ مراجعه شود.

۸- آیهٔ الله بهجت: و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد. مناسک شیخ،ص ۴۲.

آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی،صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیهٔ الله سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را

نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

۹- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و در اینصورت نیز بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد مناسک فارسی، مسأله ۱۰۴.

آیهٔ اللّه مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکّه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

ص: ۱۵۱

موالات در طواف و میزان ازاله آن

۴۲۳ ۶۹۱- رعایت موالات عرفیه در طواف، بنابراحتیاط واجب، لازم است؛ (۱) یعنی اگر به جهتی در بین طواف متوقّف شد، آن قدر طول ندهد که ازصورت یک طواف، خارج شود.

۴۲۴ ۶۹۲- موالاتِ در طواف و در سعی، چگونه زایل می‌شود؟ آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحبی، یا انجام فعلِ منافی با طواف، موالات به هم می‌خورد؟ « (۲)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: مراعات موالات عرفیه، در غیر موارد عذرِ حاصل بعد از شوط چهارم، لازم است. مناسک شیخ،ص ۴۴.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مراعات موالات لازم است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که در میان اجزای طواف، موالات عرفیه را رعایت کند، مگر در مورد قطع طواف پس از گذشتن از نیمه آن، به خاطر نماز و امثال آن.

آیهٔ اللَّه مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

۲- آیهٔاللَّه بهجت: فوات موالات عرفی است و به فعل کثیر محقّق می‌شود و با شک در تحقّق آن حکم به عدم می‌شود.

آیت‌اللَّه تبریزی: از مثل نماز مستحبی و فعل منافی باید اجتناب شود و مثل استراحت مختصر کوتاه و قطع برای نماز جماعت مانعی ندارد. واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: از بین رفتن موالات، موکول به نظر عرف است و در سعی، موالات معتبر نیست، مگر آن‌که شوط اول تمام نشده باشد که درصورت از بین رفتن موالات، احتیاطاً از سر بگیرد.

آیت‌اللَّه سیستانی: آری، به هم می‌خورد.

آیت‌اللَّهصافی: گرچه موالات در هر عمل به تناسب خودش ملاحظه می‌شود و به نظر می‌رسد نسبت به طواف، فاصله به مقدارِ دو رکعت نماز، موالات را به هم نمی‌زند، لکن احتیاط این است که اگر این مقدار فاصله پیش آمد، با آن معامله محفوظ بودن موالات نکند و برای به هم خوردن موالات هم به این مقدار اکتفا نکند و انجام« فعل منافی با طواف» جمله مجملی است، توضیح نداده‌اید؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: به هم خوردن موالات عرفی است، ولی در قطع طواف و سعی، حتی لازم نیست موالات به هم بخورد یعنی می‌توان بلافاصله از سر گرفت و ظاهراً با نماز مستحبی به هم نمی‌خورد.

آیت‌اللَّه مکارم: با خواندن نماز مستحبی و فعل منافی و فاصله زیاد، موالات به هم می‌خورد.

آیت‌اللَّه نوری: موالات عرفی است و لازم است در بین اشواط هیچ فعل منافی اختیاراً انجام نگیرد و دو فرض مورد سؤال، منافی محسوب می‌شود.

د- احکام شک در عدد و صحت طواف

شک در عدد اشواط بعد از طواف

۴۲۵ ۶۹۳- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن، در کم و زیادی اشواط طواف شک کند، اعتنا نکند و طوافشصحیح است؛ ولیصورت دوم (شک در نقیصه)، خالی از اشکال نیست (۱)و احتیاط ترک نشود. (۲)

شک در صحت بعد از طواف

۴۲۶ ۶۹۴- اگر بعد از طواف، درصحت آن شک کند، مثلًا احتمال بدهد محدث بوده، یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، یا شانه او منحرف شده، اعتنا نکند، و طوافشصحیح است اگرچه در محلِ طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، البته درصورتی که هفت دور- بدون زیاده و نقیصه- احراز شده باشد.

۱- آیهٔ اللّٰه فاضل: این اشکال درصورت عدم انصراف از طواف است امّا اگر شک بعد از انصراف و دخول درنماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف اوصحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم، طواف محکوم بهصحّت است و لازم نیست اعتنا کند.

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: درصورت شک در نقیصه طواف باطل است مگر این‌که بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند. مناسک، مسأله ۳۱۹.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در عدد شوطها یا درصحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید؛ مثلًا پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نمازِ طواف شک نماید. مناسک، مسأله ۳۱۵.

آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: احتیاط واجب نیست.

ص: ۱۵۳

شک در ۷ و ۸ بعد از حجرالاسود

۴۲۷ -۶۹۵- اگر بعد از رسیدن به حجرالاسود شک کند (۱)که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافشصحیح است.

شک در ۷ و ۸ قبل از حجَر

۴۲۸ -۶۹۶- اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود، شک کند که این دور، هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است. (۲)

شک در نقیصه

۴۲۹ -۶۹۷- اگر در آخر دور یا اثنای آن، میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است شک کند، طواف او باطل است. (۳)

شک در شروع طواف از محل قطع شده

۴۳۰ -۶۹۹- اگر طواف کننده- به خاطر بوسیدن و لمس بیت‌اللّه الحرام و مانند آن- از مسیر خود منحرف شده و نمی‌داند در بازگشت، آیا طواف را از همان نقطه که رها کرده، ادامه داده یا نه، اگر (۴) به وظیفه التفات داشته و بعداً شک عارض شده، حکم بهصحت نماید؛ و در غیر اینصورت، اکتفا به طواف مزبور، محل اشکال است. (۵)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسأله ۶۹۳ آمده است.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط بطلان طواف است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجا تمام و اعاده طواف نماید.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافشصحیح است.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آن‌که فی‌الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقلّ بگذارد و طواف را اتمام و بعد از آن اعاده نماید. مناسک شیخ،ص ۴۳.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در اینصورت بنابر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجّه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافشصحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل این‌که شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک

بین ۶ و ۸ طوافش باطل است. مناسک، مسأله ۳۱۴.

آیهْ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۴- آیهْ اللَّه خامنه‌ای، آیهْ اللَّه خویی: احتمال التفات کافی است.

۵- به مسأله ۶۷۲ مراجعه شود.

آیهْ اللَّه بهجت: حمل برصحت می‌شود.

آیهْ اللَّه سیستانی: در هر دو فرض عملصحیح است.

ص: ۱۵۴

علم به عدد طواف مشکوک در اثنای طواف اعاده‌ای

۴۳۱ ۷۰۰- اگر بعد از شک در اشواط طواف و بنای بر بطلان، طواف اعاده شود و در اثنای آن معلوم شود که طواف اول مثلًا شش شوط داشته، اکتفای به این طواف مشکل است و احتیاط لازم است. (۱)

اعتماد به دیگری در اشواط طواف و سعی

۴۳۲ ۷۰۱- اعتماد به دیگری در عدد اشواط طواف و سعی،(۲) مانع ندارد.

کثیرالشک در طواف

۴۳۳ ۷۰۲- کسی که در عدد اشواط، کثیر الشک است، به شکش اعتنا نکند (۳)و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

معیار کثیر الشک

۴۳۴ ۷۰۴- معیار در کثیر الشک بودن در طواف، عرفی است. (۴)

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل: طواف دوم محکوم بهصحّت است همان را به اتمام برساند.

آیهٔ اللّه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیـهٔ اللّهصافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: بایـد احتیاط کنـد به این‌که طواف دوّم را رها کنـد و طواف قبلی را تکمیل نمایـد و پس از نماز طواف قبلی طواف و نماز آن را به طور کامل اعاده نماید.

آیهٔ اللّه مکارم:صبر می‌کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد، سپس طواف اول را تکمیل کند.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: و در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد، اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: کثیر الشکّ در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد؛ و گمان درطواف معتبر است.

آیهٔ اللّه خویی: کثیرالشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۴۳.

آیهٔ اللّه سیستانی: کثیرالشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند. ملحق مناسک، س ۲۱۲.

آیهٔ اللّه مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: معیار این است: شکی که برای او حاصل می‌شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواس‌پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنابه بیشتر باشد.

ص: ۱۵۵

۷۰۵ ۴۳۵- معیار کثیر الشک در تعداد دورهای طواف و تعداد ریگ‌های رمی چیست؟ و عدم اعتنا به چه معناست؟ آیا بنا بر اقلّ بگذارد یا اکثر؟ « (۱)

وسوسه در طواف

۷۰۶ ۴۳۶- در انجام اعمال نباید به وسوسه اعتنا کرد؛ و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیحِ آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی‌شود.

شک در طواف مستحب

۷۰۷ ۴۳۷- اگر در طواف مستحب، در عدد دورها شک کند، بنابر اقل بگذارد و طوافشصحیح است.

حکم گمان در طواف

۷۰۸ ۴۳۸- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (۲)

۱- آیهٔاللّه بهجت: عرفی است که بنا را بر فعل، یا برصحیح می‌گذارد.
آیت‌اللّه تبریزی: می‌تواند با کسی که عدد اشواط را حفظ کرده و یقین داشته باشد همراهی کرده و بر طبق یقین همراه عمل کند و اگر به حدّ وسواس برسد، نباید به شک در نقیصه اعتنا کند. واللّه العالم.
آیت‌اللّه خامنه‌ای: معیار کثیر الشک در طواف عرفی است و به همان معنایی است که برای کثیرالشک در نماز بیان شده است؛ و اما کثیر الشک در رمی، حکم خاصی ندارد؛ و درصورت شک در عدد انداختن، باید آن قدر بیندازد تا علم پیدا کند.
آیت‌اللّه سیستانی: کثیر الشک کسی است که شک او با ملاحظه همگونی در موجبات فراموشی، بیش از حدّ متعارف است و باید بنا را بر اکثر بگذارد.
آیت‌اللّهصافی: معیار در کثیرالشک نظر عُرف است و معنای عدم اعتنا این است که بنا به نفع خود؛ یعنی به اکثر بگذارد، مگر این که بنا بر زیادی، موجب بطلانِ عمل گردد، که در اینصورت بنا بر اقلّ می‌گذارد که عملصحیح شود؛ واللّه العالم.
آیت‌اللّه فاضل: معیار در کثیرالشک یک امر عرفی است و اگر کسی در یک طواف یا دو طواف یا سه طواف پی در پی، سه بار شک کند، حکم کثیرالشک را دارد و بنا را بر اقل بگذارد.
آیت‌اللّه مکارم: اگر در عرف بگویند« زیاد شک می‌کند»، بنابر طرفی می‌گذارد که به نفع عمل او است.
آیت‌اللّه نوری: معیار در کثیر الشک عرف است، عدم اعتنا یعنی بنا بگذارد که اتیان کرده است، مگر این که اتیان آن شیء مشکوک مبطل باشد که در اینصورت بنابر عدم اتیان آن می‌گذارد.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: حکم آن مانند حکم ظنّ در نماز است.

ص: ۱۵۶

بناگذاری بر شوط مظنون و انکشاف صحت

۴۳۹ ۷۰۹- اگر طواف کننـده، در اشواط طواف شک کند و گمانش به یک طرف بیشتر باشد و با بنای بر آن، طواف را اتمام نماید و بعد از انجام اعمال، یقین بهصحت طواف خود پیدا کند، طواف اوصحیح است. « (۱)

۴۴۰ ۷۱۰- اگر کسی طواف یا سعی را در حال شک در اشواط ادامه (۲)دهد و بعد یقین بهصحت پیدا کند، اشکال ندارد و طواف و سعیصحیح است، (۳)ولی در نماز بدون تروّی، محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه دادهصحیح است.

آیـهٔ اللَّه فاضـل: اگر بـا اطمینان به یک طرف ادامه دادهصـحیح است. و گرنه بایـد احتیاطاً طواف و نماز طواف و سـعی و تقصـیر را اعاده کند.

۲- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه خویی: طواف یا سعیش بنابر احتیاطصحیح نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حالِ شک اشکال دارد. لذا در فرض مذکور باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کنـد و اگر به یک طرف اطمینان پیـدا کرد طبق آن عمل کند و الّا عمل را از نو انجام دهد و در این مسأله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

۳- آیـهٔ اللّهصافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر در حال سـعی شک کنـد و در حال شک بقصـد رجا کشف حال ادامهدهـد و بعـد یقین بهصـحت پیدا کند سـعی اوصـحیح است و در طواف، اگر از دلیل طواف، لزوم حفظ هر شوط اسـتفاده شود، حکم بهصحت مشکل است و الّا بعید نیست. آراء المراجع،ص ۲۶۸.

۴- آیهٔ اللَّه خامنهای: در مورد سعی، حکم بهصحّت فرمودهاند و متعرّضِ طواف و نماز نشدهاند.

آیهٔ اللَّه مکارم: همه شکها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

ص: ۱۵۷

فصل چهارم: قطع و تدارک طواف

۱- موارد قطع طواف و احکام آن

قطع طواف واجب

۴۴۱ ۷۱۱- قطع طواف واجبْ بدون عذر، بنابر اقوی مکروه است؛ (۱) و احوط آن است که از قطع کردنی که به فوت موالات عرفیه منجر شود، اجتناب شود.

قطع طواف مستحب

۴۴۲ ۷۱۲- قطع طواف نافله بدون عذر، جایز است.

قطع طواف بدون عذر و نحوه تدارک آن

۴۴۳ ۷۱۳- اگر کسی بدون عذر طواف را قطع کند: اگر منافی انجام نداده باشد، برگردد و تمام کند، و طواف اوصحیح است؛ و اگر منافی انجام داده باشد ولو به مثل بهم خوردن موالات عرفیّه، احوط (۲)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است؛ یعنی ترک بقیّه آن، به‌نحوی‌که موالات عرفیّه فوت‌شود بدون عذر و به‌مجرّد خواهش نفس. مناسک شیخ،ص ۴۴.

آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: قطع طواف مطلقاً جایز است؛ آیهٔ اللّه خامنه‌ای و آیهٔاللّه فاضل: اگرچه احتیاط مستحب قطع نکردن طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه به هم بخورد.

آیهٔ اللّه وحید: قطع طواف واجب یا مستحب برای عیادت مریض یا برآوردن حاجت خود یا برادران مومن جایز است هم چنانکه برای انجام نماز واجب، مستحب است. مناسک فارسی معظم لهصفحه ۱۵۹

آیات عظام: خویی،صافی، گلپایگانی، خویی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب قطع نکند.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به‌جا آورده باشد. مناسک‌شیخ،ص ۴۴.

آیهٔ اللّه تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است؛ و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند. مناسک، مسأله ۳۱۰.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی آن است که در اینصورت اگر چهار دور به‌جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند. احکام عمره،ص ۶۲ و ۶۳.

نظریه سایر آیات عظام در این مسأله و مسأله بعد، در ذیل مسأله ۶۸۶ آمده است.

ص: ۱۵۸

آن است که اگر چهار دور به‌جا آورده باشد، طواف را اتمام و اعاده کند؛ (۱) و اگر کمتر از چهار دور بجا آورده و موالات به هم خورده، طواف را اعاده نماید.

قطع با عذر و نحوه تدارک

۴۴۴ ۷۱۴- اگر در بین طواف عذری- مثل مرض یا حیض یا حدث بی‌اختیار (۲)»- از اتمام آن پیدا شد؛ اگر بعد از تمام شدن چهار دور باشد، بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا اتمام کند؛ و احتیاط مستحب در غیر حیض آن است که اتمام و اعاده نماید؛ (۳) و اگر قبل «- (۴)از چهار دور بوده، طواف را اعاده کند.

۱- آیة اللَّه فاضل: اعاده مستحب است، هرچند موالات عرفیه به‌هم نخورده باشد.

۲- آیة اللَّه خامنه‌ای: نظر معظم له ذیل مساله ۵۸۰ و ۵۸۲ آمده است.

۳- نظریه آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱ آمده است و راجع به حیض در مسأله ۵۸۲ آمده است.

و امّا در مورد مرض:

آیة اللَّه بهجت: هرگاه طواف کننده به علّت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است کهصبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود، اگر قادر نشد او را دوش می‌گیرند و طواف می‌دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می‌گیرند در اتمام. مناسک، مسأله ۳۱۲.

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به‌جا آورده و طواف را اعاده نماید.

۴- آیة اللَّهصافی، آیة اللَّه گلپایگانی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۳/۵ و ۴ بوده احتیاط به اتمام و نماز و اعاده طواف و نماز است.

آیة اللَّه فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.

ص: ۱۵۹

نیت قطع طواف

۴۴۵ /۲ /۷۱۴- آیا نیت قطع طواف بهصحت طواف ضرر می‌زند یا خیر؟ (۱)۴۴۶ ۷۱۵- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتواند آن را به‌جا آورد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست، برای او نایب (۲) بگیرند.

قطع طواف به خاطر بطلان وضو و غسل و عروض حیض

موارد قطع طواف به خاطر بطلان وضو و غسل و ...، در بیان شرایط طوافصفحه ۱۱۸ به بعد گذشت.

قطع طواف به جهت غش

۴۴۷ ۷۱۶- اگر طواف کننـده غش کند، اگر قبل از شوط چهارم (۳) بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نمایـد؛ و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.(۴)

قطع طواف برای قضا نشدن نماز

۴۴۸ ۷۱۷- اگر در اثنای طواف، وقت نماز واجب، تنگ شود، واجب است طواف را رها کنـد و نماز بخوانـد؛ پس اگر بعد از چهار دور (۵)رها کرد، از همانجا طواف را تمام کند، (۶) و گرنه « (۷) اعاده کند. (۸)

۱- آیهٔ الله بهجت: اگر موالات فوت نشده، از همان مکان می تواند ادامه دهد.

آیهٔ الله سیستانی: ضرر نمیزند.

آیـهٔ اللهصافی: مجرد نیت قطع، مضـر به طواف نیست. و نسبت به ادامه طواف و خروج از مطاف، فروع مختلفی وجود دارد واحکام خاصی دارد والله العالم.

۲- آیهٔ الله سیسـتانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهار عاجز شود و نتواند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می کند ملحق مناسک، س ۲۳۴.

آیهٔ اللهصافی، آیهٔ الله گلپایگانی: به ذیل ۷۴۵ مراجعه شود.

۳- آیهٔ الله خویی: فرض نزبور را متعرض نشده اند و مقتضی احتیاط اعاده طواف به نیت اعلم از اتمام است.

۴- آیهٔ الله فاضل: در هر دوصورت می تواند طواف را از سر بگیرد.

مراجعه شود به مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱.

۵- آیـهٔ الله خامنه ای: کسـی که برای نماز واجب، طواف واجبش را قطع کند، اگر قطع بعد از اتمام نصف باشد طواف را از همانجا که قطع کرده، اتمام کنـد و اگر قبل از آن بوده و مدت زمان طولانی بین قطع و اتمام فاصـله شو، بنابر احتیاط طواف را اعاده کند و گرنه بعید نیست این احتیاط واجب نباشد، اگر چه احتیاط در هر حال خوب است و در تمامصور مذکور می تواند آن طواف را رها

نموده و از نو، طواف کنـد و در این مسأله فرقی بین این که نماز جماعت باشـد یا فردای، وقت نماز تنگ باشد یا نه، نیست و از این مسأله حکم مسأله ۷۱۹ نیز روشن می شود.

۶- آیهٔ اللَّه فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سر گرفت طوافشصحیح است.

۷- آیهٔاللَّهبهجت: اگر موالات عرفیه به‌هم بخورد. مستفاداز مناسک،ص ۱۶۱، مسأله ۱۲ مسائل متفرّقه.

۸- - آیهٔ اللَّه تبریزی: اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اوّل و نماز آن اعاده کند.

آیـهٔ اللَّهصافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: ولی اگر از نصف گذشـته و چهار شوط هم تمام نشـده، احتیاطاً طواف را تمام کنـد و بعد اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: و بنابر احتیاط واجب آن را اعاده کند.

ص: ۱۶۰

قطع طواف برای استراحت

۴۴۹ ۷۱۸- توقف در طواف و نشستن در اثنای آن برای رفع خستگی و استراحت، جایز است، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به‌هم بخورد؛ که اگر موالات به هم خورد، (۱)احتیاط آن است که طواف را اتمام و اعاده نماید؛ (۲) و اگر موالات به هم‌نخورده باشد، همان طواف را تکمیل نماید.

قطع طواف برای رسیدن به جماعت

۴۵۰ ۷۱۹- قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز، بلکه مستحب است؛(۳)و از هر جا قطع کرد، بعد از نماز از همانجا اتمام کند؛ (۴) و احتیاط آن است که به‌دستور

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر در موردی است که عذرصدق نمی‌کند حکم آن در مسأله ۷۱۲ و ۷۱۳ آمده است؛ و بافرض تحقّق عذر از ادامه، قبل از اکمال شوط چهارم، در حدّی که موالات عرفیه به‌هم نخورد مانعی ندارد و اگر به‌هم بخورد احتیاط مراعات شود به اکمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد. مناسک، س ۸۷ و ۸۸.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در اینصورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

۲- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای و آیهٔ اللّٰه فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.

۳- آیهٔ‌الله خامنه‌ای: به مسأله ۷۱۷ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر موالات عرفیه به‌هم نخورد و اگر به‌هم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن.

ص: ۱۶۱

مسأله ۷۱۷ عمل کند، و این احتیاط، سزاوار نیست ترک شود. (۱)

۴۵۱ ۷۲۰- اگر در اثنای طواف یا سعی، نماز جماعت برقرار شد و از ادامه طواف معذور شد:

اگر قطع، بعد از شوط چهارم (۲) طواف یا سعی باشد، (۳)از همان جایی که قطع شده، طواف یا سعی را تمام کند؛ (۴) و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده (۵) و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد؛ (۶) هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده و نماز طواف دیگری بخواند؛ و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

۱- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۲- آیهٔ اللّه خویی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است. مناسک فارسی، مسأله ۳۱۴.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: در طواف اگر موالات عرفیه به‌هم نخورد اشکالی ندارد و اگر به‌هم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر مانعی ندارد. مناسک، س ۸۸.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: گذشت نظر ایشان ذیل مسأله ۷۱۷.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: حکم قطع طواف، درصورتی که در اثنای طواف نماز جماعت اقامه شود، در مسأله ۷۱۹ آمده است، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دوصورت اتمام و اعاده است.

۵- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همانجا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی؛ و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است؛ و اگر شرکت نکند، پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد وفوت موالات عرفی نشده باشد، از همانجا که قطع شده است ادامه دهد؛ و اگر موالات فوت شده است، از سر بگیرد، و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد، در هر حال اتمام آن کافی است؛ و در سعی اگر موالات از بین برود، به احتیاط واجب، باید سعی را تمام و اعاده کند.

آیهٔ اللّه نوری: طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است، بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز، از همان‌جا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

۶- آیهٔ اللّه فاضل: در تمامصور می‌تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد وصحیح است، اما اگر بخواهداحتیاط کند به ذیل مسأله ۵۸۰ مراجعه کند.

ص: ۱۶۲

۲- ازسرگیری طواف و تدارک آن

از سرگیری طواف با شک در زوال موالات

۴۵۲ ۷۲۲- از سرگیری طواف درصورتی که فوت موالات عرفی مشکوک باشد، اشکال دارد. (۱)

۴۵۳ ۷۲۳- رها کردن طواف بدون عذر و از سرگیری آن با بقای موالات، اشکال دارد؛ (۲)و اگر بعد از شوط چهارم، طواف قطع و از سرگرفته شود، باید طواف اول اتمام و نماز خوانده شود سپس طواف و نماز آن، اعاده شود.

حکم کلی قطع طواف، از سرگیری آن

۷۲۴۴۵۴- اگر طواف در اثنا قطع و از سر گرفته شود:

اگر بعد از دور چهارم بوده، به احتیاط واجب طواف اول اتمام سپس یک طواف دیگر به‌جا آورده شود؛ و اگر قبل از دور چهارم بوده، باید یک طواف دیگر به‌جا آورده شود. (۳)چنین کسی که طواف را قطع و از سر گرفته، اگر از روی جهل، اعمال مترتّبه و تقصیر را انجام داده، (۴) ظاهر این است که این اعمالصحیح و از احرام خارج شده است. (۵)

۱- آیات عظام: بهجت، سیستانی،صافی، گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد و طوافصحیح است؛ آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف قطع شده را واجب است به‌جا آورد و نماز آن را نیز بخواند.

۲- جهت نظر آیات عظام به مسأله ۷۲۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در مسأله ۷۲۴ حکم آن آمده است.

آیهٔ اللَّه خویی: درصورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

۳- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل،صافی، گلپایگانی: طوافی که از سر گرفته مجزی است.

۴- به حاشیه قبل مراجعه شود.

۵- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به اینصورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است، سپس از سر گرفته باشد طوافصحیح است، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، درصورتی که استیناف پس‌از فوت موالات عرفیه بوده،صحیح است و گرنه مشکل است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

ص: ۱۶۳

۳- طواف بدون اختیار و تدارک شوط ناقص

تدارک چند قدم

۴۵۵ ۷۲۶- اگر در طواف خانه خدا، در قسمتی از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل حرکت بدون اختیار، همان مقدار باید از سر گرفته شود و شروع از حجرالاسود به قصد طواف اشکال دارد. (۱)

مراد از طواف بدون اختیار

۴۵۶ ۷۲۷- اگر مقداری از طواف بدون اختیار انجام شود، اعاده آن مقدار، لازم (۲) است؛ و اگر در ازدحام طواف با اختیار ممکن نیست، باید درصورت امکان در وقت خلوت انجام شود؛ (۳)البته منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که طواف کننده در اثر فشار جمعیت تندتر برود، بلکه اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد، ضرر ندارد و طوافشصحیح است.

نقصان در اثر سلب اختیار و نحوه تدارک آن

۴۵۷ ۷۲۸- اگر مقداری از طواف در اثر ازدحام و مانند آن، (۴) پشت به (۵) خانه یا بدون اختیار، انجام شود، باید آن مقدار اعاده شود؛ و اگر نمی‌تواند برگردد، می‌تواند همراه با جمعیت بدون قصد طواف حرکت نماید تا به محل اعاده برسد و از آنجا طواف را تدارک نماید. (۶)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر بتواند برگردد و از همان جا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنه بدون نیّت دور می‌زند تا به محلّی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: ولی چنانکه سابقاً گفته شد، مجرّد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای و آیهٔ اللّه مکارم: سابقاً گفته شد، از اوّل نیّت می‌کند که خود را در وسط جمعیّت قرار دهد و طواف کند هرچنداو را ببرند، بنابراین اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: به حاشیه مسأله ۷۲۸ مراجعه شود

۲- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: مانند مسأله سابق است.

۳- آیهٔ اللّه فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفاکند، و طواف در این فرضصحیح است.

۴- آیهٔ اللّه نوری: باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

۵- آیهٔ اللّه مکارم: در مورد فشار جمعیّت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

۶- آیهٔاللّه سیستانی: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده‌کند ونمی‌تواند بدون

قصد طواف برود تاجایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیهٔ اللّٰه فاضل: همان گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

ص: ۱۶۴

اگر جای مقدار شوط فاسد معلوم نباشد

۴۵۸ ۷۳۱- درصورتی که مقداری از یک شوط،صحیح بجا آورده نشود و محدوده آن دقیقاً معلوم نباشد، درصورتی که بعد از فساد آن مقدار، طواف را ادامه نداده باشد، می‌تواند مقداری اضافه و یا حتی یک شوط کامل به عنوان تدارک مقدار باطل شده و مقدمه علمیه انجام دهد؛ ولی اگر بعد از آن، طواف را ادامه داده باشد، طواف او اشکال دارد. (۱)

۴۵۹ ۷۳۲- شخصی در یکی از اشواط، گامهایی را در اثر فشار جمعیت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده وطواف را پایان برده است، اکنون که مسأله را فرا گرفته، نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را، تکلیف او چیست؟ (۲)

کفایت تدارک طواف از محاذات

۴۶۰ ۷۳۳- طوافی که قطع می‌شود، ادامه آن از محاذات نقطه قطع شده نیز کافی است و لازم نیست دقیقاً از همان نقطه قطع باشد.

۱- آیهٔ اللّه بهجت: در مسأله قبل آمده است که ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشدصحیح است.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی:صحیح نیست، مگر آن‌که چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدّمه علمیّه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف بجا آورد. آداب و احکام حج، م ۵۸۱.

آیهٔ اللّه فاضل: طواف مزبورصحیح است ولکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشدصوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

۲- آیهٔاللّه بهجت: فرض سؤال، مضرّ بهصحّت طواف نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: حرکت غیر اختیاری در فرض مزبور مضر به طواف نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر با قصد طواف نموده، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر کاملًا بی‌اختیار بوده طواف را پس از فوت موالات از سر بگیرد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه نوری: از طواف مذکورصرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد طواف داشتهصحیح است و گرنه احتیاطاً خودش و اگر نمی‌تواند فردی را نایب کند تا یک طواف و نماز طواف برای او بجا آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیت او را پیش می‌برند این وضع ضرری به طواف نمی‌زند.

ص: ۱۶۵

۴- چند مسأله مربوط به اعاده طواف

اتمام و اعاده طواف اعاده‌ای

۴۶۱ ۷۳۷- در مواردی که اتمام و اعاده طواف، لازم است فرقی نمی‌کند که طواف قطع شده، طواف اصلی باشد یا طواف اعاده‌ای.

اعاده طواف و سعی با لباس دوخته

۴۶۲ ۷۳۸- اگر در بعد از تقصیر معلوم شود طواف و سعی باطل بوده، اعاده طواف و سعی با لباس دوخته کفایت می‌کند و اعاده تقصیر لازم (۱) نیست اگرچه احوط (۲) است.

۴۶۳ ۷۳۹- در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم نیست با لباس احرام باشد. (۳)

ترتیب در اعاده

۴۶۴ ۷۴۰- در مواردی که لازم است طواف و سعی اتمام و اعاده شود، بنا بر احتیاط، باید اعاده، بعد از اتمام طواف و خواندن نماز آن، انجام شود.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و پوشیدن لباس احرام لازم نیست و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و درصورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، کفّاره ندارد. پرسشهای جدید حج، س ۷۴.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی: اعاده تقصیر لازم است.

۲- آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط ترک نشود اگرچه کفّاره ندارد.

۳- آیهٔ اللَّه خویی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده باقی در احرام می‌باشد و لباس دوخته را باید در بیاورد. آیهٔ اللَّه سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در طواف عمره تمتّع و عمره مفرده احرام واجب است و در طواف حج لازم نیست. آداب و احکام حج، م ۶۱۰

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: کافی است یک طواف یا سعی به نیّت اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

ص: ۱۶۶

فصل پنجم: نیابت و استنابه در طواف

۱- موارد استنابه

کسی که قدرت بر طواف ندارد

۴۶۵ ۷۴۲- افراد مریض و عاجز، اگر قدرت بر طواف نداشته باشند و تا تنگی وقت قدرت پیدا نمی‌کنند، اگر ممکن باشد- اگرچه با به‌دوش گرفتن یا با تخت و چرخ- باید آنها را (۱) طواف دهند؛ و اگر ممکن نشود، باید نایب بگیرند.

۴۶۶ ۷۴۳- هنگام طواف دادنِ مریض و عاجز، باید شرایط و احکام طواف، به مقدار ممکن در باره آنها رعایت شود.

۴۶۷ ۷۴۴- اشخاصی که قادر به طواف نیستند، احتیاطاً با امکان، هم نایب بگیرند و هم ولو در خارج محدوده، با چرخ طواف داده شوند، اگرچه طواف دادن ولو در خارج مطاف، کفایت می‌کند. (۲)

نیابت در بعضی اشواط طواف و سعی

۴۶۸ ۷۴۵- نیابت در بعض شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند تمام سعی و طواف را

۱- آیات عظامصافی، گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن‌نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به‌طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود. مناسک، مسأله ۳۲۰.

آیهٔ اللّه فاضل: و بهتر است درصورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیهٔ اللّه مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

۲- مراجعه شود به مسأله ۶۵۷.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر می‌تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر اینصورت به ذیل مسأله ۶۵۷ مراجعه شود.

ص: ۱۶۷

خودشان انجام دهند، مشروع است. (۱) ۴۶۹ ۷۴۶- اگر طواف کننـده در اثنـای طواف عـاجز شود و شـخص دیگری بقیه اشواط را بجای وی بجا آورد با فرض عذر حتی در آینده، (۲) عمل مزبورصحیح است و نماز را بجا آورد. (۳)

مورد عدم جواز نیابت در اشواط طواف

۴۷۰ ۷۴۷- کسـی که با مقداری استراحت می‌تواند طواف خود را کامل کند، نمی‌تواند برای بقیه آن نایب بگیرد؛ و اگر چنین کرد، اگر بعد از شوط چهارم (۴) باشد، باید بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.(۵)

۱- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: اگر کسـی از اتیـان طواف یـا سـعی یا رمیِ کامل عاجز باشـد ولی به انجام مقـداری از آن قادر باشد، بایستی برای تمام عمل نایب بگیرد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر از ابتـدا بدانـد که نمی‌توانـد طواف را تمام کنـد، بایـد برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهـارم عـاجز شود، ولی اگر بعـد از آن باشـد می‌توانـد برای باقیمانـده نایب بگیرد، ولی در سـعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.

آیـهٔ اللَّهصافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: بعید نیست طواف حکم نماز را داشـته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند. آراء المراجع،ص ۲۴۹.

آیـهٔ اللَّه فاضل: اگر از ابتـدا از انجام طواف مأیوس باشـد و امکان طواف دادن او نباشد، باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیّه آن عاجز شـده است می‌توانـد برای بقیّه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور بجاآورده نیابت در بقیّهصحیح نیست.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: درصورتی که بشود در باقیمانـده، آنهـا را طواف داد بایـد چنین کننـد، و در غیر اینصورت برای تمـام طواف نایب بگیرند.

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: اگر قدرت برانجام طواف ولو در آینده نداشـته باشد، باید برای تمام طواف نایب بگیرد و نماز طواف را نیز نایب بخواند.

۳- به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: باید برای تمام طواف نایب بگیرد.

۴- در این باره به تفصیل مسایل ۶۱۴ و ۶۱۷ و تفصیل بین شوط چهارم و قبل آن مراجعه شود.

۵- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: خودش احتیاطاً بقیه طواف را بجا آورد و بعد از خواندن نمازِ طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مگر این‌که موالات به هم خورده باشد که در اینصورت، بنابراحتیاط علاوه بر تکمیل طواف و اعادهصلاهٔ، مجدّداً طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

ص: ۱۶۸

طواف افراد ناتوان در طبقه دوم

حکم طواف از طبقه دوم، در بخش محدوده طواف گذشت.

۲- احکام طواف نیابی

انجام طواف نیابی قبل از طواف خود

۴۷۱ ۷۴۹- انجام دادن طواف نیابی، قبل از انجام دادن طواف واجب خود، مانع ندارد. (۱)

عدم لزوم لباس احرام در نیابت در طواف و سعی

۴۷۲ ۷۵۰- کسی که برای انجام سعی یا طواف، نایب می‌شود، لازم نیست محرم باشد و لباس احرام در تن داشته باشد. (۲)

زمان انجام طواف نیابی

۴۷۳ ۷۵۱- انجام طواف نیابی برای عمره تمتع یا طواف حج، در غیر موسم، مانع ندارد. (۳)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوبٌ‌عنه انجام دهد.
آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از ادای مناسک خود طواف نیابی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۴۱ مسأله ۸.
۲- آیهٔ اللّه بهجت: احتیاط در احرام نایب است.
آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از ادای مناسک خود، طواف و سعی نیابی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۴۱ مسأله ۸.
۳- آیهٔ اللّه بهجت: در حکم، با منوبٌ‌عنه مشترک است.
آیهٔ اللّه سیستانی: باید عمل را در وقتی انجام دهد که بر منوبٌ‌عنه تأخیر از آن جایز نیست. پس اگر نایب در طواف عمره تمتّع باشد، باید در وقتی انجام دهد که منوبٌ‌عنه بتواند بقیه اعمال را قبل از فوت وقوف در عرفات انجام دهد و اگر طواف حج باشد تأخیر آن از ذی‌حجّه جایز نیست، ولی اگر ماه ذی‌حجّه تمام شد، در هر زمان کافی است و اگر منوبٌ‌عنه طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است، نایب در هر زمان می‌تواند آن را انجام دهد.
آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: طواف عمره تمتّع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی‌حجّه، روز عید و بعداز آن، باید به‌جا آورد مگر این‌که منوبٌ‌عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعداز گذشتن موسم متذکّر شود که در اینصورت خود او و در فرض عدم تمکّن، نایب او می‌تواند طواف را در غیر اشهر حج به‌جا آورد.
آیهٔ اللّه مکارم: طواف حجّ تمتّع را باید تا آخر ذی‌حجه به‌جا آورد و طواف عمره تمتع را باید در اشهُر حج، قبل از عرفات به‌جا

آورد.

ص: ۱۶۹

فصل ششم: احکام خاص بانوان در طواف

۱- حیض

وظیفه بعد از تجاوز دم از عشره

۴۷۴ ۷۵۳- مـدت حیض، از ده روز بیشتر نمی‌شود؛ و اگر حـایض بعـد از عـادت غسل کنـد و عمره انجام دهـد و بعـد از آن تا روز یازدهم لک ببیند، محکوم به استحاضه است. (۱)

لک دیدن در غیر ایام عادت

۴۷۵ ۷۵۴- زنی که در غیر ایـام عـادت لـک دیـده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعـد خون با شـرایط حیض، دیـده، اگر یقین کنـد که بعـد از دیـدن لـک، خـون در بـاطن فرج بـوده و قطع نشـده، (۲) در اینصـورت حـائض بـوده و طـواف و نمازشصحیح نیست؛(۳)و اگر شک دارد یا یقین کنـد که خون قطع شده، حائض نبوده و اعمالشصـحیح است؛ (۴)و درصورت اول، باید طواف و نماز را اعاده کند.

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر مجموع آن روزها از ده روز بگذرد، لکهایی که دیده محکوم به استحاضه‌اند؛ اگر از ده روز نگذرد، لکها محکوم به حیضـند؛ و احتیاطاً باید در اوقات پاکی جمع نماید بین احکام طاهر و حایض و به موجب این احتیاط، باید طواف عمره و نمازش را احتیاطاً قضا نماید.

۲- آیهٔ اللَّه نوری: در اینصورت از تاریخ دیدن لک، حیض شروع شده ....

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر لک دارایصفات حیض بوده، در اینصورت حکم کسی را دارد که‌قبل از طواف حایض شده است.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و باید اعاده نماید.

۴- آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: درصورتی که به وظیفه مستحاضه عمل نموده باشد.

آیـهٔ اللَّه نوری: ولی اگر حصول این یقین بعد از انجام اعمال حج باشد حج اوصـحیح است و فقط طواف و نماز طواف را اعاده کند و اگر بعد انجام عمره و قبل از حجّ یقین حاصل شد، اگر وقت هست طواف و نماز طواف را انجام بدهد و بعد برای حج محرم شود و اگر وقت نیست و احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده به‌جا آورد.

ص: ۱۷۰

زنی که حیض نمی‌شود ولی لک ببیند

۴۷۶ ۷۵۸- زنی که حیض نمی‌شود ولی گاهی خون می‌بیند، اگر خون تا سه روز، استمرار ندارد، ولو به این گونه که پس از خارج شدن تا این مدت، باطنِ فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد. (۱)

علم به بقای حیض در اثنای سعی

۴۷۷ ۷۶۱- اگر زنی به تصور این‌که پاک شده است، طواف را انجام دهد و در اثنای سعی متوجه شود که هنوز پاک نشده است، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند؛ و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید؛ (۲)و اگر بعد از سعی متوجه شود نیز، اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی، مبنی بر احتیاط است. (۳)

نیت غسل جنابت بجای حیض

۴۷۸ ۷۶۳- اگر زنی به جای نیّت غسل حیض، نیّت غسل جنابت کرده اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملشصحیح است.

۲- استحاضه

وظیفه مستحاضه کثیره

۴۷۹ ۷۶۴- مستحاضه کثیره، باید برای طواف، یک غسل و برای نمازِ طواف، غسلی دیگر انجام دهد، مگر آن‌که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد. (۴)

۱- به مسأله ۷۶۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: به ذیل مسأله ۷۶۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: به مسأله ۷۶۸ مراجعه شود.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: اتمام سعی لازم نیست و اعاده کافی است.

۳- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن‌دو یک وضو بگیرد.

آیهٔ اللّه خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در اینصورت احوط ضم وضو است به غسل. مناسک، مسأله ۲۹۹.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود، یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است؛ و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در

حالی که خون بیرون نزده باشد در اینصورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود، می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند، تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هرکدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود، مثل این‌که در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۶۸ مسأله ۹.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهند و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و و اگر غسل برای او حرجی است یعنی مستلزم مشقتی است که عادتاًقابل تحمل نیست بجای غسل تیمم کند و وضو بگیرد. مستحاضه قلیله برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد.

آیهٔ اللّه مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

ص: ۱۷۱

۴۸۰ ۷۶۵- نماز و طواف برای زن مستحاضه، مستقل هستند. (۱)

سن یأس

۴۸۱ ۷۶۶- هرگاه زن قُرَشیه پس از شصت سال و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، در بین اعمال خون ببینند، حکم مستحاضه را دارند (۲) ولو چند روز متوالی طول بکشد و همه به اوصاف حیض باشد.

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: مستحاضه قلیله، برای هر یک از نماز و طواف، به احتیاط واجب یک وضو بگیرد و در متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل و برای هر کدام یک وضو لازم است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه مکارم: در مسأله ۷۶۴ آمده است.

۲- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چنانچه بین پنجاه سال و شصت سال، خون بهصفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حایض و مستحاضه جمع کنند، و اگر بعد از شصت سال خونی دیده‌اند، حکم به استحاضه می‌شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیّده و غیر سیّده، با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: فرقی میان سیّده و غیر سیّده نیست.

ص: ۱۷۲

قرص خوردن و خون دیدن

۴۸۲ ۷۶۷- لکه‌های خونی که بعد از استفاده از قرص یا غیر آن به وجود می‌آید و سه روز ادامه ندارد، حکم استحاضه را دارد (۱) و (۲)بایـد به وظیفه مستحاضه عمل شود؛ و اگر در اثنای طواف لک ببیند، تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم و مابعد آن هست که گذشت. (۳)۴۸۳ ۷۶۸- اگر با خوردن قرص، خون قطع شود و طواف عمره یا حج را انجام دهـد سپس خون ببینـد، اگر خونْ سه روزْ مستمر نباشد و حتی در باطن فرج هم قطع شده باشد، حیض نبوده و با انجام وظیفه مستحاضه، اعمال بعدی اوصحیح است. (۴)

مستحاضه قلیله

۴۸۴ ۷۶۹- اگر زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله شود اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کنـد؛ و اگر قبل از آن بوده، به احتیاط واجب پس از تجدیـد وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نمایـد. (۵)

خون دیدن مستحاضه در اثنای طواف

۴۸۵ ۷۷۰- اگر مستحاضه بعد از غسل و وضو مشغول طواف شود، و در اثنای طواف لک ببیند، اگر خون او مستمر بوده و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون، چیزی بر او نیست؛ و در غیر اینصورت (۶)حکم حدث جدید را دارد.

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: مگر آن‌که علم پیداکند در باطن خون است. مناسک، س ۱۷۴.

۲- آیـهٔ اللّٰه نوری: اگر در موقع اعمال خون نبیننـد که پاک می‌باشـند و اعمالشانصـحیح است ولی اگر در ایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، این خون خون استحاضه حساب می‌شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند

۳- به مسأله ۵۸۰ الی ۵۸۲ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: درصورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آن‌که دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببینـد، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بیند هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. توضیح المسائل، مسأله ۴۴۷، احکام حایض.

۵- به مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: وظیفه او فقط اعاده است بعد از طهارت و احتیاط لازم نیست.

۶- آیهٔ اللّٰه مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید دارد.

ص: ۱۷۳

مستحاضه‌ای که خون او قطع نمی‌شود

۴۸۶ ۷۷۱- مستحاضه‌ای که خون او قطع نمی‌شود، باید برای هریک از طواف و نماز غسل کند و وضو بگیرد؛ (۱) و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو، مبادرت به عمل نماید؛ بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد. (۲)

طواف و نماز فریضه با یک غسل و وضو

۴۸۷ ۷۷۲- مستحاضه‌ای که باید برای هر نماز و طواف، غسل کند، اگر با عمل به وظیفه، طواف را شروع کند و در این حال، نماز فریضه آغاز شود، درصورتی که بعد از خواندن نماز فریضه، با همان طهارت اول، طواف را ادامه دهد، و از هنگام غسل تا آخر طواف، خون قطع بوده، طواف اوصحیح است؛ و در غیر اینصورت، احوط آن است که این طواف را تمام کند (۳)و پس از غسل، اعاده نماید.

رفتن در مسجدین و دیگر احکام مستحاضه

۴۸۸ /۲ ۷۷۲- رفتن در مسجدالحرام و مسجدالنبیصلی الله علیه و آله و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره‌ای که

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضوبگیرد.
۲- آیهٔ اللَّه خویی: در کثیره، احوط این است که برای هر کدام از طواف و نماز، غسل نماید و قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و متوسطه یک غسل برای هر دو بجا آورد و برای هر کدام وضو بگیرد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمّم بدون فاصله میسّر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.
آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۶۸ مسأله ۹.
آیهٔ اللَّه مکارم: چنانکه قبلًا گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.
۳- آیات عظام بهجت: اتمام لازم نیست.
آیهٔ اللَّه تبریزی: بعید نیست تمام کردنِ طوافِ سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.
آیهٔ اللَّه سیستانی:صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد، اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.
آیهٔ اللَّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

ص: ۱۷۴

سجده واجب دارد، برای زن مستحاضه اشکال ندارد؛ ولی مقاربت شوهر (۱)با او بنابر احتیاط واجب درصورتی حلال می‌شود که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز، واجب است- مثل وضو و عوض کردن پنبه- انجام نداده باشد.

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل‌هایی که بر آن‌ها واجب است نمی‌توانند واردمسجدالحرام و مسجدالنبیصلی الله علیه و آله شوند. پرسشهای جدید حج،ص ۱۴، سؤال ۵۷.

آیهٔ اللَّه سیستانی: همه این کارها بدون غسل نیز جایز است بجز مقاربت که بنابر احتیاط جایز نمی‌باشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّهصافی: با انجام غسلهای واجب همه کارها حلال می‌شود اگر چه کارهای واجب برای نماز را مثل عوض کردن پنبه انجام نداده باشد. آیهٔ اللَّه خویی اضافه‌ای دارند: و بعید نیست که این کارها بدون غسل نیز جایز باشد اگر چه احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که در این کارها غسلهای واجب خود را انجام داده باشد.

ص: ۱۷۵

فصل هفتم: طواف مستحب و نماز آن

۱- استحباب طواف

اشاره

۷۷۳ ۴۸۹- طواف- یعنی هفت دور گرد خانه کعبه گردیدن- مسـتحب است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب(۱)است. در طواف مستحب، طهارت شرط نیست.

طواف از طرف معصومین علیهم السلام و سایرین

۷۷۴ ۴۹۰- طواف از طرف معصومین علیهم السـلام و خویشاوندان و غیر آنها چه مرده و چه زنده، به‌شـرط آن‌که در مکه نباشند، یا معذور (۲) باشند، مستحب است.

تحیت مسجدالحرام

۷۷۵ ۴۹۱- تحیّت مسجدالحرام، نماز است یا طواف کعبه؟ (۳)

عدم استحباب کمتر از هفت شوط

۷۷۶ ۴۹۲- اسـتحباب کمتر از هفت شوط طواف ثـابت نیست؛ و نیـابت در یـک شوطِ طواف مسـتحب،صـحیح نیست، ولی می‌توان مجموع را به نیت چند نفر انجام داد. (۴)

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیّت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: استحباب و مشروعیّت طواف مستحبّی برای حاضر در مکّه، هرچند معذور باشد، ثابت نشده است.

۳- آیهٔاللَّه فاضل، آیهٔاللَّه بهجت: انجام هر کدام، کفایت می‌کند.

آیت‌اللَّه تبریزی: برای کسانی که از بلاد دور آمده‌اند، تحیت مسجدالحرام طواف است. واللَّه العالم.

آیات عظام: خامنه‌ای،صافی، نوری،: طواف است.

آیت‌اللَّه مکارم: برای مسجدالحرام نماز تحیت است که مانند سایر مساجد در خود مسجد خوانده می‌شود.

۴- آیهٔ اللَّه سیستانی: نیابت در یک شوط نیزصحیح است ولی در اینصورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. ملحق مناسک، سؤال ۱۷۸.

آیهٔ اللَّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

ص: ۱۷۶

۲- شرایط طواف مستحبی

اشاره

۴۹۳ ۷۷۷- شرایطی که در طواف واجب، رعایت آن لازم است، در طواف مستحبی نیز معتبر است مگر آنچه استثنا شده است. (۱)

عدم لزوم طهارت در طواف مستحبی

۴۹۴ ۷۷۸- طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، هرچند جنب یا حایض، جایز نیست در مسجدالحرام وارد شوند، ولی اگر با غفلت یا نسیان، طواف مستحب انجام دادند، طواف آنهاصحیح است.

۷۷۹۴۹۵- در طواف‌های مستحبی هم ختنه شرط است.

محدوده طواف مستحبی

۴۹۶ ۷۸۰- انجام طواف مستحبی در خارج از حد طواف واجب، جایز نیست (۲)مگر در مورد ضرورت.

نماز طواف مستحب و ترک آن

۴۹۷ ۷۸۱- به‌جا آوردن نماز طوافِ مستحب حتی در حال اختیار، در هر جای مسجدالحرام، جایز است، بلکه گفته‌اند می‌تواند آن را عمداً ترک (۳) کند.

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می‌شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود. ملحق مناسک، س ۲۴۴.

آیهٔ اللَّه فاضل: مانند این‌که در طواف مستحبی موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان نمی‌شود و بنا را بر اقل می‌گذارند وصحیح است و قران بین دو طوافِ مستحب، حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیارصحیح است.

۲- مراجعه شود به مسأله اعتبار و عدم اعتبار حدّ در طواف مسأله ۶۵۶.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: مورد تأمّل است مناسک شیخ،ص ۴۷.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیهٔ اللَّه مکارم: ترک آن مشکل است.

ص: ۱۷۷

نماز طواف استحبابی در حال حرکت

۴۹۸ ۷۸۲- آیا خواندن نماز طواف مستحب در حال راه رفتن، جایز است؟ (۱)

شک در طواف مستحب

۴۹۹ ۷۸۳- اگر در طواف مستحب، در عدد دورها شک کند، بنابر اقل بگذارد و طوافشصحیح است.

۳- طوافهای مستحب

مقدار طواف مستحب

در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف (۲)مستحب است: در اول شب، سه طواف؛ در آخر شب، سه طواف؛ پس از دخولصبح، دو طواف؛ و بعدازظهر، دو طواف.

هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال، طوافْ مستحب است، یعنی سیصد و شصت مرتبه، طواف نماید؛ و اگر این مقدار نشد، پنجاه و دو مرتبه؛ و اگر آن هم میسور نشد، هر مقداری که بتواند.

طواف وداع

۵۰۰ ۷۸۸- کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع انجام دهد؛

و درصورت امکان، در هر شوطی، حجرالاسود و رکن یمانی را، استلام نماید؛

و هنگامی که به مستجار رسد، مستحبات آن را بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید؛

بعد حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند و یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید وصلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

۱- آیت اللَّه خامنه‌ای و آیهٔاللَّه مکارم:صحّت نماز طواف ولو نماز طواف مستحبی باشد در حال راه رفتن محل اشکال است، و احوط استقرار در حال نماز طواف مستحبی است.

آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی،صافی، فاضل: مانعی ندارد.

آیت اللَّه مکارم: زیرا ادلّه جواز نافله در حال حرکت، از اینجا منصرف است.

۲- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های‌مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند

ص: ۱۷۸

«أللَّهُمَّصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَامِینِکَ وَحَبِیبِکَ وَنَجِیِّکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، أللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَجاهَدَ فی سَبِیلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ واوذِی فی جَنْبِکَ وَعَبَدَکَ حَتّی أتاهُ الْیَقِینُ، أللَّهُمَّ أقْلِبْنی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِأفْضَلِ ما یَرْجِعُ بِهِ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرةِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْعافِیَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدّق نماید.

ص: ۱۷۹

فصل هشتم: آداب و مستحبات طواف «۱»

(۱)

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأَرْضِ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُورِ فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍصلی الله علیه و آله ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إسْمِی».

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد و این دعا را بخواند:

«سائِلُکَ، فَقِیْرُکَ، مِسْکِیْنُکَ ببابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأعْتِقْنِی وَوالِدَیَّ وَأهْلِی وَوُلْدِی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

۱- آیة اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۸۰

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«أللَّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالْإنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَم».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إنَّکَ أ نْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«یا أللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَةِ وَخالِقَ الْعافِیَةِ وَرَازِقَ الْعافِیَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَةِ وَالْمَنّانُ بِالعافِیَةِ والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیَّ وَعلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَرَحیْمَهُماصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا الْعافِیَةَ وَتَمامَ الْعافِیَةِ وَشُکْرَ الْعافِیَةِ فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ یا أرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للّهِ الَّذی شَرَّفَكِ وَعَظَّمَكِ، وَالْحَمْدُ للّهِ الَّذی بَعثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلیّاً اماماً.

أللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (۱)رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّار».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء اللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

۱- مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

ص: ۱۸۱

«أللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِيَةُ. أللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«أللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنی».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید (۱)

«أمانَتی أدَّیْتُها وَمِیثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ».

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیّت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

ص:۱۸۲

ص: ۱۸۳

باب سوم: نماز طواف

اشاره

ص:۱۸۴

ص: ۱۸۵

فصل اول: زمان و مکان نماز طواف

۱- زمان نماز طواف

اشاره

۷۸۹۵۰۱- بعد از تمام شدن طواف، خواندن دو رکعت نماز، واجب است.

مبادرت به نماز طواف

۷۹۰ ۵۰۲- بعد از طواف- بنابر احوط (۱) مبادرت به نماز، لازم است.

فاصله بین طواف و نماز

۷۹۱ ۵۰۳- میزان در فاصله بین طواف و نماز آن، مبادرت عرفیّه است؛ (۲)و در هرصورت، با تأخیرِ نماز، اعاده طواف لازم نیست. (۳)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده و آیهٔ اللَّه خویی اضافه نموده‌اند که: فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد. و اگر عمداً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و درصورتی که عالماً و عامداً اخلال به فوریت کند. ظاهراً طواف باطل می‌شود.

۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً مقدار فاصله مخلّ به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و به طور کلّی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر مخلّ نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه خویی: باید اعاده نماید. استفتائات

ص: ۱۸۶

۵۰۴ ۷۹۲- بین طواف و نماز آن، احتیاط در مبادرت به نماز و ترک نماز مستحبی و عبادت مستحبی دیگر است. (۱)

نماز با فاصله از مقام و میزان عدم اعاده

۵۰۵ ۷۹۳- درصورتی که انجام نماز طواف در نزدیک مقام، ممکن نباشد و در فاصله دورتر بجا آورده شود، اگر تا بعد از فوات موالات عرفیّه بین طواف و نماز آن، عذر باقی بوده، اعاده نماز طواف، واجب نیست. (۲)

تزاحم نماز طواف با فریضه

۵۰۶ ۷۹۴- اگر خواندن نماز طواف، موجب فوت وقت نماز یومیّه شود، باید اول، نماز یومیّه را بخواند.

۲- مکان نماز طواف

لزوم رعایت «نزد» و «خلف مقام»

۵۰۷ ۷۹۶- واجب است که نماز طواف، (۳) «نزد مقام ابراهیم»، و بنابر احتیاط (۴)واجب، «پشت مقام» بجا آورده شود، به گونه‌ای که سنگ مقام، بین نمازگزار و خانه کعبه واقع شود؛ و بهتر آن است که هرچه

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اشکال ندارد اگر مخلّ به فوریّت عرفیّه نباشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: واجب است میان طواف و نماز طواف فاصله نیفتد وصدق فاصله امر عرفی است و بعید نیست به اندازه خواندن نماز یومیه یا نافله مختصر اشکالی نداشته باشد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: به احتیاطِ در مسأله ۸۰۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: در هرصورت اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر چه خوب است.

۳- آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود. مناسک، مسأله ۱۱۰.

۴- آیهٔ اللّه تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است ....

آیهٔاللّه خامنه‌ای: واجب‌است این نماز پشت مقام نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد هر چند بعید نیست که در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام که نماز پشت مقام بر آنصدق کندصحیح و مجزی باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اظهر آن است ....

آیهٔ اللّه مکارم: واجب است نماز طواف را درصورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد.

ص: ۱۸۷

ممکن باشد، نزدیکتر بایستد، ولی به گونه‌ای که با دیگران مزاحمت نکند.

میزان صدق خلف

۵۰۸ ۷۹۷- هنگام ازدحام و غیر آن،صدق «خَلْف»، به نظر عرف است.(۱)

مقصود از نماز نزد مقام

۵۰۹ ۷۹۸- مقصود از نماز طواف نزد مقام، پشت مقام است و شامل دو طرف مقام نمی‌شود. (۲)

موارد ازدحام و نماز در طرفین مقام

۵۱۰ ۷۹۹- اگر ازدحام به گونه‌ای باشد که اگر بخواهد خلفِ مقام بایستد- به خاطر فاصله زیاد- «نزد مقام»صدق نمی کند، (۳) باید نماز را در یکی از دو طرف مقام « (۴)که «نزد مقام»،صدق کند، به‌جا آورد.

۱- آیهٔ اللّه مکارم: به هنگام ازدحام مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند، احتیاطاً هم در یکی از دو طرف مقام و هم پشت مقام و دور از آن نماز بخواند.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: به احتیاط مذکور در مسأله ۷۹۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه مکارم: مگر این‌که نتواند پشت مقام انجام دهد.

۳- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کافی است در هر نقطه‌ای که خلفصدق کند گرچه از مقام دور باشد.

آیهٔ اللّه نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چندبهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب را مراعات کند.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: درصورت عدم تمکّن و بُعد مفرط، در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیهٔ اللّه تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و درصورت عدم تمکّن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالاقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجاآورد.

آیهٔ اللّه خویی: درصورت عدم تمکّن از نماز نزدیک مقام، می‌تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۲۵.

آیهٔ اللّه سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی‌اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد و اگر نتواند آن دو را بجا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیکتر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود توانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند،

احتیاط مستحب اعاده آن است. مناسک،ص ۲۴۵.

ص: ۱۸۸

حکم نماز با دوران بین طرفینِ بعید و پشتِ بعید

۵۱۱ ۸۰۰- اگر نماز در یکی از دو طرف مقام(۱) که «نزد مقام»،صـدق کند، هم ممکن نشود، باید (۲) فاصله سه مکان-: دو طرف و پشت مقام (۳)را با مقام بسنجد که:

اگر هر سه طرف مساوی باشند، در پشت مقام نماز بخواند و در دو طرف، کافی نیست؛

و اگر دو طرف، به مقام نزدیک‌تر از پشت مقام باشـند، ولی بر هیـچ کـدام از دو طرف، «نزد مقام»صـدق نکنـد، جایز بودن اکتفا به پشت مقام، بعیـد نیست؛ لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام و یک نماز در یکی از دو طرف با ملاحظه نزدیکتری آن بخواند.

و احوط (۴) اعاده نماز است درصورت امکان در نزد و خلف مقام تا وقتی که وقت (۵) برای سعی تنگ نشده است.

مکان نماز طواف کسانی که در طبقه بالا طواف می‌کنند

۵۱۲ / ۲ ۸۰۰- مکـان نمـاز طـواف برای افرادی که به دلیـل عـذر، طواف را از طبقه بالاـ انجـام می‌دهنـد، کجـاست و وظیفه ایشـان چیست؟ (۶)

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سبستانی: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشـد، مراعـات می‌کنـد الأـقرب فالأقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را، با رعایت احتیـاط، درصورت دوران امر بین بعض مراتب خلف و احَـد جـانبین به جمع در نمـاز بلکه به اعاده، پس از تمکن از نماز در پشـت سر، اگرچه در آخر وقت امکان باشد و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است. مناسک،ص ۱۱۸.

۳- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نماز خواندن در دو طرف راست یا چپ مقام درصورت تمکن از خلف گرچه دور باشد کافی نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

۴- آیهٔ اللّه فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجاءً بخواند.

۵- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اعاده لازم نیست. المسائل الشرعیه، ج ۱،ص ۳۵۲.

۶- آیـهٔ اللّه بهجت: درصورت امکان بایـد در پایین در نزد و خلف به جا آورنـد، و درصورت عدم امکان با رعایت الاقرب فالاقرب کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طبقه دوم پایین‌تر از کعبه مشرفه نباشد، طواف از آنصورت شـرعی ندارد؛ و بر فرضصحت طواف، باید نماز طواف را نزدیک مقام ابراهیم و در جهت پشت آن به‌جا آورد و درصورت عدم امکان، تفاصیل مذکوره در مناسک جاری است.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر می‌تواننـد بلافاصـله و بـدون عسـر و حرج پایین بیاینـد، بایـد پایین بخواننـد و الا در همان بالا بخوانند و کفایت می‌کند.

آیـة اللّه مکـارم: درصورت امکـان، در طبقه پـایین پشت مقام ابراهیم نماز را به‌جا آورنـد؛ و اگر ممکن نیست در همان طبقه بالا در سمت پشت مقام ابراهیم بجا آورند.

ص: ۱۸۹

حکم ازدحام و عدم امکان رعایت خلف

۵۱۳ ۸۰۱- در مواقع ازدحـام، اگر امکان دارد (۱)و محـذوری در بین نیست، بایـد خلف و نزد مقام، نماز خوانـده شود؛ ولی اگر به خاطر ازدحام، به‌جا آوردن نماز نزدیک مقام، ممکن نباشد، با فرض اضـطرار، (۲)نماز در فاصله دورتر، و مراعات الأقرب فالأقرب- که بیان آن در دو مسأله سابق گذشت- (۳) مانع ندارد.

۵۱۴ ۸۰۲- در هنگـام ازدحام و یا تشکیل‌صـفوف نمازصـبح، مأمورین مسـجدالحرام از انجام نماز طواف در خلف مقام، به‌ویژه برای خانم‌ها ممانعت می کننـد و افراد را مورد توهین و یا ضـرب و شـتم قرار می‌دهنـد؛ در چنین شـرایطی، آیا نماز خوانـدن در محـدوده مقابل رکن حجر تا مقابل رکن عراقی کافی است؟ (۴)

۱- آیهٔ اللَّه فاضل: ولو با کمک دیگران.

آیهٔ اللَّه نوری: گفتیم که در موقع ازدحام، نماز طواف در خلف مقام لازم نیست.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: و گذشت رعایت احتیاط در ذیل مسأله ۸۰۰.

آیهٔ اللَّه نوری: درصورت ازدحام، در غیر پشت مقام مانعی ندارد.

۳- مراجعه شود به مسائل ۷۹۶ تا ۸۰۰.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: یعنی دورتر بجـاآورد و از این‌که چنـد نفر در اطراف او حلقه بزننـد اجتنـاب کنـد که موجب مزاحمت برای طواف کنندگان است و نماز او خالی از اشکال نیست.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: در طواف واجب به اندازه خواندن نمازصـبح ضـرری به مبادرت عرفیه نمی‌زند؛ لذا به همان نحو که در مناسـک ذکر شده بجا آورده شود.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: نمـاز طواف بایـد خلف مقـام ابراهیم علیه السـلام خوانـده شود با رعایت الأقرب فالأقرب واگر نزدیک مقام ممکن نیست، خلف مقام در مکان دورتری خوانده می‌شود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم خوانده شود مشروط بر این‌که مزاحمت برای دیگران نباشد و درصورتی که به خاطر ازدحام و یا کثرت طواف کنندگان، امکان اقامه نماز، نزدیک مقام نیست می‌توان در مکان‌های دورتر بجا آورد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: کافی نیست بلکه اگر ممکن باشـد- با فرض این‌که دو سوی مقام هم میسور نیست- باید پشت مقام هر چند دور انجام دهند و اگر ممکن نشد هر جای مسجد می‌توانند بخوانند.

آیـهٔ اللَّهصـافی: نمـاز طـواف واجـب بایـد در پشت مقـام ابراهیم علیه السـلام خوانـده شـود و خوانـدن نمـاز در محـدوده مـذکور با عدمصدق خلف مقام کافی نیست.

آیـهٔ اللَّه فاضل: تا محـدوده‌ای که از دو طرف مقام،صدق«صـلاهٔ خلف المقام» بنماید اشـکالی ندارد. بنابراین، در چنین فرضـی نماز طوافصحیح است ولو در نزدیکی دیوار چاه زمزم.

آیهٔ اللَّه مکارم: درصورتی که راهی جز این نباشد کفایت می کند.

آیهٔ اللَّه نوری: نماز طواف در مسجدالحرام در هر حال بلا اشکال است.

ص: ۱۹۰

حکم نماز طواف در حجر اسماعیل

۵۱۵ ۸۰۴- اگر شخصی نماز طواف را، به اعتقاد این‌که حِجر اسماعیل، مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل خوانده، باید نماز را اعاده کند ولو این که بعد از تقصیر متوجه شده باشد. (۱)

محاذات زن و مرد در نماز طواف

۵۱۶ ۸۰۶- محاذات زن و مرد هنگام نماز طواف، بهصحت نماز ضرر نمی‌زند. (۲) ۵۱۷ ۲ / ۸۰۶- گاهی اوقات اگر نمازگزار بخواهد نماز طواف را نزد مقام یا پشت آن بجا آورد، طواف کنندگان به او تنه می‌زنند و از حال نماز خارج می‌شود، آیا می‌تواند در فاصله دورتری نماز را بجا آورد؟ (۳)

۱- آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه فاضل: و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

۲- آیهٔ اللّه فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنّت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

۳- آیهٔ اللّه گلپایگانی: درصورتی که محلی خالی از تنه زدن فراهم نشود ولو با کمیصبر که منافی با مبادرت به نماز نباشد عقب‌تر نماز خواندن مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: مجرّد تنه زدن مسقط تکلیف نیست، بلی درصورت تعذّر بتفصیلی که در مناسک ذکر شده عمل شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرض مذکور نماز را پشت مقام و در فاصله دورتری بجا می‌آورد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید نماز طواف را خلف مقام ابراهیم، نزدیک آن بخواند به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد و اگر نمی‌تواند خلف مقام ولو دورتر بخواند بعید نیست اکتفا به خواندن آن در هر جای مسجدالحرام که نماز پشت مقام بر آنصدق کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: جواب از مسایل قبل معلوم شد.

آیهٔ اللّهصافی: در مواقع مذکوره اگر طرفین مقام هم همین محذور را دارد می‌تواند در فاصله دورتری با رعایت الأقرب فالأقرب بخواند.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر اطمینان دارد که طواف کنندگان مانع از انجام نماز کامل او می‌باشند در اینصورت می‌تواند در فاصله دورتری نماز بخواند.

آیهٔ اللّه مکارم: در فرض سؤال می‌تواند در فاصله دورتری به طوری که مقام بین او و کعبه واقع شود نماز بخواند.

آیهٔ اللّه نوری: نماز طواف در هر جای مسجد، جایز است.

ص: ۱۹۱

ص: ۱۹۲

فصل دوم: برخی از احکام نماز طواف

۱ – احکام شک و خلل در نماز طواف

فراموشی نماز طواف

۵۱۸ ۸۰۷- اگر شخصی نماز طواف واجب را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد، در خلف و نزد مقام ابراهیم بجا آورد.

عدم لزوم اعاده اعمال مترتبه با فراموشی نماز

۵۱۹ ۸۰۸- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را به‌جا آورده، اعاده آنها ظاهراً لازم نیست، اگرچه احتیاط استحبابی، در اعاده است.

۵۲۰ ۸۰۹- اگر برگشتن به مسجدالحرام برای شخصی که نماز را فراموش کرده، مشکل باشد، باید هرجا « (۱)یادش آمد آن را بجا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد؛ و برگشتن لازم (۲) نیست، اگرچه آسان باشد.

۱- آیـهٔاللّهخامنه‌ای: اگر از مکّه دور نشده و برگشـتن و انجام نماز در محلّش برای او مشکل نیست، باید برگردد به مسجدالحرام و در محلّش بجا آورد و اگر از مکّه دور شده در همانجایی که یادش آمد بجا آورد.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجای آورد و اگر برگشـتن برای او مشقت دارد نمـاز را در همـان موضـعی که یادش آمـده انجام دهـد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر در منی باشـد مخیر است بین خوانـدن نماز در منی و اسـتنابه و الّا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جوازِ گرفتنِ نایب هم بعید نیست.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنهارا بجا آورد و بعضـی درصورت تعذر برگشتن به مقام، استنابه را لازم دانسته‌اند بنـابراین احوط جمع است میـان قضـای آنهـا، در هرجا که متـذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد. مناسک شیخ،ص ۴۸.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم بجا آورد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد.

آیهٔ اللّه فاضل: برگشتن مطابق احتیاط است ولی واجب نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: منظور برگشتن به حرم، خارج از مسجدالحرام است.

ص: ۱۹۳

اشتراک حکم جاهل و ناسی در ترک نماز

۵۲۱ ۸۱۰- احکامی که برای نسیان نماز طواف ذکر شد، در فرض جهل نیز جاری است.

تذکر فراموشی نماز در سعی

۵۲۲ ۸۱۱- اگر نماز طواف را فراموش کنـد و در بین سـعی متـذکر شود، از همانجا سـعی را رها کنـد و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا (۱)تمام کند.

تقصیر بدون نماز و سعی

۵۲۳ ۸۱۲- اگر شخصـی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کند، باید نماز و سعی را بجا آورد؛ و با فرض جهل (۲)یا نسیان، اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است. (۳)

قضای نماز طواف از طرف میّت

۵۲۴ ۸۱۳- اگر کسـی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسـر بزرگِ (۴) او، که آن را- با رعایت تفصیـلِ در کتاب «صلات»- قضا کند.

۱- آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: درصورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً بجا آورد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت، احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند.

۳- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر فاصله زیاد شده است، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرده باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفّاره ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: و مستحب است تقصیر را اعاده کند.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: بر ولیّ او لازم است آن را قضا کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند. مناسک، مسأله ۳۳۰.

آیهٔ اللّه مکارم: و اگر دیگری نیز بجا آورد کفایت می‌کند.

ص: ۱۹۴

حکم شک و ظن در نماز طواف

۵۲۵ ۸۱۴- شک در رکعات نماز طواف، موجب بطلان نماز است؛ (۱)ولی اعتبار ظن در (۲) رکعات، بعید نیست؛ و در ظن در افعال(۳)احتیاط شود.

نماز با وضوی باطل و انجام اعمال بعدی

۵۲۶ ۸۱۵- اگر شخصی بعد از طواف، نمازش را بی‌وضو خوانده و سعی و تقصیر را انجام داده، باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (۴)

شروع نماز با احتمال هل خوردن

۵۲۷ ۸۱۶- شروع نماز طواف با احتمال حرکت و هل خوردن، درصورتی که باصحت خاتمه یابد، مانعی ندارد. (۵)

اتحاد نماز طواف و یومیّه از جهت احکام نجاست

۵۲۸ ۸۱۷- نماز طواف از حیث احکام نجاست و محمول نجس (۶)و سایر احکام، حکم نمازهای یومیه را دارد. (۷)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: بعد از استقرار آن به تروّی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ درافعال؛ چه ظنّ به وجود باشد یا عدم به مصحّح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتّب می‌کند، اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله، درصورت تعلّق ظنّ به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً وسیلهص ۲۳۹ و ۲۴۷.

۲- آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۳- - آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه فاضل: ظن در افعال معتبر است.

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در فرض مذکور باید نماز را اعاده کند و سعی و تقصیر اوصحیح است. لکن احتیاط مؤکد در اعاده سعی و تقصیر نیز می‌باشد.

۵- آیات عظام خامنه‌ای،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اگر به امید این‌که بتواند نماز راصحیحاً انجام دهد شروع نماید وصحیحاً تمام کند مانعی ندارد.

۶- آیهٔ اللّه فاضل: و متنجّسی.

۷- آیهٔ اللّه فاضل: هرگاه متنجّسی باشد که نمی‌تواند با آن ستر عورت کند معفو است. و اگر می‌تواند با آن ستر عورت کند و یا

اعیان نجسه باشد محل اشکال است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: محمول متنجّس در طواف نیز اشکال ندارد. مناسک عربی، مسأله **۲۹۷.**

آیهٔ اللَّه مکارم: لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند، در طواف و نماز آن اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنجّس.

ص: ۱۹۵

۲- احکام مربوط به قرائت نماز طواف

اشاره

۵۲۹ ۸۱۸- در نماز طواف، خوانـدن هر سوره‌ای غیر از سوره‌های سـجده، (۱)جایز است؛ و خوانـدن سوره «قل هو اللَّه احـد» بعد از «حمد»، در رکعت اول، و سوره «قل یا أیها الکافرون» در رکعت دوم، مستحب است.

۵۳۰ ۸۱۹- جهر و اخفات در نماز طواف، جایز است.

لزوم یادگیری قرائت

۵۳۱ ۸۲۰- بر هر مکلفی یـادگیری نماز و تصـحیح قرائت و ذکرهای نماز، واجب است تا بتوانـد تکلیف الهی را،صـحیح بجا آورد، خصوصاً کسـی که می‌خواهد به حج برود؛ چون بعضـی گفته‌اند (۲)اگر نماز درست نباشـد، عمره و حـج باطل است؛ پس بر اساس این قول، علاوه بر آن‌که حَجّهٔالاسلام بر ذمّه باقی می‌ماند، ممکن است محرّمات احرام- مثل زن و چیزهای دیگر حلال نشود. «(۳)

انکشاف اشتباه در قرائت با اطمینان به صحت

۵۳۲ ۸۲۱- اگر کسی مطمئن باشد قرائت یا ذکری که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف را

۱- آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: قرائت سوره‌های سـجده در نماز جایز است، ولی اگر سـجده را انجام داد نماز باطل‌می‌شود مگر این‌که سـهواً سجده کند و اگر سـجده نکند نمازصـحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سـجده، به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

۲- آیـهٔ اللَّه تبریزی: اگر بـا فرض تمکّن به طور ملحون نماز بخوانـد نمازش باطل است مگر این که جاهل‌قاصـر یا معتقـد بهصـحّت قرائت باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانستصبر کند و قرائتش را تصـحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

۳- آیهٔ اللَّه مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربیصحیحصدق کند کافی است.

ص: ۱۹۶

همان‌گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، با فرض این‌که احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازشصحیح است. (۱)

حکم عاجز از قرائت صحیح

۵۳۳ ۸۲۲- اگر کسی نتواند قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند، خودش بجا آورد و کفایت می‌کند؛ و اگر با تلقین می‌تواندصحیح بخواند و ممکن باشد، کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند؛ و احتیاط مستحب آن است که در مقام ابراهیم، به شخص عادلی اقتدا کند، (۲) ولی به جماعت اکتفا نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست. (۳)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: باطل است و باید نماز را به طورصحیح اعاده کند.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر جاهل قاصر باشدصحیح است. مناسک، مسأله ۳۳۶.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده، نمازشصحیح است و اگر معذور نبوده باید اعاده نماید.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: عمل اوصحیح است ولکن نماز طواف را قضا کند.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و درصورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است مناسک، س ۱۰۵.

۳- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست، پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طورصحیح بخواند، خواندن حمد به همینصورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواندصحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنابه یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندنصدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و امّا سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیهٔ اللَّه وحید: هر گاه در قرائت نمازگزار غلطی باشد، چناچه متمکن از تصحیح آن نباشد، بدون اشکال آنچه از قرائت غلط بلد است، برای او کافی است، و چنانچه متمکن از تصحیح آن باشد، باید قرائت خود را تصحیح نماید و می‌تواند به این اکتفا کند که هنگام نماز، قرائتصحیح را با تلقین دیگری به جا آورد؛ و اگر هیچ کدام از این را نتواند تا زمانی که وقت برای برای تصحیح تنگ شود، باید نماز را با همان قرائت غلط بخواند و بنا بر احتیاط واجب آن را به جماعت هم به جا آورد و نایب هم برای آن بگیرد. مناسک فارسی معظم لهصفحه ۱۷۰

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است. مناسک فارسی،ص ۸۱ مسأله ۱۱۳.

آیهٔ اللَّه مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد و مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

ص: ۱۹۷

جماعت در نماز طواف

۵۳۴ ۸۲۳–صحت جماعت در نماز طواف، محل اشکال است. با این فرض، کسی که قرائتشصحیح نیست، مستحب است احتیاطاً آن را به جماعت بخواند و نباید به آن اکتفا کند. (۱) و احتیاط (۲) در تماثل نماز ماموم، با امام جماعت است.

اقتدای نماز طواف به یومیّه

۵۳۵ ۸۲۴–صحت اقتدای نماز طواف به نماز یومیّه، محل اشکال است. (۳)

صبر برای تصحیح قرائت

۵۳۶ ۸۲۵– اگر شخصی با احرام عمره وارد مکه شود و قرائت نماز اوصحیح نباشد، لازم نیست که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند؛ و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز، نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند. (۴)

۱– آیهٔ اللَّه بهجت: جماعت در نماز طواف واجب، مستحب است وسیله،ص ۲۸۵.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: خواندن نماز به جماعت، احوط است ولی نباید به آن اکتفا شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر ترک این احتیاط است.

۲– آیهٔ اللَّه بهجت: گذشت استحباب جماعت در نماز طواف واجب، و همچنین می‌تواند اقتدا کند در طواف مستحب با طواف واجب امام ذخیره ۲،ص ۲۳۵ وص ۲۱۷.

آیهٔ اللَّه تبریزی، سیستانی: برای رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب اقتدا کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه مکارم: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

آیهٔ اللَّه خویی: جماعت در هیچ یک از نمازهای مستحبی بالاصاله مشروع نیست. و همچنین بنابر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهای یومیه و بالعکس جایز نیست اقتدا کند و نماز طواف به نماز طواف واجب مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: جماعت در نماز مستحبی مشروع نیست و اگر امکان داشت به نماز طواف واجب اقتدا کند و الّا به نماز یومیه به رجاء مطلوب واقع شدن. مناسک عربی،ص ۱۱۸.

۳– آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه مکارم: مشروعیّت جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

۴– آیهٔ اللَّه بهجت: اگر عسر و حرج نداردصبر کند و یا به جماعت بخواند، چنانکه در ذیل ۷۸۹ گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی،صافی: اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح نماید لازم است تا آخر وقتصبر کند. مناسک عربی، مسأله ۳۳۱.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت تأخیر بیندازد مگر این‌که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود و ملاک در ضیق وقت آن است که حتّی به مقدار واجب رکنی عرفه نرسد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: لازم استصبر کند مگر آن‌که عسر و حرج باشد.

نظر سایر آیات عظام در مسأله ۸۲۲ آمده است.

ص: ۱۹۸

مسامحه در یادگیری قرائت

۵۳۷ ۸۲۶- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی، در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز، مسامحه کند تا وقت تنگ شود، باید نماز را به هر نحو که می‌تواند، بخواند وصحیح است، ولی معصیت کار است؛ و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۸۲۲ عمل کند. (۱)

جواز عمره مستحبی با قرائت غلط

۵۳۸ ۸۲۷- انجام عمره مفرده مستحبی برای کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را نیز ندارد، مانعی ندارد. (۲)

تکرار ذکر در نماز طواف

۵۳۹ ۸۲۸- اگر نمازگزار را در حال ذکر حرکت دادند، اگر حرکت به گونه‌ای بوده که استقرار از بین رفته، تکرار ذکر مانع ندارد؛ و در غیر اینصورت، تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن‌که وسوسه نباشد.

حکم نیابت افراد با قرائت ناصحیح

۵۴۰ ۸۲۹- افرادی که قرائتشان درست نیست، و در حج نایب شده و محرم شده‌اند، (۳) درصورت امکان،

۱- آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می‌تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب درصورت مقصِّر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت بجا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد. مناسک، مسأله ۳۳۱.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگر چه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

۳- آیـهٔ اللّه بهجت: کسـی که قرائتش درست نبوده و یـا از جهـات دیگر معـذور بوده و بـدون توجّه به این عـذر به‌نیـابت از دیگری محرم شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتّع متوجه نقص کار خود شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل راصحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتشصحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود. مناسک س ۱۰۶.

ص: ۱۹۹

بایـد قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصـحیح نمایند تا از احرام خارج شوند؛ و اگر تصـحیح ممکن نیست و معذور هستند،(۱)احرام آنها (۲)صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند. (۳)

۳- نماز طواف مستحب

ترک نماز طواف مستحب

۵۴۱ ۸۳۱- خواندن نماز طواف مستحب ولو در حال اختیار، در هر جای مسجدالحرام، جایز است بلکه گفته‌اند می‌تواند آن را عمداً ترک (۴) کند.

نماز طواف استحبابی

۵۴۲ ۸۳۲- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است، به‌خصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

۵۴۳ ۸۳۳- آیا نماز طواف مستحب را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن خواند؟ (۵)

۱- آیـهٔ اللّه گلپایگانی: بنا بر احتیاط به قصـد منوب عنه اعمال را بجا آورد و لکنصـحّت عمره مـذکور برای منوب عنه محلّ اشـکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

۲- آیهٔ اللّه فاضل: در حج واجب.

۳- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احتیاط این است که حج را به نیّت نیابی تمام کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: احرامصحیح است و باید حج را به نیّت منوبٌ‌عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوبٌ‌عنه نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض مذکور اعمال آنهاصحیح است و از احرام خارج شده‌اند ولی کفایت از عمل واجب منوب‌عنه نمی‌کند.

آیـهٔ اللّه مکـارم: ولی می‌توانـد برای خودش حـج بجـا آورد، اگر وقت وسـعت دارد حـج تمتع وگرنه حـج افراد بجا آورد و چنانچه حَجّهٔالاسلام بجا نیاورده حج واجب او محسوب می‌شود ولی پول نیابت را باید برگرداند.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: مورد تأمّل است مناسک شیخ،ص ۴۷.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیهٔ اللّه سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیهٔ اللّه مکارم: ترک آن مشکل است.

۵- . به ذیل مسأله ۷۸۲ مراجعه شود.

ص: ۲۰۰

فصل سوم: مستحبات نماز طواف «۱»

(۱)

۸۳۴۵۴۴- در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید (۲)
حَتی یَنْتَهِی الْحَمْدُ إلی ما یُحِبُّ وَیَرْضی، أللَّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنّی وَطَهِّرْ قَلْبی وَزَکِّ عَمَلی».
و در روایت دیگر است:
«أللَّهُمَّ ارْحَمْنِی بِطاعَتی ایّاکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَصلی الله علیه و آله أللَّهُمَّ جَنِّبْنِی أنْ أ تَعَدّی حُدُودَکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلائِکَتَکَ وَعِبادَکَ الْصّالِحِینَ».
و در بعضی از روایات است که حضرتصادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین‌می‌گفت:
«سَجَدَ لَکَ وَجهِی تَعَبُّداً وَرِقّاً لا إلهَ إلّا أنْتَ حَقّاً حَقّاً الأوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیءٍ وَها أنَا ذا بَیْنَ یَدَیْکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ فاغْفِرْ لی إنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظیمَ غَیْرُکَ فَاغْفِرْ لِی فإنّی مُقِرٌّ بِذُنُوبی عَلی نَفْسی وَلا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ».
و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۱- آیةاللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد.

۲- آیةاللَّه بهجت، آیةاللَّه سیستانی: دعای اوّل و دوّم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود دارد.

ص: ۲۰۱

باب چهارم: سعی

اشاره

ص:۲۰۲

ص: ۲۰۳

فصل اول: وجوب، زمان، مکان و کیفیت سعی

۱- وجوب سعی و حکم ترک آن

اشاره

۵۴۵ ۸۳۵- سعی چهارمین عمل واجب در عمره مفرده است.

ترک سعی

۵۴۶ ۸۳۶- سعی- مثل طواف- رکن است، و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو، با طواف یکسان است. « (۱)

فراموشی سعی و انجام تقصیر

۵۴۷ ۸۳۷- اگر کسی سعی را فراموش کند و تقصیر نماید، از احرام خارج شده و باید هر وقت یادش آمد، سعی را بجا آورد. (۲)

آیا سعی استحبابی وجود دارد؟

۵۴۸ ۸۳۹- در فتوای فقها، استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به جای آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده‌اند، آیا از این مورد، می‌توان استحباب سعی را استفاده کرد؟ (۳)

۱- آیهٔ‌اللَّه‌بهجت: پس‌تارکِ آن عمداً، باطل است‌حج او، و باید پس از حج افراد در سال آینده حج نماید، تا رک آن سهواً رجوع می‌نماید برای سعی مع الامکان واستنابه می‌نماید مع التّعذر.

آیهٔ اللَّه مکارم: به مسأله ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ مناسک محشای حج مراجعه شود.

۲- آیهٔ اللَّه خویی: از احرام خارج نشده و تقصیر را اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند و یک گاو کفّاره بدهد.

۳- آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، نوری: سعی استحباب نفسی ندارد.

آیات عظام: تبریزی،صافی، فاضل: استحباب سعی، مگر نسبت به اتمام مورد مخصوص، ثابت نیست؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه مکارم: سعی مستحب نداریم و اگر سهواً چیزی اضافه کند، احتیاط آن است که تا هفت دور تکمیل ننماید و سعی اوصحیح است.

ص: ۲۰۴

۲- زمان سعی

اشاره

۸۴۰۵۴۹- سعی باید بعد از طواف و نماز آن، انجام شود؛ و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورده شود، باید بعد از طواف و نماز، اعاده شود.

جواز تأخیر سعی تا شب

۸۴۱ ۵۵۰- تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، جایز است؛ و نیز تأخیر آن بدون عذر تا شب، جایز است، گرچه احتیاط، در عدم تأخیر است.
۸۴۲- تأخیر سعی تا فردا بدون عذر- مثل مرض (۱)جایز نیست.

میزان تأخیر سعی

۸۴۳ ۵۵۱- کسی که بعدازظهر، طواف و نماز را بجا می‌آورد و سعی را شب انجام می‌دهد، اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود (۲)مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد، اگرچه اقوی کفایت است.

تأخیر سعی تا روز بعد

۸۴۴ ۵۵۲- کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، فقط باید سعی را اعاده کند؛ ولی اختیاراً نباید به تاخیر بیاندازد.(۳)

۱- آیهٔ اللّه تبریزی: تأخیر تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود.
آیهٔ اللّه خویی: اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید.
آیهٔ اللّه مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است.
۲- آیهٔ اللّه سیستانی: تأخیر عرفی اشکال ندارد و مبادرت لازم نیست ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگرعمداً و بدون عذر تا فردای آن روز تأخیر بیاندازد، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند.
آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهد سعی را تا شب می‌تواند به تأخیر بیاندازد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه کرده ولی اعمال اوصحیح است.
۳- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط طواف و نماز را اعاده نماید.
آیهٔ اللّه خویی: باید طواف و نماز را اعاده کند.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.

ص: ۲۰۵

تأخیر سعی برای فردا

۵۵۳ ۸۴۵- کسی که طواف و نماز طواف را انجام داده، آیا می‌تواند سعی را با فاصله زیاد انجام دهد، مثلًا روز دیگر و اگر طواف و نماز را شب انجام داده و بسیار خسته است آیا می‌تواند سعی را فردا بجا آورد؟ (۱)

تقدیم سعی بر طواف

۵۵۴ ۸۴۶- اگر از روی فراموشی یا جهل به حکم، سعی را بر طواف مقدم بدارد، بنابر اقوی (۲)باید سعی را اعاده کند.

۳- مکان سعی

اشاره

۵۵۵ ۸۴۷- واجب است رفتن و برگشتن، از راه متعارف باشد؛ پس سعی از راه غیر متعارف باطل است.

۱- آیـهٔ اللّه فاضـل: می‌توانـد درصورتی که طواف را در روز انجـام داده باشـد سـعی را تا شب تأخیر بینـدازد ولی تأخیر تا فردا تنها درصورت عذر جایز است.

آیـهٔ اللّه بهجت: جـایز است تـأخیر سـعی از طواف به جهت رفع خسـتگی و به جهت تخفیف حرارت هوا و جـایز نیست تأخیر آن تا فردا، و اقوی جواز تأخیر آن است تا شب آن روز، و احوط ترک آن است بدون عذر.

آیـهٔ اللّه تبریزی: احوط آنست که بدون ضـرورت، سـعی را از طواف و نماز به مقدار معتدّ به تأخیر نیندازد اگرچه اقوی جواز تأخیر آن تا شب است ولی در حال اختیار نمی‌شود سعی را تا فردا تأخیر انداخت.

آیـهٔ اللّه مکارم: تأخیر انـداختن تا شب برای استراحت و تخفیف گرما وماننـد آن جایز است ولی بـدون عذر نمی‌تواند تا فردا تأخیر بیندازد.

آیهٔ اللّه سیستانی: تأخیر سعی تا شب جایز است اما تأخیر آن تا فردای روز طواف، درصورت اختیار جایز نیست.

آیـهٔ اللّهصـافی: تـأخیر سـعی تا روز بعـد جایز نیست و اقوی جواز تأخیر تا شب است هر چنـد احتیاط، عـدم تأخیر است و درصورت تأخیر تا روز بعد معصیت کرده ولی سعی باطل نیست.

آیهٔ اللّه نوری: فاصله زیاد جایز نیست بلی برای رفع خستگی یا شدّت گرما می‌تواند تا شب تأخیر بیندازد.

۲- آیات عظام بهجت،صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب.

آیـهٔ اللّه تبریزی: اگر مقـدّم داشـتن سـعی از جهت فراموشـی طواف بوده باشـد، باز احوط این است که سـعی را پس از طواف اعاده نماید.

ص: ۲۰۶

سعی از مسعای جدید

۵۵۶ ۲/ ۸۴۷- آیا سعی از قسمت جدیدالاحداث مسعی در طبقه همکف، کفایت می کند؟(۱)

سعی از طبقه دوم

۵۵۷ ۸۴۸- سعی در طبقه فوقانی، اگر محرز نیست که بینصفا و مروه است، جایز نیست. (۲)

فرض مسدود بودن طبقه پایین مسعی

۵۵۸ ۲/ ۸۴۸- ۱- درصورتی که در طبقه پایین (به دلیل تعمیرات یا غیرآن) سعی امکان‌پذیر نباشد، مُحرم به احرام عمره مفرده چه وظیفه‌ای دارد؛ آیا سعی از طبقه بالاصحیح است؟

۲- آیا با علم به این مطلب می‌توان از ابتدا به احرام مفرده محرم شد؟

۳- درصورت عدم جواز، حکم رفتن به مکه در فرض ضرورت و غیر ضرورت چیست؟ (۳)

۱- . آیـۀاللَّه بهجت و آیـۀاللَّهصافی: اگر ثابت شود که عرض مسعای جدیـد، در بین کوهصـفا و مروه است، مانعی ندارد؛ وگرنه با رعایت اقرب به مسعای قدیم، مجزی است.

آیات عظام: خامنه‌ای، زنجانی، مکارم و نوری: سعی در مسعای جدید مجزی است.

آیۀاللَّه وحید خراسانی: اگر بین الجبلین ثابت شود، سعی در آنجا مجزی است و گرنه درصورت شک، بنابر احتیاط مجزی نیست.

آیۀاللَّه سیستانی: اگر به جهت شهادت اهل خبره اطمینان پیدا کنند که کوهصفا و مروه تا مسعای جدید امتداد داشته است، سعی در آنجا مجزی است.

۲- آیۀاللَّه بهجت: سعی از طبقه فوقانی مجزی است. استفتاء

آیۀ اللَّه خویی: اگر دو طرف آن ولو قبلًا کوهصفا و مروه بوده و فضای بدون کوه نبودصحیح است. آراء المراجع،ص ۳۰۰.

آیۀ اللَّه سیستانی: مجزی نیست.

آیۀ اللَّه مکارم: سعی در طبقه فوقانی در حال ازدحام و مشقت طواف در طبقه پایین مجزی است.

۳- آیۀ اللَّه بهجت: سعی از طبقه دوم مطلقا جایز است.

آیۀ الله فاضل: ۱- باید از طبقه بالا سعی کند و عمل اوصحیح است.

۲- مانعی ندارد.

۳- در حال اختیار هم می‌توان محرم شد.

آیۀ اللَّه سیستانی: اگر طبقه دوم بالاتر از یکی از دو کوهصـفا و مروه باشد سـعی از آنصحیح نیست و محرم به عمره مفرده تا هنگام رفع مانع از سـعی در مسعی بر احرامش باقی می‌ماند، مگر آنکه عرفاً مصدود محسوب شود که در اینصورت حکم مصدود در عمره

مفرده بر او جاری است.

۳- می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و وارد مکه شود ولی تا انجام سعی بر احرام باقی می‌ماند مگر درصورت یاد شده.

آیهٔ اللَّه مکارم: در هر سه فرض، اشکالی ندارد.

ص: ۲۰۷

۵۵۹ ۸۴۹- اگر فرضاً طبقه زیرزمینی احداث شد و کوه‌صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد، علی الظاهرصحیح است، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است. (۱)

۵۶۰ ۸۵۰- سعی از هر دو طرف مسعی کفایت می‌کند، یعنی می‌تواند از همان راهی که به مروه رفته به‌صفا بازگردد ولی نباید مزاحم دیگران شود.

عدم لزوم بالا رفتن بر صفا و مروه

۵۶۱ ۸۵۱- احتیاط آن است (۲)که از جزء اول‌صفا، سعی را آغاز کند؛ و درصورتی که ازصفا به نحو متعارف سعی را آغاز و بین دو کوه سعی کند، کفایت می‌کند و بالا رفتن بر کوه، لازم نیست.

۵۶۲ /۲ ۸۵۱- آیا سعی را می شود از دامنه کوه‌صفا که روی آن را با سنگ فرش کرده‌اند شروع و در دامنه مروه که روی آن را با سنگ فرش نموده‌اند خاتمه داد؟ (۳)

حکم شروع از مروه

۵۶۳ ۸۵۲- سعی باید ازصفا شروع و در دور هفتم، به مروه ختم شود؛ و اگر کسی از مروه شروع کند، هر وقت فهمید، (۴)باید اعاده کند؛ و اگر در بین سعی بفهمد، باید از سر بگیرد و ازصفا شروع کند.

۱- آیةَ اللَّه بهجت: درصورتی که احراز شود که سعی بین‌صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.

۲- آیةَ اللَّه بهجت: واجب است.

آیةَ اللَّه خویی: لازم و واجب است که ابتدا کند از اول جزءصفا.

آیةَ اللَّه سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی این‌که شوط اوّل را- مثلًا- از اوّلین جزء پایین کوه‌صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اوّلین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوطها را انجام دهد. مناسک، مسأله ۳۳۵.

آیةَ اللَّه مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه‌صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است.

۳- آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم: مانعی ندارد و ابتداء از اوّل جزءصفا و مروه کافی است.

آیةَ اللَّه خامنه‌ای: اگر اطمینان دارد که ابتدای کوه‌صفا وابتدای کوه مروه است مانع ندارد.

۴- آیةَ اللَّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند.

ص: ۲۰۸

۵۶۴ ۸۵۳- اگر کسی سعی را از مروه شروع و بهصفا ختم کند و بعد بفهمد، باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند. (۱)

عدم کفایت استنابه در سعی برای حائض

۵۶۵ ۸۵۵- مسعی مسجد نیست و حایض باید خودش سعی نماید؛ حتی اگر برای طواف نایب گرفته باشد، باید با مراعات ترتیبِ بین طواف و سعی، خودش سعی به جا آورد.

عدم جواز عبور حائض و نفسا از مسجدالحرام

۵۶۶ ۸۵۶- حایض و نفساء اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری غیر از خود مسجدالحرام برای سعی بروند، (۲)باید سعی را تأخیر بیندازند؛ و اگر آن هم ممکن نیست، نوبت به نیابت می‌رسد؛ و بر فرض عبور، سعیشانصحیح است هرچند گناه کرده‌اند.

۴- کیفیت و شرایط سعی

اخلاص در سعی

۵۶۷ ۸۵۷- سعی از عبادات است، و باید با نیت خالص، برای اطاعت از فرمان خدای تعالی انجام شود. (۳)

حکم موالات در سعی

۵۶۸ ۸۵۸- در سعی، موالات معتبر نیست مگر در شوط اول که اگر تمام نشده باشد و موالات فوت شود، احتیاطاً از سر گرفته شود. (۴)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و تقصیر نماید اگر چه قبلًا تقصیر کرده باشد تا از احرام، خارج شود.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر با اعتقاد بهصحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر اینصورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیهٔ اللّه مکارم: این حکم در مسأله ۸۵۱ آمده است.

۲- آیهٔاللّه مکارم: یعنی از این راه خودش را بهصفا برساند؛ و از آنجا سعی را در مسیر معمولی، شروع کند.

۳- آیهٔ اللّه سیستانی: به حاشیه مسأله ۵۶۸ مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّه بهجت: دلیلی بر اعتبار موالات در سعی در غیر شوط اوّل نیست، پرسشهای جدید حج، س ۸۹.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احوط اعتبار موالات عرفیه بین اشواط سعی است.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب موالات عرفیه لازم است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: موالات در سعی معتبر نیست. آداب و احکام حج،ص ۲۷۴ و قسمت آخر مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط واجب آن است که در غیر موارد استثنا شده موالات عرفیه رعایت شود.

ص: ۲۰۹

توجه به صفا و مروه

۵۶۹ ۸۵۹- متوجه بودن به سمت مروه وصفا هنگام حرکت به سمت هر کدام، واجب است و این وجوب وضعی است؛ (۱) پس اگر عقب عقب حرکت کند یا پهلو را به طرفصفا یا مروه کند و برود، باطل است.

نگاه به چپ و راست و پشت سر

۵۷۰ نگاه کردن به چپ و راست، بلکه گاهی به پشت سر، هنگام سعی اشکال ندارد.(۲)

حرکت به عقب در حال سعی

۵۷۱ ۸۶۰- اگر شخصی مقداری از سعی را عقب عقب طی کرده، باید آن مقدار را تدارک کند؛ و اگر از آن محل گذشته، سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. (۳)

رفتن به جانب مسعی در اثنای سعی

۵۷۲ ۸۶۱- کسی که در اثنای سعی- مثلًا برای آب خوردن- بدون روی برگرداندن ازصفا یا مروه، به کناره مسعی رفته و در حرکتْ نیت سعی داشته، یا اگر سعی راقطع کرده، از جایی که قطع شده یا مُحاذی آن، سعی را ادامه داده، عمل اوصحیح است.

حکم خود صفا و مروه از جهت نحوه حرکت

۵۷۳ ۸۶۲- بر رویصفا و مروه، به چپ و راست منحرف شدن و یا حتی به عقب بازگشتن، مانعی ندارد.

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی نگاه کردن به اطراف و حتی به پشت سر مانعی ندارد.

۲- آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: درصورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن بهصفا رو بهصفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد. آداب‌واحکام حج،ص ۲۶۴

آیهٔ اللَّه مکارم: مثلًا اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد.

۳- آیات عظام گلپایگانی،صافی، مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

ص: ۲۱۰

کفایت سعی سواره حتی بدون عذر

۵۷۴ ۸۶۳- سعی سواره و بر روی محمل و چرخ، مطلقاً و لو در حال اختیار، جایز است،(۱)ولی راه رفتن افضل است.

حکم احتیاج به چرخ با نداشتن پول

۵۷۵ ۸۶۴- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ، سعی کند ولی تمکن مالی ندارد، اگر می‌تواند ولو با فروش چیزی یا قرض، خودش با چرخ سعی کند، استنابهصحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

استراحت در صفا و مروه و اثنای سعی

۵۷۶ ۸۶۵- نشستن یا خوابیدن برصفا یامروه به جهت استراحت و رفع خستگی، جایز است؛ و همین طور نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی جایز است، و بنابر اقوی، لازم نیست عذری داشته باشد. « (۲)

عدم لزوم طهارت و ستر عورت در سعی

۵۷۷ ۸۶۶- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی (۳)معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

عدم اعتبار ستر در سعی

۵۷۸ ۸۶۷- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفّین پیدا باشد، بهصحت سعی ضرر نمی‌زند.

۱- آیهٔ اللّه فاضل: لکن در حال اختیار باید خودش آن وسیله را راه ببرد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن برصفا یا مروه تا استراحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در مابینصفا و مروه بدون عذر.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد مناسک، مسأله ۳۴۰.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.

۳- آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّهصافی: متعرض ستر عورت نشده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: ستر عورت احتیاط واجب است.

آیهٔ اللّه نوری: با عدم وجود ناظر محترم معتبر نیست.

ص: ۲۱۱

فصل دوم: عدد دورهای سعی

اشاره

۵۷۹ ۸۷۱- سـعی بینصـفا و مروه، باید هفت مرتبه باشد؛ و به هر مرتبه، «شوط» می‌گویند؛ رفتن ازصـفا به مروه، یک شوط و از مروه بهصفا نیز، یک شوط است.

۱- زیاد کردن در دورهای سعی

زیاد کردن عمدی

۵۸۰ ۸۷۲- زیاد کردن در سعی از روی عمد- به تفصیلی که در طواف گذشت- موجب باطل شدن آن است.

زیاد کردن سهوی

۵۸۱ ۸۷۳- زیـاد کردن در سـعی از روی فراموشـی چه کمتر از یـک شوط یـا بیشتر، بهصـحت آن ضـرر نمی‌زنـد و بعیـد نیست که رساندن آن به هفت شوط، جایز باشد (۱)هرچند رها کردن زائد بهتر است.

زیادی جهلی در سعی

۵۸۲ ۸۷۴- زیادی در سعی جهلًا، محل اشکال است. (۲)

۵۸۳ ۸۷۵- اگر شخصـی جهلًـا به اشواط سـعی اضـافه نمایـد و رفت و برگشت را یک شوط حساب نمایـد، سـعی او اشـکال دارد و احوط اعاده سعی است هرچند تقصیر هم نموده باشد. (۳)

کسی که رفت و برگشت را یکی حساب کرده

۵۸۴ ۸۷۶- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بینصفا و مروه سعی کند و با همین نیت ازصفا شروع

۱- آیات عظام: بهجت، خویی، سیستانی: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیسـتانی،صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم زیادی سـهوی را دارد و سعی اوصحیح است.

آیهٔ اللّه فاضل: محل اشکال است و احتیاطاً اعاده کند.

۳- مراجعه شود به مسأله قبل.

ص: ۲۱۲

کرده، ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی(۱)را اعاده کند، اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

۵۸۵ ۸۷۷- اگر شخصی به اعتقاد این‌که هر شوط سعی، مجموع رفت و برگشت ازصفا به مروه است، سعی را شروع کند ولی در اثنا متوجه مسأله شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه دهد، سعی اوصحیح است.

تکرار جزیی از سعی به گمان وجوب هروله

۵۸۶ ۸۷۸- اگر کسی در حال سعی، بعد از گذشتن از مکان هروله، به گمان این که هروله لازم است، باز گردد و آن مقدار را با هروله، تکرار نماید، سعی او اشکال دارد. (۲)

تکرار مقداری از سعی

۵۸۷ ۸۷۹- اگر شخصی- مثلًا به جهت کنترل همراهان خود- در حین سعی، گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه، مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، سعی او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند. (۳)

۲- کم کردن از اشواط سعی

کم کردن سهوی

۵۸۸ ۸۸۰- اگر کسی مقداری از سعی را سهواً کم کند، (۴) واجب است آن را هر وقت یادش آمد (۵)اتمام

۱- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ الله خامنه ای: سعیصحیح است پرسشهای جدید حج، س ۷۸.

آیهٔ الله سیستانی: اگر جاهل« قاصر» بوده سعیشصحیح است؛ و اگر« مقصر» بوده،صحتش اشکال دارد.

آیهٔ الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲- آیات عظام بهجت، خویی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ الله تبریزی: اگر به قصد انجام وظیفه واقعیه باشد، اشکالی ندارد.

آیهٔ الله خامنه ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگر چه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است.

آیهٔ الله سیستانی:صحت سعیش اشکال دارد مگر آن که جاهل قاصر باشد.

۳- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ الله خویی: اشکال ندارد.

آیهٔ الله سیستانی: مگر این که جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیهٔ الله مکارم: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

۴- آیهٔ اللّه خویی: به حاشیه مسأله بعدی مراجعه شود.

آیـهٔ الله فاضـل: چنـانچه قبـل از اتمام کردن شوط چهار باشـد بنابر احتیاط واجب سـعی را از سـر بگیرد ولی اگر شوط چهار را تمام کرده است می تواند آن را تمام کند یا ا ز سر بگیرد.

۵- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: چه یک شوط فراموش کرده باشـد یا بیشتر، بنابر اقوی و اگر پس از گذشـتن زمان سـعی یادش بیاید؛ مثلًا در عرفـات یادش بیایـد سـعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی‌حجه به یاد آورد سـعی حجش ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سـپس سـعی را از سـر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشـقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل.

ص: ۲۱۳

کند؛ و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند؛ و گر نه باید نایب بگیرد.

تدارک سعی ناقص

۵۸۹ ۸۸۱- اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد، (۱) احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد؛ و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر، بقیه را فراموش کرد، جایز است از همانجا سعی را تمام کند، ولی احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد. (۲)

انکشاف نقصان سعی بعد از تقصیر

۵۹۰ ۸۸۳- اگر با اعتقاد اتمام سعی، تقصیر کند و بعد از آن متوجه شود که مثلًا پنج شوط بوده، باید سعی را اتمام و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست. (۳)

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: درصورتی که پس از فوت موالات باشد.

۲- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعد از فراغت اعمال حج باشد، تدارک نماید و درصورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل بجا آورد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و می‌تواند یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همین‌طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: و تقصیر را هم اعاده می‌نماید.

آیات عظام تبریزی،صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللَّه خویی: و تقصیر را باید اعاده نماید و اگر در عمره تمتع بوده یک گاو کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط واجب است و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود باشد و در عمره تمتّع باشد احتیاطاً باید یک گاو کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر در عمره تمتع بوده احتیاطاً تقصیر را اعاده کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو کفّاره بدهد.

ص: ۲۱۴

۵۹۱ ۸۸۴- با تمام کردن سعی در عمره، چیزی از محرّمات احرام، حلال نمی‌شود، ولی در حج، بعد از سعی، بوی خوش حلال می‌شود.

حصول مرض در اثنای سعی و مراجعت به وطن

۵۹۲ ۸۸۶- اگر شخصی مثلا در شوط پنجم سعی در عمره مفرده، مریض شود و نتواند عمره را تمام کند و به وطن باز گردد، اگر خودش نمی‌تواند مراجعت کند، باید نایب بگیرد تا برای خروج وی از احرام، سعی را تمام (۱)کند و آن را اعاده نماید و به او خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر، طواف نساء را نیز به نیابت او انجام دهد (۲)و این فرض از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلًا خوب شده و این‌که نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۳- قطع سعی و از سرگیری آن

قطع سعی بعد از شوط اول و تکرار آن

۵۹۳ ۸۸۷- اگر شخصی- مثلًابه تصور این‌که سعی نیاز به وضو دارد- سعی خود را قطع کند و هفت شوط دیگر سعی نماید، سعی او اشکال دارد(۳) و باید آن را اعاده کند. (۴)

به هم زدن سعی و شروع مجدّد

۵۹۴ ۸۸۸- اگر شخصی سعی را قطع نموده و هفت شوط دیگر به جا آورده و تقصیر نماید، سعی او اشکال دارد (۵)و باید آن را اعاده کند. (۶)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند ....

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: اعاده کافی است.

۲- آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

۳- - آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی: با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن سعی، مجزی است. مراجعه شود به مسأله ۸۷۳.

۴- مراجعه شود به مسأله بعد.

۵- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

۶- آیهٔ اللَّه تبریزی: بعید نیست آن سعی که استیناف کردهصحیح باشد، گرچه احوط اعاده سعی است.

آیهٔ اللَّه خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد. المسائل الشرعیه، مسأله ۳۴۸.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشدصحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آن‌که جاهل قاصر باشد که در اینصورت نیزصحیح است.

آیهٔ اللّٰهصافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی:صحّت آن بعید نیست.

ص: ۲۱۵

۴- احکام شک در اشواط و صحت سعی

اشاره

۵۹۵ ۸۸۹- اگر بعـد از تقصـیر، در عـدد اشواط شک کند، اعتنا نکند؛ (۱) و اگر بعـد از فراغ از عمل و انصـراف، شک کنـد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک، خالی از اشکال نیست، (۲)احتیاط آن است که نقص محتمل را اتمام کنـد، خصوصاً اگر منشاء شک، خروج عمدی برای حاجتی با تصمیم بر عود و اتمام باشد، که در اینصورت، وجوب اتمام بعید نیست؛ « (۳)

شک در صحت اشواط

۵۹۶ ۸۹۰- اگر بعد از فارغ شدن از سـعی یا هر دوری، درصـحت آن شک کند، اعتنا نکند و سعیشصحیح است؛ و همینطور اگر در بین رفت و آمد، شک درصحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

صحت ادامه سعی با تردید و حصول یقین

۵۹۷ ۸۹۱- اگر شخصی در حال سعی، در عدد اشواط شک کند و با حال تردید، به سعی خود ادامه دهد،

۱- آیهٔ اللّه فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک‌در زیاده کند.

۲- آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: اعتنا به شک نکند و عملشصحیح است.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اظهراین‌است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهـد، بنابرصـحت بگـذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهـد درصورتی که شک او قبل از بهم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. مناسک،ص ۲۵۹.

آیـهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر بعد از منصـرف شدن از سـعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیشصـحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهـد که کمتر از هفت مرتبه سـعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سـعی کند. مناسک فارسـی مساله ۱۲۴.

۳- آیهٔ اللّه مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده، به این شک اعتنا نکند.

ص: ۲۱۶

سپس به عدد، یقین حاصل نماید و سعی را به پایان برساند، سعی اوصحیح است. (۱)

شک در نقیصه

۵۹۸ ۸۹۲- اگر در مروه شـک کنـد که هفت دفعه رفت و آمـد کرده یا زیادتر؛ مثل این‌که بین هفت و نُه شک کنـد، اعتنا نکنـد؛ و اگر قبل از رسیدن به مروه، شک در هفت و کمتر نمایـد، ظاهراً سـعی او باطل است و همچنین است هر شـکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد.

شک بین ۷ و ۹ قبل از مروه

۵۹۹ ۸۹۳- قبل از رسیدن به مروه، شک بین هفت و نه، مبطل سعی است.

شک در بجا آوردن اصل سعی

۶۰۰ ۸۹۴- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعـد شک کنـد که سـعی کرده است یا نه، بناگذاری بر آوردن، (۲)بعید نیست، گرچه احتیاط در آوردن (۳) است، مگر آن‌که بعد از تقصیر شک کند، که در اینصورت لازم نیست سعی کند.

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: با شک در عدد اشواط سعی باطل می‌شود و باید سعی را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه خویی: وظیفه‌اش تجدید و از سر گرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آنصحیح و مجزی نبوده، لذا احتیاط اعاده سعی است. آراء المراجع، چاپ سوم،ص ۳۰۲.

آیات عظامصافی، گلپایگانی، مکارم: درصورتی که به رجاء کشف حال ادامه داده باشد. مجمع المسائل ۱/ ۴۸۸.

آیهٔ اللَّه فاضل: در فرض مذکورصحّت سعی محلّ اشکال است واحتیاط واجب در اعاده است.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: شک بعد از وقت است.

آیهٔ اللَّه خویی: فتوای ایشان در این مسأله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان سعی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در اینصورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در اینصورت وجهی برای بناگذاری بر این‌که آورده شده نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

ص: ۲۱۷

فصل سوم: مستحبات سعی «۱»

(۱)

۸۹۵۶۰۱- مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، نزد چاه زمزم رفته، از آب آن بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«أللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْم».

پس از آن، به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سویصفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بالایصفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللّهُ أكْبَرُ» هفت مرتبه.

«ألحَمدُ للّهِ» هفت مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللّهُ» هفت مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ» سه مرتبه.

پسصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللّهُ أكْبَرُ عَلى ما هَدانا وَالْحَمْدُ للّهِ عَلى ما أبْلانا وَالْحَمْدُ للّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ للّهِ الْحَيِّ الدّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

۱- آیهٔ اللّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمانهای گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملًا ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیّت او پاداش می‌دهد.

ص: ۲۱۸

«أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللَّهُ وَأشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا نَعْبُدُ إلّاإيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِيَةَ وَالْيَقينَ فی الدُّنْيا وَالآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید (۱)

«أللَّهُمَّ آتِنا فی الدُّنْيا حَسَنَةً وَفی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أكْبَرُ»صد مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللَّه»صد مرتبه.

«أ لْحَمْدُ للَّهِ»صد مرتبه.

«سُبحانَ اللَّهِ»صد مرتبه.

پس بگوید:

«لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أ نْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصِرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الأحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، أللَّهُمَّ بارِکْ لِی فی الْمَوْتِ وَفِيما بَعْدَ الْمَوْتِ، أللَّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ أللَّهُمَّ أظِلَّنی فی ظِلِّ عَرْشِکَ يَوْمَ لا ظِلَّ إلّاظِلُّکَ».

و بسيار تكرار كند سپردن دين و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمنَ الرَّحِيمَ الَّذی لا تَضِيعُ وَدائِعُهُ دِينی وَنَفْسی وَأهْلی، أللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنی عَلی كِتابِکَ وَسُنَّةِ نَبِيِّکَ وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ وَأعِذْنی مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک‌بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

۱- - آیة اللَّه خویی: این دعا و همچنین بعضی از دعاهای آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست.

ص: ۲۱۹

«أللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ قَطُّ فَانْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَانَّکَ أنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ، أللَّهُمَّ افْعَلْ بی ما أ نْتَ أهْلُهُ فَانَّکَ انْ تَفْعَلْ بِی ما أنْتَ أهْلُهُ تَرْحَمْنی وَإنْ تُعَذِّبْنی فَأَنْتَ غَنیٌّ عَنْ عَذابی وَأ نَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِکَ. فَیا مَنْ أ نَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنی، أللَّهُمَّ لا تَفْعَلْ بی ما أ نَا أهْلُهُ، فَانَّکَ إنْ تَفْعَلْ بی ما أنا أهْلُهُ تُعَذِّبْنی وَلَمْ تَظْلِمْنی أصْبَحْتُ أتَّقی عَدْلَکَ وَلا أخافُ جَوْرَکَ فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا یَجُورُ ارْحَمْنی».

پس بگوید:

«یا مَنْ لا یَخیبُ سائِلُهُ وَلا یَنْفَدُ نائِلُهُصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأجِرْنی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

و در حدیث شریف وارد شده است: هرکس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن برصفا را طول دهد و هنگامی که ازصفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«أَللَّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضِیقِهِ وَضَنْکِهِ، أللَّهُمَّ أظِلَّنی فی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ إلّاظِلُّکَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«یا رَبَّ الْعَفْوِ یا مَنْ أمَرَ بِالْعَفْوِ یا مَنْ هُوَ أوْلی بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُثِیبُ عَلَیَ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، یا جَوادُ یا کَریمُ یا قَریبُ یا بَعیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید؛ و ازصفا تا به مناره میانه، راه رود؛ و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است، مانند شتر تند رود؛ و اگر سوار باشد این حدّ را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أکْبَرُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَیْتِهِ، أَللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ إنَّکَ أنْتَ الأعَزُّ الأجَلُّ الأکْرَمُ، وَاهْدِنی لِلَّتی هِیَ أقْوَمُ، اللَّهُمَّ إنَّ عَمَلی ضَعیفٌ،

ص: ۲۲۰

فَضاعِفْهُ لی وَتَقَبَّلْهُ مِنّی، أللَّهُمَّ لَکَ سَعْیی، وَبِکَ حَوْلی وَقُوَّتی تَقَبَّلْ مِنّی عَمَلی یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقینَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْماءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لی ذُنُوبی، انَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الّا أ نْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که درصفا بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«أللَّهُمَّ یا مَنْ أمَرَ بِالْعَفْوِ یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ یا مَنْ یُعْطی عَلَی الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی کُلِّ حالٍ وَصِدْقِ النِّیَّةِ فی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

ص: ۲۲۱

باب پنجم و حلق

اشاره

ص:۲۲۲

ص: ۲۲۳

فصل اول: کیفیت و شرایط تقصیر

اشاره

۶۰۲ ۸۹۶- عمره گزار- چه مرد و چه زن- بعد از سعی، برای خروج از احرام تقصیر می‌کند، و برای مردان جایز، بلکه افضل است که حلق کنند، تقصیر به این حاصل می‌شود که قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را، بزنند؛ و بهتر بلکه موافق احتیاط، عدم اکتفا به چیدن ناخن (۱) است.

۶۰۳ ۸۹۷- میزان در تقصیر، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای که باشد، و کندن کافی نیست.

نیّت حلق و تقصیر

۶۰۴ ۹۰۱- حلق و تقصیر از عبادات است و باید با نیت پاک و خالص، برای اطاعت خداوند تبارک و تعالی به‌جا آورده شود و غیر از آن قصدی در بین نباشد.

آنچه با تقصیر و حلق حلال می‌شود

۶۰۵ ۹۰۳- بعد از تقصیر یا حلق در عمره مفرده، همه محرّمات احرام غیر از مسایل زناشویی، حلال می‌شود.

تقصیر برای دیگری

۶۰۶ ۹۰۵- آیا محرم قبل از آن که خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود می‌تواند، برای دیگری تقصیر کند؟ (۲)

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: این قید را ندارند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

۲- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: این کار عمداً جایز نیست و اگر جهلًا این کار را کرد تقصیر برای شخص تقصیر شده کافی است و بر تقصیر کننده کفّاره نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: نمی‌تواند.

آیهٔ اللَّه بهجت: محرم می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد، ولی نمی‌تواند ازاله موی او نماید هر چند تقصیرصحیح است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: نمی‌تواند موی شخص دیگر را بچیند ولی گرفتن ناخن شخص دیگر مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: جایز نیست موی دیگری را بچیند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای محرم جایز نیست که موی خود یا دیگری را از بدن جدا نماید ولی بعید نیست که ناخن دیگری را گرفتن برای محرم جایز باشد هرچند احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللَّهصافی: جایز نیست.

آیهٔ اللّٰه نوری: می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد ولی نمی‌تواند موی دیگری را حلق یا تقصیر کند.

ص: ۲۲۴

حکم ایمان در تقصیر برای دیگری

۹۰۶۰۷- درصحت تقصیر برای دیگری، ایمان شرط نیست.

ص: ۲۲۵

فصل دوم: احکام شک و خلل در تقصیر

تقصیر با طواف و سعی باطل

۶۰۸ ۹۱۰- اگر کسی طواف، یا سعی، یا نماز طواف او در عمره، باطل شده باشد و بدون توجه به آن، تقصیر نموده و بعد متوجه بطلان عمل مزبور شده، باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده (۱) و کفّاره ندارد. (۲)

ترک تقصیر در عمره مفرده

۶۰۹ ۹۱۱- اگر تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان، در عمره مفرده ترک نماید و طواف نساء را انجام دهد، باید تقصیر کند و طواف نساء را اعاده نماید؛ (۳) و بنابر احتیاط، (۴) فرقی بین عمد و سهو و علم و جهل نیست.

اتیان تقصیر فراموش شده

۶۱۰ ۹۱۲- اگر تقصیر عمره مفرده را تا بازگشت به وطن، فراموش کند، همان جا می‌تواند تقصیر کند، ولی باید طواف نساء (۵)را اعاده کند؛ و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

۱- آیةاللّهصافی، آیة اللّه گلپایگانی: در مورد بطلان طواف و سعی از احرام خارج نشده است. آداب و احکام حج، مسأله ۵۵۸.

۲- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

آیة اللّه سیستانی: اگر طواف یا سعی باطل بوده است، باید عمل را با رعایت ترتیب جبران کند و تقصیر نماید و از تروک احرام قبل از آن اجتناب کند و پوشیدن لباس چون عمدی نبوده است کفّاره ندارد و اگر فقط نماز طواف باطل بوده است فقط آن را انجام دهد و لازم نیست لباس احرام بپوشد.

۳- آیة اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۴- مسأله بعد ملاحظه شود.

۵- آیة اللّه بهجت: اکنون که قبل از تقصیر متذکّر شده است، تقصیر می‌کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می‌نماید، بنابر احوط و مقدّم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده درصورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است مناسک شیخ، س ۱۱۸ و ۱۶۶.

آیة اللّه تبریزی: احتیاط واجب درصورت امکان تقصیر در مکه است.

آیة اللّه سیستانی، آیة اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

ص: ۲۲۶

تقصیر در اثنای سعی

۶۱۱ ۹۱۳- اگر کسی در اثنای سعی، عمداً تقصیر نماید، باید سعی را تمام نماید و تقصیر را اعاده کند؛ ولی اگر این کار از روی نسیان یا جهل باشد، اعاده تقصیر لازم نیست؛ (۱) و اگر از اولِ سعی، قصد هفت شوط نداشته است، باید سعی را اعاده کند. (۲)

حکم تقصیر بعد از نماز طواف

۶۱۲ ۹۱۴- اگر شخصی جهلًا یا سهواً بعد از طواف و نماز طواف، تقصیر کند و سعی را بجاآورد و دوباره تقصیر نماید، چیزی بر او نیست. (۳)

شک در صحت تقصیر

۶۱۳ ۹۱۵- اگر کسی بعد از تقصیر، درصحت آن شک کند، اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، به شک خود اعتنا نکند. (۴)

۱- آیة اللّه بهجت: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند. و در مورد کفّاره به آنچه در ذیل مسأله ۸۹۵ ذکر شدمراجعه شود.

آیة اللّه خویی: تقصیر را اعاده کند و اگر به اعتقاد فراغ از سعی بوده، در عمره تمتع باید یک گاو کفّاره بدهد.

آیة اللّهصافی، آیة اللّه گلپایگانی: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند

۲- آیة اللّه فاضل: اگر عمداً تقصیر نموده، باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده نماید، ولی از روی جهل و نسیان، احوط اعاده تقصیر است.

آیة اللّه تبریزی: درصورت نسیان و جهل نیز، باید تقصیر را اعاده کند.

آیة اللّه سیستانی: اعاده تقصیر در هرصورت لازم است و اگر تقصیر از روی فراموشی بقیه اشواط سعی باشد باید به احتیاط واجب تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفّاره بدهد.

آیة اللّه مکارم: احتیاط اعاده تقصیر است و در هر حال کفّاره ندارد.

۳- آیة اللّه سیستانی: اگر در عمره تمتع سعی را فراموش کند و پس از نماز طواف تقصیر کند، بنابر احتیاط یک گاو کفّاره بدهد و در غیر اینصورت چیزی بر او نیست.

۴- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: درصورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند.

آیة اللّه سیستانی: به هر حال اشکال ندارد.

ص: ۲۲۷

پیدا بودن مو هنگام تقصیر بانوان

۶۱۴ ۹۱۶- گاهی مشاهده می‌شود بانوان در عمره، پس از سعی، بر مروه، برای تقصیر، موی خود را می‌چینند، و بدین سبب موهای آنها ظاهر می‌شود و نامحرم می‌بینند، حکم آن چیست؟ (۱)

حکم کفّاره با بطلان تقصیر

۹۱۷۶۱۵- اگر کسی بعد از تقصیرِ باطل، محرّمات احرام را با جهل بجا آورد، کفّاره ندارد مگر درصید. « به مسأله ۳۳۵ مراجعه شود.

(۲)

۱- آیات عظام: بهصحت تقصیر ضرر نمی‌زند هر چند گناه کرده است.

۲- به مسأله ۳۳۵ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: بطلان از جهت جهل به حکم نباشد کفّاره ندارد. مستفاد از س ۸۵ مناسک.

ص:۲۲۸

ص: ۲۲۹

باب ششم و هفتم: طواف نساء و نماز آن

اشاره

ص:۲۳۰

ص: ۲۳۱

۱- وجوب طواف نساء

اشاره

۶۱۶ ۱۲۰۱- طواف نساء در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا حلق انجام شود. (۱)

حرمت نساء قبل از طواف نساء

۶۱۷ ۱۱۸۷- طواف نساء به مرد اختصاص نـدارد؛ بلکه بر زن و خنثی و خصـیّ و بچه ممیز نیز، لازم است؛ و اگر زن نیز آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه اگر ولیّ طفل غیر ممیز، او را محرم کرد، باید- بنابر احتیاط واجب (۲) او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.(۳)

طواف نساء رکن نیست

۶۱۸ ۱۱۸۸- طواف نساء و نماز آن، اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، ولی ترک

۱- آیـةاللَّه‌بهجت: در عمره مفرده، تقـدیم طواف نسـاء بر تقصـیر، درصورت ضـرورت یـا نسـیان یا جهل، مجزی است. مناسک، س ۱۶۶.

۲- آیة اللَّه‌صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: واجب است ...

۳- آیة اللَّه تبریزی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولکن بنابر احتیاط استمتاعات جایز نمی‌شود، گرچه اظهر اختصاص حرمت به جماع است.

آیة اللَّه خویی: حکمصبیّ ممیز، مانند حکم مرد است. مسـتفاد از المسائل الشـرعیه، ج ۱،ص ۳۴۳ ولی راجع بهصـبی غیر ممیز که او را به حج می‌برند فتوای ایشان در دست نیست.

آیة اللَّه سیستانی: همانگونه که گذشت، با حلق یا تقصیر، عقد حلال می‌شود و اما حلیّت استمتاع درصبیّ هم متوقّف است بر طواف نساء، پس اگر بالغ شد و هنوز طواف نساء نکرده، نمی‌تواند از همسرش استمتاع ببرد.

آیةاللَّه فاضل: مجنون را نیز اگر مُحْرِم کرده‌اند، طواف نساء بدهند تا درصورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیـة اللَّه گلپایگـانی: متعرض خصـیّ و خنـثی نشده‌انـد ولیکـن در مـورد مجنـونی که ولیّش او را محرم کرده، طـواف نسـاء را لاـزم می‌دانند.

ص: ۲۳۲

عمدی آن، ضرر بهصحت سایر اعمال عمره مفرده نمی‌زند، بلکه بر عمره گزار، انجام آن واجب است؛ « (۱) و اگر بجا نیاورد، زن و آنچه مربوط به آن است- مثل عقد و خِطبه و شاهد شدن (۲) بنابر احتیاط واجب، حلال نمی‌شود.

۶۱۹ ۱۱۸۹- پیش از بجا آوردن طواف نساء، باید از مطلق تلذّذِ زناشویی اجتناب شود. (۳)

عمره تمتع و طواف نساء

۶۲۰ ۱۱۹۰- در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست؛ و اگر بخواهد احتیاط کند، طواف و نماز آن را رجاءً »(۴) بجا آورد.

نیت نایب در طواف نساء

۶۲۱ ۱۱۹۱- احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافی‌الذمه کند، گرچه می‌تواند به نیت منوبٌ‌عنه انجام دهد. (۵)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: با مباشرت خودش با امکان و با استنابه با عدم امکان مباشرت علی الأحوط مناسکشیخ،ص ۸۱.

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: تـا آن را بجـا نیـاورد زن بر او حلاـل نمی‌شـود حتّی عقـد کردن و شـهادت دادن بر آن علی الأـحوط مناسک شیخ،ص ۸۱.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنابر احتیاط، اگرچه اظهر جواز غیر از جماع است.

آیهٔ اللّه سیستانی: پس از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنابر اقوی جایز است زن عقد کند و شاهد عقد باشد.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و به احتیاط واجب ادای شهادت هم ننماید.

۳- آیهٔ اللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

به دو مسأله قبل مراجعه شود.

۴- آیهٔ اللّه فاضل: در عمره تمتّع طواف نساء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهند احتیاط کنند محلّ انجام آن قبل از تقصیر است.

آیهٔ اللّه مکارم: ضرورتی ندارد طواف نساء را به قصد رجا بجا آورد.

۵- آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: به نیّت منوبٌ‌عنه انجام دهد ملحق، سؤال ۳۶۱.

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: طواف نساء را باید به نیّت منوبٌ‌عنه بجاآورد توضیح المسائل، م ۲۰۵۷.

آیهٔ اللّه فاضل: طواف نساء به نیت منوبٌ‌عنه انجام شود.

ص: ۲۳۳

خطا در لفظ طواف نساء

۶۲۲ ۱۱۹۲- اگر طواف کننـده در تلفـظ نیّت طواف نسـاء، لفـظ دیگری بر زبان آورد مثلًا طواف رجال بگویـد، اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

۲- احکام خلل در طواف نساء

ترک طواف نساء در چند عمره مفرده

۶۲۳ ۱۲۰۲- اگر شخصـی چنـدین عمره مفرده بجای آورده باشـد و در هیچ کدام طواف نساء را انجام نداده باشد، یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند. « (۱)

ترک طواف نساء در عمره مفرده و احرام مجدد

۶۲۴ ۱۲۰۳- اگر کسـی عمره مفرده را بـدون طواف نسـاء به‌جـا آورد، جایز است با همین حال برای عمره تمتع محرم شود و بعـد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به‌جا آورد.(۲)

حکم عقد و فرزنددار شدن با ترک طواف نساء

۶۲۵ ۱۱۹۷- اگر کسی طواف نساء را انجام نداده و ازدواج نموده، با فرض جهل، فرزند او حکم

۱- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهد.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: هر احرام، طواف نساء مسـتقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نـداده، محرم به احرام جدید نشود.

آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: علی‌الظـاهر واجب است برای هر عمره مفرده جـداگانه طواف نسـاء بجـا آورد، اگرچه تحلّل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّهصافی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد. مستفاد از مسأله ۶۸ استفتائات.

آیهٔ اللَّه سیستانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنابر احتیاط واجب.

۲- آیات عظام نوری: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی:صحّت احرام جدید، قبل از طواف نسای عمره مفرده، محلّ اشکال است.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتّع را انجام نداده، برای عمره تمتّع یاعمره مفرده محرم نشود، هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آن‌ها، طواف نساء را بنابر احتیاط انجام دهد.

ص: ۲۳۴

حلال‌زاده را دارد، ولی عقد، باطل است « (۱)و باید طواف نساء را انجام دهد و جهت ادامه زناشویی، باید عقد را تجدید نماید.

شک در انجام طواف نساء بعد از مراجعت

۶۲۶ ۱۱۹۸- اگر پس از مراجعت از مکه شک کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، (۲) اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد (۳)و همچنین است درصورت التفات (۴)علی الأحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

ترک طواف نساء توسط نایب

۶۲۷ ۱۱۹۹- اگر نـایبْ طواف نسـاء را بجا نیاورد، علاوه بر حرمت نساء بر وی، ذمه‌اش هم مشـغول است و خودش بایـد در حیاتش انجام دهـد و اگر نمی‌توانـد، نایب بگیرد. (۵) ۶۲۸ ۱۲۰۵- اگر بعـد از شوط چهـارم طواف نسـاء عمره مفرده، با زوجه خود مواقعه نماید- مانند طواف

۱- آیـهٔ‌اللَّه‌بهجت: تـا طواف نسـاء بجانیـاورد زن حلاـل نیست ولی عقدصـحیح است و فرزنـد حلاـل‌زاده است، بنا بر این اگر نتواند شخصاً طواف نساء را بجا آورد نایب بگیرد که طواف نساء و نمازش را انجام دهد.

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: ظاهراً عقدصـحیح است و نیاز به تجدید ندارد، ولی مادامی که طواف نساء و نماز آن را خودش و درصورت تعذر نایبش انجام نداده جماع جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: عقد اوصحیح است؛ زیرا آنچه بر حاجی پس از حلق حرام است، استمتاع است نه عقد و امّا اولاد به هر حال ملحق به او هستند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب عقد او باطل است.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر توانست خودش بجا آورد و الّا نایب بگیرد.

۳- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: اگر شـک بعـد از عمـل مواقعه بـا زوجه برایش حاصـل شـد، به آن اعتنانموده و بنابر انجام آن گذارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است یا مشقت دارد نایب بگیرد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب درصورت اوّل، ولی درصورت بعد طواف نساء لازم نیست.

۴- آیـهٔ اللَّهصـافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: ولی اگر التفات به وجوب آن داشـته و شک دارد که انجام داده یا نه، بعیـد نیست انجام آن واجب نباشد، اگر چه احتیاط خوب است آداب و احکام حج، مسأله ۹۱۵.

۵- آیـهٔ اللَّه بهجت: و چنانچه قبل از تدارک فوت نماید، احتیاط این است که از ترکه‌اش قضای آن بجا آورده شود. مناسک، مسأله ۴۲۵.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه فاضل: درصورت عدم تدارک در زمان زنده بودنش، بنابر احتیاط باید قضای آن از ترکه او بجا آورده شود. مناسک عربی، مسأله ۴۲۰.

ص: ۲۳۵

نساء حج (۱) عمل اوصحیح است و کفّاره ندارد، اگرچه مرتکب حرام شده است. (۲)

انجام طواف نساء عمره مفرده بدون تقصیر

۶۲۹ ۱۲۰۶- در عمره مفرده انجام طواف نساء قبل از تقصیر، موجب بطلان عمره نمی‌شود، ولی باید بعد از تقصیر، طواف نساء اعاده(۳) شود و بدون آن، حرمت نساء باقی است.

نماز طواف نساء

۶۳۰ نماز طواف نساء هیچ فرقی با نماز طواف عمره ندارد مگر در نیت.

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر توانست خودش بجا آورد والّا نایب بگیرد.

۲- آیهٔ اللّه بهجت: قبل از اتمام شوط پنجم کفّاره دارد، بنا بر احتیاط و بعد از شوط پنجم کفّاره ندارد البته این مسأله را در باره حج دارند نه عمره مفرده. مستفاد از مناسک، مسأله ۲۲۲ به ذیل مسأله ۳۵۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه این عمل بعد از سعی بوده، عمره باطل نمی‌شود، ولی قبل از شوط پنجم کفّاره دارد، بلکه احوط کفّاره است مطلقاً.

آیهٔ اللّه خویی: بعد از سعی عمره باطل نمی‌شود ولی کفّاره دارد مگر این‌که شوط پنجم را بجا آورده بوده. مناسک، مسأله ۲۲۳.

آیهٔ اللّه سیستانی: استغفار کند و کفّاره ندارد و طوافش را تمام کند ملحق مناسک، سؤال ۳۶۶.

۳- آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله ۹۱۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

ص:۲۳۶

ص: ۲۳۷

بخش سوم:

اشاره

ص:۲۳۸

ص: ۲۳۹

فصل اول: برخی از احکام نماز و روزه

۱- احکام نماز جماعت

اشاره

۶۳۱ ۱۳۱۸- هنگام اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی، مؤمنین خارج نشوند و در جماعت با سایر مسلمین، شرکت کنند. (۱)

نماز استداره‌ای

۶۳۲ ۱۳۱۹- نماز به نحو استداره در مسجدالحرام، نیاز به اعاده ندارد. (۲)

حکم عدم اتصال صفوف

۶۳۳ ۱۳۲۰- در نماز جماعت مسجدالحرام که امام جماعت مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد، و چندصف دور کعبه تشکیل شده و بقیه داخل شبستانها هستند و اتصالصفوف برقرار

۱- آیات عظام: بهجت،صافی، گلپایگانی، زنجانی: به گونه‌ای عمل شود که موجب وهن نشود و وظیفه منفرد رعایت شود، یا اعاده شود و آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی و وحید: همین نظر با این اضافه: درصورتی که نتواند در جماعت با آنها قرائت را با شرایط کامل بجا آورد، قرائت را آهسته ادا می‌کند و اگر آن هم ممکن نیست، به گونه حدیث نفس بخواند؛ و نماز جمعه را بعد از فراغ در هرصورت اعاده کند.

۲- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، وحید،صافی و گلپایگانی: به وظیفه ذیل مسأله ۱۳۱۸ عمل شود.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نماز کسانی که پشت سر یا دو طرف امام ایستاده‌اندصحیح است لکن نماز افرادی که روبروی امام قرار دارندصحیح نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنابر احتیاط نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر به جهت تقیّه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست؛ و اگر کسی نمی‌دانسته و به اینصورت خوانده نمازشصحیح و قضا ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: با حفظ نسبت در تمام دایرهصحیح است.

ص: ۲۴۰

نیست؛ آیا شیعیان باید اتصالصفوف را مراعات کنند و یا همان مقداری که آنان نماز راصحیح می‌دانند، کافی است، مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان، وجود ندارد؟ (۱)

خواندن عشا بلافاصله بعد از مغرب

۶۳۴ ۱۳۲۱- کسانی که هنگام نماز مغرب در مسجدین هستند، جایز است بعد از اتمام نماز جماعت ولو بلافاصله، نماز عشا را بخوانند؛ ولی جهت اقامه نماز مغرب، اگر وقت داخل نشده، بایدصبر کنند. (۲)

شبهای مهتابی و جماعت

۶۳۵ ۱۳۲۲- در مکه و مدینه، در لیالی مقمره، کسانی که نمازصبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، نماز آنهاصحیح است و اعاده ندارد. (۳)

لزوم اعاده با عدم احراز شرایط لازم

۶۳۶ ۱۳۲۳- اگر انجام نماز در مسجدین، به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزارانِصف جلو و عدم رعایت اتصال و مانند آن، باید اعاده شود.

نماز در پشت بام مسجدالنبی

۶۳۷ ۲/ ۱۳۲۳- پشت بام مسجدالنبیصلی الله علیه و آله که دیوار اطراف پشت بام، بیش از قامت انسان بلند است و هیچ

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، وحید،صافی و گلپایگانی: به وظیفه ذیل مسأله ۱۳۱۸ عمل شود.
آیهٔ اللّه خامنه‌ای: همانطور که آنهانماز راصحیح می‌دانند کفایت می‌کند، واللّهالعالم.
آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستانها بودند همانجا اقتدا کنند و نمازصحیح است هر چند اتصال برقرار نباشد. ولی اختیاراً و با وسعت وقت آنجا نروند و نمانند. و در این مسأله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.
آیهٔ اللّه مکارم: در مورد بانوان که راه دیگری ندارند، اشکالی ندارد. ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصالصفوف را رعایت کنند، لازم است.
آیهٔ اللّه نوری: لازم است درصورت امکان اتّصالصفوف را مراعات کنند.
۲- آیهٔ اللّه بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آن‌که استتار قرص کافی است.
آیهٔ اللّه خویی: اگر نماز مغرب قبل از زوال حمره مشرقیه باشد، فتوای ایشان بهصحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: وقت وارد شده است.

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست.

ص: ۲۴۱

طرفصفهای جماعت مسجد پیدا نیست، آیا اقتدا با این وضعصحیح است؟ (۱)

نماز جماعت در هتل

۶۳۸ ۱۳۲۴- در مکه و مدینه، نباید (۲)در هتل، نماز را به جماعت بخوانند. (۳)

حکم جماعتی که در آن آیه سجده‌دار می‌خوانند

۶۳۹ ۱۳۲۵- هنگامی که امام جماعت اهل سنت، در نمازْ سوره سجده‌دار می‌خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت، به سجده می‌روند و برمی‌خیزند:

اولًا: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمداً یاجهلًا یاسهواً سجده را ترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟

و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟(۴)

۱- آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی،صافی: به ذیل مسأله ۱۳۱۸ مراجعه شود. اعاده نماز لازم است مگر شرایط تقیه محقق باشد.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه موقع اقامه جماعت بالای پشت بام باشد لازم است همانجا در نماز شرکت کند ولی اختیاراً رفتن بالای بام هنگام نماز جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است در داخل مسجد نماز بخواند.

۲- آیهٔ اللّه فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیّه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند.

۳- آیات عظامصافی، گلپایگانی: درصورتی که مفسده داشته باشد.

آیهٔ اللّه بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتلها و مسافر خانه‌ها در مکّه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیهٔ اللّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: نماز جماعتهای کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

۴- آیهٔاللّه بهجت: در سجده هم با آنها تبعیّت کند، و در جمیع فروض مسأله نماز را اعاده کند، واللّه العالم.

آیهٔاللّه تبریزی: در فرض استماع باید ایماءاً سجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است و با ترک آن نمازش باطل نمی‌شود و اگر رکوع یا سجده زائده انجام داد باید نمازی را که خوانده اعاده کند واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: باید تبعیّت کنند، بلی اگر خلاف تقیّه نباشد می‌توانند تبعیّت نکنند و در هرصورت تبعیّت مضر نیست؛ و اگر خلاف تقیّه عمل نکرده باشد نمازشصحیح است، گرچه رعایت احتیاط خوب است.

آیهٔاللّه سیستانی: تکلیف این است که اگر امام سجده کرد او هم سجده کند و پس از اتمام احتیاطاً اعاده کند و اگر امام سجده نکرد اوبا ایماء و اشاره سجده کند و نمازصحیح است و اگر عمداً یا جهلًا یا سهواً سجده نکرد نمازصحیح است و اگر به رکوع

رفت نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.

آیـهٔاللّهصافی: اگر شـرکت در نماز عنوان تقیه داشـته باشـد و ترک موافقت با آنان در سـجده مخالف تقیه باشـد، در سـجده با آنها موافقت کند و نماز اوصحیح است و در غیر مورد تقیه درصورت استماع آیه، سجده نماید و بعد هم نماز را اعاده کند واللّه العالم.

آیهٔاللّه فاضل: تکلیف تبعیت است و نمازصحیح است.

اگر به هر جهت سـجده را ترک کرده است به نمـاز لطمه‌ای نمی‌خورد، ولی اگر خلاـف تقیه نیست، بعـد از نمـاز احتیاطاً سـجده را انجام دهد.

اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفته و بعداً به قیام برگشته است نمازش باطل است و بنابر احتیاط باید اعاده کند.

آیـهٔاللّه مکـارم: تکلیف آن است که از آنهـا متابعت شود و احتیاطاً نماز را بعـداً اعاده نمایـد و در دوصورت دیگر هم احتیاط اعاده است.

آیهٔاللّه نوری: ۱- نمازش را بخوانـد و دوباره اعاده کند ۲- درصورت ترک سـجده عمداً یا جهلًا یا سـهواً اگر مشغول خواندن ذکر شود تا سـکوت طولانی که محو کننـدهصورت نماز است به عمل نیامـده باشد نمازشصـحیح است ۳- درصورت اخیر نمـازش باطل است.

ص: ۲۴۲

۶۴۰ ۱۳۲۶- جواز اقتدا به اهل سنّت، اختصاص به نماز ادا دارد، یا نماز قضا را نیز می‌توان اقتدا کرد؟ (۱)

نماز در هواپیما

۶۴۱ ۱۳۴۱- هنگامی که زائران بیت‌اللَّه الحرام یا سایرین، وقت نماز در هواپیما هستند، درصورتی که شرایط نماز- مثل قیام و قبله و رکوع و سجود- مراعات شود، آیا درصورت علم یا احتمال رسیدن در وقت نماز به مقصد و امکان خواندن آن، نماز در هواپیما کفایت می کند یا باید تأخیر بیندازند؛ و درصورتی که نماز را در آن حال خواندند و در وقت نماز پیاده شدند، اعاده آن لازم است یا نه؟ (۲)

۱- آیهٔ‌اللَّه بهجت: فرقی نمی کند و در هر دو باید وظیفه منفرد مراعات شود و یا اعاده شود.

آیت اللَّه خامنه‌ای: قدر متیقّن جواز اقتداء در نماز اداء است وصحّت اقتداء در نماز قضاء محلّ اشکال بل منع است.

آیهٔ اللَّه تبریزی و آیهٔ اللَّه سیستانی: نماز قضا را هم می‌شود با آن‌ها خواند، لکن با رعایت وظیفه در مسأله ۱۳۱۸.

آیت اللَّهصافی: مختص به نماز ادا است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه فاضل: اختصاص به نماز ادا ندارد، تفاوتی نمی کند.

۲- آیهٔ‌اللَّه بهجت: اظهر جواز و کفایت آن است اگر چه احوط تأخیر است برای تحصیل استقرار مطلق.

آیت اللَّه خامنه‌ای: با تمکّن از استقرار و استقبال قبله، نمازصحیح و مجزی است، بلکه جهت درک فضیلت اوّل وقت افضل است.

آیت اللَّه تبریزی: چنانچه احتمال بدهند که تا آخر وقت هواپیما به زمین ننشیند می‌تواند در هواپیما نماز بخوانند و اگر پیش از اتمام وقت هواپیما به زمین نشست نمازشان را اعاده کنند.

آیت اللَّه فاضل و آیت اللَّه سیستانی: در فرض مذکور نماز در هواپیما کافی است.

آیت اللَّهصافی: درصورت علم باید تأخیر نماید و درصورت احتمال، احوط خواندن و چنانچه قبل از گذشتن وقت به مقصد رسید اعاده است.

آیت اللَّه مکارم: چنین نمازیصحیح است و اعاده ندارد.

ص: ۲۴۳

۲- احکام سجده

سجده بر سنگهای حرمین

۶۴۲ ۱۳۲۷- سجده بر تمام اقسام سنگها- مرمر، سنگهای سیاه معدنی، سنگ گچ و آهک، قبل از آن‌که پخته شود- جایز است؛ (۱)و سجده بر سنگ‌فرشهای مسجد الحرام و مسجد رسول اللَّه‌صلی الله علیه و آله، که از این قبیل است، اشکال ندارد.
۶۴۳ ۱۳۲۸- هنگام شستشوی مسجدالحرام، علم به سرایت پیدا نمی‌شود؛ و با فرض شک، سجده بر سنگ‌های آن مانعی ندارد و نباید به شک اعتنا شود. (۲)

سجده روی فرش

۶۴۴ ۱۳۲۹- در مسجد النبی،صلی الله علیه و آله سجده روی فرشهای مسجد، مانع ندارد؛ (۳) و گذاردن مهر، جایز

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شودسجده کرد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.
۲- آیهٔ اللَّه گلپایگانی، کتباً فرموده: و با فرض یقین طواف و نماز از جهت تقیه محکوم بهصحت است و شفاهاً فرموده: در وقت طواف نعلین بپا کند. آراء المراجع،ص ۴۱۸.
۳- آیهٔ اللَّه بهجت: درصورت امکان سجده بر« مایصح السجود علیه»، اکتفا به غیر آن نکند.
آیهٔ اللَّه خویی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجدهصحیح است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصحّ السجود علیه نباشد، سجدهصحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.
آیهٔ اللَّه فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلّی که بتواند پیشانی او در محلّ سجده بر سنگهای مسجد قرار گیرد سجده نماید.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سجده روی فرشهای مسجد درصورت تقیه مانع ندارد. استفتائات ویژه حج، ص ۳۰، مسأله ۵۲.
آیهٔ اللَّه مکارم: ولی هرگاه بتواند به سهولت روی سنگهای مسجد نماز بخواند آن را ترک نکند.
آیهٔ اللَّه وحید: بر فرش کفایت نمی‌کند و باید اعاده نماید.

ص: ۲۴۴

نیست؛ و لازم نیست (۱)در جایی که سنگ است نماز بخوانند؛ و لازم نیست حصیر یا مانند آن، همراه خود ببرند؛ هرچند همراه داشتن آن، اگر به گونه‌ای باشد که متعارف سایر مسلمین است و موجب وهن نشود، اشکال ندارد.

۶۴۵ ۱۳۳۰- در مسجد النبیصلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت، می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود؛ و لازم نیست نمازگزار بجای دیگر که سنگ‌فرش است برود. (۲)

لباس پنبه و کتان

۶۴۶ ۱۳۳۱- درصورتی که لباس نمازگزار از پنبه یا کتان باشد، در جایی که بر فرش تقیّه، سجده بر فرشصحیح است، چنانچه بتواند بدون محذور بر لباس خود سجده کند، آیا سجده بر فرش که از پشم یا مواد لاستیکی است، مجزی است یا نه؟ (۳)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی: درصورت تمکّن لازم است ....

آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر فرادی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیّه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسأله ۱۳۱۸ گذشت.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: قرار دادن چیزی در محل سجده اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست و واجب است مکلف کوشش کند تادرصورت امکان جایی بیابد که بر سنگفرش یا چیزی که سجده بر آنصحیح است سجده کند و اگر تقیه ایجاب کند که بر فرش سجده کند نمازشصحیح است.

۲- مراجعه شود به مسأله ۱۳۲۹.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: با وجود مکان سنگ فرش در مسجد باید به آنجا برود. آیهٔ اللَّه سیستانی اضافه کردند: بلی نماز مستحب را می‌تواند رجاءً در روضه مقدسه بخواند.

۳- آیهٔاللَّه بهجت: احوط تقدیم قطن و کتان بر مثل پشم و مو است با امکان.

آیت اللَّه خامنه‌ای: لباس تقدّم بر فرش ندارد اگر چه از کتان یا پنبه باشد.

آیت اللَّه تبریزی: چنانچه با رعایت تقیه بتواند بر لباسش سجده کند، باید بر لباس مذکور سجده نماید، واللَّه العالم.

آیت اللَّه سیستانی: در فرض مذکور مجزی است.

آیت اللّهصافی: در فرض سؤال باید بر لباس خود سجده کند، واللَّه العالم.

آیت اللَّه فاضل: در فرض سؤال، باید به لباسش سجده کند و سجده بر فرش و مواد پلاستیکی مجزی نیست.

آیت اللَّه مکارم: سجده بر پنبه و کتان در فرض سؤال، اولویت دارد.

ص: ۲۴۵

سجده بر پشت دست

۶۴۷ ۱۳۳۲- اگر نمازگزار در مسجدالحرام یا مسجد النبی- زادهمااللَّه شرفاً- بر پشت دست سجده کرده است، نماز اوصحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد. «(۱)

۶۴۸ ۱۳۳۳- اگر کسی در مساجد مکه معظمه و مدینه منوّره همگام نماز جماعت و بعد از آن که نمازگزاران هنوز در مسجد هستند، وارد شد، لازم نیست برای رعایت ما یصح السجود به جای دیگر برود. (۲)

۶۴۹ /۲ ۱۳۳۳- اگر کسی بخواهد در مسجد اهل سنت پیش از نماز جماعت، دو رکعت نماز تحیت بخواند، آیا سجده بر غیر آنچه که جایز شمرده شده،صحیح است؟ (۳)

سجده بر حصیر

۶۵۰ ۱۳۳۴- حصیرهایی که مورد استفاده حجاج واقع می‌شود، اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود، مانع ندارد ولو چیزی مانند نخ با آن مخلوط باشد.(۴)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: نمازهایش را قضا کند و نماز طواف را خود یا نایبش اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه تبریزی: نمازهایی که به اینصورت خوانده، باطل است و باید اعاده کند و اگر نماز طواف را هم به اینصورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری است، چنانچه متمکّن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر متمکّن نیست می‌تواند در جای خود اعاده کند.

آیات عظام خویی،صافی، گلپایگانی: جاهل قاصر مُستثنی نشده است.

۲- مراجعه شود به مسأله ۱۳۲۹.

آیهٔ اللَّه تبریزی: با وجود مکان سنگ‌فرش در مسجد، باید در آنجا نماز بخواند و در غیر اینصورت اگر روی فرشها هم سجده کند مجزی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: باید در منزل با رعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقیّه اقتضای غیر آن را داشته باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی برای سجده مهر نگذارد.

۳- آیهٔاللَّه بهجت: با فریضه از حیث حکم شرطی تفاوتی ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: چنانچه حفظ وحدت ایجاب کند جایز است.

آیهٔاللَّه فاضل: خیر، نماز مستحبی بر غیر ما یصح السجودصحیح نیست.

آیهٔاللَّه مکارم: درصورتی که قسمتهای سنگی مسجد در دسترس نباشد، مانعی ندارد.

۴- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر مجموع آنچه سجده بر آنصحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: سجده بر این حصیرها مانعی ندارد.

ص: ۲۴۶

نماز عاجز از سجده متعارف

۶۵۱ ۱۳۳۵- کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در مسجدالحرام و مسجدالنّبی نماز می‌خواند- با توجه به این که نمی‌تواند مُهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد (۱) چگونه باید سجده کند؟

۳- محدوده تخییر بین قصر و اتمام

اشاره

۶۵۲ ۱۳۳۶- تخییر بین قصر و اتمام، در مکه و مدینه، اختصاص(۲)به مسجدالحرام و مسجد النبی ندارد.
آیهٔ اللَّه خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است.(منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵). قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است.» به مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد؛

۱- آیهٔاللَّه بهجت: کسی که قادر بر مرتبه‌ای از سجود است، مانند دیگران است از حیث شرائط تقیه و مندوحه زمانی و مکانی در گذاشتن پیشانی بر مایصح السجود علیه؛ و امّا کسی که وظیفه او اشاره است؛ لازم نیست مهر بر پیشانی بگذارد.
آیت‌اللَّه تبریزی: چنانچه با رعایت تقیّه، سنگ یا کاغذی را در حال اشاره برای سجده بلند کرده و بر آن سجده کند و اگر این نیز ممکن نباشد با چشم اشاره کند. واللَّه العالم.
آیت‌اللَّه خامنه‌ای: اگر چیزی که روی آن سجده کند وجود ندارد، باید اشاره نماید.
آیت‌اللَّه سیستانی: در غیر این مورد نیز گذاشتن مُهر بر پیشانی لزومی ندارد، بلکه کافی است برای سجده ایماء کند.
آیت‌اللَّهصافی: درصورت ضرورت به اشاره سجده کند والّا شرکت نکند؛ واللَّه العالم.
آیت‌اللَّه فاضل: با اشاره سجده کند.
آیت‌اللَّه مکارم: برای چنین اشخاصی ایماء و اشاره کافی است برای رکوع کمتر و برای سجده بیشتر خم می‌شود و اگر قادر به خم شدن نیست، چشمان خود را برای سجده بیشتر می‌بندد و با دست بیشتر اشاره می‌کند و برای رکوع کمتر.
آیت‌اللَّه نوری: در فرض سؤال، در حد امکان برای سجود خم شود، نیازی به مهر نیست.
۲- آیهٔ اللَّه بهجت: مسافر می‌تواند در مسجدالحرام و مسجد پیغمبرصلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند واحتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اوّل جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.
آیهٔ اللَّه تبریزی و آیهٔالله وحید: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند. استفتائات، س ۱۲۹.
آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی،صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجد النبی ندارد.
آیهٔ اللَّه خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵. قید

قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است.

ص: ۲۴۷

ولی به مسجد اصلی اختصاص ندارد، هرچند احتیاط در اقتصار بر مسجد اصلی است.

حکم نوافل در اماکن تخییر

۶۵۳ ۲ / ۱۳۳۶- در اماکن تخییر مثل مکه معظمه و مدینه طیبه اگر مسافر اختیار تمام نمود، آیا نوافل ساقط می‌شود و بر فرض سقوط، به نحو عزیمت است یا رخصت؟ (۱)

۴- احکام روزه و اعتکاف

روزه ماه رمضان و حکم اول ماه

۶۵۴ ۱۳۴۲- اگر از سوی حاکم عامه اوّل ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در آن بلاد هستند و تقیّه‌ای هم در تبعیّت نیست و برای خود فرد هم یقین به اوّل ماه نیست، آیا تبعیّت لازم است؟ (۲)

آیهٔ اللَّه مکارم: در فرض مسأله، تبعیّت واجب نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: تبعیّت لازم است و این خود یک نوع تقیّه است که تقیّه مداراتی خوانده می‌شود.»

روزه در مدینه

۶۵۵ ۱۳۴۳- آیا استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآمدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد، یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز، مستحب است. (۳)

۱- آیهٔ‌اللَّه بهجت: ساقط است و به نحو عزیمت.

آیهٔ‌اللَّه تبریزی: نوافل ساقط است و استحباب ندارد و مقصود از سقوط به نحو عزیمت همین است ولی منافات با اتیان آنها به قصد رجا ندارد.

آیهٔ‌اللَّهصافی: ظاهراً نوافل ساقطه از مسافر در مورد سؤال ساقط است بلی اتیان آنها برای کسی که تمام را اختیار کرده رجاء مانعی ندارد.

۲- آیهٔ‌اللَّه بهجت: با عدم شرائط تقیه به وظیفه خود طبق رساله عمل می‌کند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در فرض مزبور تبعیت لازم نیست بلکه به قصد ماه رمضان نباید روزه بگیرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: تبعیّت در اینصورت جایز نیست.

آیهٔ اللَّهصافی: در فرض سؤال، تبعیّت واجب نیست ولی به قصد شعبان روزه گرفتن مستحب است.

آیهٔ اللَّه فاضل: بلی در این موارد مطلقاً تبعیتصحیح و لازم است.

آیهٔ اللَّه مکارم: در فرض مسأله، تبعیّت واجب نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: تبعیّت لازم است و این خود یک نوع تقیّه است که تقیّه مداراتی خوانده می‌شود.

۳- آیت اللَّه خامنه‌ای: اختصاص به مسافر ندارد، و ذکر مسافر جهت استثناء ازصوم در حال مسافر بودن است.

آیت اللَّه تبریزی: حکم مزبور اختصاص به مسافر دارد و شامل اهل مدینه نمی‌شود و در مسافر بین این‌که نمازش قصر باشد یا به جهت قصد اقامت ده روز نمازش تمام باشد، فرقی نیست، واللَّه العالم.

آیت اللَّه سیستانی: برای همه مستحب است.

آیت اللَّهصافی: بعید نیست اختصاص به مسافر نداشته باشد، واللَّه العالم.

آیت اللَّه فاضل: استحباب آن به قصد ورود برای غیر مسافر ثابت نیست، بلی رجاءاً مانعی ندارد.

آیت اللَّه مکارم: این حکم مخصوص مسافر است ولی دیگران بر اساس قانون اوّلی هر روزی بخواهند می‌توانند به قصد حاجت روزه بگیرند.

ص: ۲۴۸

اعتکاف در مسجدالحرام

۶۵۶ ۱۳۴۴- بسیاری از زائران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجدالحرام هستند باتوجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می‌توانند پس از حضور در مکه مکرمه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟ (۱)

۶۵۷ ۱۳۴۵- شخصی قصد اعتکاف در مسجدالحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذانصبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به این‌که محل سعی جزو مسجد نیست؟ (۲)

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: چنانچه نذر روزه در مکّه نماید تا روزه در سفرصحیح باشد، می‌تواند معتکف شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰهصافی:صحت نذر روزه بعد از ورود به مکه مکرمه مورد اشکال است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای و آیهٔ اللّٰه فاضل: ظاهر آن است کهصحّت روزه در سفر با نذر در وطن محقّق می‌شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: بدونِ نیّت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: نمی‌توانند مگر این‌که در وطن نذر روزه کرده باشند.

۲- آیهٔاللّٰه بهجت: مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: می‌تواند محرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی مانع ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: می‌تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچهصبر کردن تا آن موقع سخت باشد می‌تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود.

آیهٔ اللّٰهصافی: احرام اوصحیح است و خروج از مسجد برای سعی مضرّ به اعتکاف نیست و اگر احتیاط نماید و اعمال عمره را بعد از اعتکاف بجا آورد اولی است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این مقدار اشکال ندارد.

ص: ۲۴۹

فصل دوم: احکام خمس مربوط به عمره

۱- نداشتن سال خمسی

اشاره

۶۵۸ ۱۳۴۶- کسی که سال خمسی ندارد، اگر به حج مشرف شود و با پول خود، لباس احرام و قربانی خریداری نماید، اگر آن پول، از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، (۱)بدون تخمیس، حکم غصب را دارد و طواف و قربانی،صحیح نیست. (۲)

۶۵۹ ۱۳۴۷- اگر شخصی بدون این‌که خمس مال خود را بپردازد، به حج برود، اگر لباس احرام و قربانی او با پول غیر مخمّس نباشد، عمل او اشکال ندارد. « (۳)

۱- آیهٔ اللّه فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

۲- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای،صافی، گلپایگانی: ولکن اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد، حجّشصحیح است.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: بنابر احتیاط واجب اگر ساترش متعلق خمس باشد، ولی اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریده، حجش اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: ولی در همین فرض چنانچه بداند پول از درآمد همان سال است و در همان سال خرج شود خمس واجب نیست.

آیهٔ اللّه نوری: و باید خودش آنها را انجام بدهد و اگر چون مراجعت کرده قدرت ندارد باید برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

۳- مراجعه شود به مسأله قبل.

آیهٔ اللّه بهجت: چنانچه با عین مال غیر مخمّس معامله کرده؛ یعنی عین مال در مقابل لباس قرار گرفته، طواف و نماز با آن لباس باطل است ولی اگر لباس را به ذمّه خریده و بعد از معامله، آن مال غیر مخمّس را در عوض دین پرداخت نموده، طواف و نماز با آن لباس باطل نیست.

ص: ۲۵۰

حسابرسی مال و صحت اعمال

۶۶۰ ۱۳۴۸- آیا برایصحّت اعمال عمره و حج- برای کسی که حسابرسی خمس ندارد- پرداخت خمس لباس احرام و لباسی که در طواف و نماز طواف می‌پوشد، کفایت می کند، یا باید حسابرسی تمام اموالصورت گیرد؟ (۱)

احرام و طواف در لباس غیرمخمّس

۶۶۱ ۱۳۴۹- اگر شخصـی با پول خمس نـداده، لباس احرام بخرد و با آن محرم شـده، و طواف و نماز بجا آورد، اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج اوصحیح است؛ ولی درصورتی که جاهل مقصر باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند. (۲)

۱- آیت‌اللَّه تبریزی: با اجازه مرجع تقلید می‌تواند در بخشی از اموال خمس را محاسبه کرده و از آنها برای لباس احرام و لباس ساتر در طواف و نمـاز طواف و قربانی اسـتفاده کنـد و نیّت او بر این باشـد که خمس بقیه اموال را نیز بپردازد تا اعمالش مورد قبول واقع شود.

آیـت‌اللَّه خـامنه‌ای: در فرض سؤال پرداخـت خمس برای امـوال مـذکور و همچنیـن برای پـولی که برای قربـانی می‌پردازد کفـایت می کند.

آیت‌اللَّه سیسـتانی: حسابرسـی بقیه اموال درصـحت حـج دخالت نـدارد، ولی اگر به مقدار بدهکاری خمس و مصارف حج نداشـته باشد، حج او حَجّهٔالاسلام نیست.

آیت‌اللَّهصافی: چنین تخمیسصحیح نیست؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: خیر کفایت نمی‌کند، بلکه باید کلّ اموال خود را مخمس کند.

آیت‌اللَّه مکارم: حداقل باید خمس تمام هزینه حج را بپردازد و سزاوار است که مردم را به این کار عادت ندهند؛ زیرا فرصتی است برای پاک کردن تمام اموال.

آیت‌اللَّه نوری: چنانچه متعلق خمس بوده‌اند، تخمیس آن برایصحت حج کفایت می کند، ولی لازم است بقیه اموال نیز جهت خمس حسابرسی شود.

۲- مراجعه به مسأله ۱۳۴۶ شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است. وسیله،ص ۱۷۹.

آیهٔ اللَّهصافی، آیهٔ گلپایگانی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد. آداب و احکام حج، مسأله ۵۴۲.

آیهٔ اللَّه فاضل: و بنابراحتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

ص: ۲۵۱

اگر دهنده پول اهل خمس نباشد

۶۶۲ ۱۳۵۰- کسی که پولی به او داده‌اند که حج یا عمره به‌جا آورد، اگر یقین به وجود خمس در آن ندارد، حج او اشکال ندارد ولو این‌که دهنده پول، اهل خمس نبوده و گیرنده در ظرف چند سال آن را پس‌انداز کرده باشد؛ ولی اگر یقین به وجود خمس در مال باشد، لازم است حداقل احرام و قربانی (۱) را از غیر آن مال، تهیه نماید. « به مسأله ۱۳۵۴ مراجعه شود.
(۲)

۶۶۳ ۱۳۵۱- لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد است، یا وجوهات شرعیه، تخمیس آن لازم نیست، هرچند احتیاط مطلوب است.(۳)

طواف با پول خمس نداره

۶۶۴ ۱۳۵۲- اگر طواف کننده در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد، طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.(۴)

خرید لباس احرام از پول مشکوک الخمس

۶۶۵ ۱۳۵۳- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، لباس احرام بخرد، «(۵) لازم نیست خمس

۱- آیهٔ اللّه مکارم: و سایر هزینه‌های حج.
۲- به مسأله ۱۳۵۴ مراجعه شود.
آیهٔ اللّه بهجت: با توجه به لزوم خمس در هبه، علی الأحوط و همچنین این که در طول هفت یا هشت سال این پول جمع شده، باید خمس به آن تعلّق گرفته باشد.
۳- آیهٔ اللّه بهجت: در هر دو مورد به زاید از مؤونه سنه، خمس تعلّق می‌گیرد.
آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر سال بر آن گذشته باشد، لازم است خمس آن را بدهد.
۴- آیهٔ اللّه بهجت: همان حکم محمول غصبی در نماز را دارد.
آیهٔ اللّهصافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: درصورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود. مجمع المسائل، ج ۱،ص ۴۷۲، مسأله ۲۱.
آیهٔ اللّه نوری: طوافش اشکال پیدا می‌کند.
۵- آیهٔ اللّه فاضل: با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

ص: ۲۵۲

بدهد و طوافصحیح است هرچند احتیاط مطلوب است. (۱)

۲- سپرده‌های حج و عمره و خمس آن

۶۶۶ ۱۳۵۵- آیا به سپرده‌های حج و عمره و سود آنها، خمس تعلق می گیرد؟ (۲)

۱- آیهٔ اللّه تبریزی: اگر احتمال می‌دهد از ربحی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه خویی:صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود. مستفاد از منهاج الصالحین، کتاب الخمس،ص ۳۴۳.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلّی فی‌الذمهصحیح است.

۲- آیهٔاللّه بهجت: خمس ندارد.

آیت‌اللّه تبریزی: در فرض سؤال چنانچه بر اصل پول سال بگذرد؛ یعنی از وقت به‌دست آوردن پولی که به بانک سپرده‌اند، سال گذشته، باید خمس آن را بپردازند و نسبت به مقداری که زیادتر از اصل پول به آنها می‌دهند، اگر در همان سال به حج یا عمره بروند چیزی بر آنها نیست. واللّه العالم.

آیت‌اللّه خامنه‌ای: در فرض مرقوم، اگر در همان سالِ خمسی سپرده‌گذاری به حج یا عمره می‌رود، خمس ندارد، ولی اگر نوبت حج او پس از آن سال خمسی است، اصل پول خمس دارد لکن سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت قابل وصول نبوده جزو درآمد سال وصول، محسوب است که اگر در همان سال به حساب هزینه سفر محسوب شود، خمس ندارد.

آیت‌اللّه سیستانی: به اصل پول خمس تعلق می گیرد و نیز به سود آن، اگر از طریق معامله شرعیّه ملکصاحب پول شده است، بلی اگر حج بر آنها مستقر شده و راه دیگری برای رفتن به حج در سال ثبت‌نام نداشته باشند خمس به آن تعلق نمی گیرد.

آیت‌اللّهصافی: وجوب خمس معلوم نیست، هرچند احتیاط خوب است و نسبت به سود آن، اگر با آن پول معاملات شرعی، با رعایت شرایطش انجام شود و پرداختِ سود، طبق قرارداد باید در موقع تحویل اصل پول پرداخت شود، سود مذکور از منافع سال وصول است که اگر در همان سالصرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر باقی بماند آن هم خمس دارد.

آیت‌اللّه فاضل: افرادی که برای تشرف به حج یا عمره ثبت‌نام می کنند و در همان سال توفیق تشرّف پیدا نمی کنند، باید خمس اصل پول و سود متعلّقه مربوط به سنوات سابق را بپردازند، مگر برای افرادی که حج بر آنها مستقر شده و تمکّن از خرید فیش را ندارند.

آیت‌اللّه مکارم: هرگاه این پول از درآمد همان سالی باشد که نام‌نویسی کرده است، نه به آن خمس تعلق می گیرد و نه به سود آن.

آیت‌اللّه نوری: اگر همان سالی که مستطیع شده است، آن پول را برای انجام حج در نوبت خود به حساب ریخته است، آن پول جزو مؤونه و مخارج آن سال محسوب می‌شود و خمس ندارد ولی اگر در سالهای قبل مستطیع بوده است و تأخیر انداخته و به حساب نریخته است باید خمس آن را بدهد.

و در عُمره نیز اگر به‌طور متعارف یک مرتبه یا در چند سال یک مرتبه باشد، پولی که به حساب ریخته است خمس ندارد امّا سودی که می‌گیرد از ارباح آن سالی است که آن را تحویل می‌گیرد و اگر تا آخر سالِ خمسی خود آن را در مخارج لازم زندگی خرج

کرد، خمس ندارد و اگر بماند و سال بر آن بگذرد خمس دارد.

ص: ۲۵۳

۶۶۷ ۱۳۵۶- شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که تشرف او در سالِ ثبت‌نام قطعی بوده، ولی در سال بعد به او نوبت رسیده، آیا سرِ سالِ خمس، به پول واریز شده، خمس تعلّق می‌گیرد؟ « (۱)

۶۶۸ ۱۳۵۷- سودی که از طرف سازمان حج و زیارت به سپرده‌های مردم تعلّق می‌گیرد، چه حکمی دارد؟ (۲)

۱- آیات عظام بهجت،صافی، مکارم و نوری: در فرض سؤال خمس واجب نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: باید آن را تخمیس نماید، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: حکم مسأله قبل را دارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: خمس دارد.

آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مساله قبل مراجعه شود.

۲- آیت‌اللَّه بهجت: اگر بعد از پایان کار، سود را با چیزی معامله کنند اشکال ندارد و یا این‌که زاید راصدقه دهند، با استجازه از حاکم شرع علی‌الأحوط.

آیت‌اللَّه تبریزی: با توجه به این‌که افراد ثبت نام کننده نسبت به فهم مورد قرارداد و عمل به قرارداد بر طبق عقود شرعیه متفاوت هستند، حکم مسأله متفاوت است.

چنانچه اطمینان به انجام معامله شرعیه ندارند باید شرط اضافه بر اصلِ پول نکرده و خود را طلبکار ندانند و اگر به حج رفتند، فقط مقداری را که سازمان حج و زیارت از آنان می‌گیرد مانده هزینه‌ها به حساب حج و زیارت واریز می‌کنند. و اگر به حج نرفتند و زیاده به آنان داده شد، با زیاده، معامله مجهول المالک می‌نمایند.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: سود حاصله از معامله مضاربه‌ای برای سپرده‌گذار حلال است.

آیت‌اللَّه سیستانی: اگر واقعاً مضاربه‌ایصورت بگیرد و رعایت شرایط آن بشود، هرچند عقد کتبی باشد، اشکال ندارد و سود حاصله حلال است، ولی باید سهم هرکدام از عامل و مالک به عنوان درصدی از« سود» تعیین شود نه درصدی از« سرمایه».

آیت‌اللَّهصافی: اگرصاحب پول، پول را به بانک بدهد و بانک را وکیل کند که پول را در تجارت شرعی به‌کار گیرد و سود تجارت را به نحوی که توافق می‌کنند تقسیم کنند مانع ندارد، ولی اگر پول را به عنوان قرض به شرط سود در بانک بگذارد ربا و حرام است و اگر به‌عنوان مثلًا مضاربه بگذارد که ۱۷ اصل پول به او داده شود، مضاربه باطل است؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: چنانچه بینصاحب پول و بانک، این عمل به قصد مضاربه انجام گیرد،صحیح است و سود حاصله مشروع است و درصورتی که به قصد مضاربه نباشد، چنانچه شرط زیاده و منفعت نشده باشد، باز سود حاصله اشکالی ندارد.

آیت‌اللَّه مکارم: درصورتی که مطابق یکی از عقود شرعیه عمل شود وسودی بهصاحب پول بدهند، اشکالی ندارد.

آیت‌اللَّه نوری: درصورتی که دهندگان وجه به این موضوع راضی و با آگاهی آنان باشد، اشکال ندارد؛ برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائلص ۶۰۶ مراجعه نمایید.

ص:۲۵۴

ص: ۲۵۵

فصل سوم: احکام تقلید

عمل بدون تقلید

۶۶۹ ۱۳۵۸- شخصـی که مقلد هیچ یک از فقها نبوده و حج و عبادت‌های دیگر را بدون تقلید انجام داده، اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند، باشدصحیح است. (۱)

رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع

۶۷۰ ۱۳۵۹- اگر اعلم در مسأله‌ای احتیـاط واجب کرده است، آیـا لازم است مقلّد جهت رجوع به فالا علم بدانـد مرجعش احتیـاط واجب کرده و نیت رجـوع کنـد، یـا همین‌که در مقـام انجـام وظیفه شـرعی بـوده و عملش طبق فتوای فالأعلم است کـافی است؟ به عبـارت دیگر، اگر اعلـم مثلًا در احرام از مکه قـدیم احتیـاط واجب است، ولی فالأعلم چنین احتیـاطی نداشـته، و مقلّد اعلم از مکه جدیـد محرم شـده و بعـد از اعمـال حـج فهميـده است که اعلم چنین احتیـاطی داشـته، آیـا عملشصـحیح است یـا خیر؟ و اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ (۲)

۱- آیهٔ اللّه مکارم: اگر مطابق فتوای کسی که الآن از او تقلید می‌کند باشدصحیح است.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر مطابق فتوای کسـی که الآن بایـد از او تقلید کند باشدصـحیح است، در غیر اینصورت نیز گاهیصـحیح است، مانند این‌که جاهل قاصر باشد و اخلال به چیزی شده باشد که با جهل قصوری ضرر ندارد.

آیـهٔ اللّهصـافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: اگر اعمالش مطابق واقع باشـد و عبادات را به قصـد قربت بجا آورده باشدصـحیح است و راه به دست آوردن مطـابق شـدن آن بـا واقع این است که یـا علم پیـدا کنـد که مطابق با واقع بوده یا آن‌که مطابق فتوای مجتهـدی که فعلًا وظیفه‌اش تقلید از او است واقع شده است. توضیح المسائل ۱۴، احکام تقلید.

۲- آیهٔاللّه بهجت: می‌تواند با رجوع فعلی، آن عمل را تصحیح کند.

آیت اللّه خـامنه‌ای: اگر عمل او در هنگامصـدور از وی مطابق با فتوای کسـی بوده که می‌توانست شـرعاً از او تقلیـد کنـد،صـحیح و مجزی است.

آیت اللّه تـبریزی: پس از فهمیـدن فتوای فالأعلم در تصـحیح عمـل، به فتوای وی اسـتناد می‌کنـد. بایـد برای ادله به کتب اسـتدلالی مراجعه شود.

آیت اللّه سیستانی: اگر مطابقت با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند داشته باشد، الآن می‌تواند به او رجوع کند.

آیت اللّهصافی: در فرض سؤال، اگر بعـد از خاتمه اعمال نیت کند که آنچه انجام داده‌ام بر طبق نظر فالأعلم باشد اشکال ندارد البته مشروط به این‌که هنگام احرام از مکه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیت اللّه فاضـل: چنانچه عملصادر شـده در هنگام وقوع مطابق فتوای فالاعلم باشـد کفایت می‌کنـد ولو اینکه شـخص در حین عمل علم به این مطابقت نداشته است، لیکن لازم است بعد از عمل برای تصحیح آن استناد به آن فتوی داشته باشد.

آیت اللّه مکارم: بعد از اعمال حج رجوع به فالأعلم می‌کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست.

ص: ۲۵۶

بقاء بر تقلید میّت

۶۷۱ ۱۳۶۰- تقلید میّت ابتداءً جایز نیست، ولی بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد ولی باید به فتوای مجهتد زنده باشد؛ و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجهتدی عمل کرده، بعد از مردن آن مجتهد، می‌تواند در همه مسائل از او تقلید کند.(۱)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: فقها حیات را شرط می‌دانند؛ یعنی می‌گویند: برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد و امّا اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت، در این‌که آیا می‌تواند بر تقلید باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، مورد اختلاف است، پس اگر کسی در این مسأله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می‌کند وگرنه طبق نظر مجتهد زنده عمل می‌کند.

باقی ماندن بر تقلید میّت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است، درصورتی که مجتهدی که از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنابر اقوی جایز است، هر چند با اجازه مجتهدی دیگری بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی مسائل به او عدول نماید.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، درصورتی که فتوای او در نظر مقلّد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ واگر فتوای او را یاد نگرفته خویی: یا فراموش کرده است لازم است به مجتهد زنده رجوع کند. تبریزی: و بعید نیست درصورتی که فراموش کرده است باز بتواند به فتوای او عمل کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است. بنابراین، اگر او اعلم از مجتهد زنده باشد باید- با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلا ولو اجمالًا- بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اعلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند مخیّر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجّت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنابراحتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید درصدر این مسألهصرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معیّن است نه عمل کردن به دستور او.

آیهٔ اللّهصافی: بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست. ولی اگر مجتهد میّتی که از او تقلید می‌کرده، اعلم از حی باشد، بقا بر تقلید او، بنابر احتیاط، واجب است؛ چنانکه اگر مجتهد حیّ، از میّت اعلم باشد عدول به حیّ واجب است.

آیهٔ اللّه فاضل: مسأله باقی ماندن بر تقلید میّت جایز است درصورتی که مجتهد میّت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میّت، فرقی بین مسائلی که عمل نموده ومسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجهتد زنده تقلید کند. ولی کسی که در مسأله‌ای به فتوای مجهتدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد.

اگر چه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

آیهٔ اللّه مکارم: هر گاه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باقی ماندن بر تقلید او جایز است بلکه اگر اعلم باشد

واجب است، به شرط این‌که عمل به فتوای او کرده باشد و یا حداقل فتوای او را برای عمل گرفته باشد.

عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست هر چند اعلم باشد بنابر احتیاط واجب.

ص: ۲۵۷

وظيفه نايب در تقليد

۶۷۲ ۱۳۶۱- نايب بايد اعمال حج را طبق فتواى مرجع خود انجام دهد و ميزان، وظيفه خود اوست؛ (۱)

ولى

۱- آيـة اللَّه بهجت: در نيابت از ميّت به وظيفه خودش عمل مى‌كنـد و در نيابتصـحيح از زنده فى الجملهاحتياط مى‌كند مناسك، س ۲۳.

آيـة اللَّه تبريزى، آيـة اللَّه خويى: چنانچه منوبٌ‌عنه حىّ باشد، بايد طبق تقليد منوبٌ‌عنه عمل كند و چنانچه منوبٌ‌عنه مرده باشد، اگر وصـيت كرده، بايـد به تقليـد منوبٌ‌عنه عمل كنـد. در غير اين دوصورت، مراعات تقليـد منوبٌ‌عنه لازم نيست. آيةُ اللَّه تبريزى اضافه فرمودهانـد: و بنابر احتياط لازم است آن عمل بنا به تقليـد وصـىّ و ورثه همصـحيح باشد و اگر وصـيتى نكرده، نايب به حسب تقليد خودش عمل كند و طورى باشد كه به حسب وظيفه ورثه هم مجزى باشد.

آيـة اللَّه سيسـتانى: بايـد طبـق تقليـد خودش عمـل كنـد ولى اگر اجير شـده باشـد كه طبق نظر منوبٌ‌عنه يـا مسـتأجر عمـل كنـد، چه بهصراحت ذكر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، بايد به همان نحو عمل كند، مگر درصورت يقين به فساد عمل.

ص: ۲۵۸

اگر به کیفیت خاصی، اجیر شده، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

۶۷۳ ۱۳۶۲- اجیر و مستأجر، لازم نیست که سؤال کنند مقلّدِ چه کسی هستند؛ و اجیر مطابق تقلید خودش، عمل می کند.(۱)

۱- آیهْ اللَّه بهجت: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهْ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط مراعات تقلید منوبٌ‌عنه را بنماید.

آیهْ اللَّه خویی: اگر اجیر بتواند اعمال را به‌نحوی انجام دهد که بداند مطابق تقلید منوبٌ‌عنه واقع می‌شود، و درصورتی که عمل طبق فتوای مقلَّد منوبٌ‌عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

ص: ۲۵۹

فصل چهارم: لقطه

کراهت برداشتن لقطه حرم

۶۷۴ ۱۳۶۳- اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط، (۱)در برنداشتن است. « (۲)

لقطه کمتر از درهم

۶۷۵ ۱۳۶۴- اگر لقطه حرم از یک درهم کمتر باشد، درصورت برداشتن، می‌تواند (۳)با قصد تملک، آن را مصرف کند و ضامن نیست؛ و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد، ضامن نیست؛ ولی اگر بدون تملک آن را نگاه داشت ولی کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است؛ (۴)و اگر قصد تملک کرد وصاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد، باید آن را- بنابر احتیاط واجب (۵)بهصاحبش رد کند.

لقطه بیشتر از درهم

۶۷۶ ۱۳۶۵- اگر لقطه‌ای را که در حرم برداشت، یک درهم یا بیشتر ارزش داشت،(۶) باید یک سال تعریف و ازصاحبش جستجو کند، اگر او را نیافت، بعد از یک‌سال، بین دو امر، (۷) مخیر است

۱- آیات عظام فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط باید عوضصاحبش به مؤمن فقیرصدقه بدهد و حق تملک ندارد.

۳- آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید از طرفصاحبشصدقه بدهد و هر وقتصاحبش پیدا شدچنانچه بهصدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد. توضیح المسائل، م ۲۵۷۴.

۴- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۵- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: باید بهصاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲،ص ۳۲۶

۶- آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّهصافی: به احتیاط واجب بایدصدقه بدهد.

۷- آیهٔ اللَّه خویی: بنا بر احتیاط باید عوضصاحبشصدقه بدهد و حق تملک ندارد. منهاج الصالحین، ج ۲،ص ۶۴۶

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که تصدق کند. توضیح المسائل، م ۲۵۷۷.

آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدنصاحبش نمی‌دهدصدقه بدهد.

ص: ۲۶۰

اول، حفظ برایصاحبش که در اینصورت، اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد، درصورت تلف، ضامن نیست؛

دوم،صـدقه دادن برایصاحبش؛ ولی اگرصاحبش پیـدا شد و راضـی بهصدقه نشد، باید عوضـش را به او بدهد (۱)و تملک آن جایز نیست؛ و اگر تملک کند، مالک نمی‌شود و ضامن است.

حکم پول پیدا شده

۶۷۷ ۱۳۶۶- اگر شخصـی در مکه یـا مـدینه پولی- اعم از پول ایرانی یـا غیر ایرانی- پیـدا کنـد، با یأس از پیـدا شـدنصاحبش- علی الأحوط «- (۲)از طرف او به فقیرصدقه بدهد.

۶۷۸ ۱۳۶۸- با فرض امکان، برداشتن سنگ و ریگ ازصفا و مروه جایز نیست (۳)ولی از مشعر مانع ندارد.

۶۷۹ ۱۳۶۹- آوردن خاک، ریگ و سـنگ از عرفات، مشـعرالحرام، منا،صفا، مروه یا منطقه حرم چه حکمی دارد؟ و چنانچه عمداً یا جهلًا آورده باشد، برگرداندن آن واجب است یا نه؟ (۴)

۱- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد. وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲،ص ۳۲۶.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲- برای به دست آوردن نظریه مراجع به ذیل مسأله ۱۳۶۳ الی ۱۳۶۵ مراجعه شود.

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیـهٔ اللَّه بهجت: برداشـتن خاک و سـنگ از مسـجدالحرام وصـفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید بر گرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست مناسک، س ۱۸۵.

آیهٔ اللَّه خویی: نظر ایشان راجع به برداشتن سنگ ازصفا و مروه به دست نیامد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: شکستن سنگ‌هایصفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی،: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی الأحوط. آراء المراجع،ص ۴۳۴.

۴- . آیـهٔاللَّه بهجت: برداشـتن آن با فرض امکان از مسـجدالحرام وصـفا و مروه جائز نیست و اگر آورده بایـد برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.[مناسک محشّی مسأله ۱۳۴۷]

آیـهٔ اللَّه تبریزی: برداشتن خاک و ریگ و سـنگ از آنچه نام برده شـده مانعی نـدارد بلی اگر در مسـجدالحرام و مسجد خیف و یا سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست.

آیـهٔ اللَّهصـافی: بنـابر احتیـاط از آوردن خـاک و ریـگ حرم خودداری شود واگر آورده، درصورت تمکن به حرم برگردانـد، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: ازصفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن‌دو مانعی ندارد. و در هرصورت برگرداندن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند.

آیهٔ اللَّه نوری: از عرفات و مشعر الحرام اشکال ندارد ولی ازصفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند.

ص : ۲۶۱

ص: ۲۶۲

فصل پنجم: احکام مسجد الحرام و مسجد النبی

عدم جواز عبور حائض و نفساء از مسجدین

۶۸۰ ۱۳۷۰- حایض و جنب نمی‌توانند از مسجدالحرام و مسجدالنبیصلی الله علیه و آله- ولو از مقدار توسعه یافته (۱)عبور کنند.

عدم جواز برداشتن قرآن از مسجدین

۶۸۱ ۱۳۷۱- برداشتن قرآن‌های مسجدین بدون اجازه از متصدی ذیربط، جایز نیست؛ و اگر کسی برداشته، باید برگرداند.

تیمم جنب برای خروج از مسجد

۶۸۲ ۱۳۷۲- اگر فرضاً کسی در مسجدین جنب شود، باید فوراً برای خروج از مسجد تیمم (۲)بدل از غسل جنابت کند و خارج شود؛ و با همین التفات، اگر تیمم کند،صحیح و با نیت است.

۲- چند قاعده و مسأله

شک در عمل سابق

۶۸۳ ۱۳۷۳- اگر در هر یک از اعمال عمره و حج، بعد از ورود به عمل بعد، شک کند، به شک اعتنا

۱- آیهٔ اللّه بهجت: احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط باید عبور ترک شود.

۲- آیات عظام خویی، فاضل: مگر این‌که زمان خروج کوتاهتر از زمان لازم برای تیمم و یا مساوی باشد که‌در اینصورت واجب نیست.

آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که زمان خروج کوتاهتر باشد از زمان تیمّم که باید بدون آن خارج شود یا مساوی باشد که مخیّر است.

آیهٔ اللّه تبریزی: نیت در تیمّم بدل از غسل جنابت، به جهت خروج از مسجد است.

آیهٔ اللّه مکارم: مگر این‌که زمان خروج کوتاهتر از زمان تیمم باشد.

ص: ۲۶۳

نکند؛ چه شک در اصل بجا آوردن باشد، یا شک درصحت آن.

اعتبار عسر و حرج شخصی

۶۸۴ ۱۳۷۴- اگر حکمی دائر مدار حرج و مشقت باشد، مراد حرج و مشقت شخصی است.

وسواس و احتیاط

۶۸۵ ۱۳۷۵- در اعمال حج و سایر اعمال، نباید به وسوسه اعتنا شود، ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد. (۱)

مس القاب معصومین بدون وضو

۶۸۶ ۱۳۷۶- مس القاب ائمه اطهار علیهم‌السلام- مثل «رضا»، «جواد» و «هادی»- بدون وضو، چه حکمی دارد؟ (۲)

کنسرو گوشت و ماهی خارجی

۶۸۷ ۱۳۷۸- کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند که از بلاد مسلمین است، مانع ندارد؛ (۳)و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود،

۱- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه فاضل: لیکن در طواف و سعی، تکرار در اعمال در برخی ازصور موجب بطلان است، اگرچه بدون وسوسه هم باشد.

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط اجتناب است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط جایز نیست، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّهصافی: حکم در حرمت مسّ اسامی طیّبه آن بزرگواران علیهم السلام بنابر احتیاط واجب است و در القاب شریفه نیز احوط و اولی‌است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: مس آنها بدون وضو مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: هر گاه به عنوان اسامی ائمه علیهم السلام بوده باشد احتیاط واجب آن است که بدون طهارت مس نکنند واگربه‌نام‌اشخاص دیگر بوده باشد، اشکالی ندارد.

آیهٔ اللَّه نوری: اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست و مستحبّ است که مسّ القاب ائمه اطهار علیهم السلام مطلقاً با وضوصورت بگیرد.

۳- آیهٔ اللَّه سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

آیـهٔ اللَّه فاضـل: چنـانچه احراز شـود از نـوع مـاهی فلس‌دار است و احراز شـود زنـده و توسـط انسـان از آب خـارج شـده یـا در تور ماهی‌گیری افتاده است مصـرف آن مانعی ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشـنده مسـلمان باشد واحتمال بدهندکه‌احراز تذکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می‌کند.

ص: ۲۶۴

درصورتی محکوم به حلیّت است که وارد کننده مسلمان باشد (۱)و احتمال بدهند که تذکیه آن را احراز کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است. (۲)

استلام حجرالاسود برای بانوان

۶۸۸ ۱۳۷۹- برخی از خانم‌ها هنگام استلام حجرالأسود، بدنشان با نامحرم تماس می‌گیرد و حتی گاهی چادر و روسریشان کنار رفته و موهایشان ظاهر می‌شود، لطفاً حکم شرعی را در این خصوص بیان فرمایید. (۳)

جواب سؤال

۶۸۹ ۱۳۸۰- عامه که مراجعه می‌کنند و تکلیف حج و عمره خودرا سؤال می‌کنند. (۴)

یادگیری احکام عمره و حج

۶۹۰ ۱۳۸۲- یادگیری و دانستن اعمال حج هر چند اجمالًا، قبل از سفر لازم نیست، و کافی است که عمره تمتّع و حج تمتع را به عنوان عبادتی که خداوند متعال بر او واجب کرده، نیت کند و کیفیت هر یک را، در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند؛ هرچند یاد گرفتن اعمال، بهتر و موافق احتیاط است.

والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله اجمعین

لاسیما بقیةالله فی الارضین

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس‌ازصید در تور ماهی گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود کهصید کافر به اینصورت بوده است اگر ماهی فلس‌دار باشد حلال است.

۲- آیهٔ اللَّه خویی: اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد، خوردن آن جایز نیست.

۳- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، گلپایگانی، سیستانی،صافی، فاضل و مکارم: در فرض سؤال باید خودداری نمایند.

۴- آیهٔ‌اللَّه سیستانی: طبق مذهب سائل و می‌تواند در کنار آن طبق خاصه هم حکم را بیان کند. بلی، اگر ظاهر سؤال او این نباشد که جواب را طبق مذهب خود می‌خواهد، می‌تواند به جواب خاصه اکتفا نمود.

آیهٔ‌اللَّه بهجت: طبق خاصه.

آیهٔ‌اللَّه‌تبریزی: اگر بر طبق مذهب عامه جواب داده شود مانعی ندارد و بر طبق فقه خاصه هم می‌توان جواب داد.

آیهٔ‌اللَّه‌صافی: ظاهراً بر طبق نظر خاصه بگوید هم مجزی باشد.

آیهٔ‌اللَّه فاضل: چنانچه به طور مطلق سؤال کند بر وفق مذهب خاصه جواب داده شود اما اگر از مذهب عامه سؤال کردند بر طبق عامه جواب داده شود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰-۰۱۸۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹